A portrait of Ayatollah Seyed Ali Khamenei, the Supreme Leader of Iran. He is shown from the chest up, wearing a black turban and glasses, with a white beard. He is looking slightly to the left of the frame. The background is a light green wall with a decorative floral pattern in the top left corner.

متن پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت درگذشت علامه عسکری

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت محقق و نویسنده عالیقدر مرحوم آیت الله آقای حاج سید مرتضی عسکری رحمه الله علیه را به علما اعلام و حوزه های علمیه و شاگردان و ارادتمندان و به طور ویژه به خاندان مکرم و فرزندان محترم ایشان تسلیت می گویم. این عالم بزرگوار و سختکوش دهها سال از عمر با برکت خود را در راه پژوهش در کلام و تاریخ و حدیث صرف کرد و محصول مبارک آن تألیفات و مقالاتی است که در گستره جهان اسلام با استقبال و تحسین روبرو شد و در ترویج مکتب اهل بیت علیهم السلام موفقیت های ارزشمندی به دست آورده است.

رحمت خدا بر آن دانشمند بلند همت و پر تلاش و خستگی ناپذیر.

والسلام علیه و رحمه الله

سید علی خامنه ای

۲۷ شهریور ماه ۱۳۸۶

مدیر مسئول:

سید مهدی تقوی

سر دبیر:

حبیب الله ترکاشوند

دبیر تحریریه:

محمد پارسائیان

مشاور علمی:

غلامرضا حسین پور

دبیر اجرایی:

مریم رجبی

صفحه آرایی و گرافیک:

امیر شهبازی

ویراستار:

معصومه کلانکی

اعضای تحریریه:

جواد بیگی

سجاد اسکندری، محسن

دیناروند، زینب فروزنده

سید حسین امامی

عکاسان:

محمد نمازی

نقی خوش خلق، محمد نجفی

حسن آقا محمدی سجاد خطابی



۳-۲۴

## سیره علمی

شناخت افعال معصومین (ع) در کنار اقوال آنان / حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی جاویدان  
موشکافی کم نظیر در حدیث شناسی / مهدی محقق  
تبیین معنای صحیح «إقراء» / سید کاظم عسکری  
اثر گذاری توأمان در فریقین / حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی رضایی اصفهانی  
ارائه الگوی صحیح مناظره / مصطفی عباسی مقدم  
اثبات خیالی بودن «عبدالله بن سبا» / حجت الاسلام والمسلمین علی محمودی  
بازخوانی ریشه های حادثه سقیفه / محمد دزفولی  
تبیین معارف دینی از توحید تا اخلاق / عباس تقویان

۲۵-۴۷

## نوآوری های پژوهشی

جمع میان روشهای سنتی و مدرن / حجت الاسلام والمسلمین سید محمد قائم مقامی  
پژوهش های تطبیقی / مجید معارف  
نظریه وحی بیانی / حجت الاسلام والمسلمین سید محمود طیب حسینی  
قرائتی دیگر از وقایع تاریخی / حجت الاسلام والمسلمین علی اسلامی  
مستندسازی باورهای کلامی / حجت الاسلام والمسلمین رمضان محمدی  
پی ریزی مباحث صحابه نگاری / حجت الاسلام والمسلمین محمد رضا هدایت پناه  
ایجاد موجی جدید در حدیث شناسی / احمد ترجمان

۴۸-۶۴

## فعالیت های اجتماعی

احیای حوزه های علمی در کشورهای اسلامی / آیت الله احمدی فقیه  
تأسیس حزب الدعوة در عراق / حسین شریف عسکری  
پاسخ به نیازهای روز جامعه / حجت الاسلام والمسلمین محمدصادق یوسفی مقدم  
راه اندازی دانشکده اصول الدین / حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم سیدعلوی  
تشکیل صندوق خیریه / محمدعلی آذر شب  
مناظره با علمای ادیان دیگر / اراضیه محمدزاده

۶۵-۷۸

## تلاش های تقریبی

جدال احسن / حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم بی آزار شیرازی  
ادب نقادی / حجت الاسلام والمسلمین علی نصیری  
اجتناب از افراط و تفریط / حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی حسین زاده  
تمسک به اصول مشترک فریقین / حجت الاسلام والمسلمین ابراهیم یعقوبیان  
روشنگری مستدل و به دور از تعصب / حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی تجری  
ترسیم الگوی گفتمان اسلامی / احمدعلی افتخاری

این شماره از رایحه با حمایت و مشارکت  
شهرداری تهران (شورای عالی قرآن)  
تهیه و تدوین شده است.

چاپ و صحافی: چاپخانه همشهری

نشانی نشریه:

تهران، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵  
خیبرگزار، قرآنی ایران (ایکنا)

پست الکترونیک نشریه:

Rayehe@iqna.ir

تلفن: ۰۲۱۲-۶۶۴۷۰۲۱-۹۸+

## سخن نخست

### نماد روشنگری و گفتمان اصیل اسلامی

علامه عسکری فقیهی پژوهشگر، متکلمی روزآمد و تاریخ‌دانی تحلیل‌گر در عصر حاضر بود که هر یک از ابعاد برجسته علمی و معنوی ایشان می‌تواند قله‌های افتخار را برای جامعه اسلامی ترسیم کند و چون الگو و اسوه‌ای درس آموز برای نسل امروز معرفی شود.

شاید بارزترین جنبه شخصیت علامه عسکری خصوصاً در مجامع بین‌المللی، نگاه احیاگرانه و تقریبی ایشان در گستره امت اسلام بود. علامه از نامورترین منادیان وحدت در جهان اسلام بود که در همین راستا مسافرت‌های فراوانی نیز به کشورهای مختلف داشت. وی در پرتو نگاه تاریخی، کلامی و فقهی خود به تنویر افکار عمومی و شفاف‌سازی بین اهل سنت و تشیع پرداخت و افزون بر تثبیت مبانی فکری شیعه، فضایی سالم به‌منظور ایجاد وحدت اسلامی فراهم کرد. علامه در مسیر تقریب از آسیب افراط و تفریط برحذر بود و در عین اتخاذ رویکرد تقریبی همیشه بر محور قرآن و اهل بیت(ع) حرکت کرد.

تلاش برای مرزبانی از مکتب اهل بیت(ع) و گسترش اندیشه‌های ناب شیعی همراه با رویکرد تقریبی و وحدت‌گرایانه از عجائب روحی علامه عسکری بود. استخراج منش ایشان در مباحثه و گفت‌وگو نیز می‌تواند الهام‌بخش الگوی مناظره نوین باشد. علامه با بهره‌گیری از شیوه تاریخ‌نگاری تبیینی - تحلیلی، مباحث کلامی را به چالش می‌کشید و پس از تبیین تعالیم هر دو مکتب و مقایسه آنها، قضاوت را به خواننده وا می‌گذاشت؛ ایشان با نگاه کاملاً تلفیقی به تاریخ و کلام الگوی صحیح تعامل و گفتمان اسلامی را ترسیم کرد.

بعد دیگر شخصیت علمی علامه عسکری ابتکار و نوآوری و مقابله با ایستایی علمی بود و همین مسئله موجب شد تا ایشان با نگاهی روزآمد، نوآوری‌های فراوانی در مسائل علمی و تاریخی داشته باشد. ایشان در شرایطی دست به تحقیق زد که گفتمان اسلامی، متناسب با شرایط و اقتضائات زمان نبود و نمی‌توانست پاسخ‌گوی شبهات روز و پرسش‌های علمی دقیق باشد.

علامه عسکری در عین نوگرایی، گفتمانی اصیل، اسلامی و فقیهانه در حوزه و دانشگاه را طرح کرد و با به‌کارگیری سبک تحقیقی مورد قبول خاورشناسان و متدلوژی دانشگاهی، آثار علمی ارزشمندی نگاشت که به تمام محافل دانشگاهی راه یافت. ایشان همچنین معتقد به اصلاح ساختار مطالعاتی و نظام درسی در حوزه‌های علمیه و تألیف کتب جدید بود؛ به گونه‌ای که در عین تحفظ بنیادهای اصلی حوزه و فقه جواهری، بتواند خود را با نیازهای روز جامعه و مقتضیات دنیای معاصر هماهنگ کند.

علامه عسکری در زمینه علوم قرآنی نیز نوآوری‌های بسیاری از جمله نظریه وحی بیانی و وحی قرآن را در آثار خود طرح کرد. وی با دید عبرت‌آموز به مفاهیم و داستان‌های قرآنی می‌نگریست و سعی داشت بر آیاتی تکیه کند که موجب تغییر و ایجاد تحول معنوی در انسان و جامعه شود؛ نگاه ایشان به روایات نیز جامع‌گرا و نظام‌مند بود و توجه ویژه‌ای به تطور روایات تاریخی در طول زمان داشتند. علامه با برخورداری از حافظه قوی و قوت تحلیل بالا اکثر روایات در میان اهل سنت و شیعه را مطالعه کرده بود و تلاش می‌کرد تا میان تمام روایات رویه واحد و انسجام معنایی ایجاد کند.

علامه عسکری به‌راستی مرد علم و عمل بود؛ وی به نظریه‌پردازی کفایت نمی‌کرد و با تلاش‌های علمی و پژوهش‌های بی‌بدیل خود موج جدید در تحقیقات قرآنی و روایی و تاریخی ایجاد کرد و با آثار خود ژرفای معارف دینی از توحید تا اخلاق را تبیین کرد. علامه در بدیع‌ترین و ارزنده‌ترین گونه وقف، خود را وقف مکتب اهل بیت(ع) کرد و تلاش داشت تا با نظم و برنامه‌ریزی از کوچک‌ترین لحظات خود در روشنگری جامعه بهره برد.

در این شماره از نشریه «رایحه» تلاش شده است تا ابعاد شخصیت علامه عسکری در موضوعات «سیره علمی، نوآوری‌های پژوهشی، فعالیت‌های اجتماعی و تلاش‌های تقریبی» تبیین گردد تا الگو و اسوه‌ای درس آموز برای دانشجویان، طلاب و اقشار فرهیخته کشور باشد.

محمد پارسائیان

دبیر تحریریه خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)



فصل اول  
سیره علمی



# شناخت افعال معصومین (ع) در کنار اقوال آنان



■ علامه عسکری برخلاف دیدگاه رایج که تنها به اقوال معصومین (ع) می‌پرداختند، به دنبال شناخت رفتار و اعمال آنان نیز بود؛ چرا که سنت، مجموعه افعال، اقوال و تقریرات معصومین (ع) است.

بگذاریم که محل اختلاف نیست و مباحث را از بعد از پیامبر خدا (ص) آغاز کنیم که محل اختلاف است. همین‌طور که ایشان اسناد و مدارک زندگی‌نامه پیامبر خدا (ص) را مطالعه می‌کردند، به مشکلات عمیقی برخوردند و با خود اندیشیدند که تا مشکلات این بخش را حل نکنند، نمی‌توانند به رفتار و اعمال و کردار پیامبر اکرم (ص) استناد کنند. وی در ادامه گفت: از آن روز برای بالایش آن چه که در روایات و تفاسیر و تاریخ در مورد پیامبر اسلام (ص) و دیگر بزرگان آمده است، به حرکت افتادند و تمام عمرشان را روی همین مسئله گذاشتند لذا روش ایشان روش دیگری در مقابل آن روش معمول است که اگر حدیثی را ببینیم و اشکالی در آن به نظرمان برسد، به قرآن ارجاع می‌دهیم. این استاد حوزه علمیه در رابطه با ویژگی‌های آثار مرحوم علامه عسکری و بهترین اثر ایشان گفت: از همان روزی که ایشان به بالایش سنت پرداختند،

را در اقوالشان نیابیم؛ به‌عنوان مثال باید در ادوار حکومت رسول خدا (ص) و حضرت امیر (ع) ببینیم که آن بزرگان چه کارهایی انجام داده‌اند که آن‌ها را به زبان نیآورده‌اند؛ پس اعمال و رفتار صاحبان عصمت؛ یعنی رسول خدا (ص) و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) سند بسیار مهمی برای دین ما در همه زمینه‌هاست، اما از آن‌ها در اسناد و مدارک کمتر نشان داریم. در باب همین امور بود که علامه عسکری به فکر افتادند که «مستدرک الوسائل» دیگری بنویسند تا در آن مستدرک، سیره عملی صاحبان عصمت (ع) را بیاورند؛ لذا شروع به مطالعه اسناد و مدارک تاریخ اسلام کردند. حجت‌الاسلام جاودان تأکید کرد: مرحوم علامه عسکری گفتند: فکر کردم که در مبحث مربوط به رسول خدا (ص) در بین فرقه‌های مختلف اسلامی تفاوتی نیست و همه مسلمین، ایشان و کارهایشان را قبول دارند؛ پس ما باید این را کنار

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی جاودان، محقق و از اساتید حوزه علمیه، درباره روش و اسلوب خاص علامه عسکری در فهم آیات قرآن، اظهار کرد: طرح مرحوم علامه عسکری در این باب اصولاً طرح دیگری بود، علامه می‌گفت: «آن سال‌هایی که مشغول خواندن فقه استدلالی بودند و ناگزیر باید «وسائل الشیعه» را مطالعه می‌کردند، هر چه از روایات که می‌خواندند، «قال رسول الله (ص)»، «قال امیر المؤمنین (ع)»، «قال الصادق (ع)» و غیره بود؛ لذا این فکر در ذهن ایشان پیدا شد که پس رفتار و اعمال ائمه (ع) را از کجا ببینیم؟ مگر ما سنت را مجموعه افعال، اقوال و تقریرات نمی‌دانیم؟ وقتی تعریف ما از سنت این است، پس چرا سراغ اعمال و رفتار ائمه (ع) که مثل اقوالشان حجت است، نرفتیم؟ بین خدا و ما، امام (ع) حجت است؛ یعنی گفتار و رفتار و تقریرات او حجت است. وی ادامه داد: اعمال ائمه (ع) برای فهم پاره‌ای از گفتارهای آن‌ها بسیار کمک می‌کند، همین‌طور که گفتارهای آن بزرگواران در فهم اعمالشان بسیار کمک می‌کند؛ یعنی حقایقی در اعمالشان وجود دارد که ممکن است آن‌ها

متوجه شدند که دروغ بردازی علیه پیامبر اسلام (ص) از همان زمان حیات ایشان آغاز شد؛ پس سنت را محل دشمنی دشمنان ما دیدند که باید به پالایش آن پرداخت.

وی اظهار کرد: مرحوم علامه می‌گفتند: وقتی شروع به مطالعه این بخش، به‌عنوان مثال تاریخ طبری کردم، دیدم مجموعه‌ای به نظرم دروغ است. بعدی دروغ و بعد از آن هم دروغ و دروغ... دیدم یک اسم در سلسله این اسناد و روایات دروغ (دروغ بردازی‌ها) تکرار می‌شود. نام او را در شرح احوال و رجال دنبال کردم، دیدم که نه تنها یک نفر از رجالین هم از او تمجید نکرده، بلکه او را متهم به زندقه بودن و کذاب بودن معرفی و از او به بدی یاد می‌کنند. ریشه دروغ را یافتیم و از مجموعه این کار کتاب «عبدالله بن سبا» بیرون آمد، که تا به امروز، به استحکام این کتاب خلی وارد نیامده است.

وی تصریح کرد: شاید این کتاب نیاز به تکمیل داشته باشد، اما آنقدر محکم، مستدل و مستند نگاشته شده که هنوز دست نخورده است. ایشان این کتاب را به ایران آوردند و آن را به چاپخانه مجلس آن روز دادند. وقتی چاپ شد، دیدند غلط‌های چاپی فراوانی دارد. در عراق هم کتاب «عبدالله بن سبا» را چاپ کردند که دیدند آن هم بسیار مغلوط است. اما کتاب منتشر شده بود؛ بنابراین عده‌ای را فرستادند که آن‌ها را از بازار جمع کنند و بعد تصحیح‌شان کردند و یکی یکی برای افراد نام‌آور و اهل تحقیق فرستادند.

حجت‌الاسلام جاودان ادامه داد: مرحوم عسکری می‌گفتند: «در آن روزگار که به ملاقات «شیخ راضی آل یاسین»، صاحب کتاب معروف «صلح‌الحسن (ع)» و از علمای بزرگ عراق رفتم، ایشان به من گفت: تو این ننگ را از جبین شیعه پاک کردی. هزار سال است که می‌گویند یک یهودی شیعه را ساخت و این یهودی «عبدالله بن سبا» است و بعد معلوم شد که جعلی بوده و این آدم اصلاً وجود نداشته و در تاریخ هم نشانه‌ای ندارد.»

وی درباره امتیاز کتاب «عبدالله بن سبا»

اثر برجسته علامه عسکری افزود: وقتی این کتاب به دست محققان رسید، برای آن ارزش بسیاری قائل شدند. کتاب به مصر و سایر کشورها هم رفت. نشانه ارزشمند بودن کتاب «عبدالله بن سبا» نوشته شدن دو نقد در مجله «الزهر» بود. ایشان بعد از نگاشتن این کتاب نام و نشانی یافتند. به ایران که آمدند، مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی ایشان را به خاطر نگاشتن این کتاب شناخت و از ایشان تجلیل کرد. مرحوم علامه عسکری این راه را ادامه دادند و کتاب «۱۵۰ صحابه دروغین» را نگاشتند. البته کتاب اخیر مهم‌تر است؛ چرا که صحابه نزد اهل سنت مقامی شبیه به عصمت دارند و پژوهش در ساختگی بودن بعضی از آن‌ها پژوهش بسیار مهمی است.

حجت‌الاسلام جاودان در پاسخ به این سؤال که علت هجرت مرحوم علامه عسکری از قم به نجف چه بود، گفت: ایشان ۱۷ سالشان بود که به قم آمدند. آن وقت اواسط سطوح بوده‌اند که رسائل و مکاسب و بخشی از کفایه را خوانده بودند و احساس کردند که درس‌های رایج حوزه‌های ما برای آن روزگار با آن حجم عظیمی که روشنفکران آن روز علیه فرهنگ دینی وارد کرده بودند، کافی نیست و ما احتیاج به حرف‌های تازه داریم.

وی افزود: نظر علامه عسکری این بود که ما باید بتوانیم به زبان عربی بنویسیم و سخنرانی کنیم. ما باید قرآن و تفسیر قرآن را بشناسیم. ما باید نویسندگی بدانیم. بنابراین فقه و اصول، به تنهایی برای رفع احتیاجات آینده ما کافی نیست. باید به تفسیر قرآن پردازییم و اصول عقاید ادیان و مذاهب دیگر را بشناسیم.

این استاد حوزه علمیه با اشاره به این که ما امروز به حرف‌های آن روز علامه عسکری رسیده‌ایم، اظهار کرد: به‌عنوان مثال مفسر بزرگی مثل آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی بیست و چند سال است که تفسیر می‌گویند. زمانی که مرحوم علامه طباطبایی به قم آمدند، تا دو سال فقه و اصول می‌گفتند و بعد دیدند که فقه و اصول به اندازه

کافی در حوزه‌ها برقرار است، اما کسی تفسیر قرآن نمی‌گوید.

وی ادامه داد: مرحوم علامه عسکری ۱۷ سالشان بود که با ۱۰ نفر هم‌فکر، که یکی از آن‌ها مرحوم طالقانی بود، درس تفسیرشان را جایی می‌گفتند که طلبه‌ها ببینند و در حوزه دیده شود. طلبه‌ها باور نداشتند که قرآن جزء دروس است. برای اولین بار این امر اتفاق می‌افتاد. مدیریت حوزه آن روز؛ یعنی مرحوم آیت‌الله حائری یزدی مدیریت بسیار قابل بود، اما این راه را درست ندانست و با آن برخورد کرد.

وی تصریح کرد: علامه عسکری می‌گفت: ما که به شهریه نیاز نداشتیم با ما نمی‌توانستند کاری کنند، اما با اساتید ما برخورد کردند که اساتید ما کنار کشیدند. ایشان گفتند که من خیلی دلگیر شدم و همه چیز را رها کردم و به سامرا رفتم. آن‌جا مدرسه آباد و خوبی به نام مدرسه «میرزای شیرازی» بود که ادامه تحصیلاتم را در آنجا طی کردم.

حجت‌الاسلام جاودان در پاسخ به این پرسش که آیا علامه عسکری مناظراتی هم با علمای اهل سنت، مانند «بن‌باز» داشته است؟ گفت: علامه عسکری که با مجموعه‌ای از علمای عراق به حج رفته بودند، با علمای حجاز در «جامعه‌الاسلامیه» — که مرکز تربیت علمای سلفی است و امروز فارغ‌التحصیلان بسیاری را به تمام نقاط عالم می‌فرستد که سلفی‌گری را اشاعه دهند و معرفی کنند — برخورد کردند. بنیان‌گذار این دانشگاه هم «بن‌باز»، مفتی اعظم عربستان بوده است که علامه عسکری برای گفت‌وگو با علمای آن‌ها به آن‌جا رفته بودند. ایشان بحثی را در حضور «بن‌باز» طرح کردند، بر این مبنا که ما در دست دشمن استعمارگر در خاورمیانه و دیگر اطراف و اکناف عالم گرفتار آمده‌ایم و نیاز به وحدت در میان مسلمین داریم. وقتی صحبت علامه تمام شد، «بن‌باز» شروع به صحبت کرد و گفت: شما اول مسلمان شوید و دست از شرکتان بردارید، آن وقت از دیگران بخواهید با شما متحد شوند.

وی ادامه داد: این سخن «بن‌باز» علامه را به شدت ناراحت کرد؛ لذا شروع کردند به فریاد زدن و مدتی با فریاد، دلایل اصالت و صحت خود را گفتند و پی‌درپی آیه و روایت می‌خواندند. آنقدر تند برخورد کردند که دوستان همراه ایشان گفتند که تو داشتی برای ما خطر جانی می‌آفریدی. این استاد حوزه علمیه در ادامه با اشاره به دیگر مناظرات مرحوم علامه عسکری، افزود: یک روز در شهر مدینه اطلاعیه‌ای زده بودند که قرار است رئیس «جماعه‌العلماء المسلمین» شبه قاره هند

سخنرانی کند. زمینه بحث هم عوامل انحطاط مسلمین بود که مرحوم عسکری هم با همراهان و دوستان خود به محل سخنرانی رفتند. رئیس «جماعه علماء المسلمین» شروع به صحبت کرد و دلالتی را برای عوامل انحطاط مسلمین آورد. سخنرانی اش که تمام شد، همراهان علامه که لباس عربی به تن کرده بودند، گفتند که یکی از علمای بغداد در این جا حضور دارد و می خواهد تعلیقه‌ای بر کلام استاد بزند و آن‌ها هم فکر کردند که ایشان هم از برادران اهل سنت هستند. وی اظهار کرد: به هر حال علامه پشت تریبون رفت و از سخنران تجلیل کرد و گفت که کتاب‌های ایشان را خوانده است و فکر می کند که نظرات ایشان عوض شده است، چون نظراتی که از گذشته در کتاب‌های ایشان دیده است، مسائلی اند که امروز خلاف آن‌ها را می گویند. علامه گفت: اگر اجازه دهید، من می گویم که عوامل انحطاط مسلمین چیست؟

حجت الاسلام جاودان ادامه داد: علامه در باب عوامل انحطاط به سه مورد اشاره کرد و تصریح کرد که ما احتیاج به ایمانی مانند ایمان «عمار»، «سمیه»، «بوذر» و «مقداد» داریم. وقتی شرح احوال آن‌ها را می گفت، حال علامه دگرگون شد و با شور و حرارت زایدالوصفی این بحث را ادامه داد تا این که مجلس یک پارچه مجلس گریه و زاری شد (با این که در کشورهای اهل سنت گریه کردن رسم نیست).

این استاد حوزه علمیه در ادامه افزود: وقتی سخنان علامه تمام شد، یکی دست او را می بوسید، یکی شانه اش را، یکی دست به عبايش می کشید، یکی صورتش را می بوسید. علامه بعد از سخنرانی هم کنار رئیس «جماعه علماء المسلمین» هند نشست و بحثش را با او ادامه داد و من امیدوار بودم که اگر بحثش ادامه پیدا کند، به نتایجی می رسد و رئیس جماعت علمای مسلمین هند تغییر زندگی می دهد که متأسفانه با خروج کاروان عراق مصادف شد و ایشان هم مجبور شد به عراق برگردد.

وی درباره مناظرات علامه با علمای دیگر ادیان و مذاهب افزود: علامه عسکری در عراق هم با علمای بزرگ مسیحی و سنی به بحث پرداختند که البته عمده مناظراتی که از ایشان می دانیم، در ایران با بزرگان بلاد مختلف جهان اتفاق افتاده است که پاره‌ای از بزرگان هم در این مناظرات به طور جدی تغییر روش دادند.

حجت الاسلام جاودان در پاسخ به این سؤال که علت مخالفت علامه عسکری با فلسفه چه بود؟ گفت: البته آن زمانی که ایشان علیه فلسفه سخن می گفتند، هم از دیدگاه خاصی مطالبشان

را بیان می کردند و هم در آن زمان خیلی سر حال و جوان بودند. اصولاً از نظر اوضاع اجتماعی آن روزگار می شد این گونه سخن گفت؛ به عنوان مثال عده‌ای می گفتند چه احتیاجی به اقتصاد سرمایه‌داری و کمونیستی داریم. مرحوم علامه عسکری می گفت که چطور در مسئله اقتصاد، به راحتی می گویند که نیازی به اقتصاد دیگران نداریم و این که می گویند ربا حرام است، یک نظریه اقتصادی است، اما بسندگی به آن چه که در کتاب و سنت است را قبول ندارید؟

وی با اشاره به اینکه به زعم علامه عسکری آن چه در کتاب و سنت آمده است، برای بیان عقاید ما کافی است، گفت: این سخن بسیار خوبی است و آن چه که در کتاب و سنت آمده است، برای توضیح، تبیین و دفاع از اصول عقاید کافی است؛ چرا که خدای متعال در قرآن و رسول خدا(ص) و ائمه هدی(ع) در سنت و سیره خاصشان به قدر کفایت در این موارد فرمایش داشته‌اند و به همین دلیل، احتیاج به مسائلی بیرون از دین نداریم.

وی ادامه داد: اصل این سخن علامه عسکری تمام و کامل است اما ضعف ما این است که در زمینه کتاب و سنت کار نکرده‌ایم. ما قرآن را داریم که با حدیث قابل مقایسه نیست. ما از نظر قرآن و حدیث به اندازه کافی مطلب داریم که متأسفانه در باب آن‌ها زیاد کار نشده است. اینجا ما با کم کاری جدی‌ای روبه‌رو هستیم. و تأکید علامه عسکری بر روی این مسئله بود.

حجت الاسلام جاودان در باب اهمیت کتاب «نقش عایشه در اسلام» اثر مرحوم علامه عسکری گفت: علامه برای رفع مشکلات سنت و دریافتن سنت صحیح، کتاب‌های «عبدالله بن سبا» و «۱۵۰ صحابه ساختگی» را نگاشتند، اما راه‌های دیگری هم در دستیابی به سنت صحیح داریم. مرحوم عسکری می گفتند: «صحابی‌ای را در نظر گرفتم که احادیث بسیاری را از رسول خدا(ص) نقل کرده‌اند. برای هر کدام پوشه‌ای را در نظر گرفتم که شامل «ابوهریره»، «عایشه» و ...

می شد. «سیدشرف‌الدین عاملی» در باب ابوهریره کتاب بسیار خوبی نوشت که به زبان عربی از نظر زیبایی قلم و تحقیق، قطعه ادبی و علمی بسیار مهم است؛ لذا دیدم در مورد ابوهریره دیگر نیازی به نوشتن کتاب نیست».

وی در ادامه افزود: از آن پوشه‌ها جریان عایشه ماند که علامه عسکری به تحقیق در باب عایشه همت گماشتند و در جلد اول کتاب خود با عنوان «نقش عایشه در اسلام»، به بررسی شرح احوال او پرداختند. این جلد اول سال‌های دراز نشر شده بود که متأسفانه یک نویسنده توده‌ای هم این کتاب را در مجله «راهنمای کتاب» آن روز معرفی کرد و با وجه بسیار بدی از رسول خدا(ص) تعبیر کرد که مرحوم استاد مطهری مقاله مفصلی را در شماره بعد نوشت و به آن پاسخ داد.

حجت الاسلام جاودان درباره واکنش علامه عسکری نسبت به این مقاله اظهار کرد: علامه هم که دیدند از این کتاب مفصل تنها پاره‌ای از آن گرفته شده و با سوء استفاده از آن می خواهند مطالبی علیه بزرگان بنویسند، انتشار جلد دوم را مصلحت ندانستند. ایشان در آن کتاب کلمه‌ای از شیعه نیاورده‌اند و همه منابع آن از تواریخ درجه اول اهل سنت است که وقایع را در کنار هم به صورت منظم و تاریخی چیده‌اند.

وی در پایان در مورد کتاب «نقش ائمه در احیای دین» مرحوم علامه عسکری تصریح کرد: این کتاب برای فارسی‌زبانان است که اصولاً برگرفته از درس‌های شب‌های شنبه ایشان بوده که در مسجد می گفتند. مباحثشان در این درس‌ها تحت این سؤال‌ها بوده که: اولاً، اسلام چیست؟ یا چه بوده است؟ ثانیاً، اسلام چه شده است؟ و ثالثاً، اکنون چه باید کرد؟ که در آن مطالب به بحث نوینی از امامت می‌رسند و راه و رسم تازه‌ای را بر اثبات امامتی که شیعه می‌گویند و بدون آن اسلام نمی‌تواند باشد، اقامه می‌کنند.

# حدیث‌شناسی کم‌نظیر

■ علامه عسکری احادیث را از نظر درایة‌الحدیث و روایة‌الحدیث مورد بررسی قرار می‌داد، وی در شیوه‌های حدیث‌شناسی تبحر خاصی داشت و بر این شیوه‌ها مسلط بود و آثارش برترین سند برای اثبات این مدعاست.

مهدی محقق، بنیانگذار دائرةالمعارف تشیع، درباره شخصیت علامه عسکری اظهار کرد: مرحوم علامه سیدمرتضی عسکری از چهره‌های درخشان روحانیت، به‌ویژه در زمینه تحقیق و پژوهش درباره احادیث بود. وی احادیث را با روش دانشمندان گذشته و بر اساس روایة‌الحدیث و درایة‌الحدیث نقادی می‌کرد.

وی در تشریح شیوه حدیث‌شناسی علامه عسکری تصریح کرد: علامه احادیث را از نظر درایة‌الحدیث و روایة‌الحدیث مورد بررسی قرار می‌داد؛ به عنوان مثال وقتی در حدیثی می‌دید کلماتی وجود دارد که بیان آن کلمات در زمان نقل آن حدیث معمول نبوده یا محتوای یک حدیث شامل وقایعی بوده است که مطابق واقعیت آن زمان نیست؛ بنابراین در آن صحت حدیث شک می‌کرد که این نوع نقادی ایشان، از منظر درایة‌الحدیث است.

بنیانگذار دائرةالمعارف تشیع در ادامه به بررسی شیوه دیگر حدیث‌شناسی علامه عسکری پرداخت و عنوان کرد: روش نقادی از نظر روایة‌الحدیث هم این‌گونه بود که اگر در سلسله روایان یک حدیث، افراد مشکوک باشد، آن حدیث اعتبار ندارد و علامه عسکری از این جهت نیز احادیث را بررسی می‌کرد و اگر در حدیثی با این مشکل روبه‌رو می‌شد، آن را صحیح نمی‌دانست؛ به این علت که به‌عنوان مثال اگر حدیثی به وسیله ده نفر نقل شود و ۹ نفر از آنان راستگو، صادق و پاک باشند و فقط یک نفرشان شهرت به کذب و دروغ‌گویی داشته باشد، آن حدیث تابع آن یک نفر می‌شود و نه سایر روایان؛ لذا این‌گونه احادیث که با این مشکل مواجهند، ارزش خود را از دست می‌دهند.

رئیس سابق انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ادامه داد: در قیاس، دو مقدمه می‌آورند که از آن دو مقدمه به یک نتیجه می‌رسند؛ به عنوان مثال گفته می‌شود «عالم متغیر است» و «هر متغیری فناپذیر است»؛ لذا نتیجه این دو مقدمه این است که «عالم نیز فناپذیر است». اهل منطق بر این باورند که نتیجه، تابع اخس مقدمتین است و تابع اشرف مقدمتین نیست؛ یعنی اینکه اگر از این دو مقدمه یکی موجب و دیگری سالبه باشد نتیجه آن سالبه می‌شود. در مورد حدیث نیز همین‌گونه است؛ یعنی اگر در سلسله روایان حدیثی ۹ راوی صادق باشند و یک راوی مشکوک حضور داشته باشد، آن حدیث مورد شک واقع می‌شود.

محقق در ادامه افزود: در حقیقت این روش برای اینکه بتواند احادیث صحیح را از احادیث ضعیف جدا کند، به علت حساسیت خاص خود، یک تبحر ویژه‌ای می‌طلبد. مرحوم علامه عسکری داری این تبحر خاص بود و بر این شیوه‌ها تسلط داشت.

وی با اشاره به آثار تألیفی علامه عسکری گفت: کتاب‌های ایشان سندی برای تبحر و تسلط ایشان بر حدیث‌شناسی است؛ به عنوان نمونه ایشان کشف کرده بود که ۱۵۰ صحابی هویتشان به وسیله دشمنان اسلام جعل شده و اساساً وجود خارجی نداشته‌اند. در مورد مکان‌ها هم همین‌طور است؛ مکان‌هایی را در برخی احادیث کشف کرده بود که وجود خارجی ندارند.

استاد سابق زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران اضافه کرد: این دقت و موشکافی علامه عسکری در حدیث‌شناسی کم‌نظیر است و مانند ایشان در قرون معاصر، فقط افراد کمی نظیر علامه امینی و شیخ آقابرگ تهرانی هستند.

عضو سابق هیئت امنای بنیاد دائرةالمعارف اسلامی بر تسلط علامه عسکری بر ادبیات عرب

تأکید و خاطر نشان کرد: اگر ادبیات را به عنوان اعم در نظر بگیریم، علامه به علت اینکه تسلط کامل به زبان و ادبیات عرب داشت، یک ادیب بود. ایشان با توجه به اینکه زبان مادری‌شان عربی نبوده، توانسته است به صورت روان و سلیس کتاب‌های زیادی را به زبان عربی بنویسد و این خود نشان دهنده ادیب بودن ایشان و تسلط وی بر زبان و ادبیات عرب است.

بنیانگذار دائرةالمعارف تشیع به برگزاری کنگره علامه عسکری اشاره و تأکید کرد: برای معرفی دانشمندانی نظیر علامه عسکری نیازی به برگزاری همایش نیست و اینان آثاری دارند که جاودان هستند و این آثار بهترین معرف این بزرگان است. بنابراین، برگزاری کنگره علامه عسکری در حقیقت فرصت مناسبی برای معرفی فعالیت‌های علمی و قرآنی ایشان است.

محقق درباره استفاده نسل جوان از این کنگره عنوان کرد: اینکه کنگره‌هایی نظیر کنگره علامه عسکری برگزار می‌شود، برای این است که نسل جوان با سیرت علمی و عملی ایشان آشنا شوند تا بتوانند همان راه و روش علامه را بشناسند و دنبال کنند و به همین منظور این کنگره‌ها و نظیر آن باید بیشتر مورد استفاده نسل جوان قرار بگیرد.

وی در پایان سخنان خود به خلق و خوی عالمان حقیقی اشاره کرد و بیان کرد: این مسئله از خلق و خوی عالمان حقیقی است که به دنبال شهرت و جاه‌طلبی نیستند و به طور کلی علمای واقعی همیشه سعی می‌کنند که خود را از شهرت دور بدارند و ضرب‌المثلی هست که می‌گوید: «صاحبان فضل و دانش در وطن خودشان غریب‌اند»؛ لذا علمایی نظیر علامه عسکری در وهله اول احساس نیاز به شهرت نمی‌کنند و در ثانی تلاششان این است که از این‌گونه مسائل خودداری کنند.



# علامه از واژه سنت استفاده نمی‌کنند

■ علامه عسکری معتقد بود که اصطلاح اقرء در زمان پیامبر اکرم (ص) معنای دیگری داشته است؛ وی با نقل روایاتی اثبات کرده است که اقرء در زمان پیامبر (ص) به معنای آموزش الفاظ و معانی بوده، ولی امروز فقط به معنای آموزش الفاظ است.

■ سید کاظم عسکری، فرزند علامه عسکری و رئیس دانشکده اصول‌الدین بغداد، اظهار کرد: از آنجا که حکمت خداوند بر این مطلب قرار گرفته که پیامبری بعد از پیامبر خاتم (ص) نیاید و ختم نبوت شده است، این دین باید

محفوظ بماند. یکی از مواضعی که دین باید در آن محفوظ بماند، قرآن کریم است و خدای متعال ضمانت داده که کتابش را از تبدیل و تحریف حفظ کند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ به‌درستی که ما این قرآن را نازل کردیم و آن را محافظت می‌کنیم».

عسکری اظهار کرد: متأسفانه روایاتی وجود دارد که می‌گوید برخی آیات قرآن به شکل دیگری بر پیامبر (ص) نازل شده است؛ به‌عنوان مثال در داستان حضرت موسی (ع) با حضرت خضر (ع) در آن آیه که می‌فرماید: «مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبٌ» بعد از واژه سَفِينَةٍ، واژه صَالِحَةٌ بوده و حذف شده است.

وی اضافه کرد: همچنین در آیه کریمه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» روایاتی داریم که می‌گوید: بعد از عبارت «ما انزل الیک» عبارت «فی علی (ع)» نیز وجود داشته و حذف شده است. از این قبیل موارد در روایات وجود دارد که سبب شده است بعضی‌ها بگویند که قرآن کم و زیاد شده است.

رئیس دانشکده اصول‌الدین بغداد با بیان این‌که این افراد متأسفانه هم در مکتب اهل بیت (ع) وجود دارد و هم در مکتب خلفا، تأکید کرد: لذا نباید این توهم را کرد که تنها در روایات کتب حدیثی ما وجود دارد که می‌گوید برخی آیات، کم و زیاد شده، بلکه در کتب احادیث مکتب خلفا نیز چنین روایاتی وجود دارد.

وی تصریح کرد: متأسفانه در برخی از کتاب‌های اربعه ما به‌ویژه در کتاب «کافی» روایاتی آمده است که می‌گوید: برخی آیات در برخی سوره‌ها وجود ندارد که بر پیامبر (ص) نازل شده است و الآن در قرآن نیست یا برخی آیات، کلماتی در آن بوده که الآن در قرآن نیست و از آن حذف شده است.

عسکری بیان کرد: یکی از علمای گذشته امامیه در دو قرن پیش کتابی نوشته به نام «فصل الخطاب فی اثبات تحریف کتاب رب الارباب» که در آن قائل شده که از دیدگاه مکتب اهل بیت (ع) نیز در قرآن کریم تحریف رخ داده است. همچنین کتاب‌های کوچکی مانند کتاب «دبستان

ولایت» نوشته شده که در آنجا تصریح شده که خداوند متعال سوره‌های با عنوان «سوره ولایت» بر پیامبر اکرم (ص) وحی کرده ولی الآن این سوره در قرآن کریم نیست.

وی ادامه داد: وجود چنین کتاب‌هایی سبب شده است که بعضی از دانشمندان مکتب خلفای امروز کتابی به نام «القرآن و الشیعة» تألیف کنند که نوشته احسان الهی‌ظهیر است، او در کتابش روایاتی که در کتاب «کافی» و کتاب‌های دیگر از جمله کتاب فصل الخطاب آمده است، بیان و ثابت کرده که شیعه معتقد است قرآن کریم تحریف شده است.

رئیس دانشکده اصول‌الدین بغداد عنوان کرد: این مطلب سبب شده که بگویند شیعه‌ها واجب‌القتل هستند؛ چون کسی که می‌گوید قرآن تحریف شده است، یکی از مسلمات دین اسلام را رد کرده و مرتد است؛ پس باید او را بکشند. این که شما می‌بینید امروز شیعیان را در پاکستان، افغانستان، عراق و نقاط دیگر می‌کشند، دلیلش همین است.

وی با بیان این‌که علامه عسکری مدت‌ها درصدد بود به این شبهات پاسخ دهد، افزود: بعد از انتشار کتاب «القرآن و الشیعة» احسان الهی‌ظهیر، علامه عسکری شروع به جمع‌آوری این روایات کرد و بعد از بررسی آن‌ها که ادعا می‌کند قرآن کم و زیاد شده است، کتاب «القرآن الکریم و روایات المدرستین» را تألیف کرد.

عسکری عنوان کرد: به نظر من قبل از علامه عسکری اصطلاح «المدرستین» را کسی به کار نبرده باشد. از بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) تا به امروز ما می‌گوییم شیعه و سنی، که آن‌ها ادعا می‌کنند ما اهل سنت پیامبر (ص) هستیم و شیعیان ملتزم به سنت پیامبر (ص) نیستند.

وی با بیان این‌که علامه عسکری این نظر را رد کرده است، تأکید کرد: علامه می‌گوید «مدرسة الخلفا» و «مدرسة اهل‌البیت (ع)» و واژه‌های شیعه و سنی را استفاده نمی‌کند. این مسئله خیلی مهم است. او چیزی به نام مکتب خلفا و مکتب اهل بیت (ع) طرح می‌کند و از واژه «سنت» اصلاً استفاده نمی‌کند.

رئیس دانشکده اصول‌الدین بغداد اظهار کرد: علامه عسکری در این کتاب، روایاتی

را که در کتب حدیثی دو مکتب آمده، مورد بررسی قرار داده است. علامه آن روایاتی را که ثابت می‌کند - معاذ الله - قرآن کم و زیاد شده، یک به یک بررسی کرده و آن‌ها را رد کرده و به آن‌ها پاسخ داده است. عسکری اظهار کرد: علامه عسکری در کتاب «القرآن الکریم و روایات المدرستین» اثبات کرده است که نسخه شریف قرآنی که در دسترس ماست، نه یک سوره، نه یک آیه، نه یک کلمه و نه یک حرف از آن کم و زیاد نشده است.

وی افزود: علامه عسکری در جلد اول این کتاب، پس از بررسی شرایط اجتماعی و سیاسی و دینی جامعه عرب قبل از اسلام بیان می‌کند که اعراب آن زمان چگونه شخصیتی داشته‌اند و چگونه زندگی می‌کرده‌اند. این‌ها مقدماتی است که علامه بگوید که یک فرد عرب که قرآن برای او نازل شده چگونه بوده است.

عسکری عنوان کرد: علامه پس از معرفی جامعه عرب آن‌روز، اصطلاحاتی را که مربوط به قرآن کریم است، بررسی کرده که از آن جمله می‌توان به اصطلاحاتی همچون وحی، قرآن، کتاب و مصحف اشاره کرد. در برخی اخبار داریم که بعضی از صحابه پیامبر اکرم (ص) نوشته‌ای به نام مصحف در اختیار داشتند. وی با بیان اینکه در روایات داریم که حضرت زهرا (س) کتابی به نام «مصحف فاطمه (س)» داشته‌اند، تأکید کرد: برخی شبهه ایجاد کرده‌اند و پیروان مکتب خلفا و مستشرقان از آن استفاده کرده‌اند و گفته‌اند که این مصحف فاطمه (س) قرآن دیگری است، اما این‌طور نیست. مصحف فاطمه الزهرا (س) کتابی بوده است که حضرت زهرا (س) آنچه که پیامبر اکرم (ص) از اخبار و مغیبات این امت به او خبر داده بودند، در این کتاب جمع‌آوری کرده‌اند.

رئیس دانشکده اصول‌الدین بغداد ادامه داد: به‌عنوان مثال در زمان امام صادق (ع) محمد بن عبدالله که از فرزندان ائمه (ع) است، قیام کرده بود و پدر او نزد امام صادق (ع) آمده و از آن حضرت خواسته بود که او را تأیید کنند.

عسکری تصریح کرد: امام صادق (ع) فرموده بودند: من اسم او را جزء کسانی که می‌آید و حکومت می‌کند، نمی‌بینم. امام صادق (ع) این مطلب را از مصحف فاطمه (س) گرفته‌اند؛ لذا مصحف فاطمه (س)، قرآن نبوده است که پیروان مکتب خلفا یا دیگران از مستشرقان بیابند ادعا کنند و تهمت بزنند که مصحف فاطمه (س)، قرآن دیگری است که شیعیان دارند.

وی تصریح کرد: اصطلاحات بعدی که علامه عسکری آن‌را در کتاب «القرآن الکریم و روایات المدرستین» بررسی کرده است، آیه و سوره است. سوره به مجموعه‌ای از آیات قرآن گفته می‌شود که خدای

متعال بر پیامبر اکرم (ص) وحی کرده است، اما آیه به معنایی که ما تصور می‌کنیم و آن را عبارات قرار گرفته بین دو شماره می‌دانیم، نیست.

عسکری با بیان این که آیه به معنای نشانه و معجزه است، گفت: قرآن کریم می‌فرماید: «وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ» و ای قوم من این ماده شتر خداست که برای شما پدیده‌ای شگرف است». پس اگر ما این را فهمیدیم که لفظ آیه به معنای چیست، بسیاری از مسائل برای ما روشن می‌شود.

رئیس دانشکده اصول‌الدین بغداد با اشاره به بحث نسخ، عنوان کرد: علمای مکتب خلفا به این آیه اِسْتِنَاد کرده‌اند: «مَا نُنَسِّخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا» هر حکمی را نسخ کنیم یا آن را به ادست فراموشی بسپاریم بهتر از آن یا مانندش را می‌آوریم که خداوند، آیاتی را در قرآن کریم نسخ کرده است و نسخ را سه مورد دانسته‌اند: نسخ حکم بدون تلاوت، نسخ تلاوت بدون حکم و نسخ حکم و تلاوت.

وی اضافه کرد: نوع سوم نسخ به این معناست که خداوند، حکمی را بر مسلمانان نازل کرده که در چند آیه بیان شده است، بعد خداوند آن حکم را نسخ کرده و آن آیات را نیز نسخ کرده است؛ لذا نه آیه‌ای وجود دارد و نه حکم. عسکری با اشاره به مثالی از مسئله نسخ اظهار کرد: مثالی که برای این نوع از نسخ بیان می‌شود، این است که خداوند حکمی نازل کرده است که اگر کسی ده بار از زنی شیر بخورد، مجرم می‌شود. بعد این حکم نسخ شده و از ده بار به پنج بار تقلیل یافته و آیاتش را نیز خداوند از قرآن برداشته است.

رئیس دانشکده اصول‌الدین بغداد اظهار کرد: ما اگر بپذیریم که چنین احکامی را خداوند نازل کرده و چنین آیاتی را نازل کرده است و الآن این آیات در قرآن نیست، چگونه می‌توان تضمین کرد که چه بسا موارد دیگری باشد که خدا احکام دیگری نازل کرده و آیات مربوط به آن را از قرآن حذف کرده باشد.

عسکری با بیان اینکه این سه نوع نسخ در کتاب‌های علوم قرآنی مکتب خلفا وجود دارد و در برخی از کتاب‌های علمای ما نیز آمده است، اما علامه عسکری این موارد را مردود دانسته است، عنوان کرد: علامه اصطلاحات دیگری را نیز در کتاب «القرآن الکریم و روایات المدرستین» مورد بررسی قرار داده است که برخی از آن‌ها عبارتند از جزء، حزب

و تلاوت.

وی اظهار کرد: یکی دیگر از اصطلاحاتی که علامه عسکری در کتاب «القرآن الکریم و روایات المدرستین» آن را بررسی کرده، «قِرَاءَت» و «اِقْرَاء» است. علامه معتقد بود که هرگاه سوره‌ای نازل می‌شده، پیامبر اکرم (ص) آن را برای مسلمانان تلاوت می‌کرده‌اند، اما این سوره دو گونه هستند: سوره‌های مکی که در مکه نازل شده و در آن احکام کم‌تر بوده یا اصلاً در آن‌ها احکام نیامده و بیشتر به عقاید پرداخته است. سوره‌هایی مانند قیامت، که درباره صحنه‌های روز قیامت بحث می‌کند، یا سوره مدثر که درباره وقایع اولین وحی بر پیامبر (ص) توضیح می‌دهد. وی عنوان کرد: اما سوره‌هایی که در مدینه نازل شده، هم عقاید و هم احکام در آن‌ها آمده است. هر ۱۰ آیه‌ای که نازل می‌شده، پیامبر (ص) الفاظ آن‌ها را به مسلمانان یاد می‌دادند و هر مطلبی و هر علمی و هر حکمی که در این آیات بوده، به مسلمانان یاد می‌داده‌اند.

وی با بیان روایاتی در این مسئله اظهار کرد: این روایات در مکتب خلفا آمده است که از ابی‌عبدالرحمن السلمی نقل شده: «حدثنی الذین کانوا یقرئونا انهم کانوا یستقرئون من النبی (ص) و کانوا اذا تعلموا عشر آیات لم یخلفوها حتی یعملوا بما فیها من العمل فنعلمنا القرآن و العمل جمیعاً» عبدالرحمن سلمی می‌گوید: «آن کسانی که قرآن به ما یاد می‌دادند، از پیامبر (ص) قِرَاءَت را یاد می‌گرفتند، آن‌ها هم تلاوت قرآن و هم معانی آن الفاظ را یاد می‌گرفتند و به ما یاد می‌دادند و ما نیز هم تلاوت آیات و هم معانی آن را یاد می‌گرفتیم.»

رئیس دانشکده اصول‌الدین بغداد ادامه داد: روایت دیگری نیز باز هم از عبدالرحمن السلمی است که گفت: «حدثننا من کان یقرئنا من اصحاب النبی (ص) انهم کانوا یقرئون من رسول الله (ص) عشر آیات فلا یأخذون فی العشر حتی یعلموا ما فی

هذه من العلم والعمل»؛ آن کسانی که قرآن را به ما یاد می‌دادند، از پیامبر (ص) یاد می‌گرفتند، هم الفاظ و هم معانی و علوم و احکامی که در آن آیات بوده است و آن آیه را پشت سر نمی‌گذاشتند مگر این که هم تلاوت الفاظ و هم احکام آن را یاد می‌گرفتند.

عسکری تصریح کرد: بنابراین علامه عسکری با نقل این روایات معتقد بود که قِرَاءَت و اِقْرَاء در زمان رسول خدا (ص) به این معنا بوده که یاد دادن تلاوت قرآن در کنار آموزش معانی، عقاید و احکام وارد شده در آن آیات بوده است؛ لذا اصطلاح اِقْرَاء از زمان خود پیامبر (ص) به کار برده می‌شده و وجود داشته است.

وی تصریح کرد: اما بعد از پیامبر (ص) معنای این اصطلاح تغییر کرده و به معنای این است که فقط الفاظ قرآن آموزش داده شود و آموزش معنا، عقاید و احکامی که در آن الفاظ وجود دارد، مورد نظر نیست و این اصطلاح از قرن اول و دوم تا به امروز به این معنا به کار رفته است.

عسکری با بیان این که علامه پس از بررسی این اصطلاحات به بررسی متنی و سندی روایات می‌پردازد، گفت: علامه عسکری روایاتی را که ادعا می‌کند قرآن تحریف شده، مورد بررسی قرار داده و اثبات می‌کند که قرآن کریم نه به زیاده و نه به نقصان تحریف نشده و محفوظ مانده است.

رئیس دانشکده اصول‌الدین بغداد با اشاره به بررسی متنی این روایات عنوان کرد: علامه عسکری از لحاظ متنی ثابت می‌کند که متن چنین روایات و الفاظی که در آن‌ها به کار رفته، اصلاً مطابق سلیقه عرب‌زبان نیست و یک عرب‌زبان نمی‌توان چنین جملاتی را بیان کند؛ چه رسد به اینکه پیامبر (ص) چنین مطالبی گفته باشد!

وی اضافه کرد: علامه عسکری معتقد بود پیامبری که اِصْحَابُ الْعَرَبِ و اِبلِغُ الْعَرَبِ بوده است، نمی‌توان پذیرفت که چنین احادیثی از او صادر شده باشد و نمی‌توان چنین

الفاظی را به او نسبت داد. از حیث سندی هم علامه این روایات را بررسی و بیان کرده است که کسی که این روایات را بیان کرده، از او غلو هم نقل شده و غالی بوده و با شخص قبل از خود را اصلاً به لحاظ زمانی درک نکرده است.

عسکری با اشاره به مسئله نسخ اظهار کرد: آیت‌الله‌العظمی خوئی در کتاب «البیان» گفته‌اند که نسخ حکم داریم و فقط در یک مورد نسخ را می‌پذیرند و آن هم درباره صدقه‌دادن در هنگام ملاقات با رسول خدا(ص) است که در همان سوره‌ای که این آیات آمده است، نسخ این مطلب هم آمده است.

رئیس دانشکده اصول‌الدین بغداد اظهار کرد: علامه عسکری معتقد است که این نسخی که ما تصور می‌کنیم نسخ حکم است، به صورت دیگری است؛ به این شکل که خداوند حکمی را به وحی قرآنی نازل می‌کند، نسخ آن را به وحی غیرقرآنی نازل می‌کند، مسلمانان به آن عمل می‌کنند و بعداً در آیات قرآنی این حکم را بازگو می‌کند، نه این که الفاظ جدید، نسخ الفاظ قبلی باشد.

عسکری با بیان مثالی در این زمینه گفت: به‌عنوان نمونه داستان حکم تحریم شراب را بازگو می‌کند که در مرحله اول خداوند به وحی غیرقرآنی نازل کرده است که شراب حرام است، بعداً گفته است که در حال مستی نماز نخوانید، بعداً گفته است که شراب نجس است به آن نزدیک نشوید؛ لذا این آیات در حال حکایت ترتیب نزول این احکام به صورت نزول به وحی قرآنی است.

عسکری اظهار کرد: علامه معتقد بود که وحی به دو گونه وحی بیانی و وحی قرآنی است. وحی قرآنی آن است که لفظ و معنا از خداست و این الفاظ در قرآن کریم آمده است، اما وحی بیانی آنجاست که معنا از طرف خدا بر پیامبر اکرم(ص) وحی می‌شده و با لفظ پیامبر(ص) ادا می‌شده است. علامه عسکری با تبیین این دو اصطلاح به بررسی برخی مشکلات

در علوم قرآنی پرداخته و به آن‌ها پاسخ داده است.

وی عنوان کرد: علامه عسکری معتقد بود که بعضی از احکام قبلاً با وحی بیانی بر پیامبر اکرم(ص) نازل می‌شده و بعداً الفاظ آن حکم در قرآن کریم بر پیامبر اکرم(ص) نازل می‌شده است. علامه به این ترتیب بیان می‌کند که الفاظی از آیات قرآن که نسخ الفاظ دیگری که حکم دارد، نیست، بلکه آن را حکایت می‌کند و در حقیقت، این حکمی که به وسیله وحی غیرقرآنی نسخ شده است، با الفاظ آیات قرآن بازگو می‌شود.

وی تأکید کرد: بنابراین علامه عسکری معتقد است که بعضی وقت‌ها احکامی به صورت وحی غیرقرآنی نازل شده و مسلمانان به آن حکم عمل کرده‌اند، بعدها باز هم از طریق وحی غیرقرآنی خداوند متعال به پیامبر اکرم(ص) دستور داده که آن حکم را دیگر عمل نکنند.

رئیس دانشکده اصول‌الدین بغداد با بیان مثالی در این زمینه ادامه داد: حکم تغییر قبله نماز از بیت‌المقدس به کعبه چنین است. به وحی غیرقرآنی خدای متعال به پیامبر اکرم(ص) دستور داده است که هنگامی که در مکه بودند، قبله‌اش بیت‌المقدس باشد، بعد وقتی که آن حضرت(ص) به مدینه رفتند، چون یهود شبهه القا می‌کرد که مسلمانان هم به قبله ما نماز می‌خوانند، خداوند به پیامبر(ص) دستور داد که در نماز قبله‌اش را تغییر داده و به سوی کعبه نماز بخواند.

عسکری تصریح کرد: بعدها این داستان را خدای متعال در آیات قرآن کریم حکایت و نقل کرده است؛ پس علامه عسکری نمی‌گوید که حکمی به وسیله حکم دیگری نسخ شده، بلکه می‌گوید که این داستان تحویل قبله از بیت‌المقدس به کعبه به این ترتیب بوده و بعداً خداوند این داستان را در آیات قرآن آورده است. وی تصریح کرد: یکی از مواردی

که اثبات می‌کند وحی دو گونه بوده است، همین مواردی است که برای قرآن تفسیر بوده است، البته این تفسیر را نیز پیامبر(ص) از خودش بیان نمی‌کرده، بلکه خداوند بر او وحی می‌کرده است. در سوره قیامت آمده است: «إِن عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ؛ چرا که جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست، پس هر گاه آن را خواندیم از خواندن آن پیروی کن.»

عسکری اضافه کرد: خداوند در این آیات به پیامبرش می‌گوید که در بیان قرآن عجله نکن، خود ما که این قرآن را بر تو نازل کرده‌ایم، تفسیرش را نیز بر تو نازل می‌کنیم و قبلاً هم گفته شد که یکی از معانی قرائت و اقراء، تبیین معانی آیاتی است که خداوند به پیامبر(ص) وحی می‌کرده است.

رئیس دانشکده اصول‌الدین بغداد تأکید کرد: در تأیید فرمایشات پیامبر(ص) در قرآن کریم آمده است: «مَا آتَاكُم الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا؛ آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت بازایستید»؛ لذا در این آیات بیان شده که مؤمنان به هر چیزی که پیامبر(ص) دستور می‌دهد باید عمل کنند و هر چه که از آن نهی کند، اجتناب کنند.

وی اضافه کرد: خداوند همچنین در قرآن کریم در تأیید گفتار پیامبر(ص) می‌فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى؛ و از سر هوس سخن نمی‌گوید، این سخن بجز وحیی که وحی می‌شود نیست» بنابراین هر چه از دهان مبارک پیامبر(ص) خارج می‌شود، عین وحی الهی است و باید از آن پیروی کرد.



# برکات قلم علامه برای عالم اسلام

■ قلم علامه عسکری بسیار بابرکت برای جهان اسلام و شیعه بود؛ ایشان پاسداری بزرگ برای تشیع در جهان اسلام بود و مصاحبه‌های فراوان بین المذاهبی و بین‌الادیانی داشت و شخصیتی شناخته‌شده در جهان اسلام بود.

به نام «اصول الدین» پایه‌گذاری کرد که در قم و چند شهر دیگر فعال است. ایشان درباره ویژگی بارز علمی علامه عسکری گفت: علامه پژوهشگری آزاده بود که در زمینه قرآن، پژوهش می‌کرد و در اعلام نظرات خود آزادانه عمل می‌کرد و به این توجه نمی‌کرد که چه کسی موافق و چه کسی مخالف است. وی در تبیین ویژگی‌های اخلاقی ایشان گفت: علامه عسکری شخصیتی بسیار متواضع و شوخ‌طبع بود و به افرادی - که حتی از نظر علمی سطح قابل توجهی نداشتند - احترامی ویژه می‌گذاشت.

این محقق و پژوهشگر تربیت شاگردان برجسته و حضور در محافل علمی را از دیگر ویژگی‌های این عالم دانست و افزود: با این که سن زیادی از ایشان گذشته بود و با وجود ناتوانی‌های جسمی سعی می‌کرد در دانشکده اصول الدین حضور فعال داشته باشد و به صورت هفتگی به قم مسافرت می‌کرد تا از

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی رضایی اصفهانی، دانشیار جامعه المصطفی (ص) العالمیه اظهار کرد: علامه عسکری از افتخارات جهان اسلام و شیعه بود؛ زیرا ایشان خدمات فراوانی را به جهان اسلام به خصوص شیعه کرده است. وی افزود: وقتی کتاب «الاضواء علی السنه المحمديه» در مصر به چاپ رسید و در آن کتاب نوشته شده بود که شیعه را «عبدالله بن سبا» پایه‌گذاری کرده است، علامه عسکری کتابی در این زمینه تألیف کرد و در آن کتاب اثبات کرد که این موضوع افسانه و خرافه‌ای بیش نیست و این نویسنده اطلاعاتی اشتباه و خرافی ارائه داده است. نویسنده کتاب «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» ادامه داد: من در کتب بعدی نویسنده کتاب «الاضواء علی السنه المحمديه» دیدم که بخش مربوط به «عبدالله بن سبا» را از کتاب خود حذف کرده و نامه و مطلبی را به این مضمون چاپ کرده بود: «من بعد از خواندن کتاب علامه عسکری متوجه شدم که تصور من نسبت به این موضوع اشتباه بود و این بخش را از کتاب خود حذف کردم».

دانشیار جامعه المصطفی (ص) العالمیه افزود: به هر حال قلم ایشان، قلمی بسیار با برکت برای جهان اسلام و شیعه بود، ایشان پاسداری بزرگ برای تشیع در جهان اسلام بود و مصاحبه‌های فراوان بین المذاهبی و بین‌الادیانی داشته و شخصیتی شناخته‌شده در جهان اسلام بود.

رضایی اصفهانی گفت: ایشان در زمینه قرآن کتب متعددی داشته که از جمله آن‌ها «معالم المدرستین» است که با این کتاب، اتهام اعتقاد به تحریف قرآن را از دامن شیعه پاک کرد و اثبات کرد که شیعه قائل به تحریف قرآن نیست. ایشان همچنین دانشکده‌ای



در پایان سخنانش درباره آثار علامه  
عسکری گفت: به این سادگی نمی‌توان  
آثار ایشان را مورد بررسی قرار داد، بلکه  
لازم است به طور دقیق مورد مطالعه  
قرار گیرد و در کنگره‌ها و همایش‌هایی  
با محوریت ایشان ارزیابی شود.



اوضاع دانشجویان خود خبر داشته باشد.  
همچنین ایشان، با این که شخصیت  
علمی بزرگی بود، هنگامی که به محافل  
و نشست‌های علمی دعوت می‌شد، حضور  
پیدا می‌کرد.

رضایی اصفهانی افزود: از دیگر ویژگی‌های  
ایشان وحدت‌گرایی بود. ایشان در حالی  
که به خوبی از حریم شیعه و اهل بیت(ع)  
دفاع می‌کرد، در عین حال سعی می‌کرد  
وحدت جامعه اسلامی را برهم نزند و باعث  
تفرقه بین مسلمین نشود، نظرات خود را  
به صورتی اعلام می‌کرد که تفرقه‌ای بین  
امت اسلامی ایجاد نشود زیرا تفرقه را  
گناهی بزرگ می‌شمارد.

دانشیار جامعه المصطفی(ص) العالمیه

# الگوی برای مباحثه و مناظره

منش علامه عسکری از منظر آینده‌نگری واقعاً شاخص بود؛ الگوهای تعامل با مذاهب اسلامی به خصوص الگوهای مباحثه و مناظره با ارباب ادیان و مذاهب را باید از روش و منش وی آموخت.

که از حیث آشنایی با علوم اسلامی و مبانی دینی، قرآنی و حدیثی و همچنین از حیث آشنایی با جهان روز بی‌نظیر بود؛ وی عالمی به‌روز بود و نیازها، دغدغه‌ها و مسائل روز را خوب درک می‌کرد. وی افزود: در دو بعد می‌توان از شخصیت علامه عسکری صحبت کرد؛ یکی بعد علمی است که از نظر آشنایی عمیق با اندیشه‌ها، ارزش‌ها و آموزه‌های دینی گوی سبقت را از بسیاری از علما ربوده بود و تسلط بسیار قابل تقدیر و تحسینی نسبت به علوم اسلامی داشت. عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان در ادامه سخنانش با تأکید بر این‌که علوم اسلامی را باید در حیطه قرآن و سنت جست‌وجو کرد، تصریح کرد: علامه عسکری بیشترین آشنایی را با سنت و قرآن داشت و به‌خوبی هم آن دو را با هم تلفیق کرد. وی از کسانی نبود که گرایش افراطی به سنت و یا گرایش به ظاهر قرآن در برابر دلالت سنت داشته باشد. وی با تأکید بر اینکه علامه عسکری قرآن و سنت - دو منبع استنباط احکام دین - را در کنار هم و مکمل هم می‌دانست،

مصطفی عباسی‌مقدم، مشاور قرآنی معاون فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها گفت: علامه عسکری از شخصیت‌های کم‌نظیر دوران معاصر است

تصریح کرد: همان گونه که روایت ثقلین اعلام می‌کند، علامه عسکری اعتقاد داشت که قرآن و سنت را باید در کنار هم دید؛ یعنی تمام کتاب الهی، آیات و آموزه‌هایش به علاوه تمام تعالیم رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) مدنظر وی بود و آثاری هم که در این زمینه نوشته گویای این مطلب است.

نویسنده کتاب «اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان» با اشاره به اینکه مهم‌ترین کتاب علامه عسکری «معالم المدرستین» است، اظهار کرد: این کتاب پر از استنادات، آیات و روایات است و کتاب دیگر ایشان «نقش ائمه (ع) در احیای دین» است که همانگونه که از نام آن پیداست به رسالت ائمه (ع) و نقش سنت، حدیث و عترت (ع) در اسلام تأکید می‌کند و ابعاد مختلف آن را بیان می‌کند. عباسی مقدم افزود: همچنین علامه عسکری در تحقیقات دیگر و کتاب‌های دیگری که داشته است مانند «القرآن الکریم و روایات المدرستین» کاملاً بحث قرآن و روایات را مطرح کرده است و در کتاب‌های دیگر مثل آنچه که در مورد صحابه نوشته و یا آن چه که در مورد تاریخ اسلام، اسرائیلیات و جعل و تحریف در عالم اسلام نوشته، در همه جا تلفیق صحیح و ترکیب بسیار هوشمندانه‌ای از قرآن، سنت و عترت را در کلام و نوشته‌های ایشان می‌بینیم.

وی تأکید کرد: علامه عسکری واقعاً یک نمونه برجسته در تلفیق و ترکیب آموزه‌های قرآن، سنت و عترت (ع) است. این بعد از ابعاد علمی وی است که باید بیشتر به آن پرداخته شود و جا دارد که مقالات و کتاب‌هایی در این زمینه توسط اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی نوشته شود.

نویسنده کتاب «کلمة‌الله: فرهنگ تکلم با قرآن: پیام‌های اخلاقی - اجتماعی» در ادامه سخنانش اظهار کرد: بعد دوم شخصیت علامه عسکری بعد عملی در زندگی وی است. علامه از علم خود هم در بیان خطابه، تدریس و هم در نوشتن و نگارش به‌خوبی استفاده می‌کرد و سبک جذابی داشت. کتاب‌های وی در شمارگان بسیار وسیع در کشورهای مختلف چاپ و منتشر شده و بسیاری از افراد با

روشننگری‌های او با اندیشه‌های ناب اسلامی و عمق دین اسلام آشنا شدند و پرده‌های غفلت و زنگارهای جاهلیت و تعصب را با راهنمایی‌ها و روشننگری‌های او کنار زدند.

این محقق و نویسنده کشورمان با اشاره به این که علامه عسکری سمبل روشننگری است، تصریح کرد: می‌توان علامه عسکری را به عنوان سمبل خرافه‌زدایی و مبارزه با تعصبات کور مذهبی و فرقه‌ای در عالم اسلام معرفی کرد و حتی وی با این روش بسیاری از علمای سایر مذاهب اسلامی و حتی علمای شیعه را مجاب و قانع کرد که باید در مقام گفت‌وگو و تعامل بین مذاهب با سخن و زبان نرم و با گفتار نیکو عمل کرد.

نویسنده کتاب «جلوه‌های تربیت و تبلیغ در سیره پیامبر اعظم (ص)» با اشاره به اینکه باید دست از تعصب و لجاجت و پرخاش و تندخویی برداشت، گفت: واقعا یکی از مهم‌ترین درس‌هایی که علامه عسکری به همه انسان‌های حق جو و دانشمندان فرق اسلامی و حتی سایر مذاهب و ادیان آموخت این بود که باید در مباحث علمی، عقیدتی، کلامی و تاریخی به صورت منطقی و براساس استدلال و با اخلاق نیکو بحث و گفت‌وگو کرد و تعامل سازنده داشت.

عباسی مقدم گفت: در بعد عملی و اخلاقی فقط اخلاق فردی علامه عسکری مدنظر نیست، بلکه اخلاق علمی وی هم بسیار مورد توجه است. اخلاق علمی علامه عسکری کاملاً قابل الگوبرداری و تحسین است. بسیاری اوقات شاهد این مسئله هستیم که میان افراد مختلف مذاهب، نویسندگان و حتی علمای بزرگ برخورد‌های حذفی، تعصب‌آمیز و تندخویانه وجود دارد اما می‌بینیم که علامه عسکری در ادامه مسیر علمایی مانند علامه شرف‌الدین، مرحوم مظفر و سایر اندیشمندانی که در زمینه‌های بین مذاهب کتاب‌ها و مطالبی داشتند با مطالب بسیار جذاب، نرم و تأثیرگذار سخن می‌گوید و می‌نویسد.

عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان در ادامه سخنانش با تأکید بر اینکه علامه عسکری همواره بسیار محترمانه سخن می‌گفت، تصریح کرد: وی احترام همه

طرف‌های درگیر در مباحث عقیدتی و کلامی را در نظر می‌گیرد، حتی با کسانی که سر عناد دارند و متعصبانه برخورد می‌کنند، هم در نوشتار و هم در گفتارهایش بسیار محترمانه و با رعایت کرامت انسانی سخن می‌گوید. به نظر من باید این نوع اخلاق علامه عسکری را هم کاملاً در نظر داشت.

نویسنده کتاب «اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان» با اشاره به روش مباحثه و مناظره علامه عسکری اظهار کرد: به نظر من الگوهای تعامل با مذاهب اسلامی به خصوص الگوهای مباحثه و مناظره با ارباب ادیان و مذاهب را باید از روش منس علامه عسکری آموخت، برای اینکه در این زمینه هم تجربه بسیار وسیعی داشت و هم بسیار عمیق در مباحث وارد می‌شد. لازم است که این دو بُعد از شخصیت علامه عسکری بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

عباسی مقدم افزود: نکته دیگری که باید به این مباحث اضافه شود، هوشیاری علامه عسکری در مقابل خطرها و آفت‌های کلیدی است. خیلی مهم است که یک عالم در برهه‌ای از زمان بتواند تشخیص دهد که چه مسئله‌ای بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مشکل و آفت است. یک عالم توانا نباید فقط حال را نگاه کند بلکه چشمی هم به آینده داشته باشد و با تیزبینی و هوشمندی آن آفاتی را نیز که در آینده پیدا و یا تشدید خواهد شد ببیند.

نویسنده کتاب «کلمة‌الله: فرهنگ تکلم با قرآن: پیام‌های اخلاقی - اجتماعی» در ادامه سخنانش اظهار کرد: علامه در جهت آینده‌نگری هم واقعا شاخص است، به خاطر اینکه در برهه‌ای از زمان که شاید مسئله اسرائیلیات، روایات ساختگی و صحابه ساختگی (یعنی تعدادی از اسامی و عناوینی که در تاریخ روایت، حدیث و تاریخ اسلام وجود دارد اما معلوم نیست که این افراد واقعیت دارند یا نه!) به عنوان یک مسئله بزرگ و چالش علمی و دغدغه مهم حوزه‌های علمیه نبود، وارد این مباحث شد و کتاب «یک‌صد و پنجاه صحابه ساختگی» یا کتابی در مورد «عبدالله بن سبأ» که آن موقع معلوم نبود که یک شخصیت راستین یا یک دروغ بزرگ است، می‌نویسد.

وی با تأکید بر اینکه علامه عسکری در این زمینه صاحب‌نظر است، گفت: علامه عسکری در جهت شفاف‌سازی تاریخ کتاب‌ها و مطالب دیگری را که به هر حال در ارتباط با موضوع جعل و تحریف در عالم اسلام است می‌نویسد و در این موارد قلم می‌زند و تحقیق می‌کند که نشان‌دهنده عمق بینش و آینده‌نگری وی در مسائل علمی و حیاتی عالم اسلام است.

نویسنده کتاب «جلوه‌های تربیت و تبلیغ در سیره



پیامبر اعظم(ص)» با بیان این که منشاء بسیاری از اختلافات، دعوها، خشونت‌ها، جنگ‌ها و تقابل‌ها به خاطر روایات تحریف شده، جعل‌ها و تحریف‌هایی است که در زمان‌های گذشته صورت گرفته است، تأکید کرد: هر چه که یک عالم دینی سعی در پالایش و صاف کردن منابع دینی از این گونه آلودگی‌ها داشته باشد، سعی و نتیجه بیشتری نسبت به تبلیغات و راهنمایی‌های زودگذر خواهد داشت. علامه عسکری با همت عالی و با تلاش بسیار سعی می‌کند که عرصه‌های جدیدی از تحقیقات را در این زمینه با بگشاید و واقعاً کار علمی او در این زمینه قابل تقدیر، تحسین و استفاده برای جوان‌های حال و آینده است.

مشاور قرآنی معاون فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها در مورد نقش علامه عسکری در شفاف‌سازی تاریخ شیعه گفت: نقش و جایگاه علامه در پژوهش‌های تاریخ قابل تأمل و در واقع یک بحث تخصصی است و باید دقیق‌تر و با ذکر مقدمات و شواهدی وارد این موضوع شد، اما در مجموع می‌توان گفت که ایشان نگاهی کاملاً تلفیقی و ترکیبی به تاریخ و کلام داشت.

عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان تصریح کرد: اگر عده‌ای مباحث تاریخی را بدون مباحث کلامی مطرح می‌کنند و عده‌ای مباحث کلامی را با مقداری کم‌توجهی به مباحث تاریخی مطرح می‌کنند، ولی علامه عسکری با تسلطی که به تاریخ اسلام و ائمه(ع) و همچنین مباحث کلامی داشت، توانست تلفیق بهتری از این‌ها عرضه کند؛ یعنی به خوبی توانست در مباحث خود تاریخ را با کلام جمع کند. نویسنده کتاب «اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان» افزود: در ارائه نمونه‌ای از این روش می‌توان به جلد سوم کتاب «معالم‌المدرستین» اشاره کرد و یا داستان عاشورا و واقعه کربلا در این کتاب را مثال زد. علامه در این بحث از دیدگاه مدرستین (دو مکتب اهل بیت(ع) و مکتب خلفا) تلفیق بسیار جالبی از مباحث تاریخی و مباحث کلامی عرضه کرده است و شاید بتوان گفت این یکی از ویژگی‌ها و وجوه امتیاز علمی علامه عسکری است که توانسته بحث‌های کلامی و تاریخی را کاملاً مطابق، همگام و دوشادوش هم به پیش ببرد و به نتایج خوبی برسد. این محقق و مدرس دانشگاه در ادامه سخنانش با تأکید بر اهمیت اصطلاح‌سازی مکتب خلفا و مکتب اهل بیت(ع) توسط علامه عسکری تصریح کرد: اصطلاح‌سازی علامه در بیان مکتب خلفا و مکتب اهل بیت(ع) به جای شیعه و سنی بسیار جالب است؛ چون وی معتقد بود که دو اصطلاح شیعه و سنی عناوین کژتاب و قابل بهره‌برداری اشتباه هستند. این دو اصطلاح ایجاد سوء تفاهم می‌کنند؛

زیرا معنایش این است که افرادی که سنی نیستند تابع سنت پیامبر(ص) نیستند اما ما شیعیان اول معتقد به سنت پیامبر(ص) هستیم و بعد به روش ائمه(ع) عمل می‌کنیم. از طرف دیگر گویی غیر شیعه تابع پیامبر(ص) نیستند در صورتی که اهل سنت می‌توانند شیعه پیامبر(ص) باشند. به هر حال چون این اصطلاحات ابهام و ابهام دارد وی جعل اصطلاح کرد و دو اصطلاح مکتب خلفا و مکتب اهل بیت(ع) را بیان کرد.

نویسنده کتاب «کلمة‌الله: فرهنگ تکلم با قرآن: پیام‌های اخلاقی - اجتماعی» در ادامه سخنانش اظهار کرد: کلاً بیان علامه عسکری بیان بسیار محترمانه‌ای بود، به عنوان مثال همواره بسیار محترمانه از خلفا یاد می‌کرد، همچنین از همه شخصیت‌ها و همه صحابه با احترام یاد می‌کرد ولی در عین حال بحث فنی و محتوایی خود را به طور کامل داشت و هیچ‌گاه در مقام بحث علمی از یافته‌های خودش کوتاه نمی‌آمد؛ یعنی از یافته‌های خود دست بر نمی‌داشت، اما در عین حال بسیار محترمانه این‌ها را بیان می‌کرد.

وی با تأکید بر اهمیت اصطلاح مکتب خلفا و مکتب اهل بیت(ع) در مباحث علمی گفت: وقتی که اصطلاح مکتب خلفا در مباحث بیان می‌شود هم این اصطلاح برای ما معنادار است و هم برای طرف مقابل که پیروان مکتب خلفا یا اهل سنت هستند. این اصطلاح می‌رساند که این مکتب بیش از آن که تابع مرام رسول خدا(ص) باشد تابع مرام خلفاست، کما این که خودشان هم اذعان دارند که بسیاری از سنت‌های رسول‌الله(ص) توسط خلفای بعد تغییر پیدا کرده است. ما می‌گوییم بدعت صورت گرفته، آن‌ها می‌گویند که سنتی است که منسوب به عمر یا ابوبکر است، به هر حال عنوان مکتب خلفا و مکتب اهل بیت(ع) عنوان خوب و هوشمندانه‌ای است.

عباسی‌مقدم در ادامه سخنانش در مورد اصطلاح مکتب اهل بیت(ع) تصریح کرد: عنوان مکتب اهل بیت(ع) هم مثل عنوان مکتب خلفاست، مکتب ما مکتب اهل بیت(ع) است و مکتب اهل بیت(ع) به هیچ‌وجه با مکتب و مرام پیامبر(ص) منافاتی ندارد، البته به یک عنوان همه

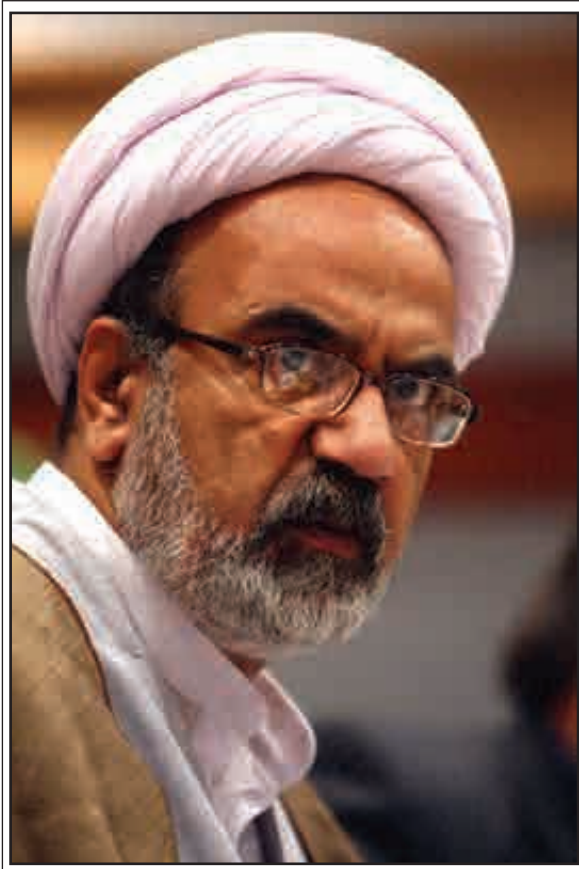
ما مسلمان و پیرو پیامبر(ص) هستیم اما وقتی که صحبت از بیان دو دسته و گروه و مدرسه(مکتب) می‌شود طبعاً می‌توان این گونه قلمداد کرد که عرصه‌ای که دچار اختلاف و تقابل و مخالف شد، یک طرف مذهب و مرام ائمه(ع) و در یک طرف دیگر خلفا بودند که دیدگاه‌ها، سیاست‌ها و روش دیگری داشتند.

مشاور قرآنی معاون فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها افزود: خلفا حتی در نگاه به قرآن و سنت به گونه دیگری نگاه می‌کردند و خیلی تفاوت‌ها در نحوه برداشت و محتوایی از قرآن و حدیث وجود داشته و به نظر این اصطلاحات گرچه هوشمندانه و عنوان دقیقی است، در عین حال چون محترمانه است می‌تواند در محافل علمی و حوزوی بسیار مؤثر باشد اگرچه ممکن است در میان عموم مردم خیلی جواب ندهد.

نویسنده کتاب «جلوه‌های تربیت و تبلیغ در سیره پیامبر اعظم(ص)» در مورد نقش دانشکده اصول‌الدین اظهار کرد: تأسیس این دانشکده هم حرکت خوبی بوده است، به لحاظ علمی این دانشکده بعد از چند سالی توانست جایگاه خود را به عنوان جایگاه علمی در دانشگاه‌های کشور یا دانشکده‌های تخصصی الهیات و علوم دین باز کند و توانست با بقیه مراکز هم‌اوردی داشته باشد و از این جهت قطعاً این خدمات و نقش‌ها به خاطر تدابیر علامه عسکری است.

وی در پایان سخنانش با تأکید بر این که در مأموریت ویژه این گونه نهاد‌های علمی نسبت به سایر نهادها باید شفافیت بیشتری اعمال شود، تصریح کرد: به نظر می‌رسد باید میان مراکز تخصصی در این حوزه تقسیم کار شفاف‌تری صورت گیرد تا نتایج دستاوردها به لحاظ علمی و تربیت نیروی محقق و کارشناس مسائل دینی خلأها را پر کند.





## اثبات خیالی بودن

## شخصیت «عبدالله

## بن سباء»

■ علامه عسکری با نگارش کتابی با عنوان «عبدالله بن سباء» اثبات کرد که این شخص ساخته ذهن «سیف بن عمر» بوده و اصلا وجود خارجی نداشته است.

بعد برسم.» وی عنوان کرد: علامه به‌ویژه در سطح دو حوزه، «لمعتین» را به همین ترتیب خواند و همچنین در سطوح عالی، مکاسب و رسائل را با همین روش به سرعت زیاد و با فهم عمیقی گذراند. ایشان از همان ابتدا که وارد حوزه علمیه شد، دیدگاه خاصی داشت، او هنگامی که کتاب‌های معروف حوزه از جمله «جامع‌المقدمات»، «سیوطی»، «المغنی» و «شرح لمعه» را دید، تأکید می‌کرد که این کتاب‌ها باید به سبک جدیدی تدوین شوند.

سرپرست دانشکده اصول‌الدین قم با بیان این که علامه عسکری بعدها برخی از کتب حوزوی به‌ویژه در زمینه ادبیات عرب را تغییر داد، تصریح کرد: کتب ایشان هنوز هم تجدید چاپ می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌خصوص روحانیون عرب‌زبان از این قسم آثار علامه استقبال بسیار خوبی کرده‌اند. مدرسه علمیه امام خمینی (ره) همه‌ساله کتب مورد نیاز طلابش را از کتب علامه عسکری تهیه می‌کند. محمودی اضافه کرد: ایشان یک دیدگاه دیگری نیز داشت که متأسفانه نتوانست آن را عملی کند و آن، تجدیدنظر در اداره حوزه‌های علمیه بود. علامه عسکری می‌خواست این سبک سنتی و قدیمی تغییر کند، اولین جایی که علامه این طرح را عنوان کرد، در اولین سفرش به ایران بود که در قم خدمت مرحوم آیت‌الله‌العظمی بروجردی رسید که ایشان که مرجعیت وقت را به‌عهده داشتند، ایشان به علامه گفتند که فعلا مصلحت نیست.

وی اظهار کرد: علامه عسکری می‌گفت که وقتی به ایران آمدم، دیدم حوزه علمیه با همان سبک قدیمی و همان علوم سابق تدریس می‌شد، به‌همین دلیل در کنار درس‌ها و کارهای دیگر شروع به مطالعه تفسیر قرآن کردم، وقتی که مشغول به این کار شدم، وقتی طلبه‌ها از کنارم رد می‌شدند، تعجب می‌کردند که چگونه من وقتم را برای این کار گذاشته‌ام.

وی افزود: در آن زمان اصلا تفسیر را یکی از دروس حوزه به حساب نمی‌آوردند. علامه عسکری تأکید می‌کرد که دروس جدیدی باید در حوزه وجود داشته باشد تا افراد متخصصی در آنجا تربیت شوند. عده‌ای در علم کلام، عده‌ای در تفسیر قرآن و عده‌ای هم در علوم دیگر اسلامی متخصص شوند.

محمودی با اشاره به نوآوری‌های علمی علامه عسکری، گفت: ایشان نوآوری در سبک و روش تحقیق

حجت‌الاسلام و المسلمین علی محمودی، سرپرست دانشکده اصول‌الدین قم اظهار کرد: مرحوم علامه عسکری در سال ۱۲۹۳ در شهر سامراء به دنیا آمدند و در همان شهر زندگی کرده و هفت‌ماه بودند که پدر بزرگوارشان را از دست دادند. پس از رحلت پدر، جد بزرگوارش مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد تهرانی که علامه عسکری همواره از ایشان به نیکی یاد می‌کرد، سرپرستی او را به‌عهده می‌گیرد و دروس اولیه حوزوی را جدشان به او تعلیم داد. علامه در جایی فرموده‌اند: ستم حدوداً دوازده سال بود که علاقه فراوانی به خواندن کتاب‌های تاریخی، قصص قرآن، قصص انبیا و کتب حدیثی داشتم.

محمودی با بیان این که علامه عسکری طبق گفته خودش از همان دوازده سالگی به مطالعه چنین کتاب‌هایی می‌پرداخت، گفت: از همان دوران نوجوانی نبوغ و استعداد او برای جد بزرگوارش آشکار شد و به‌قول خود علامه «گاهی می‌شد که در یک مقطع زمانی، سه درس را از یک کتاب می‌گرفتم و می‌خواندم تا بتوانم آن کتاب را به‌راحتی بگذرانم و به‌مرحله

داشت. در زمان علامه این گونه معمول بود که وقتی هنگام مطالعه کتابی به فتوای عالمی می‌رسید، همان قدر که می‌دیدند آن عالم به روایتی از امام صادق (ع) استناد کرده و در میان رواه آن نیز شخصی همچون زراره وجود دارد، دیگر به تفحص بیشتر درباره آن روایت نمی‌پرداختند.

وی عنوان کرد: در آن زمان، دقت بیشتر علمای ما روی مسئله رواه متمرکز شده بود، اما علامه عسکری تحقیق در متن روایت را مورد تأکید خاصی قرار می‌داد. به‌عنوان نمونه ایشان آنقدر آشنایی با متون حدیثی داشت که گاهی با متنی مواجه می‌شد و می‌گفت: این متن، متنی نیست که از یک امام معصوم (ع) صادر شده باشد.

سرپرست دانشکده اصول‌الدین قم با بیان این که علامه عسکری با شناخت شخصی به نام «سیف بن عمر» دریافت که او راویان دروغینی در حدود ۱۵۰ نفر را به‌عنوان صحابه یا تابعین در تاریخ جعل کرده است، تأکید کرد: «بی‌داوود» و «سنائی» از مؤلفان صحاح سته اهل سنت هستند که در کتاب‌هایشان از سیف بن عمر به‌عنوان یک وضاع و شخص غیرقابل اعتماد نام برده شده است.

محمودی اضافه کرد: به خاطر دارم در سفر عمره‌ای مشرف بودم و گاهی روزنامه‌ها را نگاهی می‌کردم، روزی دیدم که یکی از روزنامه‌های عربستان درباره علامه عسکری تیترازه بود و نوشته بود: اگر چنانچه مطلبی که او در کتاب «عبدالله بن سبأ» درباره سیف بن عمر گفته، بپذیریم، باید تمام کتاب‌ها و آثارمان به‌خصوص «منهاج السنه» ابن تیمیّه و دیگر آثار او را که از کتب اساسی ما هستند، کنار بگذاریم.

وی با بیان این که در میان خود آنان درباره ادعای علامه عسکری بحث شده بود، گفت: عده‌ای می‌گفتند که باید این شخص (یعنی علامه عسکری) را مرتد بدانیم و باید او را اعدام کنیم. عده دیگری از خود آنان نیز می‌گفتند: او یک ادعای علمی کرده و به دلایل علمی استناد کرده، شما هم باید با دلایل علمی به او پاسخ دهید.

سرپرست دانشکده اصول‌الدین قم تصریح کرد: من چند نسخه از آن روزنامه را نزد علامه عسکری بردم و جریان اختلاف پیش آمده میان آن افراد را بیان کردم، علامه خندیدند و گفتند: من همین را می‌خواستم که خودشان به فکر بیفتند و خودشان درباره سیف بن عمر تحقیق کنند تا واقعیت را درک کنند.

محمودی اظهار کرد: علامه عسکری با انجام تحقیقات گسترده‌ای درباره «سیف بن عمر» اثبات کرد که او شخصی کذاب، دروغ‌پرداز، وضاع و جعل‌کننده است.

نتیجه تحقیقات علامه عسکری این شد که تا امروز اهل تسنن و به‌ویژه وهابیت، نتوانسته‌اند علیه تحقیقات علامه عسکری مبنی بر خیالی بودن شخصیت «عبدالله بن سبأ» فعالیت علمی داشته باشند. عبدالله بن سبأ، به قول سیف بن عمر که او را وضع و جعل کرده، یمنی و یهودی بوده و با این قصد که مذهب جدیدی را تأسیس کند، شیعه را پایه‌گذاری کرده است.

محمودی با اشاره به نام‌های دیگری که برای آن فرقه

شیعه ساختگی گذاشته‌اند، عنوان کرد: سبئیّه، ائنی عشریه و روافض از نام‌های دیگری است که برای شیعه ذکر کرده‌اند. علامه عسکری با نوشتن کتاب «عبدالله بن سبأ» به این نتیجه رسید که وجود این شخص یک افسانه است و او وجود خارجی نداشته است.

سرپرست دانشکده اصول‌الدین قم اضافه کرد: علامه عسکری همچنین درباره این مسئله کتاب دیگری با نام «الاسطورة السبئیّه» نوشتند که در دو جلد منتشر شده است. اولین کتاب‌هایی که ایشان چاپ کردند، کتاب‌های «عبدالله بن سبأ»، «الاسطورة السبئیّه» و «یک‌صد و پنجاه صحابی ساختگی» است.

وی با بیان اینکه علامه عسکری می‌گفت: من درباره دو نفر دیگر نیز تحقیق می‌کردم، گفت: به باور ایشان، چهار نفر بوده‌اند که به کتب حدیث پیامبر اکرم (ص) لطمه اساسی زده بودند: «سیف بن عمر»، «عایشه»، «بوهریره» و «ابن عباس»؛ مرحوم سید عبدالحسین شرف‌الدین درباره «ابن عباس» و «بوهریره» بحث کرده‌اند و تحقیق درباره «سیف بن عمر» و «عایشه» باقیمانده بود.

محمودی ادامه داد: نکته دیگری که در آثار علامه عسکری زیاد مشاهده می‌شود و در سایر آثار کم‌تر دیده می‌شود و یا گاهی اصلاً دیده نمی‌شود، این است که ایشان در قضاوت‌های خود از سیره نیز استفاده می‌کرده است؛ یعنی علامه می‌فرمود: سیره که عبارت است از گفتار، رفتار و تقریر معصومان (ع) نیز باید مورد استناد و توجه قرار بگیرد.

وی با بیان این که به باور علامه عسکری ما نباید به استناد به گفتار معصومان (ع) اکتفا کنیم، تأکید کرد: به‌عنوان نمونه وقتی یک معصوم (ع) در مواجهه با شخصی، رفتار و عکس‌العمل خاصی انجام می‌دهند، ما باید به آن رفتار نیز توجه ویژه داشته باشیم و می‌توانیم در استنادات و استدلال‌های خود از آن نیز بهره ببریم.

محمودی تصریح کرد: یکی دیگر از ویژگی‌های علامه عسکری این بود که در آثار خود، ادب و اخلاق را رعایت کرده‌اند. اخلاق و ادب را در کتاب‌هایی که نقد می‌کردند، رعایت می‌کردند. به‌عنوان نمونه در همین کتاب «عبدالله بن سبأ» یا در کتاب «یک‌صد و پنجاه صحابی ساختگی» هیچ‌گاه اسم آن افراد را به بدی نام نمی‌برد.

سرپرست دانشکده اصول‌الدین قم با اشاره به یکی از آثار علامه عسکری که درباره عایشه و احادیث اوست، گفت: برای آن کتاب، این گونه نام گذاشتند: «احادیث ام‌المؤمنین عایشه»؛

یعنی از واژه «ام‌المؤمنین» استفاده کردند؛ چرا که او همسر پیامبر اکرم (ص) بوده است و قرآن کریم می‌فرماید: «همسران پیامبر اکرم (ص) مادران شما هستند.»

وی اضافه کرد: این یک سیره بسیار پسندیده است که تمام محققان و پژوهشگران در تحقیقات خود اخلاق و احترام به دیگران را رعایت کنند. ما این مطلب را در رفتار علامه عسکری دیدیم که اگر یک محقق، آداب و اخلاق را در کتاب‌هایش در رابطه با مخالفان رعایت کند، اثربخشی و تأثیرگذاری مطالب و نوشته‌های او بر مخاطبان بیشتر خواهد بود.

محمودی اظهار کرد: نظر مرحوم علامه عسکری درباره اصل زیارت عاشورا و حدیث کساء این است که این زیارت وجود دارد، اما آن زیارت عاشورایی که امروز در مفاتیح‌الجنان آمده است، بخش پایانی زیارت عاشورا در اصل این زیارت نبوده است.

وی افزود: کتاب «کامل‌الزیارات» بر کتاب‌هایی همچون «مصباح‌المتجهدين» شیخ طوسی و «مفاتیح‌الجنان» تقدم تاریخی دارد. در مفاتیح‌الجنان زیارت عاشورا به نقل از مصباح‌المتجهدين آمده است، اما در کتاب «کامل‌الزیارات» زیارت عاشورا بدون لعن انتهای آن آمده است؛ لذا علامه عسکری بر این عقیده بود که لعن انتهای جزء زیارت عاشورای اصلی نیست و بعداً آن را اضافه کرده‌اند.

سرپرست دانشکده اصول‌الدین با بیان این که علامه عسکری سفری به ترکیه داشت و در سمیناری که در آنجا تشکیل شده بود، شرکت و سخنرانی کرد، گفت: ایشان در آن سفر نیز عقیده خود درباره زیارت عاشورا و این که لعن انتهای آن در اصل زیارت نبوده، عنوان کرده و بعداً افراد بسیاری او را متهم به این می‌کردند که اصلاً زیارت عاشورا را قبول ندارد.

محمودی تأکید کرد: از علامه عسکری در همین رابطه شنیدیم که اساساً به اخلاق و سیره معصوم (ع) نمی‌آید که دشمن خود را لعن و سب کند. همچنین درباره آن سفر ترکیه، باید بگوییم که سمیناری برای دین‌شناسی با بودجه وهابیت برگزار شده بود و سران وهابیت در آنجا شرکت کرده بودند، قرار بود که در قالب دفاع از اسلام و دین، گروه‌های خارج از دایره دین را بررسی کنند و اجمالاً ثابت کنند که شیعه، مسلمان نیست.

وی با بیان اینکه «احمد کاتب» نیز به‌عنوان یکی از چهره‌های سرشناس شیعه در آن جلسه حضور داشت، گفت: این شخص منکر

وجود حضرت مهدی (عج) است و وهابیت با برپا کردن این برنامه قصد داشتند تا شیعه و شیعیان را بدنام کنند. همچنین یکی از حاضران آن جلسه، دانشجویی بود که دروس خود را تمام کرده بود و در مقطع دکتری مشغول نوشتن رساله‌اش با موضوع شیعه بود که در رابطه با موضوع رساله‌اش در آن جلسه حضور یافته بود.

سرپرست دانشکده اصول‌الدین قم ادامه داد: آن دانشجوی بعد از برگزاری جلسه به محل استقرار علامه عسکری مراجعه می‌کند و از ایشان وقت ملاقات می‌گیرد. تحقیقات خود درباره شیعه که مربوط به رساله دکتری‌اش می‌شد، به علامه نشان می‌دهد و می‌گوید: من اهل ترکیه هستم و می‌خواستم درباره شیعه تحقیق کنم و این فرقه را محکوم به گمراهی کنم.

وی ادامه داد: آن دانشجو به علامه گفته بود که بعد از سخنرانی شما درباره شیعه، تصمیم گرفته‌ام تا به نفع شیعه تحقیق کنم و اصلاً نظرم درباره عقاید شیعه به کلی تغییر کرده و به این نتیجه رسیده‌ام که آنچه شیعه می‌گوید، صحیح است. در آن سمینار به چند روایت جعلی استناد کرده بودند که در اصول کافی آمده است.

محمودی گفت: علامه در آن سمینار دو برابر و چند برابر از آن احادیث را از منابع اهل سنت و صحاح سته آن‌ها استخراج کرده بود و به آن‌ها نشان داده بود که احادیث جعلی در کتاب‌های اهل سنت، بسیار زیاد است. علامه آنجا مطرح می‌کند که درست نیست که شما بنشینید و به شیعه تهمت بزنید و دشنام بدهید و ما هم بخواهیم به همین روش با شما رفتار کنیم.

وی تصریح کرد: علامه عسکری در آن جلسه پیشنهاد داده بود که یکی از مصوبات این سمینار این باشد که هر کدام از شیعه و سنی به سراغ منابع حدیثی اصلی خود برویم و احادیث جعلی و ضعیف را که از حیث راوی یا متن، مورد اعتماد نیست، استخراج کنیم و کتاب‌های احادیث‌مان را به شکل تصفیه‌شده‌ای چاپ کنیم، که آن‌ها نیز این پیشنهاد علامه را پذیرفته بودند.

وی در رابطه با دانشکده اصول‌الدین اظهار کرد: علامه عسکری در سال ۷۴ خدمت‌مقام معظم رهبری می‌رسد، البته این دو بزرگوار گاهی به صحبت می‌نشستند و به‌ویژه درباره حدیث‌شناسی با هم گفت‌وگو می‌کردند. در آن زمان مقام معظم رهبری نامه‌ای را به علامه عسکری می‌نویسند. ایشان در آن نامه قید می‌فرمایند که مایل هستم همان دانشکده‌ای

که در بغداد داشتید و جوان‌ها را تربیت می‌کردید، در ایران و با مرکزیت قم تأسیس کنید. ایشان در آن نامه به تمام دستگاه‌های دولتی مربوط نیز دستور می‌دهند تا با علامه عسکری در زمینه تأسیس دانشکده اصول‌الدین همکاری کنند.

سرپرست دانشکده اصول‌الدین با بیان این که آیت‌الله سیدنورالدین اشکوری یکی از شاگردان میرز شهید سیدمحمدباقر صدر بود و با علامه عسکری نیز مرادداشت، تأکید کرد: روزی آیت‌الله اشکوری در تماسی خواستار شدند که بعدازظهر یک‌ساعت خدمتشان برسم و بنده رفتم. ایشان مطرح کرد که علامه عسکری اکنون در حال استراحت است، حدود نیم‌ساعت دیگر پایین می‌آیند و می‌خواهند درباره راه‌اندازی دانشکده با شما صحبت کنند. این اولین مرتبه بود که بنده به شکل حضوری خدمت علامه عسکری رسیدم. وقتی علامه آمدند، خدمتشان عرض ادب کردم. ایشان فرمود: مجوز را گرفته‌ایم و می‌خواهیم دانشکده را راه‌اندازی کنیم. شما مقدمات کار را فراهم کنید

وی با بیان این که آن زمان بنده به‌دنبال ساختمان گشتم، گفت: ساختمانی را اجاره و آن‌را تجهیز کردیم و اولین دوره دانشجویان را در رشته علوم قرآن و حدیث در مقطع کارشناسی‌ارشد گرفتیم. در میان هیئت امانت و هیئت مؤسس دانشکده، افراد بسیار گرانقدری از جمله آیت‌الله آصفی، آیت‌الله کمال فقیه‌ایمانی و آیت‌الله تسخیری بوده و هستند

سرپرست دانشکده اصول‌الدین قم ادامه داد: دو سال در همان ساختمان اجاره‌ای بودیم، بعد زمینی را در خیابان عمار یاسر سوم کنونی از سازمان اوقاف گرفتیم. آن موقع آنجا بیابانی بود و هیچ ساختمانی هم وجود نداشت. دو نفر از افراد خیر تقبل کردند که ساختمان و مسجد و حسینیه دانشکده را در آن زمین بنا کنند.

وی ادامه داد: بعد از ساخته‌شدن ساختمان جدید و انتقال به آنجا فعالیت دانشکده بسیار بیشتر شد و در حال حاضر در هر سه مقطع کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکتری برای رشته علوم قرآن و حدیث و همچنین در رشته‌های فقه و حقوق اسلامی و زبان و ادبیات عربی فعلاً در مقطع کارشناسی دانشجویی پذیریم.

محمودی با بیان اینکه توکل علامه عسکری بسیار عجیب بود، گفت: شاهد بودم که در

رابطه با امور مربوط به دانشکده، توکل ایشان فوق‌العاده بود. گاهی می‌شد به ایشان می‌گفتم که حقوق اساتید و کارمندان دو ماه عقب می‌افتاد و هیچ پولی نداشتیم، اما او با خنده می‌گفت: آیا تا الان مانده‌ایم؟ عرض کردم: خیر، رزق و روزی می‌رسد.

وی تصریح کرد: علامه برایم نقل کرد: آن وقت که در سامراء زندگی می‌کردم، زمانی پول نداشتیم گوشت بخرم و آبگوشت درست کنم، به جایش قلم می‌خریدم و به جای گوشت با قلم، آبگوشت درست می‌کردم و می‌خوردم. سپس به بنده گفتم: نگران نباش، رزق و روزی می‌رسد. محمودی عنوان کرد: یک مرتبه به علامه عسکری گفتم: در دانشکده پول نداریم و کار فوری پیش آمده است. یک شخصی از کویت سه‌هزار دلار به علامه عسکری داده بود تا به لندن برود و قلبش را عمل کند. علامه آن پول را داد و گفت: با این پول، امورات دانشکده را بگردان. این مطلب را بعداً متوجه شدم که این همان پول عمل قلبشان بود. سرپرست دانشکده اصول‌الدین قم با بیان این که علامه عسکری خودشان با خوابگاه دانشجویان تماس می‌گرفت و آن‌ها را صدا می‌زد تا به دانشکده بیایند. از آن‌ها می‌پرسید که آیا مشکلی در خوابگاه و دانشگاه ندارید؟ غذا مشکلی ندارد؟ و بعد از این، برای آن‌ها صحبت کوتاهی می‌کرد. باور کنید تأثیر این صحبت در روحیه دانشجویان بیش از تأثیر دروس همه اساتید بود.

وی افزود: دانشکده اصول‌الدین در ابتدای تأسیس، امکانات بسیار محدودی داشت. آن زمانی که دانشکده اصول‌الدین تازه تأسیس و در ساختمان استیجاری بود، سه اتاق بیشتر نداشتیم. یک اتاق، کلاس کارشناسی‌ارشد بود، یک اتاق برای معاونت دانشجویی، آموزشی و پژوهشی و یک اتاق هم برای اساتید، مهمان‌ها و رئیس دانشکده بود. بنده و آقای شریف‌عسکری هم که در معاونت اداری و مالی بودیم، وسایلمان را در آشپزخانه گذاشته بودیم.

وی افزود: حتی دبیرخانه ما در حیات خلوت آن ساختمان بود که اندازه‌اش یک‌ونیم متر در یک‌ونیم متر بود. با این که امکانات ما در این حد بود، اما علامه عسکری اصرار داشت که به هر نحوی شده باید یک اتاق را برای دانشجویان دختر فراهم کنید تا بتوانند برای اقامت از آن استفاده کنند و نیازی به رفتن به مسافرخانه نداشته باشند.

محمودی با بیان این که درس‌های دانشجویان در سه روز بود، گفت: دانشجویان باید دو شب در قم می‌ماندند و ما مطلع نبودیم، بعداً متوجه شدیم که چند هفته به مسجد جمکران یا حرم حضرت معصومه (س) رفته بودند و شب را تا صبح سپری کرده بودند تا این که بالاخره یکی از اتاق‌های ساختمان دانشکده را برای اقامت ویژه دختران دانشجویان در نظر گرفتیم.

علی محمودی با بیان این که بسیاری از نمایندگان مجلس کنونی عراق نیز از فارغ‌التحصیلان دانشکده اصول‌الدین (در عراق) هستند، عنوان کرد: هنگامی که بنده در آنجا تحصیل می‌کردم، به خاطر دارم که قرار بود شهید صدر در آنجا به تدریس بپردازد، ولی به دلایلی عذر خواست و شاگردش را برای تدریس فرستاد.



## علامه عسکری و واقعه سقیفه

■ کتاب «سقیفه» یکی از آثار ارزشمند علامه سیدمرتضی عسکری است که در آن با تیزبینی و موشکافی تاریخی به بازخوانی ریشه‌های شکل‌گیری واقعه سقیفه پرداخته شده است.

به هیچ‌کدام اهانت نکرد و وقتی ایشان تاریخ را نقل می‌کند، کاملاً بی‌طرف نقل می‌کند، حتی هر جایی که لازم باشد، با عنوانی که قرآن گذاشته، مطلب را بیان می‌کند. به عنوان مثال، علامه عسکری می‌گوید: عایشه ام‌المؤمنین و این لقب را قرآن کریم برای

محمد دزفولی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و از شاگردان علامه عسکری، اظهار کرد: علامه اعتقادشان بر این بود که ما وحدت شیعه و سنی ممکن است داشته باشیم، اما وحدت تشیع و تسنن بعید است. علامه عسکری معتقد بود چون تشیع یک تفکر است و تسنن هم یک تفکر است و این‌ها دو تفکر متضاد هستند، نمی‌توان دو تفکر متضاد را با هم جمع کرد، اما بین شیعه و سنی یعنی بین افراد می‌توانیم وحدت ایجاد کنیم و افراد را به هم نزدیک کنیم. دزفولی ادامه داد: خود علامه عسکری سیره‌اش این بود، هیچ‌گاه به هیچ‌یک از اهل تسنن ناسزا نگفت و



زنان پیامبر(ص) گذاشته است که آن‌ها بعد از پیامبر(ص) ازدواج نکنند و حکم مادر مؤمنان را داشته باشند؛ به همین جهت خداوند متعال لقب ام‌المؤمنین را برای زنان پیامبر(ص) قرار داده است. وی با بیان این‌که علامه عسکری بین عقاید شیعه و سنی مقایسه می‌کند، گفت: به‌خصوص در کتاب «معالم المدرستین» (نشانه‌های دو مکتب) این‌گونه است. علامه بیان می‌کند که خداوند در مکتب اهل بیت(ع) چگونه معرفی شده و در مکتب اهل سنت به چه نحوی معرفی شده است.

دزفولی عنوان کرد: علامه عسکری بیان می‌کند که اهل سنت معتقدند که خدای متعال در روز قیامت دیده خواهد شد و مؤمنان او را خواهند دید. همچنین آنها اعتقاد دارند که خداوند دارای دو دست بزرگ است؛ چون در قرآن آمده است: «يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ؛ بلکه هر دو دست او گشاده است». علامه تأکید می‌کند که اهل سنت معتقدند خداوند دارای چهارپای آراسته به عظمت است؛ چون در قرآن آمده است: «وَبِئَاتِي وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ؛ ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند».

این محقق و پژوهشگر تصریح کرد: علامه عسکری همین مطالب را ذکر می‌کند و می‌گوید که در کتاب‌های اهل سنت، درباره خداوند چنین اعتقاداتی وجود دارد، اما در کتاب‌های مکتب اهل بیت(ع) به شکل دیگری این مباحث آمده است. علامه بیان می‌کند که من به هیچ‌وجه قضاوت نمی‌کنم، شما خودتان درباره این مطالب قضاوت کنید. ایشان همچنین بیان می‌کند که در کتاب‌های ما پیروان مکتب اهل بیت(ع)، پیامبر اکرم(ص) معصوم هستند، اما در کتاب‌های شما اهل سنت بیان شده که رسول خدا(ص) خطاهایی را مرتکب شده است؛ مانند اینکه قرآن را فراموش می‌کند، نماز چهار رکعتی را دو رکعت می‌خواند، نمی‌داند گرده‌افشانی چیست.

وی با اشاره به دیدگاه علامه عسکری درباره قرآن کریم اظهار کرد: علامه همچنین درباره قرآن کریم بیان می‌کند که اهل سنت چه عقایدی دارند و پیروان مکتب اهل بیت(ع) چه نظراتی دارند. علامه این مطالب را به صورت مقایسه‌ای در کنار هم می‌آورد و

در کتاب «معالم المدرستین» این کار انجام شده است. هر کسی که این کتاب را منصفانه می‌خواند، می‌بیند که هیچ چاره‌ای ندارد، جز این‌که سر تسلیم فرود بیاورد که حق با مکتب اهل بیت(ع) است. علامه این مطالب را بدون هیچ‌گونه اهانتی بیان می‌کند و تأکید می‌کند که باید حول محور حقیقت با هم متحد شویم، نه حول محور باطل. به همین دلیل بود که بسیاری از اهل سنت به مکتب اهل بیت(ع) روی آوردند و من آن‌ها را دارم. از مصر می‌دیدم که یک مهندس برای علامه عسکری نامه نوشته بود و اسامی بیش از سی نفر را ذکر کرده و گفته که همه آن‌ها را به تشیع فراخوانده است.

وی با بیان این‌که تمام این افراد در نقاط مختلف دنیا با خواندن کتاب‌ها و آثار علامه عسکری به مذهب تشیع می‌گرویدند، گفت: علامه در کتاب سقیفه هم همچون کتاب‌های دیگرش مسائل را به‌خوبی نقل و تبیین کرده است. خواننده آثار علامه عسکری خودش می‌تواند به نتیجه‌گیری برسد، علامه هیچ‌گاه خودش مستقیماً نتیجه‌گیری نمی‌کند، ولی چپش حقایق به‌گونه‌ای است که ناخودآگاه در این ریل هر کس حرکت کند، به این مقصد می‌رسد که مکتب اهل بیت(ع) حق است.

وی با اشاره به برخی از مثال‌های تطبیق‌های علامه عسکری گفت: در کتاب سقیفه به عنوان مثال، درباره اسامی آن منافقانی که در ترور پیامبر(ص) شرکت داشتند، در کتب اهل سنت (در کتاب «المحلی» نوشته ابن حزم اندلسی، جلد ۱۱، صفحه ۲۲۴) این‌گونه آمده است و در کتاب‌های شیعه، در بحار الانوار، جلد ۲۸، صفحه ۱۰۰ به‌گونه دیگری بیان شده است. یعنی دقیقاً از هر دو منبع شیعه و سنی مباحث را بیان می‌کنند. وی با بیان این‌که کتاب «سقیفه» از جهت بررسی مسائل تاریخی، کتاب بسیار ارزنده تاریخی است، اظهار کرد: این اثر برای کسانی است که می‌خواهند در تاریخ کار کنند و چگونگی زور و تاریخ و چگونگی بررسی مطالب را ببینند، بسیار مفید است. کتاب «سقیفه» نگاه به حوادث را به‌خوبی در پیش روی خواننده قرار می‌دهد. از طرفی نیز شیوه برخورد با کسانی که در مکتب اهل بیت(ع) نیستند، در این کتاب به‌خوبی به نمایش گذاشته شده است؛ یعنی نوع برخورد مؤدبانه و منطقی علامه عسکری

دقیقاً در این کتاب به چشم می‌خورد و از طرفی نیز به نوعی ذکر مصائب اهل بیت(ع) هم هست؛ البته به شکلی کاملاً علمی و دقیق.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران تأکید کرد: این کتاب نثر روانی دارد و برای همگان قابل فهم و قابل استفاده است و کتاب بسیار مستندی است. سعی علامه عسکری این بوده که تمام منابع از منابع اهل سنت آورده شود، مگر بعضی مطالب بسیار اندک که از منابع شیعی نقل شده است. کتاب «سقیفه»، کتابی اعتقادی، علمی، تاریخی و از همه جهت جامع است، افزود: مطالب کتاب سقیفه به شکلی در کنار هم چیده شده و انتخاب شده که خواننده کاملاً پی می‌برد که نه چیزی بر او تحمیل شده و نه دروغی در کتاب آمده و نه مطالبی خارج از منطق بیان شده است.

دزفولی با بیان اینکه علامه عسکری حقایق تاریخی را در مقابل دیدگان خواننده قرار داده است، اذعان کرد: اگر بخواهیم کار علامه را تشبیه کنیم، مثل یک باستان‌شناس است که با یک قلم‌مو آرام‌آرام خاک‌ها و غبارهای روی یک اثر تاریخی را کنار می‌زند تا حقیقت خود آن شیء آشکار شود. علامه عسکری در کتاب سقیفه به این صورت عمل کرده است که حقیقت واقعه سقیفه را برای خواننده به نمایش می‌گذارد و خود خواننده درباره حقیقت مسئله قضاوت می‌کند و در نتیجه به حقانیت مکتب اهل بیت(ع) پی می‌برد.

وی با بیان اینکه شخصیت علمی علامه عسکری در کتاب‌ها و آثارش شناخته می‌شود، گفت: از لحاظ درایت و تیزبینی باید عرض کنم که این بزرگ‌مرد، کسی بود که پنجاه سال قبل به‌خوبی تشخیص داد که نقطه خطر در مسائل اعتقادی کجاست و از همان زمان شروع کرد؛ به‌طوری‌که امروز ما متوجه می‌شویم که این تفکر وهابیت چه خطری برای دنیای اسلام دارد و چه آثار سوئی را برای مسلمانان دارد. ایشان از ابتدا که شروع به کار کرد، خودشان ذکر کرده‌اند که ۱۳ ساله بودم که روی پیشانی‌ام نوشتن: «وقف اهل بیت(ع)» و این اواخر که خدمتشان بودیم، می‌فرمود که الحمدلله خلافتی در مورد این وقف انجام ندادم؛ یعنی از ۱۳ سالگی تا ۹۶ سالگی در این ۸۳ سال عمر تماماً در این جهت کار کردم و چیزی را از دست ندادم و عمرم را در راه دیگری صرف نکردم.

وی ادامه داد: علامه در زمانی دیگر می‌فرمودند که من وقتی مصیبت‌هایی را که بر حضرت زهرا(س) وارد شده بود، مرور می‌کردم گفتم: به خدا قسم! فرزند زهرا(س) نیستم اگر انتقام مادرم را نگیرم و البته انتقامی که ایشان می‌خواست بگیرد، به این شکل بود که دست دشمنان ناآگاه را بگیرد و هدایت کند و الحق هم این‌گونه شد. علامه عسکری با آثارش هزاران نفر را به مکتب اهل بیت(ع) دعوت کرد، بسیاری از این کسانی که دعوت شدند و آمدند و مکتب اهل بیت(ع) را پذیرفتند، نامه

نوشتند برای مرحوم علامه عسکری و تعدادی از این نامه‌ها الآن کپی‌اش نزد من موجود است.

وی ادامه داد: مرحوم علامه این نامه‌ها را داده بودند ترجمه شود، ولی بعد خودشان فرمودند که نه، می‌ترسم در کشورشان این افراد را آزار بدهند. از سراسر جهان برای ایشان نامه آمده بود. از شرق و کشورهایمانند ژاپن و همچنین از کشورهایمانند استرالیا تا کشورهای غربی از جمله کانادا، همچنین کشورهای اروپایی و از همه این کشورها برای علامه عسکری نامه آمده بود. قبل از سرنگونی رژیم مبارک در مصر هم یکی از کتاب‌های علامه عسکری به نام «معالم المدرستین» (نشانه‌های دو مکتب) را اگر از کسی می‌گرفتند، سه سال زندانی‌اش می‌کردند و داشتن این کتاب در مصر، جرم بزرگی محسوب می‌شد.

وی با بیان اینکه علامه عسکری در بیرون از ایران بسیار شناخته‌شده‌تر است تا در داخل ایران، گفت: علتش هم این است که مسائل و مطالبی را که ایشان در کتاب‌هایش مطرح می‌کنند، مابۀ‌الابتلاء بسیاری از این کشورهایی است که با مکتب اهل بیت (ع) آشنا نیستند. در کشور خودمان الحمدلله مردم در دریای پهناور معارف اهل بیت (ع) شناور هستند و از همه‌جهت اشباع شده‌اند، اما در آن کشورها و در کشورهای مسلمان غیرشیعه متأسفانه بسیاری از افراد با این معارف آشنا نیستند و وقتی با این مطالب روبه‌رو می‌شوند و آن‌ها را می‌خوانند، روی آن‌ها اثر فراوانی می‌گذارد.

وی اضافه کرد: علامه عسکری از ابتدا احساس کرد که در این زمینه باید کاری انجام بدهند، خودشان گفتند انگیزه بیشتری که در من ایجاد شد، به خاطر مطالعه کتاب‌هایی بود که در کتابخانه پدر بزرگم میرزا محمد تهرانی در سامراء بود. علامه گفتند که کتاب‌های کتابخانه ایشان را می‌خواندم و خصوصاً به کتاب‌های مستشرقین و سفرنامه‌ها بسیار علاقه‌مند بودم و وقتی آن‌ها را می‌خواندم، احساس می‌کردم که این‌ها چقدر با برنامه می‌آیند به این کشورهای مسلمان و حساب‌شده برنامه‌ریزی می‌کنند برای آینده‌شان و برای کارهایشان؛ لذا تصمیم گرفتم که بیشتر این‌ها را بشناسم و درد جوامع اسلامی را بیشتر آشنا شوم. وی با بیان اینکه علامه عسکری فعالیتش را از هر جهت شروع کرد، تأکید کرد: ایشان هم از جهت علمی و هم از جهت عملی به فعالیت می‌پرداخت. وی دبستانی را در بغداد تأسیس می‌کند و حاصل آن دبستان امروز آقای «نوری مالکی» و بعضی از معاونان ایشان در عراق است. علامه عسکری فکر نمی‌کرد که من دبستانی را ایجاد کنم و چند نفر بیایند، چه اثری دارد؟ ایشان می‌گفت من این

کار را راه می‌اندازم و کارم را شروع می‌کنم، قطعاً اثر خودش را خواهد داشت و همین‌طور هم شد و هرچه که الآن مسئولان متعهد کشور عراق انجام می‌دهند، آثار کاری است که علامه عسکری در آن زمان انجام داد.

عضوهیئت علمی دانشگاه تهران تصریح کرد: علامه عسکری فعالیت‌های خود را از دبستان کوچک شروع کرد و خودش می‌گفت که نتیجه کارمان را در دبیرستان ببینیم و بعد دبیرستانی تأسیس کردند و بعد گفتند فارغ‌التحصیلان خودمان را به کار بگیریم؛ لذا دانشکده اصول‌الدین را تأسیس کردند که ابتدا در بغداد بود. فعالیت‌های سیاسی علامه عسکری منجر به این شد که حکم اعدام ایشان را صدام صادر کند و ایشان پنهانی از عراق خارج شد و دانشکده اصول‌الدین در عراق تعطیل شد، اما این پیرمرد بسیار توانا در سن ۸۶ سالگی هم دست از کار نکشید و دانشکده اصول‌الدین را در ایران تشکیل داد.

وی اذعان کرد: هرکسی در سن ایشان بود، دست از کار می‌کشید و می‌گفت ما دیگر بازنشست شده‌ایم ولی علامه عسکری وقتی به ایران آمد تازه کارش را شروع کرد و در آن سن دانشکده اصول‌الدین را با سه شعبه در تهران، قم و دزفول تأسیس کرد. بعد از سقوط صدام هم دوباره ایشان فعالیتش را در عراق شروع کرد و باز الآن این دانشکده در عراق هم فعال است. جوانب زندگی علامه عسکری را اگر بخواهیم بررسی کنیم، ساعت‌های طولانی زمان می‌خواهد.

وی اظهار کرد: چیزی را که ما بسیار درس می‌گرفتیم از ایشان - چون بیش از ۲۰ سال شاگردی کردیم در محضر علامه عسکری و از شاگردان خصوصی ایشان به حساب می‌آمدیم - و آنچه را ما از زندگی ایشان درس گرفتیم، خستگی‌ناپذیری ایشان بود. علامه عسکری را پزشک مأمور کرده بود که از نیم‌ساعت بیشتر نباید صحبت کند، ولی ایشان می‌نشستند و دو ساعت درس می‌گفتند. هیچ‌گاه از خاطر نمی‌رود که روز جمع‌های بود که درس تمام شد، ایشان گفتند که اگر شما - دو نفر بودیم

که خدمتشان بودیم من به اتفاق آقای دکتر دشتی که استاد دانشگاه علامه طباطبایی هستند، دو نفری خدمتشان می‌رفتیم - علامه گفتند شما هم بیایید. رفتیم اتاق کنار در همان دانشکده اصول‌الدین که در خیابان شهید باهنر است، بعد تازه شروع کردند به گفت‌وگو و پاسخ به سؤالاتی که از طریق اینترنت از سراسر جهان انجام می‌شد.

وی ادامه داد: علامه نشستند پای کامپیوتر و کسی که مسئول بود، ارتباط برقرار می‌کرد به صورت مستقیم با سراسر جهان و سؤال می‌کردند و علامه همانجا می‌نشست و پاسخ می‌داد. این برای ما بسیار عبرت‌آموز بود که هیچ‌گاه ایشان خسته نمی‌شد. حتی این اواخر که هر دو کلیه ایشان از کار افتاده بود و در بیمارستان بود، به عیادت ایشان می‌رفتیم، هیچ‌گاه ندیدیم ایشان از درد بدن شکایت کنند، اصلاً چیزی از بدن و سختی بیماری نمی‌گفتند و فقط می‌پرسیدند در دانشگاه چه خبر؟ سؤال جدید؟ فکر جدید و مسائل جدید چه هست؟

وی با بیان این‌که علامه عسکری دائماً در فکر این بودند که گوشه‌ای از دردهای جهان اسلام را ایشان درمان کنند، عنوان کرد: سراسر زندگی ایشان درس آموز بود. ایشان برای انجام این کارهایشان و برای آشناسدن با مردم دنیا به کشورهای مختلف در دنیا سفر کرده بود و تمام کشورهای عربی را حتی تا چین ایشان مسافرت کرده بود و آشنا بود با جهان و با تفکر جهان آشنا بود. علامه عسکری با شخصیت‌های علمی غیراهل بیتی گفت‌وگوهای فراوانی کرده بود. با بن‌باز، امام جماعت مسجد مدینه که فوت شد و نابینا بود و به قول علامه عسکری کور ظاهر و باطن بود، با ایشان بحث‌های مفصلی داشت.

وی با اشاره به تیزبینی علامه عسکری در تاریخ بسیار شگفت‌انگیز است، گفت: افراد زیادی هستند که تاریخ را می‌خوانند و در مرداب تاریخ گرفتار می‌شوند ولی علامه عسکری به خوبی و کاملاً مسلط بود و می‌دانست که چگونه باید از تاریخ خارج شود و به مسائل، اشراف کاملی داشت.

# تبیین ژرفای معارف دینی از توحید تا اخلاق



■ علامه عسکری در  
حقیقت به ژرفا و عمق  
معارف دینی توجه  
داشت و در آثار خود  
می‌خواست نظامی از  
معارف دینی را بنا کند  
که از مباحث توحیدی  
شروع می‌شود و مسائل  
اعتقادی را در بر داشته  
و تا عمق مقوله‌های  
اخلاقی و مسائل فقهی و  
فکری دین ادامه می‌یابد.

داد، این است که ایشان در حقیقت به ژرفا و عمق معارف دینی توجه داشت و در آثار خود می‌خواست نظامی از معارف دینی را بنا کند که از مباحث توحیدی شروع شود و مسائل اعتقادی را در بر داشته و تا عمق مقوله‌های اخلاقی و مسائل فقهی و فکری دین ادامه یابد.

این محقق علوم اسلامی تأکید کرد: اولین نکته‌ای که می‌شود درباره علامه عسکری بیان کرد این است که حوزه‌های پژوهشی و مطالعاتی ایشان بسیار وسیع و گسترده است. اگر خواسته باشیم به طور خلاصه اشاره کنیم، اولاً این را عرض کنم که با توجه به اینکه دین اسلام بر انبوهی از معارف مبتنی است که این معارف در کتاب و سنت گرد هم آمده‌اند و از طرفی ما چون از زمان نزول قرآن کریم و صدور روایات اهل بیت (ع) فاصله زمانی طولانی داریم؛ بنابراین برای فهم این دو منبع اصیل دینی محتاج به وسائط علمی هستیم تا بتوانیم این فاصله زمانی را کنار بگذاریم و همانند یک مسلمان عرب هم‌عصر رسول خدا (ص) بتوانیم سخن آنها را فهم کنیم.

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) تصریح کرد: بنابراین برای اولین قدم در مسیر بررسی معارف اسلامی ما نیازمند شناخت زبان دین هستیم. یکی از رویکردهای مهم علامه عسکری، توجه تخصصی به زبان و ادبیات عرب بود که آن را به عنوان مقدمه‌ای برای فهم دین می‌دانست.

وی اضافه کرد: طبعاً لازمه شناخت تخصصی زبان عربی هم این است که مفردات الفاظ عربی و زبان عرب، با توجه به صناعات مختلفی که در آن هست و همچنین، مسائل بلاغی، کنایات، مجازات و... بازشناسی شود. دستور زبان و ادبیات عرب در حد یک صاحب‌نظر و مجتهد فن، مورد نیاز است تا انسان بتواند متون اسلامی را دقیقاً مانند یک عرب هم‌عصر و مخاطب نخستین قرآن و روایات درک کند.

تقویان افزود: نکته دوم این است که یک اسلام‌شناس باید در شناسایی صحابه پیامبر (ص) و ائمه (ع) و انبوه روایات و مؤلفان بسیار زیاد که منعکس‌کننده سیره و سنت پیامبر (ص) و ائمه (ع) هست، باید صاحب‌نظر باشد تا بتواند صحت و سقم احادیث و روایات و سیره را تشخیص دهد. این تخصص طبیعتاً باید تا حدی باشد که بتواند اخباری همچون اسرانیلیات را که متأسفانه در حوزه روایات ما نفوذ کرده است، از روایات صحیح، جدا کند و یا بتواند نفوذ فرهنگ‌های بیگانه را در مدارک دینی تشخیص دهد. تقویان اظهار کرد: برای انجام‌دادن این کار، محقق ناگزیر است که مبانی تفکر و فلسفه و اعتقادات بیگانه را نیز بشناسد؛ زیرا تا این مبانی به طور عمیق و دقیق شناخته نشود، وی نمی‌تواند چگونگی نفوذ فرهنگ بیگانه در مکتب را مورد پژوهش قرار دهد و این علوم به عنوان دومین مقدمه برای شناخت اسلام است؛ علامه عسکری هم واقف به این نکته بود و هم خود در عمل، بیشترین اشراف را بر این علوم داشت.

وی اضافه کرد: از این علوم مقدماتی که بگذریم، به اصل متون دینی می‌رسیم. متونی که بعد از طی کردن علوم مقدماتی به لحاظ محتوایی مورد پژوهش قرار گرفته می‌شوند. اگر در آثار و تألیفات علامه عسکری نظر کنیم، می‌بینیم که ایشان متون دینی را با همه گستره‌ای که دارند، مورد توجه قرار داده بود.

تقویان عنوان کرد: یکی از نکاتی که درباره شخصیت علمی علامه عسکری وجود دارد، این که رویکرد

■ عباس تقویان، عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع) اظهار کرد: سخن گفتن درباره شخصیت جامعی مثل شخصیت علامه سیدمرتضی عسکری واقعا مشکل است؛ زیرا ایشان مصداق یک عالم ربانی بود. ایشان عالم بود از حیث اینکه مسلط بر همه ابعاد و زوایای دین و علوم مختلف اسلامی بود و ربانی بود، به جهت اینکه اخلاق، رفتار و منش اسلامی را با علم خود ممزوج کرده بود.

تقویان ادامه داد: شخصیت علامه عسکری اولین چیزی را که به ذهن انسان متبادر می‌کند، شخصیت ذواب‌عادی است که از منظرهای گوناگون و با استفاده از منابع اصیل اسلامی در جهت تبیین دین تلاش می‌کند؛ به‌ویژه رویکرد عمیق ایشان به قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) مورد توجه است.

وی عنوان کرد: جهت دومی که در شخصیت علمی علامه عسکری می‌توان مورد توجه قرار



ایشان به قرآن کریم به عنوان متن اولیه و اصلی اسلام یک رویکرد عمیق بود. البته علامه چنین دیدگاهی را درباره روایاتی که در ذیل قرآن کریم به تفصیل آمده است، نیز داشت.

وی بیان کرد: نکته دوم، توجه و رویکرد ایشان به متون اعتقادی است که طبیعتاً در مسائل اعتقادات و احتجاج در مسائل فکری ما منابع و گنجینه‌های ارزشمندی است که واقعاً در ذخائر هیچ مذهب و ملتی نمونه و نظیر ندارد و بررسی تمام این‌ها طبعاً برای یک اسلام‌شناس از واجبات است.

این محقق علوم اسلامی عنوان کرد: علامه عسکری به این متون اعتقادی توجه ویژه‌ای داشت و خلأ بزرگی را در زمینه تبیین مسائل اعتقادی احساس کرد و کتابی را تحت عنوان «عقاید اسلام در قرآن کریم» در این زمینه نوشت که واقعاً از شاهکارهای آثار علامه عسکری است.

تقویان عنوان کرد: زمینه سومی که علامه عسکری به آن توجه داشت، اخلاق بود و زمینه چهارم، دستورات عملی و توجه به روایات مربوط به مسائل فقهی و تکلیفی است. زمینه دیگر، دعاها و متون ادعیه‌ای است که از معصومان (ع) روایت شده. زمینه ششم که از زمینه‌های گسترده پژوهشی علامه عسکری است، سیره و تاریخ است.

وی ادامه داد: آنچه از تاریخ اسلام به متن دین ارتباط دارد، دوره‌هایی است که رهبران اسلام در آن زندگی می‌کرده‌اند؛ لذا ادواری از دوران اسلام که نزدیک به دوره جاهلی است و همچنین دوران اسلام در مکه و مدینه و بعد هم دوران ائمه (ع) تا پایان غیبت صغری، تکیه‌گاه اصلی اسلام‌شناسان بوده و به همین دلیل علامه عسکری به سیره و تاریخ در این مقطع توجه ویژه‌ای داشت.

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) تصریح کرد: گستره‌ای که محقق برای استنباط مسائل مربوط به این بخش ناگزیر از مراجعه به آن‌هاست، تشکیل می‌شود از تواریخ عمومی اسلامی، سیره رسول خدا (ص) با مصادیق فراوانی که دارد: ملل و نحل، تاریخ تحول مذاهب، روایات فراوان درباره سیره اهل بیت (ع)، زندگانی اصحاب پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع)، تاریخ خلافت و... که علامه عسکری در این ابعاد تاریخ، نگاه عالمانه‌ای داشت.

وی اظهار کرد: نکته دیگری که درباره شخصیت علمی علامه عسکری باید عرض کنم، این است که ایشان به نقش ائمه اطهار (ع) در احیای دین توجه ویژه‌ای داشت

و کتابی را تحت همین عنوان دارد که در واقع سخنرانی‌های مکتوب شده ایشان است. علامه عسکری در کتاب «نقش ائمه در احیای دین» می‌فرماید که ائمه اطهار (ع) نقش احیاکننده اسلام را بعد از پیامبر اکرم (ص) داشته‌اند و در حقیقت اسلام را بعد از آن که از درون توسط خلفا تپه شده بود و از عرصه زندگی مردم کنار گذاشته شده بود، این ائمه اطهار (ع) بودند که دین را به متن جامعه برگرداندند و تحریف‌هایی را که در دین صورت گرفته بود، از چهره آن زدودند. ائمه معصومین (ع) تلاش کردند تا آن‌را تصحیح کنند و در حقیقت، آن حضرات اسلام از دست‌رفته را زنده کردند.

این محقق علوم اسلامی ادامه داد: نظر علامه عسکری این بود که نقش ائمه (ع) در احیای دین آن‌گونه که باید و شاید، بازنشاسی نشده است و ایشان در این اثر خود نشان دادند که چگونه اسلام فراموش شده توسط اهل بیت (ع) به‌خصوص در زمان حضرات صادقین (ع) تئوریزه شد و مجدداً به جامعه بازگشت.

تقویان اظهار کرد: یکی از نکاتی که علامه عسکری به آن توجه داشت، مقابله ایشان با تلاش‌هایی بود که خاورشناسان غربی برای وارونه نشان دادن تعالیم اسلامی انجام می‌دادند و طبعاً خاورشناسان غربی، خواسته یا ناخواسته به اسرائیلیات تمسک زیادی می‌کردند. نمونه عینی‌اش تمسک خاورشناسان به روایت «افسانه غرانیق» است که متأسفانه در کتاب‌هایی مانند آیات شیطانی به این قبیل روایات بسیار استناد شده است.

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) عنوان کرد: علامه عسکری در آثار متعدد خود از جمله «عقاید اسلام در قرآن کریم» و همچنین در کتاب «معالم المدرستین» کذب بودن این‌گونه روایات را نشان داده‌اند. علامه در یکی از آثار خود اشاره می‌کند که خاورشناسان در ۵۰ سال اخیر تلاش بسیاری کردند تا با نوشتن آثاری از جمله «دائرةالمعارف اسلامی» که توسط جمعی از مستشرقان نوشته شد، به قصد مقابله و تخریب مبانی اسلامی مقالاتی را در مورد موضوعات و مداخل اسلامی نوشتند.

این محقق علوم اسلامی تأکید کرد: علامه عسکری تلاش گسترده‌ای را برای نشان دادن اغراض و نیت‌های سوء مستشرقان آغاز می‌کند و کتاب‌هایی که ایشان سامان داده است، در حقیقت، نیاز جامعه اسلامی به

پاسخ‌دادن به هجمه‌های خاورشناسان غربی بوده است. وی با اشاره به آشنایی علامه عسکری با سایر ادیان عنوان کرد: نکته دیگر درباره علامه رویکرد وی به ادیان دیگر از جمله مسیحیت و یهودیت است که به‌خوبی در کتاب‌های خود ارتباط وثیق بین اسلام و ادیان دیگر را نشان داده و این ارتباط را از دیدگاه قرآن کریم و روایات اسلامی بررسی کرده است.

تقویان تصریح کرد: علامه عسکری با اشرف خود بر کتاب‌های آسمانی خصوصاً تسلط بر نسخه‌های مختلف انجیل، نشان داده که در موارد زیادی از کتب عهد جدید و عهد عتیق، حقایقی وجود داشته که علمای آن ادیان حقایق را پنهان کرده‌اند و این اشارات به آمدن پیامبر آخرالزمان حتی در نسخه‌های موجود انجیل هم وجود دارد.

وی با بیان این که علامه عسکری این مطالب را در برخی کتاب‌های خود از جمله «نقش ائمه (ع) در احیای دین» نشان داده، عنوان کرد: فعالیت دیگری که علامه عسکری در آثار خود به آن پرداخت، این بود که ایشان از همان زمانی که در بغداد بود و دانشکده اصول‌الدین را راه‌اندازی کرد، تا زمانی که به ایران آمد، این جریان را ادامه داد. ایشان خلئی در حوزه‌های علمیه احساس کرد و این مطلب را در آثار متعددش بیان کرده است که چون متون درسی مناسبی برای حوزه‌های علمیه وجود ندارد و متونی که به صورت کلاسیک و آکادمیک طلاب را با علوم اسلامی آشنا کند، نداشته‌ایم، علامه عسکری مجمع علمی اسلامی را تأسیس کرد.

وی افزود: این مجمع با همکاری اساتید بنام حوزوی و دانشگاهی اقدام به تدوین و تألیف کتاب‌های درسی کرد و این مجمع علمی اسلامی که از برکات کارهای علامه عسکری است، تقریباً می‌توان گفت که در تمام حوزه‌های مختلف علوم اسلامی و حوزوی، کتاب‌های منقح و خوبی را ارائه کرده است.

تقویان با بیان این که امروزه بسیاری از آن کتاب‌ها به عنوان متن درسی استفاده می‌شود، گفت: «منطق و مناہج‌البحث»، «قواعد الاملاء»، «کتاب الدرایة»، «علوم القرآن»، همچنین کتب ادبیات عرب از سطوح پایه تا سطوح بالاتر از جمله: «نصاب‌الصبيان»، «تعلیم اللغه العربیة» و «جامع‌المقدمات» است که به صورت منقح شده و آکادمیک در اختیار حوزویان و دانشگاهیان قرار گرفته است.

وی در پایان سخنان‌ش گفت: علامه عسکری رویکرد ویژه دیگری هم داشت که مربوط به پاسخ‌گویی به شبهات وهابیت می‌شود. ایشان جزواتی را تهیه کرده بود و در آن به شبهات وهابیت پاسخ داد و انصافاً در کمتر زمینه‌ای هست که علامه درصدد پاسخ‌گویی به آن وارد نشده باشد. علامه با روش احتجاج‌آمیزی در بحث‌هایی همچون زیارت اهل قبور، شفاعت، عصمت، توسل و... به شبهات وهابیت پاسخ داده است که امروزه نیز می‌تواند پاسخ بسیار مناسبی به این شبهات باشد که به عقاید شیعی وارد می‌شود.



فصل دوم

# نوآوری‌های پژوهشی



# مکتب اهل بیت (ع) و خلفا جایگزین تشیع و تسنن

■ علامه عسکری از یکسو از سبک پژوهش‌های سنتی و حوزوی بهره گرفت و از سوی دیگر، برخی از عناصر تحقیقی و شیوه‌های پژوهشی غرب را نیز اخذ کرد و در خدمت محتوای اسلامی به کار برد.



آیت الله سید محمد قائم مقامی، مدرس حوزه و دانشگاه اظهار کرد: بنای علامه عسکری در فعالیت‌های تقریبی‌شان این بود که مکتب اهل بیت (ع) را - آن چنان که هست - معرفی کند و به نظر من اگر مکتب اهل بیت (ع) به درستی معرفی شود، بزرگ‌ترین جذب‌کننده و بزرگ‌ترین دعوت‌کننده است که خود حضرات اهل بیت (ع) هم این مطلب را بیان کرده‌اند.

قائم مقامی عنوان کرد: مسئله بسیار مهم اکنون برای ما این است که نشان بدهیم که گزارش اسلام - یعنی همان سنت - باید از مجرای اهل بیت (ع) اخذ شود و به عبارت دیگر، سنت پیامبر اکرم (ص) باید از طریق اهل بیت (ع) دریافت شود که خالص‌تر، صحیح‌تر و منقح‌تر است و البته پیش‌فرض این است که مخاطب قبول داشته باشد که تمام اجزا و ابعاد دین - چه اعتقادی، چه اخلاقی، چه فروع - در هر دو مکتب البته با تفاوت‌هایی وجود دارد.

وی با بیان این که علامه عسکری در کتاب «معالم‌المدرستین» به تفاوت‌های دو مکتب اشاره کرده است، گفت: علامه در بحث‌های مختلف دیدگاه‌های هر دو مکتب را بیان کرده و مهم این است که برای بیان دیدگاه اهل سنت از منابع و کتاب‌های خودشان استفاده کرده است. علامه در آنجا در مبحث نبوت و امامت این مطالب را دقیقاً بیان کرده است.

مدرس حوزه و دانشگاه با بیان این که هر دو مکتب شیعه و سنی نسبت به ذی‌القربی محبت دارند، عنوان کرد: اما علامه عسکری به دقت بیان می‌کند و نشان می‌دهد که اهل سنت به محبتی اعتقاد دارند که در آن تبعیت نیست و اصلاً این مبحثی مستقل در معارف بشری است و بحث عجیبی است که دوست داشتن بدون تبعیت چیزی است که ریشه شیطانی دارد و این کار از خود شیطان آغاز شده است.

وی افزود: علامه عسکری همچنین در مباحث دیگری از جمله معاد، حکومت و ولی‌امر مطالب و ویژگی‌های هر دو مکتب اهل بیت (ع) و خلفا را بیان کرده است و اگر حقیقتاً امروزه هم در این حیطه‌ها بحث‌های مستدل و بدون توهین به

طرفین صورت بگیرد، منجر به وحدت و تقریب بین اهل سنت و شیعه می‌شود و ما امروز هم به این مباحث به طور جدی احتیاج داریم.

قائم مقامی با اشاره به دیدگاهی که اهل سنت درباره ولی‌امر دارند، اظهار کرد: این مطلب در صحاح نیز آمده است که از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمودند: بعد از من حاکمان و امامانی می‌آیند که قلب‌هایشان قلب شیطان ولی در جسم انسان است، تابع سنت من نیستند. راوی می‌پرسد: اگر ما به این دوره نامبارک رسیدیم، چه کنیم؟ در آن روایت آمده که پیامبر (ص) فرمودند: بشنو و اطاعت کن! ولو این که آن حاکم مال تو را بگیرد! وی با بیان این که چنین روایاتی تبدیل به یک رکن در سنت برداران عامه ما می‌شود، گفت: بر این مبنای غلط قرن‌ها جلو آمده‌اند و بر همین مبناست که از هر کسی که حاکم دنیای اسلام است، تبعیت می‌کنند. البته بعدها مقداری آن‌را به این شکل اصلاح کرده‌اند که آن حاکم اگر به عنوان مثال به نماز پایبند بود و نماز را می‌خواند، مانعی در اطاعت کردن از او نیست و می‌توان او را به صرف نماز خواندن اطاعت کرد.

این مدرس حوزه و دانشگاه ادامه داد: این یک سنت است که گزارش می‌شود و یک سنت دیگر هم هست که از وجود مقدس امامان معصوم (ع) از جمله امام حسین (ع) گزارش می‌شود که هر کس سلطان جائری را ببیند که حرام خدا را حلال می‌کند، اگر در برابرش قیام نکند، خداوند او را در همان جایی که آن سلطان جائر وارد می‌شود، وارد خواهد کرد. البته هر دوی این مکتب‌ها و گزارش‌ها و همچنین تفاوت‌هایشان باید به طور استدلالی و بدون توهین و تنازل بیان شود.

قائم مقامی با اشاره به شیوه تحقیق علامه عسکری، گفت: البته نه این که بنده بخواهم بگویم به طور کامل همه جهات شیوه تحقیقات ایشان را می‌دانم، ولی آن مقداری که بنده درباره شیوه پژوهش و شیوه تحقیق ایشان برداشت کرده‌ام و همچنین درباره نوع نگاه ایشان به مسئله تاریخ و سنت و دین، اظهار نظر خواهم کرد.

وی افزود: اجمالاً عرض کنم که علامه عسکری این توفیق را داشتند که به تعبیری مجمع‌البحرینی واقعی در پژوهش پدید آوردند. یکی از دو بحر این پژوهش‌هایی که ما الحمدلله تا به حال در فضای حوزوی و سنتی داشته‌ایم، سیستم تحقیقی و پژوهشی است که بحمدلله به‌غایت عمیق، مبارک و خوب است؛ علامه عسکری این جهت را به‌تمامه داشتند.

قائم مقامی با بیان اینکه علامه عسکری شخصیتی بود که کاملاً ریشه در سنت و فقاقت داشت، اظهار کرد: جنبه و بحر دیگر وی این بود که با هوشمندی و روشن‌بینی خود و علمی که داشت، این مطلب را درک کرده بود که در دنیای جدید نیز با همه تباهی‌ها و خرابی‌هایی که دارد، در عین حال بعضاً جنبه‌های مثبتی هم دارد و این واقعیتی است که در هر حال، تمام مجموعه تمدن و فرهنگ غرب، باطل نیست.

وی با بیان این که البته کلیت مجموعه تمدن غرب باطل است، اظهار کرد: تمدن غرب، عناصر حقیقی را در جهات مختلف به کار گرفته است که طبعاً دستور اسلامی و تکلیف این است که انسان بتواند این جنبه‌ها را دقیقاً تمییز دهد و آن‌ها را جدا کند و از وجوه مثبت آن استفاده کرده و آن‌ها را به‌کار بگیرد؛ چرا که این‌ها به هر حال، مقداری اقتضائات زمان است، اگرچه اصل اقتضای زمان را ما همان خود دین و اسلام - آن هم اسلام ناب اهل بیت (ع) - می‌دانیم.

این مدرس حوزه و دانشگاه عنوان کرد: در شیوه‌ها، شکل‌ها و روش‌ها می‌توان نوآوری کرد؛ به عنوان مثال در بحث سیاست می‌بینید که دنیای غرب دستاوردهایی در صورت‌ها و شکل‌ها دارد، مانند شکل‌های حکومتی از جمله جمهوری و دموکراسی، قانون اساسی، انتخابات و... می‌بینید که از حدود ۱۰۰ سال پیش، علما و بزرگانی حس می‌کردند که به هر حال برخی از این شیوه‌ها باید اخذ شود.

وی با بیان این که برخی شیوه‌هایی که در غرب گرفته می‌شود، عقلایی است، گفت: البته باید آن‌را از حیث محتوا پاک کرد؛ به عنوان مثال، تفکیک قوا در کشور، قانون اساسی، انتخابات و... خوب است، اما نه آن شکلی که غرب می‌گوید و می‌خواهد؛ یعنی نه با آن محتوایی که غرب می‌گوید. دیدگاه علمای ما در زمان مشروطیت - آن‌ها که مشروطیت را می‌خواستند - همین‌طور بوده است.

وی افزود: از طرفی هم کسانی بودند که می‌گفتند اگر این چیزها را بخواهیم از غرب بگیریم، باید همه آن را یعنی شکل و محتوا را با هم بگیریم که این حرف افراد غرب‌زده است. به هر حال انتخاب مشروطیت انجام شد و البته چون آن زمان، اقتضا

این نبود که کاملاً بتوانیم به دین و سنت روی بیاوریم، آن دیدگاهی که می‌گفت ساختارها را باید با محتوای سکولاری‌اش بگیریم، غلبه کرد و شد آنچه نباید می‌شد.

قائم‌مقامی تصریح کرد: بعد از آن دوران هم دوران رضاخان و بعد هم محمدرضا پیش آمد. اما بعد از انقلاب اسلامی جبران آن دوره شد تا فاجعه‌ای که پیش آمده بود، جبران شود و در این حالت می‌بینید که انقلاب می‌آید و برخی از ساختارها را می‌گیرد، ولی این مرتبه کاملاً با محتوا، فکر و ابتکار اسلامی آن را می‌گیرد و با رهبری روحانیت و فقاقت این کار در حال ادامه است.

وی افزود: در جمهوری اسلامی مجلس هست، انتخابات هست، تفکیک قوا هست. البته برخی افرادی که به شدت ضدغرب هستند، همین ساختار را ذاتاً غربی می‌دانند، ولو این که محتوایش اسلامی شده باشد. این افراد توجه نمی‌کنند که اگر ذات این ساختار غربی است، پس بالاخره انقلاب در کجا اتفاق افتاده است و اگر این سخن را بپذیریم، معنایش این است که انقلاب اصلاً نمی‌تواند تحقق مدامی در جهان داشته باشد که البته این نظر، غلط است.

مدرس حوزه و دانشگاه تأکید کرد: به کارگیری عناصری از دنیای جدید برای فکر اسلامی و دینی و الهی، ویژگی‌های زیادی لازم دارد که شخصی که می‌خواهد این کار را بکند باید به شدت متدین باشد و ریشه‌دار در سنت باشد، اهل فقاقت باشد و در عین حال هم کاملاً هوشیار و آگاه باشد. علامه عسکری در عرصه پژوهش و تحقیق این کار را کرده است.

وی عنوان کرد: علامه عسکری در عین این که ریشه عمیق در اسلام و سنت دارد - و این امتیاز مهمی است - از سویی دیگر این طور احساس کرد که برخی از عناصر پژوهشی و شیوه‌های پژوهشی هم باید اخذ شود و در خدمت آن هدف اصلی قرار گیرد. اکنون این روشی که شما می‌بینید در آثار علامه عسکری وجود دارد، بسیار قابل توجه است و خود غریبان هم این نکته را اذعان کرده‌اند و با حیرت از تحقیقات علامه عسکری یاد کرده‌اند.

وی با اشاره به یکی از آثار علامه عسکری تصریح کرد: به عنوان مثال در کتاب «صد و پنجاه صحابه ساختگی» علامه نوآوری ویژه‌ای انجام داده است که سابقه چنین پژوهشی وجود ندارد. این که کسی جرئت کند، برود و مشهورات تاریخی را هدف قرار دهد و آن را زیر سؤال ببرد - البته با تحقیق - بسیار عجیب است. ایشان مطالبی را که در تواریخ مشهور مانند طبری، ابن کثیر، ابن خلدون، ابن هیثم و... آمده است، مورد تشکیک قرار داده و رد می‌کند.

وی اظهار کرد: علامه عسکری برای اثبات ادعاهای خود در کتاب «صد و پنجاه صحابه ساختگی» استدلال می‌آورد و این استدلال او هم ریشه در شیوه سنتی معمول و حوزوی ما دارد و هم ریشه در شیوه‌های معمول دانشگاهی و روزآمد دنیای جدید دارد. یکی از محققان غربی وقتی این کتاب را می‌خواند، حیرت می‌کند که اصلاً این حرف‌های علامه عسکری از کجا آمده است. آن شخص برای علامه عسکری نامه می‌نویسد و حیرت و شگفتی خود را از تحقیقات علامه عنوان می‌کند.

این مدرس حوزه و دانشگاه با اشاره به یکی از جنبه‌های مهم شخصیتی علامه عسکری عنوان کرد: گزارش کردن سنت پیامبر اکرم (ص) از مجرای مطهر کلام اهل بیت (ع) یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تحقیقی علامه عسکری است. وی در بحث دو مکتب که معمولاً با عنوان شیعه و سنی از آن نام برده می‌شود، دو اصطلاح مکتب اهل بیت (ع) و مکتب خلفا را ایجاد کرد.

وی گفت: علامه معتقد بود که نباید صرفاً به نام‌های مکتب اکتفا کرد و به عنوان مثال، مکتبی که پیرو مکتب اهل بیت (ع) هستند را - چون نام اهل سنت بر آن‌ها نهاده نشده - پیرو سنت رسول خدا (ص) ندانست و از سویی نباید پیروان مکتب خلفا را شیعه (به معنای پیرو) نامید؛ چون آن‌ها هم شیعه و پیرو خلفا هستند. بنابراین بهترین اصطلاحی که به کار می‌توان برد، عنوان «مکتب اهل بیت (ع)» و «مکتب خلفا» است.

قائم‌مقامی با بیان این که علامه عسکری به نکته بسیار مهمی توجه کرده‌اند، اظهار کرد: ما همین اکنون هم در گفت‌وگو با برادران عامه با این نکته و با این مسئله روبرو هستیم. در سویی دیگر، یعنی در بین اهل سنت هم حقیقتاً مکتبی وجود دارد و علامه عسکری در کتاب «معالم‌المدرستین» بیان می‌کند که رئوس مطالبی که در مکتب اهل بیت (ع) می‌بینید، در مکتب خلفا هم هست، البته با تفاوت‌هایی.

این محقق و پژوهشگر تأکید کرد: این نکته‌ای که علامه بیان کرده، هوشمندی زیادی می‌طلبد. اساساً کار علامه عسکری

این بوده که سنت ناب پیامبر اکرم (ص) را از طریق اهل بیت (ع) تبیین کند و نباید تصور کرد که چیزهایی در مکتب اهل بیت (ع) هست که متناظرش را در مکتب خلفا نداریم. از عجایب این است که هر چه از رئوس کلی مباحث توحید، معاد، عدل، امامت و حتی ولایت در مکتب اهل بیت (ع) داریم، متناظرش را - با تفاوت‌هایی - در مکتب خلفا هم داریم. وی تصریح کرد: حتی محبت به اهل بیت (ع) هم در هر دو مکتب اهل بیت (ع) و خلفا هست، ولی همان طور که عرض کردم این مسئله با تفاوت‌هایی وجود دارد. عالمی قوی می‌خواهد که بتواند بحث را از آن بالای بالا یعنی از توحید که ابتدایی‌ترین بحث اسلام است، آغاز کند و نگاه و نظر هر دو مکتب را با نشان دادن تفاوت‌هایش بیان کند و عالمانه بحث را ادامه دهد.

قائم‌مقامی با بیان این که سیره علمای ما در طول تاریخ این بوده که در گفت‌وگو با جریان عامه، بنای بحث علمی داشته باشند، اظهار کرد: آن‌ها همیشه همراه با ادب و احترام به بیان استدلال می‌پرداخته‌اند و این نکته‌ای است که هیچ شکی در آن وجود ندارد. علامه عسکری هم در عین این که تمام اهتمامش دفاع از مکتب اهل بیت (ع) است، هیچ‌گاه به مکتب خلفا توهین نکرد.

وی با نقل خاطره‌ای در این زمینه گفت: برخی افرادی که علامه عسکری را دیده بودند، می‌گفتند که ایشان در همان جوانی شان با انگشت خود بر روی پیشانی‌اش نوشت: «الوقف» یعنی من وقف اجداد طاهرینم هستم؛ یعنی وجود من یک موقوفه است و هیچ جای دیگر هم صرف نخواهد شد. علامه حقیقتاً این کار را هم کرد و خود را وقف اجداد طاهرینش و مکتب آن بزرگواران کرده بود.

این مدرس حوزه و دانشگاه اضافه کرد: در عین حال شما می‌بینید که ایشان عالمانه و با متانت تمام و ادب و انصاف بحث می‌کنند و البته بزرگان دیگری از جمله علامه امینی، علامه شرف‌الدین، میرحامدحسین و... همه همین‌گونه رفتار می‌کرده‌اند و علامه هم به دنبال این علما در زمان ما آمد و فکری نو و روشی نو در

بیان ویژگی‌های دو مکتب اهل بیت (ع) و خلفا مطرح کرد.

وی تأکید کرد: علامه عسکری این شأن را رعایت کردند که از مکتب اهل بیت (ع) دفاع عالمانه کنند و در همین حال، لسان لسان علم و متانت و وقار باشد و در عین حال، لسان دعوت هم باشد که ما به شدت الان به این نیاز داریم که در جهان کنونی، مکتب اهل بیت (ع) را بدون تنازل - و این خیلی مهم است - معرفی کنیم. بعضی‌ها این اشتباه را مرتکب می‌شوند که به هدف وحدت، مکتب اهل بیت (ع) را تنازل می‌دهند و آن را بیان می‌کنند.

قائم‌مقامی با بیان اینکه این‌گونه معرفی کردن مکتب اهل بیت (ع) هیچ فایده‌ای ندارد و شفقتی هم در آن نیست، عنوان کرد: حتی این کار به وحدت هم کمک نمی‌کند. باید بر مبانی مکتب اهل بیت (ع) استوار باقی ماند و در عین حال، آن مکتب خلفا را با ادب، متانت و علم نقد کرد تا آن‌ها یعنی طرفداران مکتب خلفا، حقیقت مکتب اهل بیت (ع) را دریابند و به آن متمایل شوند.

وی با بیان این‌که زمینه وحدت مسلمانان فقط قرآن کریم نیست، گفت: قرآن و عترت (ع) هر دو زمینه وحدت تمام مسلمانان است و برادران عامه ما، اهل بیت (ع) را قبول دارند و بسپاری از آن‌ها به اهل بیت (ع) مودت می‌ورزند و آن بزرگواران را دوست دارند، اما درباره نحوه رویکرد به عترت (ع) با شیعه تفاوت دارند. قائم‌مقامی اظهار کرد: علامه عسکری

مکتب اهل بیت (ع) را تبیین می‌کند، مکتب مقابل را نیز منصفانه، عالمانه و بر مبنای منابع خودشان و همچنین با کمک منبع عقل نقد می‌کند. علامه مطالب و تعالیم هر دو مکتب را بیان می‌کند و بعد آن‌ها را با یکدیگر قیاس می‌کند و قضاوت را بر عهده خواننده می‌گذارد و این سیره ایشان منجر به تقریب و وحدت می‌شود.

وی با بیان این‌که اگر خواننده منصفی مطالب هر دو مکتب را بدون غرض و بدون پیش‌فرض قبلی بخواند، به مکتب اهل بیت (ع) رو می‌آورد و جذب تعالیم مکتب اهل بیت (ع) می‌شود، گفت: شیوه علامه عسکری این بوده که مطالب و نقادی‌ها را بدون توهین بیان کند، شیوه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و

بزرگان دیگر نیز به همین صورت بوده و هست.

قائم‌مقامی با بیان این‌که یکی از نیازهای اولیه کسی که می‌خواهد چنین کاری کند، شفقت است، عنوان کرد: کسی که می‌خواهد این‌گونه رفتار کند، باید مهربانی و شفقت در وجود او باشد و لازم‌هاش این است که عقلانیت در او تبلور یافته باشد. محبت و مهربانی و شفقت به این معنا که بتواند بین مستضعفین عامه و ناصبی عامه تفاوت بگذارد و این‌دو را از یکدیگر جدا کند.

این مدرس حوزه و دانشگاه با اشاره به منظور خود از مستضعف در این زمینه گفت: به کسی می‌گوییم مستضعف که این قدرت عقلی را ندارد که تناقض جمع بین دو ولایت اهل بیت (ع) و ولایت خلفا را درک کند. کسی که هم تولای امام علی (ع) و فرزندان او و هم تولای خلفا را با هم می‌پذیرد و هر دو را با هم دوست دارد، «مستضعف» است.

این محقق و پژوهشگر با نقل خاطره‌ای از دکتر تیجانی گفت: ایشان می‌گفت یکبار برای زیارت قبر حجر بن عدی که از شیعیان بزرگ امام علی (ع) بود و توسط معاویه به شهادت رسید، رفته بودم. دیدم یکی از برادران اهل سنت بر سر قبر حجر بن عدی گریه می‌کند، از او پرسیدم: این قبر کیست؟ گفت: حجر بن عدی و از یاران امام علی (ع) بوده است (و به دنبال اسم مبارک امام علی (ع) عبارت «رضی الله عنه» را به کار برد).

وی افزود: از آن شخص پرسیدم: چرا بر سر قبر او گریه می‌کنی؟ گفت: برای این‌که شهید شده است، پرسیدم: چه کسی او را شهید کرده است؟ گفت: معاویه و به دنبال اسم معاویه، عبارت «رضی الله عنه» را گفت. یعنی این شخص سنی، هم اسم معاویه و هم نام مبارک امام علی (ع) را با عبارت «رضی الله عنه» بیان می‌کند؛ این همان استضعاف است که عرض کردم که شخص نتواند این را درک کند و قدرت تشخیص را نداشته باشد.

قائم‌مقامی با اشاره به مسئله تقریب عنوان کرد: در دو سطح می‌توان به این مطلب توجه کرد؛ یکی وحدت در چارچوب‌های عملی است که منفک از

مباحث مذهب و عقاید است؛ یعنی ما می‌گوییم منفک از این‌که ما شیعه‌ایم یا سنی، ما یک‌سری محورهایی داریم که باید حول این محورها دور هم جمع شویم، مهم‌ترین این مسائل، مسئله ضدیت با ظلم، استکبار و کفر جهانی است که مورد توافق همه مسلمانان است. این یک مرتبه از وحدت است که دایره خیلی وسیعی دارد.

وی افزود: مرتبه دیگری از وحدت که ما قرار است وارد عرصه عقاید شویم، همین کاری است که علامه عسکری و سایر بزرگان انجام داده‌اند؛ یعنی این‌که ما با زبان مؤدبانه و علمی مکتب اهل بیت (ع) را بدون تنازل بیان کنیم و عین حقایق مکتب اهل بیت (ع) را بگوییم و در عین حال از هرگونه اهانت و جسارت اجتناب کنیم.

این مدرس حوزه و دانشگاه با اشاره به مسائلی که درباره حضرت زهرا (س) وجود دارد، گفت: ما در این مطلب باید واقعا مسائل را چگونه مطرح کنیم؟ سه گونه می‌توان طرح کرد: اول این‌که از حضرت فاطمه زهرا (س) هیچ چیزی از آن مسائلی را که واقع شده است، نگویید که این جفا به آن حضرت است. یک شکل دیگر این است که مطالب مربوط به حضرت زهرا (س) را به‌گونه‌ای بگوییم که دوباره کینه عامه اهل سنت برانگیخته شود و با لحن توهین و اهانت بیان شود، این هم موجب دامن‌زدن به تنازع بین شیعه و سنی می‌شود که قطعاً این کار اشتباه و حرمت دارد.

وی ادامه داد: هیچ کدام از این دو روش مورد پسند نیست، باید یک راه میانه‌ای را در پیش گرفت که چه در محافل خصوصی و چه در محافل عمومی و رسانه‌ای از حضرت فاطمه (س) سخن بگوییم، از ظلمی که بر آن حضرت شده، صحبت کنیم و تمام آن حقایق را بیان کنیم. در عین حال هم مطلب را بدون اهانت و جسارت و توهین بگوییم و دعوت کنیم که بیایند و ببینند و بازنگری کنند که چه شد و چرا این اتفاقات افتاد؟ در این مسیر ما باید هم از نظرات علامه عسکری و هم از توصیه‌های بزرگان دیگر استفاده کنیم.



# مبدع نظریه «وحي قرآنی» و «وحي بیانی»

■ آثار علامه عسکری در عین پژوهشی بودن نوعاً تطبیقی است؛ جهت تطبیق این پژوهش‌ها بین نظرات شیعه و سنی یا اسلام و سایر ادیان بود، اما علامه معنای صحیح نقد را که نگرش جامع به محسنات و کاستی‌ها است، رعایت می‌کرد.

کهنوت به‌سر می‌بردند و ۷۵، ۷۶ سال از عمر شریفشان سپری شده بود، ولی شخصاً درس تاریخ قرآن را به دانشجویان پذیرفته‌شده در تهران می‌دادند.

استاد دانشگاه تهران افزود: این در شرایطی بود که پزشک‌ها علامه عسکری را از این‌که زیاد صحبت کند و زیاد فعالیت کند، منع کرده بودند؛ بنابراین ایشان دنبال نیروی علمی برای اداره کلاس‌ها می‌گشت. در راستای پیدا کردن معلم به بنده رسید و اینجا بود که از من دعوت شد که به دانشکده اصول‌الدین بروم و درس «تاریخ قرآن» که ایشان شروع کرده بود و پنج، شش جلسه‌اش نیز خودش داده بود، به بنده واگذار شد. وی با بیان این‌که علامه عسکری یک دوره از کتاب «القرآن الکریم» و روایات المدرستین» را به من هدیه کردند، عنوان کرد: ایشان به بنده گفت که ما در درس تاریخ قرآن، نگاه و هدفمان چیست و در حقیقت به من تکلیف کرد که این کتاب را بخوانم و اگر خودت را در راستای هدف و بینش من احساس می‌کنی، این روند را ادامه بده و این درس را با این کتاب تدریس کن.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران تصریح کرد: ایشان برای تدریس کتاب «القرآن الکریم» و روایات المدرستین» به من اصراری نکرد و شرطی هم نکرد، اما وقتی ایده خود را در چارچوب کتاب «القرآن الکریم» و روایات المدرستین» در میان

سال‌های ۷۳، ۷۴ همت کردند و دانشکده اصول‌الدین را در ایران راه اندازی کردند. وی اضافه کرد: این‌که عرض می‌کنم «به راه انداختند» به این جهت است که دانشکده اصول‌الدین یک مجموعه عظیمی در بغداد بود که از مهد کودک تا دانشگاه داشت و به‌عنوان «مؤسسه اصول‌الدین» مشهور بود. در اثر تهاجم رژیم بعثی عراق، این مؤسسه عظیم تحقیقاتی در بغداد و شهرهای دیگر عراق تعطیل شد و مرحوم علامه عسکری مجبور به مهاجرت شدند و ابتدا به بیروت و سپس به ایران آمدند.

معارف با بیان این‌که وقتی چند سال از حضور علامه عسکری در ایران گذشت، ایشان در حدود سال‌های ۷۳، ۷۴ توانستند با اخذ امتیاز از وزارت فرهنگ و آموزش عالی - که نام آن‌زمان وزارت علوم بود - دانشکده را در ایران تأسیس کنند، گفت: این دانشکده با مقطع کارشناسی‌ارشد کار خود را آغاز کرد و چند سال بعد زمانی که مقداری دانشکده پاکرفت، در مقطع کارشناسی و دکتری موفق به پذیرش دانشجو شد.

وی تصریح کرد: در حال حاضر این دانشکده در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکتری فعال است و در قم و تهران شعبه دارد. در زمانی که واحد تهران دانشکده تأسیس می‌شد، مرحوم علامه عسکری به فکر جذب نیرو افتادند و مخصوصاً با این‌که همان موقع در سن

مجید معارف، استاد دانشگاه تهران، اظهار کرد: آشنایی‌ام با علامه سیدمرتضی عسکری به حدود ۲۵ سال قبل بازمی‌گردد. آن‌زمانی که ما به‌عنوان دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث پذیرفته شده بودیم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به فاصله چند سالی که از انقلاب گذشته بود و تازه رشته علوم قرآن و حدیث شکل گرفته بود، موفق شده بودم که از کارشناسی‌ارشد خودم در این رشته دفاع کنم و به دوره دکتری پا بگذارم. در آن‌زمان اساتید درس‌های تخصصی ما فوق‌العاده کم بودند و ما دکتری علوم قرآن و حدیث نداشتیم تا برویم و درس‌های دکتری‌مان را پیش آن‌ها بخوانیم. معارف با بیان این‌که ما اولین دوره این رشته بودیم که به تازگی هویت پیدا کرده بود، اظهار کرد: لذا ناچار بودیم که خدمت شخصیت‌های مهمی برویم که به‌صورت عملی در حوزه قرآن و حدیث کار کرده بودند، گرچه به‌ظاهر مدرک دانشگاهی نداشتند. در آن‌زمان یکی از شخصیت‌هایی که دست ما را گرفت، مرحوم علامه عسکری بود.

وی تأکید کرد: بنده به اتفاق یکی از همکلاسی‌های خدمت ایشان رفتیم و درسی را با نام «جوامع حدیثی اهل سنت» به نام استاد علامه عسکری گرفتیم و انتخاب واحد کردیم و ایشان هم مستقیماً پرورش علمی ما را در این درس متقبل شدند و تا پایان هم با ما بودند و این درس با نام ایشان در کارنامه ما ثبت شد و به‌ظاهر ما از مرحوم علامه عسکری خداحافظی کردیم.

استاد دانشگاه تهران عنوان کرد: این خاطره مربوط به سال‌های ۱۳۶۸ یا ۱۳۶۹ شمسی است. چندسالی بود که بعد از گذراندن آن درس، فقط از دور با آثار علامه دمساز بودم تا این‌که ایشان در حدود

گذاشت، دیدم که واقعاً بسیار ایده جالب و کارآمدی است. خوشبختانه بنده آن درس را دادم و بعد هم ارتباطم با دانشکده اصول‌الدین تا امروز محفوظ مانده است و امروز یکی از اساتید مجموعه دانشکده اصول‌الدین هستم و بیشتر هم درس‌های کارشناسی‌ارشد یا دکتری به من واگذار می‌شود.

معارف با اشاره به برخی از ویژگی‌های شخصیتی علامه عسکری عنوان کرد: عناصر مهمی در شخصیت علمی ایشان متبلور بود و این عناصر در آثار او سایه افکنده است. اولاً به لحاظ شخصیت فردی، ایشان شخصی عالم و در عین حال مخلص بود. ما اشخاص عالم و دانشمند کم نداریم، اما شخصی که توانسته باشد در حیطه ملکات اخلاقی، بعضی مسائل را برای خودش درونی کند، شاید در این حوزه ما واقعاً کمبود نیرو داشته باشیم.

وی اضافه کرد: درباره شخص علامه عسکری از نزدیک آن معنویت و اخلاص را می‌دیدیم. در عین این که جامعیت علمی ایشان هم جای بحث دارد، ولی او انسان بسیار معنوی و خودساخته‌ای بود که در راه اهداف اسلامی کامل بود.

استاد دانشگاه تهران با بیان این که به خاطر دارم که در دانشکده اصول‌الدین وقتی که ایشان پذیرش دانشجوی می‌کرد، اولاً متکفل بود که یک درس اخلاق برای آن‌ها بگذارد، با دانشجویان صحبت می‌کرد و به آن‌ها می‌گفت: شما که می‌خواهید به اینجا بیایید، هدفتان چیست؟ آیا با خودتان عهد می‌کنید که سرباز امام زمان (عج) باشید؟ امروز امام زمان (عج) نیاز به نیرو دارد.

معرف عنوان کرد: علامه به دانشجویان می‌فرمود که امروزه، اسلام درگیر جنگ فرهنگی است و در این جنگ که از ناحیه غربی‌ها، خاورشناسان و وهابیت صورت می‌گیرد، شما باید به استدلال، برهان و منطق علمی مجهز باشید. با منطق علمی می‌توان بر دشمن فرهنگی پیروز شد. علامه به ما استادان نیز تلقین می‌کرد که شما حقوق‌تان را می‌گیرید، اما آیا عهد می‌کنید که برای امام زمان (عج) و برای رضای خدا تدریس کنید؟

وی با بیان این که علامه عسکری خودش به این ویژگی‌ها متصف بود، تصریح کرد:

به‌همین دلیل هم کلامش مؤثر و نافذ بود و مجالس ایشان هم به جهت علمی و هم به جهت اخلاقی و معنوی تحول‌بخش بود.

معرف اظهار کرد: درباره علامه عسکری به‌عنوان دانشمندی که صاحب کتب بسیار زیادی است و خیلی از آثارش هم در آینده به چاپ خواهد رسید - چون ایشان دست‌نوشته‌های بسیار زیادی دارد و یک تیم بر روی آن‌ها کار می‌کنند - چند نکته به‌عنوان ویژگی‌های کلی آثارش اشاره می‌کنم که می‌تواند برای هر محقق درس‌آموز باشد.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران اظهار کرد: نخستین ویژگی آثار علامه عسکری، پژوهشی بودن است. این بدین معناست که انسان محقق قبل از هر چیزی باید مسئله تحقیق داشته باشد و در ارتباط با آن مسئله به سراغ منابع و مدارک برود

و آنچه را مربوط به آن مسئله می‌شود، از منابع و مدارک استخراج، فیش‌برداری، طبقه‌بندی و تنظیم کند و بعد آن‌ها را نگارش و تحلیل منطقی کند.

این‌ها شاخصه‌های یک کار پژوهشی است. معارف با تأکید بر این که آثار علامه عسکری حقیقتاً پژوهشی هستند، گفت: اکثر آن‌ها قلمی است؛ یعنی خود او شخصاً قلم به‌دست گرفته و تألیف کرده است. گاهی هم برخی از کارهای او سمینارهای علمی و سخنرانی‌های علمی است که پیاده و چاپ شده است؛ مانند «نقش ائمه (ع) در احیای دین» که در این‌گونه موارد حتماً علامه عسکری شخصاً اثر را دیده و آن‌را مستند کرده است و بعد تحقیق‌اش را تضمین کرده است.

استاد دانشگاه تهران افزود: دومین ویژگی آثار علامه عسکری این است که در عین پژوهشی بودن، نوعاً تطبیقی است. این تطبیق، یا جهت تطبیق بین نظرات شیعه و سنی است یا جهت تطبیقی آن، مقایسه بین نظر اسلام و سایر ادیان و حتی دیدگاه‌های خاورشناسان است. ایشان به‌همان اندازه





که بر قرآن کریم و متون اسلامی مسلط بود، بر تورات، انجیل و شروح عهدین مسلط بود.

وی با بیان اینکه علامه عسکری بر بعضی از آثار قرآنی و حدیثی خاورشناسان نیز تسلط داشت، تأکید کرد: رد پای مطالعه تطبیقی در آثار ایشان به وفور دیده می‌شود. سومین ویژگی آثار او، داشتن بینش نقدی است. ایشان مخصوصاً در مطالعه حوادث صدر اسلام و به‌ویژه در مواجهه با منابع اسلامی یک منتقد قوی بود و نقد را به معنای جامع کلمه انجام می‌داد.

معارف تصریح کرد: معنای صحیح نقد این است که ما بتوانیم امتیازات، محسنات و نقاط مثبت را ببینیم و در عین حال کاستی‌ها، معایب و ضعف‌ها را نیز ببینیم. در تاریخ، رد پای خدمت‌ها و رد پای خیانت‌ها را با هم مورد نظر قرار دهیم. نقد تنها به معنای این نیست که تنها جهات سلبی را ببینیم؛ لذا دیدن جهات مثبت هم از ارکان نقد جامع است. استاد دانشگاه تهران با بیان این که علامه عسکری یک ناقد تمام‌عیار بود، گفت: او نسبت به تاریخ اسلام، نسبت به اعتبار و اصالت منابع اسلامی، همچنین نسبت به شخصیت‌های اسلامی در طبقه صحابه و طبقه تابعان و دانشمندان اسلامی، هم خدمت‌ها و هم خیانت‌ها را با هم دیده و مشاهده کرده است و در آثار خود به مناسبتی که لازم بوده، آن‌ها را به بحث گذاشته است.

وی با اشاره به چهارمین ویژگی آثار علامه عسکری اظهار کرد: برخورداری از مبانی روشن و دقیق از ویژگی‌های آثار اوست. ایشان در مطالعات و کتاب‌های خود، مبانی‌اش را تنقیح می‌کند. به‌عنوان نمونه اگر مبنایش قرآن، حجیت و اعتبار آن است یا مبنایش سنت، حجیت و اعتبار آن است یا مبنایش تاریخ است، این که چه نوع تاریخی را مبنا قرار داده، تبیین کرده است.

معارف ادامه داد: همچنین اگر مبنایش عقل و عرضه مسائل به آن است، یا مبنایش نقد سند است، یا مبنایش تناقض‌یابی در مسائل است، این که چگونه باید بر آن تناقض پیروز شویم، تبیین کرده است؛ لذا علامه عسکری شخصی است که با داشتن مبانی روشن و منقح به تحقیق می‌پردازد و از مبانی و پیش‌فرض‌هایش که بخشی اعتقادی و بخشی علمی است، در مسیر پژوهش‌های خود استفاده می‌کند.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با اشاره به پنجمین ویژگی آثار علامه عسکری، عنوان کرد: مسئله ادب، انصاف علمی و دوری از تعصب‌های ناپسند، یکی دیگر از ویژگی‌های آثار ایشان است. این آثار بدون شک از قوی‌ترین کتاب‌های معاصر در دفاع از شیعه به معنای خاص و در دفاع از اسلام به معنای عام است. وی تصریح کرد: هنگامی که شما کتاب‌های علامه عسکری را می‌خوانید، بویی از تعصب مذهبی به مشام‌تان نمی‌رسد و برعکس احساس می‌کنید

که ایشان با استدلال و منطق علمی و همچنین با انصاف علمی به بحث پرداخته است؛ یعنی سعی کرده است ادله قوی علمی را بیابد و ارائه کند، تا این که بخواهد از تعصباتی که ممکن است بعضاً تعصبات کورکورانه باشد، مایه بگذارد.

معارف با بیان این که علامه عسکری شدیداً به مبانی تشیع معتقد بود، عنوان کرد: اما با این حال، کارهای او صبغه علمی دارد و با انصاف، تحقیق و همه‌جانبه‌نگری نگاشته شده است. ششمین ویژگی آثار علامه عسکری، نوآوری و ارائه نظریات جدید است. کشفیات علمی در آثار او به وفور دیده می‌شود.

استاد دانشگاه تهران عنوان کرد: علامه عسکری یک‌سری مطالب را در زمان ما برای اولین بار ادعا کرده است و این کار از نوع کشف است. ایشان یک‌سری کلیدواژه‌ها را نهادینه کرده است؛ به‌عنوان نمونه ادعا می‌کند که عبدالله بن سبا در این دنیا وجود خارجی نداشته است و یک شخصیت مجعول است.

معارف اظهار کرد: علامه عسکری می‌گوید: زمانی که داشتیم کتاب «عبدالله بن سبا» را می‌نوشتیم، رسیدم به این که شخصی به نام «سیف بن عمر تمیمی» که از زنادقه و مانویان صدر اسلام بوده، شخصیتی به نام «عبدالله بن سبا» را ساخته و او را مؤسس شیعه دانسته است. اهل سنت روی این مسئله خیلی مانور می‌دهند که شیعه، یک جریان ساختگی است.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران افزود: علامه می‌گوید: وقتی به «سیف بن عمر تمیمی» به‌عنوان جقال رسیدم، متوجه شدم که این شخص، افتضاحات دیگری هم در تاریخ اسلام مرتکب شده است. تحقیق خودم روی «عبدالله بن سبا» را موقتاً کنار گذاشتم و به تعقیب کارهای دیگر سیف پرداختم، دیدم که او صدوپنجاه صحابی در تاریخ ساخته است که وجود هیچ‌کدامشان در تاریخ، قابل اثبات نیست.

معارف با نقل سخن علامه عسکری تصریح کرد: ایشان می‌گوید دیدم این صد و پنجاه نفر، منشأ حوادث، جنگ‌ها و غزواتی هستند که وجود خارجی در صدر اسلام نداشته است. این افراد پا به سرزمین‌هایی گذاشته‌اند که این

سرزمین‌ها هم تخیلی هستند و منابع معتبری مانند «معجم البلدان» چنین سرزمین‌هایی را در جغرافیای صدر اسلام به رسمیت نمی‌شناسد.

وی گفت: علامه می‌گوید این مطلب را پیگیری کردم و کتاب «منه و خمسون صحابی مختلق» (صد و پنجاه صحابی ساختگی) را نوشتم. این یک کشف بزرگ و نوآوری توسط ایشان است. او همچنین اصطلاحاتی را در زمان ما طرح کرد که بسیاری مسائل را با این اصطلاحات، حل کرد.

استاد دانشگاه تهران با اشاره به دو اصطلاح «وحی قرآنی» و «وحی بیانی» که توسط علامه عسکری ابداع شده است، اظهار کرد: ایشان با این ایده، بسیاری از مشکلات را حل کرد. علامه بر این باور بود که دو نوع وحی بر پیامبر اکرم (ص) صورت گرفته است؛ یکی وحی قرآنی که همین نص قرآن است و دیگری وحی بیانی است که چیزی جز حدیث و سنت آن حضرت (ص) نیست.

وی با بیان این که وحی بیانی در مقام تفسیر وحی قرآنی است، تأکید کرد: علامه عسکری همچنین با استفاده از دو اصطلاح وحی بیانی و وحی قرآنی، مسئله ناسخ و منسوخ را در علوم قرآنی حل کرده است. آخرین ویژگی آثار ایشان این است که اندیشه تقرب و تقویت مذاهب اسلامی در آن‌ها موج می‌زند.

معارف اضافه کرد: البته علامه عسکری در پرتو حل ریشه‌ای مسائل اسلامی به تقرب مذاهب همت می‌گمارد. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که تقرب بین مذاهب اسلامی به‌عنوان یک شعار مطرح است تا شیعه و سنی تفرقه‌ها و اختلافات را کنار گذاشته و با هم وحدت و اتحاد داشته باشند و از اختلاف بپرهیزند.

وی با بیان این که این قضیه، گاهی صرفاً یک شعار سیاسی است و کاربرد سیاسی خودش را دارد، عنوان کرد: علامه عسکری نیز به وحدت شیعه و سنی اعتقاد داشت و هیچ جسارتی نسبت به بزرگان اهل سنت و چهره‌های مورد احترام آن‌ها از صحابه، تابعین و زنان پیامبر اکرم (ص) در آثار او نمی‌بینیم.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با اشاره به یکی از آثار علامه عسکری گفت: کتاب «احادیث ام‌المؤمنین عایشه» یکی از

کتاب‌های معروف ایشان است. در این باره از او سؤال می‌کنند که چرا عایشه را «ام‌المؤمنین» می‌خوانید؟ پاسخ می‌دهد: چرا این گونه نگویم؟ این عنوان را خداوند متعال به زنان پیامبر اکرم (ص) داده است. وی ادامه داد: قرآن کریم می‌فرماید: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ؛ پیامبر (ص) به مؤمنان از خودشان سزاوارتر و نزدیکتر است و همسرانش مادران ایشانند»؛ لذا علامه عسکری می‌گوید: ما عایشه را با احترام صدا می‌زنیم، اما کارهای او را نیز شرح می‌دهیم و این با صدا کردن او با نام «ام‌المؤمنین» منافات ندارد.

معارف با بیان این که کتاب «نقش عایشه در تاریخ اسلام» ترجمه شده کتاب «احادیث ام‌المؤمنین عایشه» است، تأکید کرد: علامه عسکری معتقد بود که اگر مسئله تقریب مذاهب بخواهد به صورت ریشه‌ای حل شود و فقط در حد شعارهای سیاسی نباشد، لازم‌اش این است که علما و بزرگان شیعه و سنی به دور از تعصب و به قصد شناخت حقیقت و بر اساس تاریخ صحیح و معیارهای قرآنی و حدیثی به دنیای تاریخ صدر اسلام پا بگذارند و ببینند که حقیقتاً چه اتفاقاتی رخ داده است.

استاد دانشگاه تهران تصریح کرد: باید بعضی انحرافات صدر اسلام را ببینیم و بپذیریم که اتفاق افتاده است. علامه عسکری این ایده را در کتاب «معالم المدرستین» پیاده کرده است؛ لذا خود ایشان گفته است که هیچ کتابی مثل این کتاب، موجب نشده که عده‌ای از اهل سنت، شیعه شوند.

وی با بیان این که علامه عسکری در مصاحبه‌هایش گفته است که یکی از تأثیرات کتاب «معالم المدرستین»، این است که در خوانندگان اهل سنت تحول ایجاد کرده است و موجب شده تا مذهب خود را تغییر دهند، تأکید کرد: علامه بیان می‌کند که خواندن این کتاب در کشور مصر، چند سال زندانی دارد، چون از کتب ممنوعه است.

معارف اظهار کرد: یکی از اصطلاحاتی که علامه عسکری در زمان ما طرح کرده و جا انداختند، اصطلاح «المدرستین» است. این واژه، تشبیه و به معنای دو مدرسه است و مراد علامه از این اصطلاح،

دو مکتب و دو خط فکری است که یکی، خط فکری اهل بیت (ع) و دیگری خط فکری خلفاست.

وی افزود: علامه معتقد بود که بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) دو خط فکری در جامعه اسلامی باز شد و هرچه هم زمان می‌گذشت، آثار، اندیشه‌ها و دستاوردهای این دو خط فکری بیشتر بروز و ظهور پیدا می‌کرد. عبارت «معالم المدرستین» یعنی حقایق و اندیشه‌های دو مکتب شیعه و سنی.

استاد دانشگاه تهران ادامه داد: این اصطلاح جزء اصطلاحاتی است که علامه عسکری ابداع کرد. کتاب دیگر علامه «القرآن الکریم و روایات المدرستین» نام دارد که یک دوره شناخت قرآن کریم در پرتو روایات شیعه و سنی است.

وی با بیان این که در کتاب «معالم المدرستین» یک دوره بینش کلی شیعه و سنی در مسائل اسلامی آمده است، تأکید کرد: در این کتاب مقایسه تطبیقی صورت گرفته است. البته این بینش در ارتباط با تمام مسائل نیست؛ یعنی در برخی مسائل به طور مفصل و در برخی مسائل مختصرتر است.

معارف اضافه کرد: علامه عسکری در این کتاب در دو حیطه کار کرده است؛ یکی این که منابع شناخت اسلام را از نگاه شیعه و اهل سنت معرفی و اعتبارسنجی کرده است. یکی دیگر از منابع اسلام، قرآن است. یکی دیگر از منابع، سنت پیامبر اکرم (ص) است. منبع دیگر، سیره و روایات اهل بیت (ع) است - اگر شیعه باشید - و اگر اهل سنت باشید، منبع دیگر، اجتهادات اهل سنت و فقهی که از بستر فکری آنان تولید می‌شود.

وی با بیان این که علامه عسکری میزان حجیت و کارکرد هر منبع را در این بخش از کتاب خود روشن می‌کند، گفت: علامه برخی از مسائل اسلامی را در پرتو این منابع به بحث می‌گذارد. به عنوان نمونه، مسئله «امامت» یکی از این مسائل است که البته از اختلافات مهم شیعه و اهل سنت نیز همین مسئله امامت و رهبری بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) است.

استاد دانشگاه تهران تصریح کرد: اگر ما بخواهیم برای این کتاب، تعیین جنس کنیم که با کدام یک از علوم اسلامی سنخیت پیدا می‌کند و بحث‌هایش شکل

گرفته، جوابش این است که این کتاب، یک کتاب کلامی است. علم کلام، علمی است که در آن عقاید اسلامی با توجه به آیات و روایات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

وی در ادامه با اشاره به نظریه «صرفه» عنوان کرد: این نظریه بر این اساس است که به مجرد این که شخصی تصمیم می‌گیرد تا مثل قرآن را بیاورد و بنویسد، خداوند متعال در ذهن او تصرف می‌کند و انگیزه او از انجام دادن این کار را می‌گیرد یا این که دانش او برای انجام دادن این کار را از او می‌گیرد.

معارف تصریح کرد: نظریه صرفه که در باب اعجاز قرآن مطرح می‌شود، قبل از این که نقش را در اعجاز قرآن، متوجه فصاحت و بلاغت قرآن کریم کند، متوجه اراده خداوند می‌کند؛ یعنی این خداوند است که در ذهن شخصی که می‌خواهد با قرآن معارضه کند، تصرف می‌کند.

استاد دانشگاه تهران با بیان این که نظریه صرفه، نظریه باطلی است، گفت: دانشمندان علوم قرآنی و تفسیر با ادله مختلفی این نظریه را مردود دانسته‌اند، ولی مشهور است که سیدمرتضی (ره) که از دانشمندان بزرگ شیعه است و در قرن ۵ هجری می‌زیسته، معتقد به نظریه صرفه بوده است.

معارف ادامه داد: محضر علامه عسکری بودم و به مناسبتی از اعجاز قرآن و وجوه آن بحث شد و این مسئله طرح شد که آیا حقیقتاً سیدمرتضی (ره) معتقد به نظریه صرفه بوده است؟ علامه تا مسئله را شنید و خواست بحث کند و پاسخ دهد، ناگهان مکث کرد و به من گفت: معارف، یک فاتحه به روح سیدمرتضی (ره) بخوانیم و بعد درباره نظریه‌اش بحث کنیم.

وی با بیان این که این مطلب، اکرام و تواضع علامه عسکری نسبت به پیشینیان و مفاخر ما را نشان می‌دهد، تأکید کرد: حتی آن موقعی که علامه می‌خواهد نظریه‌ای را از یک دانشمند قدیمی که از بزرگان و مفاخر ماست، نقد کند، ابتدا به او احترام می‌کند و می‌گوید: ابتدا برای او فاتحه‌ای بخوانیم و بعد نظریه‌اش را بررسی کنیم.

استاد دانشگاه تهران اظهار کرد: ما مسائل از این دست را در مکتب علامه عسکری می‌دیدیم و جذب می‌شدیم. این روحیه علامه نشان‌دهنده خودساخته بودن ایشان است. انسان حتی در مقام نقد نیز نباید از حیطه احترام خارج شود.

وی تصریح کرد: این روحیه است که به انسان جاودانگی می‌دهد. غرور علمی، انسان را نابود می‌کند ولی تواضع و احترام به انسان جاودانگی می‌دهد، قرآن کریم هم می‌فرماید: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ؛ آنچه پیش شماست تمام می‌شود و آنچه پیش خداست پایدار است».



# راه گشایی نظریه وحی بیانی در بحث ناسخ و منسوخ

■ علامه عسکری وحی را به دو نوع قرآنی و بیانی تقسیم می‌کند؛ ایشان شواهدی را از آیات قرآن کریم دال بر این که وحی بیانی وجود داشته می‌آورد و بیان می‌کند که این نوع وحی در بحث ناسخ و منسوخ راهگشاست.

پیامبر اکرم(ص) دارند که این وحی‌ها در قالب الفاظ قرآنی نیست که اکنون الفاظ آن در قرآن وجود داشته باشد، بلکه معنا و محتوایی از معارف و احکام مورد نیاز را خداوند متعال

حجت الاسلام والمسلمین سید محمود طیب حسینی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در مورد اندیشه‌های قرآنی علامه عسکری گفت: مرحوم علامه عسکری، تقسیمی در باب وحی دارد که خودش نام آن را وحی بیانی گذاشت، در مقابل وحی قرآن کریم که وحی الفاظ است. وی افزود: به نظر من منظور ایشان از وحی بیانی این است که خداوند متعال وحی‌هایی به



بر پیامبر(ص) وحی کرده و پیامبر(ص) با الفاظ، زبان و بیان خودشان آن پیام‌های خداوند را به مردم رساندند. نویسنده کتاب «چندمعنایی در قرآن کریم» با بیان این‌که علامه عسکری شواهدی را از آیات قرآن کریم دال بر این‌که وحی بیانی وجود داشته، نشان می‌دهد، اظهار کرد: وحی بیانی در مقابل وحی قرآنی است. وحی قرآن، آیات شریفه قرآن کریم است که در این مصحف موجود در اختیار ماست که مأموریم آن را قرائت و در آن تدبر کنیم و در زندگی خودمان به کار بگیریم.

طیب‌حسینی با اشاره به این‌که وحی بیانی عبارت است از پیام‌های خداوند که بر رسول خدا(ص) وحی شده و ایشان به اصحاب خود پیام‌ها را خواندند، گفت: ممکن است بخشی از آنها در قالب حدیث به ما رسیده باشد که جزء آیات قرآن نیست و الفاظ این وحی هم از رسول خدا(ص) است و فقط معنا و حکم و معارف از جانب خداوند وحی شده است.

نویسنده کتاب «آسیب‌شناسی جریان تفسیر ادبی سنتی» اضافه کرد: مثالی در این ارتباط می‌زنم اگرچه مثال از خود ایشان نیست اما تعریف ایشان بر این مثال صادق است. سوره مبارکه انفال در سال سوم هجرت بعد از جنگ بدر نازل شده، وقتی که این سوره مبارکه را قرائت می‌کنیم، در آغاز این سوره آیات وحی قرآنی خبر از وعده‌ای می‌دهند که قبل از جنگ بدر پیامبر(ص) از جانب خداوند آن را به مردم ابلاغ کرده است. الفاظ این وعده در هیچ کجای قرآن نیست و اطلاع هم ندارم که در حدیث آمده باشد اما به طور طبیعی باید وجود داشته باشد.

وی افزود: آیه شریفه ۷ سوره مبارکه انفال این وعده خداوند را حکایت می‌کند: «وَإِذْ يَبْعُدُكُمْ اللَّهُ اجْدَى الطَّائِفِينَ أَنهَا لَكُمْ وَتَوَدُونَ أَنَّ غَيْرِ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ: و [به یاد آورید] هنگامی

را که خدا یکی از دو دسته آکاروان تجارتی قریش یا سپاه ابوسفیان را به شما وعده داد که از آن شما باشد و شما دوست داشتید که دسته بی‌سلاح برای شما باشد و آلی خدا می‌خواست حق [اسلام] را با کلمات خود ثابت و کافران را ریشه کن کند».

نویسنده کتاب «آسیب‌شناسی جریان تفسیر ادبی معاصر» با بیان این‌که این وعده‌ای است که در ابتدای سوره انفال که بعد از جنگ بدر نازل شده، آمده است، گفت: خداوند از این وعده خبر می‌دهد، اما این وعده در هیچ یک از آیات قرآن نیامده؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که از زبان پیامبر(ص) بر مردم جاری شده؛ یعنی رسول خدا(ص) این وعده را قبل از جنگ بدر هنگامی که می‌خواستند مردم را از مدینه خارج کنند و به سمت بدر حرکت دهند، از طرف خداوند بر مردم بیان کردند.

این محقق و نویسنده تصریح کرد: وحی بیانی یعنی وحی که در قرآن کریم اشاراتی در مورد آن وجود دارد و پیام و معنا و مفهوم از جانب خداوند وحی شده و رسول خدا(ص) با زبان خودشان پیام خدا را به مردم ابلاغ کردند و در قرآن کریم وجود ندارد.

وی با اشاره به این‌که نظریه وحی بیانی در بحث ناسخ و منسوخ راهگشاست، اظهار کرد: برای نشان دادن کاربرد آن مثالی می‌زنم. در سوره مبارکه انفال دو آیه در کنار هم قرار دارند که برخی از مفسران گفتند که بین این دو نسخ واقع شده است؛ آیات شریفه ۶۵ و ۶۶ سوره مبارکه انفال.

نویسنده کتاب «پژوهشی درباره آیات محکم و متشابه» تصریح کرد: در آیه شریفه ۶۵ سوره مبارکه انفال آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِثْلِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِثَّةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ: ای پیامبر(ص) مؤمنان را به جهاد برانگیز اگر از امیان [ شما بیست تن شکیبا باشند بر دویست تن چیره می‌شوند و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن

از کافران پیروز می‌گردند چرا که آنان قومی اند که نمی‌فهمند».

وی با بیان این‌که به نظر مفسران این آیه شریفه در حقیقت شرکت مسلمان‌های همراه پیامبر(ص) را در جنگ با کفار واجب می‌کند، در صورتی که نفراتشان ۱۰ برابر باشد، گفت: در صورتی که تعداد مشرکان ۱۰ برابر مسلمان‌ها باشد مسلمان‌ها موظفند و رسول خدا(ص) هم باید آن‌ها را امر و تشویق کند تا در مقابل سپاه ۱۰ برابری تن به جنگ دهند و مطمئن هم باشند که پیروز می‌شوند.

طیب‌حسینی در ادامه سخنانش افزود: در آیه شریفه ۶۶ سوره مبارکه انفال آمده است: «الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلَّمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِثَّةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِثْلِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ: اکنون خدا بر شما تخفیف داده و معلوم داشت که در شما ضعفی هست پس اگر از امیان [ شما یکصد تن شکیبا باشند بر دویست تن پیروز گردند و اگر از شما هزار تن باشند به توفیق الهی بر دو هزار تن غلبه کنند و خدا با شکیبایان است».

نویسنده کتاب «خلاصه هشت بحث علوم قرآنی» تصریح کرد: مطابق آیه شریفه ۶۶ سوره مبارکه انفال، ۱۰ برابر نیروی دشمن به ۲ برابر تقلیل و تخفیف پیدا می‌کند، برخی از مفسرین در مورد «خفف الله» می‌گویند که حکم آیه قبل واجب بوده است، اما در آیه ۶۶ با تخفیف اگر جمعیت ۲ برابر باشد، واجب است که وارد جنگ شوند.

وی افزود: بسیاری از مفسران نظر دادند که آیه ۶۶ ناسخ آیه ۶۵ است، کسانی که معتقد به نسخ هستند با یک اشکال مواجه شدند که یکی از شرایط نسخ کردن آیه‌ای از قرآن، این است که باید بین دو آیه فاصله زمانی باشد و نباید دو آیه با هم نازل شوند و مسلمان‌ها فرصت عمل کردن به آیه اول را داشته باشند، در حالی که میان این دو آیه هیچ فاصله زمانی در نزول وجود ندارد.

مترجم کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» در بیان راه حل علامه عسکری برای این مشکل گفت: سوره مبارکه انفال بعد از جنگ بدر نازل شده و سیاق همه آیات آن پیوسته است. دلیلی وجود ندارد که فاصله زمانی میان این دو وجود داشته است تا بگوئیم که آیه ۶۶ آیه ۶۵ را نسخ می‌کند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تأکید کرد: علامه عسکری با نظریه وحی بیانی





**علامه معتقد بود که نظام آموزشی حوزه باید اصلاحاتی پیدا کند؛ به عنوان مثال وی معتقد بود که متون حدیث و قرآن کریم باید مستقیماً و به طور مستقل وارد دروس حوزه شود، در زمان علامه این موارد جزء موضوعات حاشیه‌ای بودند و جزء متن دروس حوزوی نبودند.**



بیت(ع) را درست بشناسیم و درست معرفی کنیم، خود به خود جهان اسلام تا حدود زیادی به هم نزدیک و یکپارچه می‌شوند و اختلافات به حداقل می‌رسد. علامه معتقد بود اگر ما سیره و مکتب اهل بیت(ع) را درست معرفی کنیم، خود به خود چند گامی به اهل سنت نزدیک می‌شویم و اهل سنت هم وقتی حقیقت مکتب شیعه را ببینند، خود به خود جذب و نزدیک می‌شوند و گام‌های زیادی را در رسیدن به مکتب اهل بیت(ع) برمی‌دارند. علامه عسکری به این معنا تقریبی است که برای تقریب جوامع اسلامی از طریق معرفی صحیح و بدون غلو و بدون تعصب و به صورت صحیح در دفاع از مکتب اهل بیت(ع) تلاش می‌کرد.

نویسنده کتاب «آسیب‌شناسی جریان تفسیر ادبی معاصر» با بیان این که سبک تحقیقی علامه عسکری بسیار خوب و الگو است، گفت: اولاً تحقیقات وی بسیار جامع بود. ویژگی اول تحقیق او این بود که بدون مدرک سخن نمی‌گفت و هر نظری که می‌خواست ابراز کند، حتماً نظرش را مستند می‌کرد؛ یعنی به متون منبع و اصیل مراجعه می‌کرد و بر اساس مدارک و مستندات معتبر و صحیحی که خودش دیده بود سخن می‌گفت، این گونه نبود که چون دیگری چنین حرفی را زده وی اعتماد کند و همان سخن را نقل کند. نویسنده کتاب «پژوهشی درباره آیات محکم و متشابه» تصریح کرد: مراجعه به منابع و مدارک اصیل و دست اول و مستند سخن گفتن یکی از ویژگی‌های تحقیق علامه عسکری بود. نکته دیگری که در تحقیقات علامه مشاهده می‌شود جامعیت تحقیقات است. در هر موضوعی که وارد می‌شد، همه مستندات و روایات را به بحث می‌گذاشت؛ به همین دلیل معمولاً تحقیقات او از حجم گسترده‌ای برخوردار است و در مرحله بعد به نقد و بررسی و تحلیل آنها می‌پرداخت. مترجم کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» اذعان کرد: به همین دو دلیل تحقیقات علامه به نوآوری انجامیده است؛ یعنی در آثارش مطالبی دارد که پیشینیان وی یا اصلاً نگفتند یا کمتر گفتند. تحلیل‌های روایات در مورد تحریف قرآن از جمله این نوآوری‌هاست.

وی با بیان این که علامه عسکری در دانشکده اصول‌الدین همین ایده را دنبال کرد، گفت: مراد وی از عنوان «اصول‌الدین» قرآن و حدیث است؛ نه اصول دینی که در علم کلام مطرح است. علامه معتقد بود که اصول؛ یعنی معارف اصلی دین ما که باید از دو منبع اصلی قرآن و حدیث استخراج شود.

نویسنده کتاب «چندمعنایی در قرآن کریم» تصریح کرد: علامه عسکری تمام طول عمر خود و همه تلاش علمی‌اش را در این راه صرف کرد و در واقع، عمر و تحقیقاتش برکات زیادی داشت که به جامعه اسلامی و حوزه و دانشگاه عرضه شده است و جامعه اسلامی در داخل و خارج از کشور، اعم از شیعیان و غیر شیعیان از برکات عمر ایشان و تحقیقات علامه برخوردار شدند و می‌شوند. طیب‌حسینی با تأکید بر این که معتقدم علامه عسکری دارای دیدگاه تقریبی است، اذعان کرد: در عین حال در این دیدگاه تقریبی مدافع مکتب اهل بیت(ع) بود، علامه از افرادی است که نمی‌توان او را جزء تقریب‌گرایان صرف قلمداد کرد. وی با این ایده و برنامه که مکتب اهل بیت(ع) درست شناخته و معرفی شود، دنبال تقریب مذاهب بود.

نویسنده کتاب «آسیب‌شناسی جریان تفسیر ادبی سنتی» اضافه کرد: علامه عسکری معتقد بود اگر ما مکتب اهل

و قرآنی این مشکل را برطرف کردند و می‌گویند آیه ۶۵ معنایش قبل از جنگ به عنوان وحی بیانی بر رسول خدا(ص) نازل شده و حضرت رسول(ص) این وحی بیانی را بر مسلمین قرائت کرده و به آن عمل کردند و در سوره انفال وحی قرآنی آن نازل شده است. به نظر مرحوم علامه عسکری آیه ۶۶ ناسخ آیه ۶۵ نیست، بلکه ناسخ وحی بیانی است که قبل از جنگ بدر نازل شده است.

طیب‌حسینی در مورد اندیشه‌های قرآنی علامه عسکری اظهار کرد: علامه معتقد بود که آیه شریفه ۶۶ سوره مبارکه انفال ناسخ آیه ۶۵ این سوره نیست، بلکه ناسخ وحی بیانی است که مدت‌ها قبل نازل شده بوده است. وی با نظریه وحی بیانی این مشکل مفسران را در مورد ناسخ و منسوخ بودن این دو آیه حل کرد.

وی در ادامه سخنانش در مورد دیدگاه علامه عسکری در سیستم آموزشی حوزه افزود: علامه معتقد بود که نظام آموزشی حوزه باید اصلاحاتی پیدا کند؛ به عنوان مثال وی معتقد بود که متون حدیث و قرآن کریم باید مستقیماً و به طور مستقل وارد دروس حوزه شود، در زمان علامه این موارد جزء موضوعات حاشیه‌ای بودند و جزء متن دروس حوزوی نبودند.

نویسنده کتاب «خلاصه هشت بحث علوم قرآنی» با تأکید بر لزوم تحول در حوزه از دیدگاه علامه عسکری اظهار کرد: علامه ضروری می‌دانست که هم نظام آموزش حوزه و هم مواد درسی تغییر پیدا کند و حتماً باید قرآن و حدیث جزء متون درسی و اصلی آموزش حوزه قرار گیرد که تا حدودی بعد از انقلاب اسلامی تلاش‌هایی صورت گرفت، اما هنوز کافی نیست.



# بارور کردن

## فکر شیعه در

## دنیای امروز

■ علامه عسکری فکر شیعه را در دنیای امروز بارور کرد؛ وی براساس علمیت و عقلانیت مبتکر بود و مباحث را از دل وقایع تاریخی می‌گرفت و به شکلی که برای امروز جوابگو باشد مطرح می‌کرد.

▲ حجت‌الاسلام والمسلمین علی اسلامی، مدیر بنیاد بعثت در مورد نحوه آشنایی خود با علامه عسکری گفت: بنده سال ۱۳۴۸ از نجف به ایران آمدم، مرحوم شهید صدر استاد بنده در نجف بودند، خدمت‌شان بودم و به بنده خیلی محبت و علاقه داشتند، اجازاتی که ایشان به بنده دادند به هیچ یک از شاگردانشان ندادند، بعد از این که به ایران آمدم ایشان به من پیغام دادند که اگر دوباره به نجف بیایی خطرناک است، بنابراین برنگرد. از سال ۴۸ که به ایران آمدم ماندگار شدم. وی افزود: علامه عسکری با پدر بنده در سامراء هم‌مباحثه بودند. ایشان وقتی از دست صدام از عراق به ایران آمد در تمام لحظات من در خدمت ایشان بودم؛ خود ایشان فرمودند که هیچ کس به اندازه شما به من خدمت نکرده است. هر کاری که ایشان داشت، برایش انجام می‌دادم. اواخر عمر علامه عسکری بود که دیدم که ایشان کسی را ندارد و فقط از شش پسرش یک پسر دارد که ایشان هم

آن قدر انسان پاک و بی‌آلایشی است که در این جامعه وحشتناک نمی‌گذارند کاری انجام دهد، بنابراین تصمیم به تأسیس مؤسسه علامه عسکری گرفتم. مدیر بنیاد بعثت با اشاره به این که به علامه عسکری ظلم‌های مختلفی شده است، گفت: ظلم‌های مختلفی به علامه عسکری شد، هم جامعه روحانیت به ایشان ظلم کردند و هم بقیه افراد. ایشان در دو موضوع بحث علمی کرده بودند؛ یکی در بحث زیارت عاشورا و یکی هم درباره حدیث کساء، بحث هم بحث علمی بوده است، یک عالم محقق تنها بحث علمی می‌کند، شما فرض کنید یک حدیثی که این عالم او را أخذ حکم صادر کرده است، ممکن است یک عالم دیگر آن حدیث را قبول نداشته باشد، یعنی او می‌گوید دلالت آن حدیث بر این مطلب صحیح نیست و هم این که سند این حدیث ضعیف است و نمی‌توان به آن استناد کرد. اسلامی در ادامه سخنانش اظهار کرد: در این بحث علمی ممکن است یک طرف بحث یک مرجع تقلید و صاحب فتوی باشد و آن طرف بحث هم یک شاگرد عادی که پای درس ایشان است. من بارها گفته‌ام که در مکتب ما در مباحث علمی اصلاً هیچ‌گونه تعصب و برخوردی مطرح نیست و اگر یک شاگرد مرجع تقلید بتواند رأی ایشان را رد کند و بگوید این روایت را که شما به آن استناد کرده‌اید، ضعیف است، یا این استدلالی که به این آیه کرده‌اید، این بخش آن اشتباه است، اشکالی ندارد، شاگردان اگر نتوانند این‌گونه مباحث علمی را انجام دهند اصلاً نمی‌توانند مجتهد شوند، معنای مجتهد همین است یک شاگرد تا حرف استادش را با استدلال رد و آن را تحلیل نکنند، اصلاً مجتهد نمی‌شود. مدیر بنیاد بعثت تأکید کرد: متأسفانه در قضیه زیارت عاشورا به علامه عسکری ظلم شد، ایشان یک نظری داشت و گفته بود که «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ...» را بعداً به زیارت عاشورا اضافه کرده‌اند. علامه عسکری اصل زیارت عاشورا را قبول داشت، بخش صد لعن و صد سلام را قبول داشت منتها ایشان مدعی بود که این قسمت که بیان شد در اصل زیارت عاشورا نبوده است و آنرا بعداً به آن اضافه کرده‌اند.

وی افزود: برخی از افراد هیاهو درست کردند که علامه عسکری اساس زیارت عاشورا را زیر سؤال برده و اصلاً زیارت عاشورا را قبول ندارد و این حقیقتاً ظلمی است که به ایشان کردند. همچنین مثلاً در بحث حدیث کساء ایشان قبل از انقلاب جزوهای به نام حدیث کساء نوشتند و ما در بنیاد بعثت متن عربی آن را چاپ کردیم و خودم عربی آن را به زبان فارسی ترجمه و چاپ کردم، همچنین آن را به زبان‌های ترکی و انگلیسی هم ترجمه و منتشر کردیم.

حجت‌الاسلام اسلامی در ادامه سخنانش گفت: بنیاد بعثت در هند شعبه‌ای با عنوان مکتب قرآن داشت که این جزوه را در آنجا ترجمه و چاپ کردیم، علامه عسکری حدیث کساء را قبول داشت، ولی در مورد حدیث کسایی که اکنون در مفاتیح است ملاحظاتی داشته است، اما غوغایی به راه انداختند و در حوزه علمیه هم به ایشان توهین شد و گفته شد که ایشان ولایتش ضعیف است و حرف‌هایی زدند که کاملاً بی‌ارزش بود.

مدیر بنیاد بعثت اذعان کرد: بنده نامه‌ای به مرحوم آیت‌الله‌العظمی شیخ جواد آقا تبریزی - که در نجف با هم آشنا بودیم - نوشتم و عرض کردم که بحث علمی این امر را می‌طلبند که شما وقتی با ایشان اختلاف رأی داشتید، یا شما خدمت ایشان تشریف می‌آوردید یا ایشان را دعوت می‌کردید تشریف می‌آوردند و بحث علمی می‌کردید یا شما ایشان را قانع می‌کردید یا ایشان شما را قانع می‌کرد؛ این که علیه ایشان اطلاعیه داده شود امر خوبی نیست، علامه عسکری عالمی است که یک عمر در راه تشیع سوخته و فنیایی و فدایی این خاندان بوده و یک لحظه آرامش نداشته است.

وی در ادامه سخنانش گفت: علامه عسکری خودش نقل می‌کرد همان اوائل که ایشان در عراق کار خود را شروع و تحقیقاتش را آغاز کرده بود، دیده بود که ظلم عظیمی به اهل بیت(ع) شده است؛ ایشان قسم خورده و با خودش عهد کرده بود که «لست ابن فاطمة لو لم انتقم لهم؛ من فرزند حضرت زهرا(س) نباشم اگر انتقامشان را نگیرم.» بر این مبنا علامه عسکری یک عمر سوخته تشیع شد؛ اگر علامه عسکری این تحقیقات سنگین را روی فقه و اصول انجام می‌داد، اول مرجع جهان تشیع می‌شد، چنین افرادی واقعاً مجاهد فی سبیل‌الله هستند، ولی متأسفانه به ایشان ظلم زیادی شد.

حجت‌الاسلام اسلامی تصریح کرد: چون علامه عسکری هم دانشکده اصول‌الدین را داشتند که سه شعبه در تهران، قم و دزفول داشت و هم یک مجمع علمی داشتند برای این همه کارهای علمی‌شان - اسم ایشان هیچ‌جا نیست. به ذهنم رسید که

مؤسسه‌ای به نام ایشان درست کنم، خدمتشان عرض کردم و ایشان گفت هر کاری که می‌خواهید انجام بدهید، اول با پسرشان صحبت کردم که نهایتاً قبول کردند که مؤسسه علمی - فرهنگی علامه عسکری تأسیس شود و الحمدلله این مؤسسه هم اکنون حمایت مالی دانشکده اصول‌الدین را با خود به همراه دارد و کارهای خوبی را هم انجام داده است.

وی ادامه داد: اکنون این مؤسسه یک دفتر در تهران، یک دفتر در قم دارد و کارهای خوبی در حال انجام است، ترجمه‌ها آثار علامه را شروع کرده، چند روز پیش ترجمه پشتو یکی از آثار ایشان را از افغانستان برایم فرستادند. علامه عسکری واقعاً شخصی بود که فدایی تشیع بود یعنی یک لحظه آرامش نداشت با این که ایشان ۹۶ سال عمر کردند لوله کپسول اکسیژن را در بینی‌اش نگه می‌داشت و کار یا سخنرانی می‌کرد در این سن به سیستان و بلوچستان و به این طرف و آن طرف می‌رفت و یک‌سره در تحرک بود تا مشکلات علمی مردم را رفع کند.

اسلامی گفت: علامه عسکری جزء شخصیت‌هایی است که از نظر علمی مجتهد بودند؛ یعنی همان طور که قبلاً گفتم اگر ایشان تحقیقات خود را در فقه و اصول انجام می‌داد، یک مرجع عام جهان تشیع می‌شد؛ حتی علامه امینی نیز همین طور.

وی تصریح کرد: علامه عسکری از شخصیت‌هایی است که جان و عمر خود را در این راه صرف کرد، از نظر علمی ایشان یک محقق بسیار بلندمرتبه بود. در کارهای علمی محقق و متتبع وجود دارد؛ متتبع کسی است که مثلاً روایتی را در همه مصادر تتبع و جمع‌آوری می‌کند. این فرد محقق نیست، بلکه متتبعی است که تمام اسناد روایات را از مصادر جمع‌آوری کرده است، اما محقق کسی است که استفاده از مبانی علمی در هر فنی طرح و راه جدیدی را استخراج می‌کند تا به مطلوب و مراد خود برسد.

اسلامی با تأکید بر این که علامه عسکری واقعاً فکر شیعه را در دنیای امروز بارور کرد، گفت: علامه عسکری براساس علمیت و عقلانیت مبتکر بوده است؛ چون می‌دانید ایشان در کارهای تحقیقی

خود لفظ شیعه را برداشت و از واژه اهل بیت(ع) استفاده کرد، چون از عبارت شیعه در طول تاریخ تعبیر مختلفی شده است.

وی افزود: علامه عسکری برای این که حساسیت‌های موجود را از بین ببرد دو اصطلاح مکتب اهل بیت(ع) و مکتب خلفا را به کار برد و بیشتر همین دو مکتب را بحث می‌کرد؛ یعنی اگر در «معالم‌المدرستین» و یا در دیگر کتاب‌هایشان راجع به موضوعی بحث می‌کنند، اول موضوع را مطرح می‌کند و سپس می‌گوید مکتب اهل بیت(ع) این نظر را دارد و مکتب خلفا هم چنین نظری دارد و بعد ارزیابی می‌کند که کدام یک از آن‌ها درست است.

مدیر بنیاد بعثت در ادامه سخنانش اظهار کرد: علامه عسکری مثلاً در موضوع صحابی در ابتدا اصطلاح صحابی را تعریف می‌کنند و در ادامه می‌گویند نظر مکتب اهل بیت(ع) در مورد صحابی این عبارت است و مکتب خلفا هم این معنا را در نظر دارد و بعد ارزیابی می‌کنند که کدام یک درست است.

وی با اشاره به این که علامه عسکری همانند شهید مطهری بحث‌های نو و جدیدی را مطرح می‌کند و محقق و متفکر نوپردازی بود، تصریح کرد: علامه عسکری مباحث را از دل وقایع تاریخی می‌گرفت و به شکلی که برای امروز جوابگو باشد، مطرح می‌کرد، ایشان در این راه زحمت بسیار کشید و واقعاً محقق بود.

اسلامی به اهمیت آثار ایشان از جمله عبدالله بن سبأ اشاره کرد و گفت: کتاب عبدالله بن سبأ کتاب بسیار مهمی است تا قبل از ایشان علمای ما عبدالله بن سبأ را صحیح می‌دانستند و تنها برخی از روایاتی که از وی نقل شده بود را با مبانی علمی نقد و یا رد می‌کردند، اما نمی‌توانستند اثبات کنند که این شخص وجود خارجی ندارد و یک شخصیت ساختگی است که فتنه‌های شخص اجیری است که راویان و روایات مختلف را خلق کرده است.

وی با تأکید بر اهمیت کارهای تحقیقی در دهه‌های گذشته و آسان‌تر شده آن‌ها در زمان حال گفت: اکنون کارهای تحقیقاتی راحت شده و با کمک رایانه

و اینترنت کارها بسیار ساده شده است، اما در آن دوره ایشان یک کتابها را بررسی کرده است، اگر درست به خاطر می‌آید ایشان می‌گفت که برای کتاب صحابی مختلف نصف یک گونی مستندات را در دجله انداختیم.

وی افزود: ایشان به خاطر سخت‌کوشی در تحقیقات می‌گفتند که خواب خود را به پنج نوبت تقسیم کردم؛ یک ساعت می‌خوابید و چند ساعت کار می‌کرد و بعد یک ساعت می‌خوابید و همین‌طور کارها را ادامه می‌داد تا بازدهی بیشتری داشته باشد، این سخت‌کوشی‌ها باعث شد که آثار تحقیقاتی ایشان هنوز دارای اهمیت و از دقت خاصی برخوردار باشد.

مدیر بنیاد بعثت با بیان این‌که آثار علامه عسکری در حال ترجمه به زبان‌های مختلف است، گفت: در مؤسسه علامه عسکری تصویب شد که آثار ایشان به ۱۲ زبان ترجمه شود. ترجمه اردو این کتاب‌ها در حال اتمام است، بسیاری از کتاب‌ها هم به ترکی استانبولی ترجمه شده، ترجمه به زبان فارسی هم کامل شده و بسیاری از کتاب‌ها هم به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علامه عسکری از نظر روحیه سراسر اخلاص بودند، تعبیر شخصی ایشان این بود که شیعه یعنی کسی که آتش گرفته است و به دنبال آب می‌گردد؛ کسی که آتش گرفته و دنبال آب می‌گردد چگونه است؟ خودش هم واقعا این‌گونه بوده است.

وی با بیان اینکه علامه عسکری حتی در دوران کهولت سن نیز یک لحظه بیکار نبود، گفت: ایشان در سن نود و شش سالگی وفات کردند. امروزه افراد در سن ۵۰، ۶۰ سالگی دیگر قادر به فعالیت نیستند، اما ایشان در سن نود و شش سالگی یک لحظه بیکار نبود و حتی برای حل مشکلات فکری و عقیدتی مردم به سفر می‌رفت و با علما و مردم صحبت می‌کرد. واسطه علامه با حضرت حق، حضرت فاطمه زهرا(س) بود. ایشان تحمل نداشت که حتی درباره آن حضرت حرف بزنند؛ یعنی افکار و احوالش بسیار آشفته می‌شد. داستانی را از زبان خود ایشان شنیدم که می‌گفت: در اتاقم نشسته بودم که دیدم که اتاق من به رنگ زرد منور شد، دیدم حضرت فاطمه

زهرا(س) ظاهر شدند و از ایشان خواستم که مرا با خود ببرند، حضرت فرمودند که نه! الان موقع‌اش نیست، یکی از دوستان پرسید که در خواب دیدید، گفتند: نه! در بیداری.

اسلامی در پاسخ به این سؤال که باز خورد آثار علامه عسکری بر علمای اهل سنت چه بود، تصریح کرد: علمای متعصب اهل سنت زیر بار نمی‌رفتند و ایشان را مورد لعن و نفرین قرار می‌دادند، چون این قدر این آثار شفاف و با برهان و استدلال است که بسیاری از اهل سنت با انصاف شیعه شدند. نامه‌های زیادی از علمای با انصاف اهل سنت برای ایشان آمده که با خواندن کتاب‌های شما شیعه شدم؛ یعنی عالم منصفی نیست که کتاب‌های ایشان را بخواند و تغییر عقیده ندهد.

وی در ادامه سخنانش تأکید کرد: علمای وهابی چون مزد می‌گیرند تا مخالفت کنند و چون روح انصاف و صداقت بر آنها حاکم نیست، تعصب می‌ورزند و تغییر عقیده نمی‌دهند. اگر عالم سنی روح انصاف و علمیت بر او حاکم باشد مفسر و محقق کتاب‌های ایشان می‌شود و تغییر عقیده می‌دهد و این چنین هم شده است؛ آثار علامه عسکری خیلی‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.

مدیر بنیاد بعثت با بیان این‌که علامه عسکری به کشورهای مختلف مانند مصر، پاکستان، ترکیه و ... سفرهایی داشته‌اند، اظهار کرد: ایشان در سفرهایشان و در مباحثی که با علمای مختلف داشتند، آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دادند. سابقه نداشته که ایشان مفسر کسی شده باشد، حتی در بغداد با علمای یهود جلساتی داشتند، فیلم ویدئویی آن موجود است که قرار است متن آن پیاده شود.

وی در ادامه سخنانش در مورد نقش علامه عسکری در تقریب مذاهب اسلامی اظهار کرد: مرکزی با عنوان تقریب مذاهب در زمان آیت‌الله‌العظمی بروجردی، توسط آقای شیخ محمدتقی قمی در مصر تشکیل شد و آثار خیلی خوبی هم داشت. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی هم که مسئولیت آن هم بر عهده آیت‌الله تسخیری است، دارای فعالیت‌های خاص خودشان هستند و نیت‌شان این است که مذاهب را به هم

نزدیک کنند و از برخوردها و تضادهای جلوگیری کنند.

وی افزود: آثار علامه عسکری در این‌که یک عالم سنی را قانع کند مؤثر است، اما ایشان با هدف تقریب مذاهب فعالیت نکردند. ایشان محقق بودند که تاریخ را بررسی کردند و به اموری رسیدند که در شفاف‌سازی تاریخ مؤثر بوده است.

وی در مورد فعالیت‌های عقیدتی علامه عسکری گفت: علامه عسکری در اواخر عمر خود به استان سیستان و بلوچستان می‌رفتند و لباس مردم آنجا را به تن می‌کردند و در گفت‌وگو با مردم عادی و عالمان سعی می‌کردند که مشکلات فکری آن‌ها را حل کنند، معمولا کمتر کسی چنین کاری را می‌تواند انجام دهد. این نشان‌دهنده عشق ایشان به ولایت، دین و دیانت است که اساس زندگی ایشان بوده است.

اسلامی با تأکید بر این‌که علامه عسکری معتقد بودند که اساس جامعه بر فکر و فرهنگ است، سعی در اصلاح آن داشتند، اظهار کرد: تلاش علامه عسکری این بود که مشکلات فکری مردم را حل کنند. برخوردهای فیزیکی با مردم راه حل مناسب نیست راهکار این است که کودکان و جوانان با مکتب اهل بیت(ع) آشنا شوند تا بتوانند رفتار مناسب دینی را خود ایجاد کنند.

مدیر بنیاد بعثت در ادامه سخنانش تأکید کرد: این‌گونه کارها در کشور کمتر انجام شده، حتی اگر در مورد سیر اهل بیت(ع) صحبت می‌شود در حد سخنرانی است و بنابراین مردم و خصوصا جوانان عمیقا با مکتب اهل بیت(ع) آشنا نمی‌شوند. سیستم مناسبی وجود ندارد که جوانان با مکتب اهل بیت(ع) آشنا شوند، جز اینکه شخصی خود مایل باشد و به دنبال مطالعه رود. اگر این کار صورت گیرد در مقابل انحرافات جوانان مصونیت ایجاد می‌شود وگرنه برخوردهای فیزیکی راه حل مناسبی نیست و سرانجامی نخواهد داشت. اسلام دینی است که قبل از تولد و تا پایان مرگ برای انسان برنامه دارد اما نتوانستیم اینها را وارد برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه کنیم. علامه عسکری در تلاش بود که این کارها را انجام دهد.





# بهره‌گیری از گزاره‌های تاریخی برای رد یا اثبات باورهای کلامی



■ بحث‌های علامه عسکری بحث‌های کلامی است، ولی روشش یک روش کاملاً تاریخی است، ایشان از گزاره‌های تاریخی برای اثبات یا رد یک باور کلامی استفاده می‌کند و برخوردش با سند تاریخی، مثل برخورد یک مورخ کارآموده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین رمضان محمدی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، اظهار کرد: صحبت‌م را در سه بخش ویژگی‌های شخصیتی، مبانی خاص تاریخ‌نگاری و تبیین‌های تاریخی ایشان عرضه خواهم کرد؛ در بخش ویژگی‌های شخصیتی علامه باید گفت که ایشان از چهره‌های اندیشمند و از دانشمندان بزرگ جهان اسلام است که متعلق به یک فرقه و گروه خاصی نیست.

وی افزود: توانایی‌های علامه عسکری در علوم مختلف از جمله تاریخ، کلام و رجال بوده و تسلط ایشان بر علوم مانند علوم حدیث باعث شده که نوشته‌ها و گفته‌های ایشان از عمق بیشتری برخوردار باشد. از این‌ها که بگذریم، ایشان در اثر ارتباط نزدیکی که با تاریخ و یافته‌های آن برقرار کرد، توانست با استفاده از همین گزاره‌های تاریخی، مبانی بسیاری از مباحث کلامی را به چالش بکشد.

محمدی با بیان این‌که علامه عسکری در مرتبه اول، یک متکلم است، گفت: ایشان با همین مباحث کلامی و حتی ورود مباحث کلامی به مباحث تاریخی به لحاظ آن قرب و نزدیکی که کلام با فلسفه دارد، یک‌سری ملاک‌هایی را برای بررسی صحت و سقم یک گزاره تاریخی به دست

داده است. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه عنوان کرد: در مجموع، علامه عسکری شخصیت بسیار فرهیخته‌ای است و ما باید از سبک تاریخ‌نگاری او به عنوان چهره‌ای که در تاریخ‌نگاری اسلامی مطرح است، استفاده کنیم و جنبه‌های نظری و قواعد تحقیقی ایشان را پیدا کنیم و به محققان جوان و آنانی که به جست‌وجوی پژوهش‌های عمیق بین‌رشته‌ای تاریخی و کلامی هستند، ارائه کنیم.

محمدی تأکید کرد: علامه عسکری

یک‌سری توانمندی‌های خاصی دارد و واقعا آن احاطه و تسلط ایشان بر منابع و مآخذ اصلی، بسیار قابل توجه است. موضوعاتی که ایشان استخراج می‌کرده تا مورد بحث قرار دهد، واقعا به آن منابع و مآخذ تسلط فوق‌العاده‌ای داشته است. از این‌ها که بگذریم، علامه عسکری در موضوعی که برای بحث و تحقیق انتخاب می‌کرد، پیشینه مباحث را به‌خوبی مورد بررسی قرار می‌داد.

وی تصریح کرد: علامه عسکری در ابتدای هر تحقیقی بیان می‌کند که آیا در آن موضوع کار شده است یا نه؟ و اگر کار شده است در چه حیطه‌هایی کار شده؛ سپس ایشان به حیطه‌های کار نشده می‌پرداخت. در مجموع آثار ایشان می‌بینیم که در آن فضاهایی تحقیق و بررسی کرده که کار نشده و با آن امکاناتی که در گذشته نبوده - اعم از سی‌دی‌ها و نرم‌افزارها - و اکنون هست، آن موقع کار در چنین سطوحی بسیار مشکل بوده است.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه عنوان کرد: علامه عسکری هنگامی که به تحقیق درباره یک گزاره تاریخی می‌پردازد، بحث اسنادی می‌کند و سندهای آن را بررسی می‌کند، متن را مورد مذاقه قرار می‌دهد، مصادر را بررسی می‌کند. ایشان در بررسی اسناد، واقعا احتیاط‌های عالمانه‌ای انجام می‌دهد.

محمدی با بیان این که علامه عسکری هنگامی که به خود گزاره تاریخی می‌رسد و می‌خواهد آن را تبیین کند، روشی معقول و منطقی در پیش می‌گیرد، گفت: این سبک علامه از آن حس حقیقت‌جویی او سرچشمه می‌گیرد و در این مسیر ایشان از دایره انصاف خارج نمی‌شود.

وی با بیان این که بحث‌های علامه عسکری بحث‌های تقریبا فریقینی است، اظهار کرد: ایشان هم در مکتب خلفا و هم در مکتب اهل بیت (ع) مباحث را پیش برده و بیان کرده است؛ لذا به سراغ بسیاری از مباحث حساس تاریخ اسلام رفته است، با این که مباحث، حساس است و مورد اختلاف بین فریقین است، اما علامه عسکری در آن مباحث هرگز به دور از انصاف سخن نگفته است.

این محقق و پژوهشگر تأکید کرد: ممکن

است جاهای دیگری که بین خود مکتب اهل بیت (ع) یا بین خود مکتب خلفا انسان بحث می‌کند، شخصی بگوید که رعایت انصاف در اینجا خیلی مهم نباشد ولی هنگامی که بین فریقین بحث می‌کند، این مطلب حائز اهمیت است که دور از انصاف سخن نگویید و علامه عسکری چنین بوده است.

محمدی تصریح کرد: علامه عسکری در فضای نقد، مرعوب بسیاری از بزرگان علم تاریخ از جمله طبری نشده است؛ طبری شخصی است که در تاریخ‌نگاری حقیقتا سرمشق بسیاری از مؤلفان و مورخان است، ولی علامه به طبری انتقادات بسیار تند و عالمانه‌ای دارد؛ خصوصا در بخش اسناد طبری که پس از بررسی، انتقادات عالمانه‌ای را بیان می‌کند.

محمدی با بیان این که بیشترین حجم کارهای تاریخی علامه عسکری، تبیینی است، اظهار کرد: اگر بخواهم نمونه‌ای در این زمینه عرض کنم، درباره نقل نکردن برخی مطالب درباره معاویه است، علامه می‌گوید خیلی از مسائل که طبری درباره مذمت معاویه نقل کرده است، به دلایل متعددی بوده است؛ ممکن است نقل کردن آن مطالب در مذمت معاویه برای برخی‌ها خوشایند نبوده باشد.

وی ادامه داد: علامه عسکری در ادامه تبیین خود درباره این مسئله، ضمن نقل آن مطلب در مذمت معاویه این سؤال را طرح می‌کند که آیا طبری که این مطلب را نقل نکرده، آیا حدیث را نمی‌شناخته؟ رجال حدیث را نمی‌شناخته؟ یا این که نقل نکردنش به دلیل این بوده که ممکن است چیزهایی را بگوید که به نفع برخی‌ها نباشد؟

محمدی افزود: همچنین این که جناب ابوذر را تبعید کردند یا آن برخوردهایی که خلیفه سوم با ابوذر داشته است، طبری این‌ها را نقل نکرده و علامه عسکری سؤال می‌کند که آیا طبری می‌خواست به شأن ابوذر صدمه وارد نشود و آن مطالب را بیان نکرده؟ این طور نمی‌تواند باشد، چون بسیاری جاها که به خانه کعبه صدمه خورده، طبری آن را بیان کرده است.

این محقق و پژوهشگر تأکید کرد: پس بنای طبری در نقل نکردن آن مطالب

این نبوده که به حرمت ابوذر برخی وقایع تاریخی را نقل نکند. علامه عسکری می‌گوید که پشت صحنه نقل نکردن برخی وقایع یا بعضا نقل کردن برخی وقایع، نه عدم آگاهی طبری بوده و نه این بوده که به خاطر حرمت نگه‌داشتن از افرادی مانند ابوذر بوده است، بلکه پشت این قضیه یک تفکر وجود دارد و آن فکر این است که بالاخره این‌ها از قدرت‌های موجود زمان خودشان حساب می‌برده‌اند و به همین دلیل برخی مطالب را نقل کرده یا نقل نکرده‌اند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با بیان این که علامه عسکری واقعه تاریخی را به صورت تبیینی ارائه می‌دهد، گفت: ایشان در بخش سند بسیاری از روایات هم که مربوط به صحابه می‌شود، باز هم همین کار را می‌کند و در بسیاری جاها روشش این است که واقعا با بررسی متن و سند به این نتیجه می‌رسد که اصل واقعه درست نبوده است.

وی با اشاره به روش‌های تاریخی‌نگاری سه‌گانه عنوان کرد: معمولا سه روش روایی، ترتیبی و تحلیلی در تاریخ‌نگاری مطرح است و علامه عسکری روش تحلیلی را برگزیده است و وقایع تاریخی را بعد از بحث از سند و متن و بعد از بحث از مصادر آن به صورت تحلیلی و تبیینی ارائه و بررسی کرده است. وی افزود: علامه عسکری در مصادر هم به سراغ تطور روایات رفته است که این روایت آیا تطور پیدا کرده است و یا این که تطور پیدا نکرده است؟ بعد از همه این مباحث، آن گزاره تاریخی را تبیین و تحلیل می‌کند و می‌گوید که در پشت نقل این واقعه یا گزاره تاریخی چه افکاری بوده است که آن را نقل کرده‌اند یا احیانا نقل نکرده‌اند.

این محقق و پژوهشگر با بیان این که بحث‌های علامه عسکری بحث‌های کلامی است، ولی روشش یک روش کاملا تاریخی است، گفت: ایشان از گزاره‌های تاریخی برای اثبات یک باور کلامی یا برای رد یک باور کلامی استفاده می‌کند و برخوردش با سند تاریخی، مثل برخورد یک مورخ کارآزموده است.

وی اضافه کرد: این طور نیست که بگوییم علامه عسکری آن حادثه تاریخی را با کلام بررسی کرده است و از طریق استفاده از کلام، آن را رد یا اثبات کرده است، بلکه وقتی که با یک گزاره تاریخی برخورد می‌کند، مانند یک مورخ رفتار می‌کند و واقعا درصدد اثبات یا ردّ یک واقعه تاریخی به عنوان یک مقوله تاریخی است و بعد از ردّ یا اثبات آن واقعه است که از آن چه در جهت اثبات آن و چه در جهت ردّ باورهای کلامی بهره می‌گیرد.

وی با بیان این که علامه عسکری گاهی اوقات تطور یک روایت را نشان می‌دهد، تصریح کرد: ایشان بیان می‌کند که فلان روایت اولین مرتبه در کجا طرح

شده و بعد چه کسی آن را طرح کرده است و بعد طی قرون متمادی یک روایت کوتاه چگونه به یک روایت مفصل تبدیل شده است. این تطور روایات را واقعاً علامه عسکری نشان می‌دهد که چه تطوری روی این روایات صورت گرفته است.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه عنوان کرد: علامه عسکری همچنین سند روایت را بررسی می‌کند، در بررسی سند هم به منابع رجالی اصیل که جرح و تعدیل آن‌ها بالا صاله باشد - نه بالتبع - مراجعه می‌کند، (مانند کتاب یحیی بن معین) این‌ها نکات حائز اهمیت است که علامه عسکری در بررسی اسناد طبری یا هر موضوع دیگری که مورد تنازع یا مناقشه بین فریقین است، رعایت کرده است.

محمدی اظهار کرد: علامه عسکری وقتی می‌خواهد یک گزاره تاریخی را بررسی کند، بررسی سندی را با احتیاطات عالمانه و مراجعه به منابع اصیل آن‌ها پیش می‌برد و بعد به سراغ متن می‌آید ایشان گاهی که می‌خواهد یک متن را که دارای سند نیست، بررسی کند، آن را در متن‌های مشابه و کتاب‌های تاریخی پیگیری می‌کند و از آن طریق به سند آن مطلب منتقل می‌شود. این مسئله به طرق مختلفی صورت می‌پذیرد.

محمدی اضافه کرد: در مجموع باید گفت که طریقه تاریخ‌نگاری علامه عسکری، طریقه تبیینی یا تحلیلی است نه طریقه روایی یا ترکیبی؛ یعنی ایشان یک واقعه تاریخی را می‌آورد و آن را تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که در پشت آن واقعه تاریخی چه فکری نهفته و انگیزه طرح آن مسئله چه بوده و از کجا نشئت گرفته است.

وی افزود: ایشان همچنین بیان می‌کند که چه افرادی و با چه انگیزه‌هایی آن را طرح کرده‌اند و سند روایات آن‌ها چگونه بوده است. علامه همچنین یک‌سری مبانی دارد، ما وقتی که می‌بینیم یک متکلم مانند علامه عسکری به سراغ مباحث تاریخی می‌رود، علتش این است که می‌بیند در تاریخ یک‌سری گزاره‌هایی واقع شده و یک‌سری گزاره‌های نقل شده که این گزاره‌ها مخالف مبانی کلامی اوست.

محمدی تصریح کرد: بسیاری از قدمای ما - از جمله مرحوم صدوق یا شیخ مفید - وقتی به سراغ تاریخ می‌روند، می‌بینیم که درصدد اثبات یا ردّ یک واقعه تاریخی نیستند. آن‌ها می‌بینند که در جایی تاریخ چیزی گفته است و آن‌ها به دلیل این که یک ظنونی از تاریخ و روایت‌های تاریخی و از گزاره‌های تاریخی برای مسلمان‌ها پیدا شود، آن را نقل می‌کنند و مؤید می‌آورند ولی در واقع درصدد اثبات یا ردّ یک واقعه تاریخی به عنوان یک مقوله تاریخی نیستند.

وی با بیان اینکه روش علامه عسکری این‌گونه نیست، اضافه کرد: ایشان وقتی می‌بیند یک گزاره تاریخی آمده است که مخالف باورهای کلامی ایشان است که باید به تاریخ پاسخ دهد یا این که باید از این گزاره تاریخی که موافق آن باورهای کلامی‌اش نیست، استفاده کند. ابتدا آن واقعه تاریخی را به لحاظ سند و بعد به لحاظ متن و بعد مصادر و منابع بررسی می‌کند. در نتیجه آن واقعه تاریخی را اثبات یا ردّ می‌کند و از آن در به چالش کشاندن مباحث کلامی استفاده می‌کند.

محمدی با بیان این که علامه عسکری بسیاری از مباحث کلامی را با گزاره‌های تاریخی به چالش می‌کشاند، گفت: این روش ویژه‌ای در تاریخ‌نگاری است که علامه عسکری از تبیین - که خودش یک مسئله مهم در تاریخ است - استفاده می‌کند و گزاره‌های تاریخی را تبیین می‌کند، حال چه در کمک‌گرفتن از گزاره‌های تاریخی برای اثبات آن باورهای کلامی یا برای ردّ آن‌ها.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه اظهار کرد: پس در مجموع، روش علامه عسکری روش تحلیلی و تبیین گزاره‌های تاریخی است، منتهی چون علامه عسکری یک متکلم است و متکلم هم در برخورد با مباحث گوناگون ممکن است روش‌های گوناگونی را اتخاذ کند، می‌بینیم که ایشان هم از این قاعده مستثنی نیست و روش‌های بسیار زیادی در برخورد با این مسائل کلامی دارد.

وی ادامه داد: گاهی تاریخ‌نویسان با نفی جزئیات یک واقعه می‌گویند که اصل آن هم واقع نشده است، و بالعکس؛ یعنی گاهی با اثبات جزئیات یک واقعه، اصل آن را اثبات می‌کنند، البته این قانون همه‌جا کلیت و عمومیت ندارد و این را نمی‌توانیم به عنوان یک قاعده کلی بگوییم، اما علامه عسکری در بعضی مباحث تاریخی این کار را انجام داده است.

محمدی گفت: علامه در برخی مباحث که بسیار هم حساس و مورد اختلاف فریقین هم هست، این عمل را انجام می‌دهد؛ یعنی گاهی اوقات با اثبات جزئیات یک واقعه تاریخی، این واقعه را اثبات می‌کند یا گاهی با نفی جزئیات یک واقعه تاریخی،

اصل واقعه را هم نفی می‌کند، چنانچه در بحث عبدالله بن سبأ که از مباحث مهم است، روش ایشان همین گونه است.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ادامه داد: علامه عسکری در بحث عبدالله بن سبأ به این ترتیب عمل می‌کند که جزئیاتی را بیان و آن‌ها را انکار می‌کند و از انکار جزئیات این واقعه تاریخی کلیت وجود شخصی به نام عبدالله بن سبأ را نفی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که بالاخره عبدالله بن سبأ اصلاً وجود خارجی نداشته و شخصیتی ساختگی است.

این محقق و پژوهشگر تأکید کرد: ایشان در مراجعه به منابع هم این روش را دارد که - البته در کتاب عبدالله بن سبأ هم این را تصریح کرده و در جاهای دیگر هم بیان کرده است - سعی می‌کند به منابع قدیمی مراجعه کند ولی مراجعه‌اش به منابع قدیمی مانع از این نیست که ایشان از منابع جدید هم غافل شود و سراغ آن‌ها نرود.



# پی‌ریزی مباحث زیربنایی در صحابه‌نگاری



حجت‌الاسلام والمسلمین  
محمدرضا هدایت‌پناه، عضو  
هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،  
اظهار کرد: راجع به علامه عسکری و  
تخصص‌های او در ابعاد مختلف برای  
اندیشمندان واضح و روشن است که  
ایشان در مجموع یک اندیشمند و عالم  
دینی است که حقیقتاً به دنبال واقعیت  
در امور دینی بود و عمر خود را نیز در  
این حیطة صرف کرد.

وی افزود: یکی از مسائلی که ایشان به  
آن پرداخت، مسئله صحابه بود، البته  
ایشان در خصوص دانش صحابه‌نگاری  
نگاهی نداشته است، اما برای دفاع از  
تشیع ایشان به این نتیجه رسیده بود که  
«عبدالله بن سبأ» که به هر حال از قدیم  
می‌گفتند که شخصیتی است که در تاریخ  
وجود داشته، اساساً وجود خارجی نداشته  
و شخصیتی ساختگی در تاریخ بوده است.  
عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه  
و دانشگاه ادامه داد: مشهور بود که  
می‌گفتند ریشه تشیع به عبدالله بن سبأ  
بازمی‌گردد و شخصی بوده که از یمن  
آمده و در مصر، مردم را علیه عثمان  
تحریک کرده و غائله‌ای را به وجود آورده  
که افکار و اندیشه‌های خاصی را داشته  
است. علامه عسکری ثابت کرد که تمام  
این‌ها کذب بوده است.  
هدایت‌پناه افزود: با تبعی که علامه

■ علامه عسکری معتقد بود که در بحث عبدالله بن  
سبأ باید سخن را روی موضوع ببریم، نه روی حکم؛  
لذا با این نظریه یک بحث زیربنایی را در دانش  
صحابه‌نگاری پی‌ریزی کرده است.

عسکری انجام داد، به این نتیجه رسید که ریشه تمام این داستان‌ها که برای تشیع  
می‌ساختند و شبهات را متوجه تاریخ تشیع کرده بودند، شخصی به نام «سیف بن عمر  
تمیمی» بوده و علمای شیعی و خصوصاً علمای اهل سنت او را به اجماع و به اتفاق، کذاب  
و دروغ‌گو و متهم به حدیث‌سازی دانسته‌اند. آنان انواع تعابیری که در تضعیف یک راوی  
گفته‌اند، در رابطه با او تمام یک‌جا بیان کرده‌اند.

وی با بیان این‌که عبدالله بن سبأ از ساخته و پرداخته‌های سیف بن عمر بوده است،  
گفت: این مطلب، روزنه‌ای شد که علامه عسکری به طور جامع بر روی روایات سیف بن  
عمر متمرکز شود و نتیجه این شد که ایشان کتاب «۱۵۰ صحابی ساختگی» را نگاشت؛  
یعنی در حقیقت ایشان ابتدا کتاب عبدالله بن سبأ را نوشت و بعد هم کتاب ۱۵۰ صحابی  
ساختگی را به دنبالش تألیف کرد.

این محقق اضافه کرد: حالا ما از این زاویه و با این مقدمه وارد بُعد صحابه‌نگاری علامه  
عسکری می‌شویم. درباره دانش صحابه‌نگاری بحث این است که علمای اهل تسنن از ابتدا  
تا انتها یعنی حدود حداقل ۱۰ قرن راجع به دانش صحابه‌نگاری تألیفات داشته‌اند. دانش  
صحابه‌نگاری وقتی ۱۰ قرن روی آن کار می‌شود، نشان‌دهنده این است که این دانشی  
است که یکی از ارکان فکری و مشغله‌های ذهنی علمای اهل سنت بوده است.

وی ادامه داد: این مطلب همچنین نشان‌دهنده این است که آنقدر مباحث مختلف، درباره  
این دانش (یعنی دانش صحابه‌نگاری) وجود دارد که ۱۰ قرن به هر حال علمای اهل سنت  
را کشانده و صدها کتاب در موضوعات مختلف درباره صحابه و صحابه‌نگاری نوشته‌اند. حالا

بعد از این همه کار، علامه عسکری اولاً وارد حوزه‌ای می‌شود که نوعاً علمای شیعه وارد آن نشده‌اند؛ یعنی کاری به دانش صحابه‌نگاری نداشته‌اند.

هدایت‌پناه با بیان اینکه آن‌گونه که علامه عسکری به صحابه پرداخت، قبل از او پرداخته نشده بود، عنوان کرد: در گذشته، صحابه برایشان به آن شکل مطرح نبوده است؛ چرا این‌طور بوده است؟ باید به مسائل تاریخی بپردازیم که از بحث حاضر خارج است. اکنون صحبت ما بر این است که وقتی ۱۰ قرن علمای اهل سنت به طور جامع و به صورت فنی راجع به این دانش بحث کرده‌اند و صحبت کرده‌اند و زوایای مختلف این قضیه را بررسی کرده‌اند، حالا بعد از این همه کار که انجام گرفته است، یک عالم شیعی (علامه عسکری) چه حرفی در دانش صحابه‌نگاری دارد که بگوید؟

وی با بیان این‌که حرفی که علامه عسکری مطرح کرد، حرفی تازه است و موجی در دانش صحابه‌نگاری ایجاد کرد، گفت: کار علامه عسکری وارد فاز دیگری می‌شود که فکر نمی‌کنم فضایی ما به این نکته توجه داشته باشند؛ چون باید این را دانست که دانش صحابه‌نگاری متأسفانه دانشی است که در حوزه‌های علمیه و همچنین مجامع دانشگاهی به آن پرداخته نشده است و زوایای آن آموزش داده نمی‌شود.

وی تأکید کرد: اکنون قریب به ۱۰ سال است که ما داریم راجع به این بحث کار می‌کنیم و بنده طرح جامعی راجع به این قضیه دارم و درباره سیر تکوین دانش صحابه‌نگاری دارم کار می‌کنم. ما مدعی هستیم که اولاً دانش صحابه‌نگاری را شیعه بنیان‌گذاری کرده و کتاب‌های آن هم موجود است. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تصریح کرد: البته سیر تحولات فکری و کلامی شیعه و اهل سنت به نحوی شده بود که در حقیقت، این دانش از اختصاصات اهل سنت شده بود. حالا علامه عسکری می‌گوید که ما وارد این فاز می‌شویم و اشتباهات فاحش و زیربنایی را که صحابه‌نگاران اهل سنت در طول این ۱۰ قرن و بلکه بیشتر تکرار کرده‌اند و انجام داده‌اند و به صورت مسلم هم آن‌را اخذ کرده‌اند، ما آن‌ها را نقد می‌کنیم.

هدایت‌پناه با اشاره به نظرات علامه عسکری درباره صحابه‌نگاری، اظهار کرد: ایشان در دانش صحابه‌نگاری می‌خواهد بگوید وقتی برای اینکه بخواهید بگویید فلانی صحابی است یا نیست، اولاً شما اهل سنت، یک تعریفی از صحابه دارید، ثانیاً راه‌های اثبات صحابه را هم گفته‌اید، ما بر اساس همین تعریفی که شما گفته‌اید و ما به آن قائل نیستیم، با شما یعنی با اهل سنت مباحثه می‌کنیم. وی تأکید کرد: علامه می‌گوید که ما به این شکل با

شما بحث می‌کنیم که تعریف شما را فعلاً می‌پذیریم و راه‌های اثبات صحابه را هم فعلاً می‌پذیریم، منتهی آیا صحابه‌نگاران شما در این ۱۰ قرن و با این کتاب‌های بسیار زیادی که نوشته‌اند، آیا پایبند به این اصول و به این راه‌های اثبات صحابه بوده‌اند یا خیر؟

نویسنده کتاب «بازتاب تفکر عثمانی در واقعه کربلا» عنوان کرد: علامه می‌گوید، من فقط یکی از این‌ها را پی می‌گیرم و آن این است که شما اهل سنت گفته‌اید اگر شخصی درباره‌اش شهرت ایجاد شود که او صحابی بوده است، او را به عنوان یک صحابی می‌پذیرید. علامه می‌گوید که این شهرت اگر بازگشت به منبعی کند که ما می‌دانیم که آن منبع هیچ ارزشی ندارد؛ در نتیجه، این شهرت هم هیچ ارزشی پیدا نخواهد کرد.

این محقق و پژوهشگر تأکید کرد: در اصطلاح اصول می‌گوییم این بحث در حقیقت، شبیه اجماع مدرکی است. اجماع وقتی راجع به یک فتوایی شکل گرفت، آن را می‌پذیریم، اما اگر این اجماع، اجماع مدرکی باشد؛ یعنی ما می‌دانیم که ریشه این اجماع به عنوان مثال، فلان روایت است، دیگر این اجماع فایده‌ای ندارد و ما به همان سند نگاه می‌کنیم.

وی ادامه داد: علامه عسکری می‌گوید که تمام ریشه این ۱۵۰ صحابی که الان در صحابه‌نگاری آورده‌اند، برخی کتاب‌های اهل سنت مانند: استیعاب، اسدالغایه، الاصابه ابن حجر عسقلانی و پیشگامان اهل سنت مانند ابونعیم و ابن‌سکن و دیگر علمای بزرگ اهل سنت است که آن را در آثارشان آورده‌اند.

نویسنده کتاب «حدیث برادری در سیره نبوی» تصریح کرد: علامه عسکری می‌گوید که تمام این افراد حرفشان به چه کسی می‌رسد؟ وقتی همه‌شان می‌گویند که ما این روایت را از سیف بن عمر گرفتیم و در این روایت چنین فردی را معرفی کردند به عنوان صحابه، ما می‌گوییم که علمای جرح و تعدیل و علمای رجالی شما چه نظری راجع به سیف بن عمر دارند؟ می‌گویند: همه بالاتفاق گفته‌اند که او کذاب و حدیث‌ساز است.

نویسنده کتاب «جریان‌شناسی فکری معارضان قیام کربلا» افزود: علامه می‌گوید که وقتی شخصی چنین توصیفات در رابطه با او بیان شده و با تعبیر شدید تضعیف از او یاد شده، چگونه امکان دارد که ما به چنین فردی اعتنا کنیم و به روایت او استناد کنیم و بگوییم که این فرد، صحابی است؟

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تصریح کرد: سخن علامه عسکری این است که تمام شما وقتی این فرد را بررسی می‌کنید، می‌بینید که کتاب «الاصابه» از کتاب «استیعاب» گرفته است، استیعاب هم از طبری گرفته و طبری هم از سیف بن عمر گرفته است. ما می‌گوییم این سیف بن عمر که الان این توصیفات را دارد، تضعیفی هم که درباره سیف بن عمر است، تضعیف بالاتفاق است.

وی ادامه داد: وقتی که این تضعیف، بالاتفاق است مانند تضعیفاتی نیست که درباره رویان دیگر گفته می‌شود که بعضی از رجالیون و محدثان او را توثیق و برخی دیگر او را تضعیف کرده باشند؛ یعنی در حقیقت سیف بن عمر از جمله افرادی نیست که هم توثیق درباره‌اش آمده باشد و هم تضعیف، بلکه سیف بن عمر کسی است که بالاتفاق و بالاجماع درباره‌اش تضعیف آمده است.

این محقق و پژوهشگر تصریح کرد: شما حتی یک نفر را پیدا نمی‌کنید که از علمای اهل سنت و از علمای رجالی باشد و سیف بن عمر را با لفظ «ثقة» خوانده باشد. در چنین مواردی حتی اگر یک یا دو نفر پیدا شوند که سیف بن عمر را توثیق کرده باشند، بر اساس اصول علم حدیث اهل سنت، هنگامی که توثیق و تضعیف با هم تضاد داشته باشند و تعارض پیدا کنند، غالب علمای اهل سنت می‌گویند که تضعیف مقدم است.

هدایت‌پناه با بیان این‌که اگر فرض کنیم که درباره سیف بن عمر هم چنین چیزی باشد، تضعیف، مقدم داشته می‌شود، گفت: چه رسد به این‌که درباره سیف بن عمر اتفاق وجود دارد که او را تضعیف کرده‌اند و اجماع بر تضعیف او وجود دارد. علامه عسکری می‌گوید وقتی شما این تضعیف را دارید، آن هم به این شکل

که بیان می‌کند که این فرد، حدیث‌ساز و جعّال است و دروغ‌پرداز و کذاب است، به چه جهت، روایتی که نقل کرده و عبدالله بن سبأ را صحابی خوانده است، می‌پذیرید؟

هدایت‌پناه اظهار کرد: نقطه ثقل سخن اصلی علامه عسکری اینجاست که افراد زیادی شاید متوجهش نباشند که می‌گویند: «اینجا شما صحابه‌نگاران اهل سنت فقط آمده‌اید این تضعیف را به آن توجه توصیفی کرده‌اید؛ یعنی تضعیف فقط آمده چه چیزی را رد کرده است؟ می‌گویید فلانی صحابی نیست و وصف صحابی بودن یا صحابی نبودن را از او نفی می‌کنید، به اعتبار این که سیف بن عمر ضعیف است.»

وی گفت: ولی سخن علامه عسکری بالاتر از این است، ایشان می‌گوید باید حرف را روی اصل ببرید، نه روی وصف؛ یعنی حرف را روی موضوع ببرید، نه روی حکم؛ زیرا شما تنها سندتان برای شناختن چنین فرد صحابی، این روایت است. وقتی این روایت را هم از دست صحابه‌نگار بگیری، دیگر چیزی در دست او نیست که بخواهد بگوید سیف بن عمر وجود خارجی دارد، منتهی صحابی نیست. وی ادامه داد: علامه عسکری می‌گوید اصلاً چنین شخصی وجود ندارد؛ چون اگر شخص دیگری از مورخان او را معرفی می‌کرد، می‌گفتیم که چنین کسی وجود دارد، اما وقتی حتی یک نفر از مورخان هم او را معرفی نکرده است؛ بنابراین چنین کسی اصلاً وجود نداشته است.

نویسنده کتاب «جریان‌شناسی فکری معارضان قیام کربلا» عنوان کرد: علامه عسکری می‌گوید از آنجا که اطلاع صحابه‌نگار از این فرد تنها و تنها به طریق سیف بن عمر انحصار دارد وقتی سیف بن عمر را از میان برداشته‌اید، دیگر چیزی برای پذیرفتن توسط صحابه‌نگار وجود ندارد؛ بنابراین معلوم می‌شود که صحابه‌نگاران اهل سنت فقط از تضعیفات به این شدت و حدتی که خودشان درباره سیف بن عمر گفته‌اند، فقط حکم را روی وصف برده‌اند و در نتیجه، از این تضعیف فقط حکم را برداشته است و فقط وصف را برداشته است ولی موضوع را برداشته است و این خطای فاحش صحابه‌نگاران

اهل سنت بوده است.

وی تأکید کرد: از این رو علامه عسکری معتقد است، بر اساس این که اگر سند ما و اطلاعات ما راجع به چنین شخصی و هویت او منحصر فقط در اخبار سیف بن عمر باشد و از طرفی هم به دلیل تضعیفات که درباره سیف بن عمر وجود دارد، نتیجه می‌گیریم که اساساً عبدالله بن سبأ وجود خارجی ندارد؛ چون سندی برای دستیابی به هویت این شخص نداریم.

نویسنده کتاب «جریان‌شناسی فکری معارضان قیام کربلا» با بیان این که صحابه‌نگاران اهل سنت دچار چنین اشتباهی شده‌اند، تصریح کرد: آنگاه ما از این طریق وارد بحث دیگری می‌شویم که اگر آن بحث وارد دانش صحابه‌نگاری شود، بسیاری از این افرادی را که معرفی کرده‌اند به عنوان صحابه، اینها هم زیر سؤال می‌روند.

نویسنده کتاب «حدیث برادری در سیره نبوی» ادامه داد: آن مطلب این است که اساساً ما این مطلب را روی این اصل می‌بریم؛ یعنی چنانچه انحصار اطلاع صحابه‌نگار برای معرفی و شناخت فردی فقط یک واسطه باشد و فقط یک سند باشد و آن سند هم ضعیف باشد، این تضعیف آیا باید به وصف بازگردد یا موضوع را نیز دربرمی‌گیرد و خود فرد را نیز در هاله‌ای از ابهام می‌برد؟

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه عنوان کرد: اینجا می‌گوییم صحابه‌نگاران متأسفانه سکوت می‌کنند و شرحش یک بحث طولانی است که از سخن کنونی ما خارج است. به هر حال علامه عسکری با این قضیه و با این اصلی که بنا نهاده است، یک بحث زیربنایی را در دانش صحابه‌نگاری پی‌ریزی کرده است.

وی اضافه کرد: البته نباید از دایره انصاف خارج شد که علمای اهل سنت نه این که نخواسته‌اند یا تلاش نکرده‌اند که فرد صحابی را از غیر صحابی تشخیص بدهند، ما کتاب‌هایشان را ملاحظه کردیم، خیلی روشن است که آن‌ها تلاش کرده‌اند که صحابی را از غیر صحابی تمیز بدهند.

این محقق و پژوهشگر تصریح کرد: حتی برخی صحابه‌نگاران اهل سنت افرادی

را که اصلاً وجود هم ندارند، و این‌ها در شمار صحابه آمده‌اند، حتی آن‌ها را هم گفته‌اند که ما باید بشناسیم و پاک‌سازی کنیم و انصافاً تلاش خوبی هم کرده‌اند، منتهی اینجا اشتباهات اصولی و زیربنایی دیگری هم دارند که در دانش صحابه‌نگاری باید مفصلاً تبیین و بررسی شود.



# «۱۵۰ صحابه ساختگی» و موج جدید در پژوهش‌های حدیثی



■ علامه عسکری با تألیف کتاب «۱۵۰ صحابه ساختگی» که به معرفی و بررسی روایان دروغین پرداخته است، موج جدیدی در پژوهش‌های روایی و حدیثی ایجاد کرد.

بود، او را کنار زدند و خود پیامبر اکرم(ص) نماز را خواندند. دانشجوی دکترای دانشگاه اسلامی بیروت با اشاره به کتاب دیگر علامه عسکری با عنوان «عبدالله بن سبأ» گفت: احادیث و روایاتی به این شخص نسبت داده شده است. علامه این احادیث را مورد بررسی قرار داده است و با تحقیقی عالمانه درباره خود عبدالله بن سبأ نشان می‌دهد که او یک شخصیت خیالی است و وجود خارجی نداشته است. ترجمان با اشاره به یکی از آثار علامه عسکری با عنوان «علی مائده الکتاب و السنه» اظهار کرد: عنوان این کتاب به معنای «بر سر سفره قرآن کریم و سنت» است که در متن کتاب مباحثی درباره قرآن کریم و سنت بیان شده است. بحث‌های علامه عسکری در این کتاب بر محور قرآن کریم بیان شده، علامه حتی مسئله خلافت امیرالمؤمنین علی(ع) را بر اساس آیاتی از قرآن کریم توضیح می‌دهد و با استدلال بر قرآن کریم، این مطالب را اثبات می‌کند. وی با بیان اینکه اهل سنت معتقدند که تمام صحابه، قابل اعتماد هستند، عنوان

وی با اشاره به برخی دیگر از آثار مکتوب علامه عسکری عنوان کرد: دو کتاب «معالم المدرستین» و «القرآن الکریم و روایات المدرستین» از مهم‌ترین آثار ایشان است که منظور از دو مدرسه، دو مکتب شیعه و سنی است و در این کتاب‌ها به تبیین نظرات شیعه و سنی پرداخته شده است. این محقق علوم اسلامی تأکید کرد: علامه عسکری همچنین کتابی درباره آخرین نماز خلیفه اول قبل از رحلت پیامبر اکرم(ص) دارد و اهل سنت بر این باورند که چون او آخرین نماز را قبل از رحلت رسول خدا(ص) خوانده؛ پس جانشین پیامبر اکرم(ص) است. وی اظهار کرد: مهم‌ترین دلیلی که علامه عسکری بر اشتباه بودن ادعای اهل سنت می‌آورد، این است که پیامبر اکرم(ص) در بین نمازی که خلیفه اول می‌خواند، وقتی متوجه شدند که او به جای آن حضرت(ص) به نماز ایستاده است، با همان حال بیماری به دوش دو نفر؛ یعنی امام علی(ع) و ابن عباس (یا زید بن حارثه) بنابر نقل دیگری) تکیه کرده و به مسجد آمدند و در حالی که خلیفه اول در حال خواندن نماز

احمد ترجمان، دانشجوی دکترای دانشگاه اسلامی بیروت اظهار کرد: علامه عسکری یکی از بزرگ‌ترین علمای فقهی و روایی ما هستند که از محضر بزرگانی همچون امام خمینی(ره) و آیت‌الله‌العظمی مرعشی‌نجفی بهره برده‌اند. ایشان بعد از اتمام دروس خود اقدام به تأسیس مدارس دینی کرد. دانشجوی دکترای دانشگاه اسلامی بیروت افزود: علامه عسکری در این مدارس روش نوین تربیتی را ایجاد کرد و قصد داشت تا به تربیت دینی دانش‌آموزان در این مدارس اهمیت ویژه‌ای دهد. این مدارس با عنوان «اصول‌الدین» در کشور عراق تأسیس شد. وی با اشاره به مبانی فقهی علامه عسکری گفت: فقه ایشان، فقه استدلالی بود و در حوزه‌های جدید هم مطالب خوبی داشت. مطلب دیگری که درباره علامه باید گفت، موج جدیدی بود که ایشان در باب روایات و احادیث ایجاد کرد که در تألیف کتاب «صد و پنجاه صحابه ساختگی» به وجود آمد. ترجمان ادامه داد: تأسیس مجمع علمی اسلامی در ایران یکی دیگر از اقدامات ارزشمند علامه عسکری بود که در پی این کار تنقیح کتب درسی حوزه علمیه انجام شد تا بدین ترتیب برخی کتاب‌ها با شکل نوین و جدیدی در اختیار طلاب و علاقه‌مندان به علوم اسلامی قرار گیرد.

کرد: علامه عسکری برخی آیات قرآن از جمله «وَمَنْ أَمَلَ الْمَدِينَةَ مَرْدُواً عَلَى النَّفَاقِ؛ وَبَرَّخَى از بادیه‌نشینانی که پیرامون شما هستند، منافقند و از ساکنان مدینه آنیز عده‌ای بر نفاق خو گرفته‌اند» را که برخلاف دیدگاه اهل سنت است، بیان می‌کند.

وی ادامه داد: قرآن کریم در جای دیگری می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ؛ در حقیقت کسانی که آن بهتان {داستان افک} را {در میان} آوردند دسته‌ای از شما بودند»؛ علامه عسکری بیان می‌کند که آیات قرآن کریم صراحتاً می‌فرماید که تمام صحابه قابل اعتماد نیستند و نمی‌توان به همه صحابه رسول خدا(ص) اعتماد کرد.

این محقق و پژوهشگر علوم اسلامی افزود: علامه عسکری بیان می‌کند اگر به برخی روایات که توسط اهل سنت به رسول خدا(ص) نسبت داده شده که فرمودند: «اصحاب من مانند ستارگان هستند، به هر کدام از آنها که اقتدا کنید، هدایت خواهید شد» استناد کنیم، با آیات صریح قرآن کریم تعارض خواهد داشت.

وی با اشاره به مناظره‌های بسیار زیاد علامه عسکری با علمای اهل سنت تأکید کرد: کتاب «نقش ائمه(ع) در احیای دین» نیز یکی دیگر از آثار علامه است، همچنین تأسیس دانشکده اصول‌الدین از دیگر فعالیت‌های ایشان بوده است.

ترجمان با بیان اینکه علامه عسکری با صبر و حوصله فراوان به سؤالات دانشجویان داخلی و خارجی پاسخ می‌داد، گفت: ایشان یا شخص سؤال‌کننده را کاملاً اقناع می‌کرد و یا اینکه حداقل او را متقاعد می‌کرد که دلایل برای عقیده‌ای که به آن اعتقاد دارد، کافی و صحیح نیست.

دانشجوی دکترای دانشگاه اسلامی بیروت ضمن اشاره به کتاب «القرآن الکریم و روایات المدرستین» اظهار کرد: علامه عسکری در این کتاب، نگاه شیعه و سنی به قرآن کریم را تبیین کرده است و روایاتی را که هر دو فرقه در باب قرآن کریم نقل کرده‌اند، آورده است.

وی ادامه داد: علامه عسکری ابتدا به بیان مشترکات پرداخته است و اصول مورد اتفاق شیعه و سنی را درباره قرآن کریم بیان می‌کند و سپس به اختلافات اشاره می‌کند

و آنها را تحلیل می‌کند که ریشه این اختلافات به کجا بازمی‌گردد و این مسائل از کجا ناشی شده است.

ترجمان با بیان اینکه اساس بحث علامه عسکری در این کتاب هم بر محور قرآن کریم است، عنوان کرد: ایشان روایاتی را از اهل سنت می‌آورد و با استدلال به همان روایات از آنها کمک می‌گیرد و اثبات می‌کند که اهل سنت در مواردی اشتباه کرده‌اند.

دانشجوی دکترای دانشگاه اسلامی بیروت اظهار کرد: سلوک عملی علامه عسکری بر این اساس بود که هیچ‌گونه برخورد نامناسبی با هیچ‌یک از فرقه‌های مذهبی نداشت و با همه باانصاف رفتار می‌کرد. حتی ایشان می‌گفت در احادیث شیعیان نیز روایاتی از غلات نقل شده که صحیح نیستند.

ترجمان با بیان اینکه علامه عسکری، «باب الحادی عشر» که یکی از کتاب‌های اولیه در علم کلام است را نزد امام خمینی(ره) خواند، اظهار کرد: علامه وقتی در کلام بحث می‌کرد، این‌طور نبود که ابتدا برای اثبات هدف خاصی با تعصب خاصی وارد بحث شود، بلکه حقایق را بیان می‌کرد و بر اساس حقایق، به نتیجه می‌رسید.

وی با اشاره به وضع دو اصطلاح وحی بیانی و وحی قرآنی توسط علامه عسکری تصریح کرد: وحی قرآنی، متن ظاهری قرآن است و وحی بیانی، شرح و توضیحی است که در کنار آیات بیان شده است و در واقع می‌توان گفت که وحی بیانی، هدف اصلی است که قرآن کریم از بیان الفاظ دنبال می‌کند.

وی با بیان این که وحی بیانی را می‌توان با استفاده از آیات دیگر درباره یک آیه خاص به دست آورد، عنوان کرد: راه دیگر برای به‌دست آوردن وحی بیانی، روایاتی است که در باب آیات آمده است و اختلافاتی که وجود دارد، مربوط به حیطة روایات می‌شود که علامه عسکری در این رابطه مباحث مفصلی دارند.

ترجمان با بیان اینکه وحی بیانی در دیدگاه علامه عسکری مربوط به تبیین معانی قرآن می‌شود، اظهار کرد: اگرچه ظاهر قرآن کریم حجت است، ولی اگر قرینه‌ای وجود داشته باشد که قابل اعتماد باشد و مفهوم دیگری برخلاف ظاهر قرآن را بیان کند، باید آن را بر ظاهر قرآن مقدم داشت.

این محقق علوم اسلامی با اشاره به مسئله تحریف قرآن، اظهار کرد: تحریف قرآن دو بحث دارد: تحریف لفظی و تحریف معنوی. علامه عسکری رخ‌دادن تحریف لفظی را که به شیعه تهمت آن زده می‌شود، براساس استدلالات تاریخی رد می‌کند.

وی ادامه داد: برخی‌ها مصحف امام علی(ع) را دلیلی بر اعتقاد شیعه به تحریف قرآن می‌دانند، اما علامه عسکری بیان می‌کند که شیعه آن توضیحاتی را که امام علی(ع) بر قرآن اضافه کرده‌اند، جزء قرآن نمی‌داند، بلکه آن را تفسیر قرآن می‌داند.

دانشجوی دکترای دانشگاه اسلامی بیروت تأکید کرد: بحث دیگری که در باب تحریف قرآن وجود دارد، مسئله تحریف معنوی است که رخ داده است و متأسفانه برخی‌ها درباره معانی قرآن، نظرات خود را بیان کرده‌اند و در واقع قرآن را تحریف معنوی کرده‌اند. وی با بیان اینکه علامه عسکری تنها براساس استدلال مطالب را می‌پذیرفت، عنوان کرد: علامه تنها بر اساس منطق و دلیل، مباحث را می‌پذیرفت و هیچ‌گاه بر اساس تعصب مذهبی بر مسئله‌ای تأکید نمی‌کرد. علامه عسکری بدون پیش‌داوری به سراغ مباحث می‌رفت و نگاه حق‌گرایانه به مسائل علمی داشت و این مطلب را خود ایشان در یکی از مصاحبه‌هایش گفته بود که من تنها به دنبال حق هستم؛ یعنی اگر ما شیعیان مطلبی را می‌گوییم، آیا واقعا حق را می‌گوییم یا اینکه فقط بر آن تعصب داریم؟

وی با بیان اینکه علامه عسکری با نگاه کاوشگر به جستجوی حقیقت می‌پرداخت، عنوان کرد: این‌طور نبود که علامه به دنبال نتیجه‌ای باشد که خودش دوست دارد به آن برسد، بلکه بر اساس استدلال و دلیل به دنبال حقایق بود و تا زمانی که چیزی از لحاظ منطقی و علمی برایش اثبات نمی‌شد، آن را نمی‌پذیرفت.

دانشجوی دکترای دانشگاه اسلامی بیروت ضمن اشاره به کتاب «یک‌صد و پنجاه صحابه ساختگی» گفت: این اثر نشان‌دهنده تتبع علامه عسکری نسبت به روایان حدیث بوده است، ایشان همچنین مباحث مختلف فقه‌الحدیث را در بحث‌های حدیثی خود بیان کرده‌اند. ترجمان با بیان اینکه افکار و آثار علامه عسکری، نظرات بسیاری از اهل سنت را تغییر داد، اظهار کرد: محمود ابوالریثه یک نویسنده اهل سنت مصری بود که بعداً شیعه شد، وی نامه‌ای به علامه عسکری نوشته و اذعان کرده بود که علامه با شیوه‌های بسیار نوین و استدلال‌های بسیار روشن مباحث را بیان کرده است. ابوالریثه در آن نامه بیان می‌کند که استدلال‌های علامه عسکری جای هیچ‌شکی را برای خواننده باقی نمی‌گذارد و اگر شخصی با منطق و با انصاف علمی آثار علامه را بخواند، سخن او را می‌پذیرد، مگر اینکه تعصب داشته باشد و بر عقیده‌اش بی‌جهت پافشاری کند.





فصل سوم

# فعالیت‌های اجتماعی



# احیای فکری بیش از ۲۰

## حوزه علمیه

■ علامه در حوزه‌های علمیه مختلف از جمله نجف، لبنان، ترکیه و شهرهای مختلف ایران تأثیر گذاشت و حداقل ۲۰ شهر را می‌توان نام برد که علامه مستقیماً در احیای فکری آن‌ها مؤثر بوده است.

▲ آیت‌الله محمدحسین احمدی فقیه، مدرس سطح عالی حوزه علمیه قم اظهار کرد: شخصیت علامه عسکری از شخصیت‌هایی است که سالیانی باید بگذرد تا به خوبی معرفی و شناسایی شود. ایشان سنگ‌های بنای اولیه‌ای را گذاشتند که ساخته‌شدن ساختمان عظیمی بر روی آن در حال شروع‌شدن است. ایشان حجت مطالب بین قرآن و سنت را تمام کرده است؛ یعنی حجت‌هایی را قرار داده است که این کار آسانی نبوده است و این حجت‌ها در مسیر بیان قضایای حقیقیه‌ای است که بین قرآن و سنت در لوح محفوظ معین است.

▲ آیت‌الله احمدی فقیه ادامه داد: می‌دانیم که حضرت خاتم‌الانبیاء محمد مصطفی (ص) مأمور بودند به این که مطالبی را که از ناحیه خداوند متعال است، ابلاغ فرمایند، دو ابلاغ داشتند: یک ابلاغ این بوده که تمام آن را با الفاظ خاص بیان فرمایند و این همان قرآن کریم است. در قرآن کریم ضمن این که مطالب و معنای موردنظر الهی ابلاغ می‌شود، الفاظ نیز عیناً همان الفاظ الهی است و هیچ تصرفی در لفظ نشده است؛ لذاست که اکنون فقها نیز به یک کلمه یا حتی یک حرف، همان‌طور که معصومان (ع) استناد می‌کردند، فقها هم به تأسی از آن بزرگواران



استناد می‌کنند.

وی با اشاره به قسم دوم مأموریت رسول خدا(ص) گفت: آن حضرت مأمور بودند به این که مطلب و معنای مورد نظر خداوند متعال را برسانند، ولی الفاظ از خود آن حضرت بوده است که این موارد به «حدیث قدسی» مشهور شده است، البته تنها حدیث قدسی هم این طور نبوده است. هر چه از بیانات دیگر رسول خدا(ص) بوده، از همین قبیل بوده است منتهی حدیث قدسی خصوصیتی دارد که در محضر خداوند متعال قرار گرفته است و بیاناتی است که از محضر الهی بوده است؛ لذا جنبه قدسی خاصی دارد و گرنه همه بیانات رسول خدا(ص) از همین قبیل است و حجت الهی است که با آن حجت قرآن، یکی است؛ یعنی همه از یک قضیه حقیقیه و آنچه در لوح محفوظ است، حکایت دارند و خارج از لوح محفوظ بیانی نیست.

آیت‌الله احمدی فقیه با بیان این که این مطلب، قسمت مهمی از اصل «احتجاج» بین قرآن و سنت است، اظهار کرد: علامه عسکری کار بسیار مهم و ارزشمندی انجام دادند؛ این که همان طور که شأن نزول قرآن را که بسیار زحمت کشیده شده و روی آن کار شده و الحمدلله در دست عموم هست و شأن نزول بسیاری از آیات قرآن مشخص شده است، علامه عسکری شأن صدور روایت را تعقیب کردند که شأن صدور هر روایت نیز باید مشخص شود.

مدرس سطح عالی حوزه علمیه قم تصریح کرد: به عبارت دیگر می‌توان گفت علامه عسکری در صدد بود که فضای آن زمان که اقتضا می‌کرده روایت صادر شده، مشخص شود و این کار بسیار مهمی است و علامه تقریباً آن کاری را که شهید مطهری بارها در بحث‌های خود می‌گفتند - که این مطلب ولو الان صد در صد روشن است، ولی ما مشکلی که داریم، کمبود بیان تاریخی و تخصص تاریخی مربوط به روایات است - به انجام رساند. وی با بیان این که مباحث تاریخی می‌تواند مسائل روایی را مستحکم کند، اظهار کرد: بعضی جاها بود که برای نفی یک موضوع - که مطلب باید نفی می‌شد - علامه عسکری می‌گفت: «اینجا جایگاهی

است که ما مسئله تاریخی این سنت و این حدیث را باید دنبال کنیم» و خود عملاً همین کار را نیز انجام می‌داد.

آیت‌الله احمدی فقیه بیان کرد: هر چه فضای بهتر و روشن تری برای سنت رسول خدا(ص) و احادیث ایشان ایجاد شود و جایگاه سنت، مستحکم شود و آنچه به تعبیر علامه عسکری در زمان جعل - برای روایات مجعول بوده و جعل‌ها ایجاد کرده‌اند و اوضاع را مشوب کردند - اتفاق افتاده، بیشتر شناسایی شود، حقایق سنت و آنچه مرتبط با قرآن و حقایق قرآنی است، بهتر و صحیح‌تر فهمیده می‌شود.

وی با بیان این که این رویکرد علامه عسکری به قرآن و سنت در کنار یکدیگر سبب تقریب بین قرآن و حدیث شده است، گفت: در واقع علامه توانست مکتب حدیث را طوری زنده کند که اگر امروز بگوییم ایشان در بین علما یک حجت هستند، واقعاً همین گونه است و مطلب صحیحی گفته‌ایم.

وی تأکید کرد: البته کسانی بودند که در علم «رجال»، «درایه» و علوم حدیث متبحر بودند، ولی این کار علامه عسکری که جنبه‌های تاریخی هر دوره را و همچنین مقتضیات هر دوره را بسنجند و علت‌هایی که بعضی از احادیث جعلی وارد احادیث ما شده، آن را پیدا کنند و خوب هم مبرهن کنند، این کاری بود که شاید زمانش موقوف به زمان ایشان نبود و خداوند این‌طور مقدر کرده بود و الحمدلله ایشان به خوبی از عهده این بار سنگین برآمدند.

آیت‌الله احمدی فقیه عنوان کرد: البته باید کتاب‌ها و افکار علامه عسکری فرموله شود، همان طور که در علم فقه می‌گوییم باید قواعد فقهی داشته باشیم و افراد زیادی کتاب‌های قواعد فقهی نوشته‌اند، ولی بعضی‌ها آنقدر متفن نوشته‌اند که امروز فقیه به آن کتاب مراجعه می‌کند، می‌بیند که چقدر زحمت کشیده شده تا این مطالب به صورت یک قاعده مبرهن بیان شده است.

وی افزود: علامه عسکری همچون مرحوم علامه مظفر به این فکر بود که تلفیقی از حوزه و دانشگاه ایجاد کند و علوم حوزوی را به دانشگاه‌ها وارد کند. علامه معتقد

بود افکاری که در مناطق متمدن بوده، باید از آن استفاده کرد و حوزه‌ها نباید از این مباحث محروم شوند. ایشان در چند نوبت به مسافرت‌هایی رفت و با نظرات عالمان کشورهای مختلف آشنا شد.

مدرس سطح عالی حوزه علمیه قم با بیان این که علامه عسکری دوران علمی حوزوی خود را در سامراء سپری کرد، تأکید کرد: ایشان از جهت حوزوی، «سامرائی» هستند؛ یعنی روش ایشان همان روش مرحوم شیرازی بزرگ است. مرحوم شیرازی به آنجا رفت که محل غیبت امام زمان(عج) بود و نظر وی این بود که از آنجا باید علم را باید بگیرد و این امر باید در سامراء تقویت شود.

وی با بیان این که در آن زمان ساکنین سامراء از شیعه و اهل سنت بودند، گفت: فکر تقریب بین شیعه و سنی از همان دوران در دیدگاه‌های مرحوم شیرازی وجود داشت و او تلاش می‌کرد فرهنگ مهم تربیتی و فقهی اسلام را با تقریب بین دو مذهب شیعه و سنی تقویت کند. بعد از او شخصیتی همچون علامه عسکری در چنین شرایطی است که شکل می‌گیرد.

آیت‌الله احمدی فقیه عنوان کرد: بعد از این که علامه عسکری مقدمات تحصیل خود را در سامراء سپری کرد، به حوزه‌های دیگر می‌رود و افکار خود را از حوزه سامراء به جاهای دیگر تسری می‌دهد و نهایتاً همچون علامه مظفر سعی می‌کند بر روی متون درسی و برنامه‌های درسی حوزه علمیه کار کند تا آنها را متحول کند.

مدرس سطح عالی حوزه علمیه قم با اشاره به تأسیس دانشکده اصول‌الدین توسط علامه عسکری اظهار کرد: علامه با این کار می‌خواست تلفیق حوزه و دانشگاه را دنبال کند. ایشان در این هدف همانند علامه مظفر عمل کرد، ولی باید گفت که ایشان بیشتر و بهتر از مرحوم مظفر توانست این کار را با مقدماتش به انجام برساند و این کار را بیشتر از مرحوم مظفر تکمیل کرد.

وی ادامه داد: علامه عسکری می‌گفت که برای مسئله تربیت باید از مقاطع پایین و ابتدائی شروع کرد و این کار تربیت را باید از سنین کودکی آغاز کرد. علامه این توصیه را به من نیز کردند و ما در استان هرمزگان در آن زمان، دو مدرسه در همین جهت تأسیس کردیم؛ یکی جامعه‌الزهراء(س) و دیگری جامعه‌الصادق(ع).

آیت‌الله احمدی فقیه با بیان این که علامه عسکری در سیره خود یک جنبه علمی و یک جنبه عملی داشت، عنوان کرد: متأسفانه برخی افراد گاهی یک‌بُعدی می‌شوند. این گونه افراد یا در علم به خوبی جلو می‌روند و در کار و عمل نمی‌توانند همگام با علم پیش بروند و یا برعکس. آیت‌الله العظمی حکیم

گفته بود که علامه عسکری ضمن اینکه در کار علمی موفق است، در کارهای عملی نیز بسیار موفق هستند.

وی اظهار کرد: علامه عسکری برنامه‌ریزی عملی داشت که هر عالمی در هر کشوری هست، حتماً او را ببیند و با او بحث علمی کند. بنده دو نفر را در این جهت خیلی جدی دیدم: یکی، اخوی ما آیت‌الله حاج شیخ محمدحسن احمدی فقیه. ایشان ولو این که در قم نشسته بود، اما به این فکر بود که در کجا کدام عالم هست و چه زمانی از سال می‌توان او را ملاقات کرد و با او بحث علمی کرد. ایشان حتی با بسیاری از علمای بزرگ عقد اخوت داشت.

مدرس سطح عالی حوزه علمیه قم با بیان این که علامه عسکری نیز در این زمینه بسیار جدی بودند، ادامه داد: ایشان افکار هر عالمی را در هر کشوری شناسایی و بررسی می‌کردند. تقریباً روال علمی هر کشوری به دست علامه عسکری آمده بود؛ به عنوان مثال، این که مصری‌ها در فلان بحث علمی چگونه استدلال می‌کنند، حوزه‌ها و دانشگاه‌هایشان چه وضعی دارد، تمام این‌ها را علامه می‌دانست.

وی با بیان اینکه دوره چندین ماهه‌ای را در محضر علامه عسکری بودم، اظهار کرد: بنده میزبان ایشان بودم و پزشکان گفته بودند که هوای مرطوب برایشان ضروری است. ایشان آمده بودند در هرمزگان و آنجا ما جایی را برایشان تنظیم کرده بودیم. طلاب هم با ایشان محشور بودند و در آن چند ماه، بسیاری مطالب عالی را به طلاب منتقل کردند.

آیت‌الله احمدی فقیه اظهار کرد: تحقیقات علمی علامه عسکری در برخی زمینه‌ها واقعاً تراز اول است، مطالبی که ایشان درباره علم درایه دارند، بسیار بااهمیت است. همچنین باید به تأثیراتی که ایشان در حوزه‌های علمیه مختلف از جمله نجف، لبنان، ترکیه و شهرهای مختلف ایران گذاشته است، توجه ویژه‌ای کرد. بنده حداقل ۲۰ شهر را می‌توانم نام ببرم که ایشان مستقیماً در احیای فکری آن‌ها مؤثر بوده است.

وی با بیان این که تحقیقات علامه عسکری اقلان‌کننده است، گفت: ایشان به نحوی بحث کرده است که هر خواننده منصفی اعم از شیعه و سنی آن‌را می‌پذیرد. در جلسه‌ای که اهل سنت بودند، از ایشان خواستم که شرکت کنند و در آن جلسه به سؤالات دقیق و جزئی بسیاری از حاضران پاسخ دادند که سخنان علامه آنقدر برایشان مهم بود که بسیاری از آن‌ها سخنان علامه عسکری را یادداشت کردند.

مدرس سطح عالی حوزه علمیه قم تصریح کرد: همان‌طور که مرحوم مقدس اردبیلی نظریات فقهی بسیار مهمی دارد که حتی امروز هم برای فقه

اهمیت دارد و شیخ انصاری با عظمت از او یاد می‌کند و او را محقق اردبیلی می‌خواند، علامه عسکری این روند و این روش را در سنت پیش گرفته است و در حیطه مباحث مربوط به سنت آن‌را پیاده کرده است.

آیت‌الله احمدی فقیه با اشاره به تعصباتی که در برخی مواردی در شیعه یا اهل سنت دیده می‌شود، گفت: تعصب از واژه «عصبیت» و مانند آن آمده است که نوعاً از آن برداشت مناسبی هم نمی‌شود. این تعصب و عصبیت یک دورانی در تاریخ داشته است که ناصبی‌ها نیز بر اساس تعصب خود عمل می‌کردند و هیچ فکری نمی‌کردند.

وی با بیان این که تقریب بین شیعه و سنی حقیقتاً وظیفه ماست، عنوان کرد: ما آن‌را از معصومان (ع) یاد گرفته‌ایم و علامه عسکری هم از بانی که پیرو معصومان (ع) بوده است، این اعمال تقریبی را آموخته است؛ چرا که آن بزرگواران دستورهایی جدی درباره تقریب داشته‌اند و علامه هم به دنبال همین مسیر حرکت کرده است. مدرس سطح عالی حوزه علمیه قم با اشاره به حوادثی که در کشورهای عربی در حال رخ دادن است، عنوان کرد: انقلاب اسلامی ایران سبب پیدایش و تقویت تقریب شد و اصلاً این اتفاقاتی که در کشورهای عربی دیده می‌شود، یکی از نتایج انقلاب اسلامی است و نحوه سیره علمای ماست که این نتایج را به دنبال آورده است.

آیت‌الله احمدی فقیه اظهار کرد: علامه عسکری در مباحث حدیثی بعضی قواعد را تدوین کرده‌اند که قاعده‌های زیبایی است که اگر درست روی آن‌ها کار شود، یک کار بسیار محکمی خواهد شد. البته این خشت اول است و تازه اکنون دارد این کار معرفی می‌شود که چه زحمتی ایشان کشیده است که به نظر بنده اول باید اهل سنت، قیمت برای این کار قائل باشند و آن‌ها باید از این کار ممنون باشند - که هستند - و دنبال کنند که این کار بسیار ارزشمند انجام گرفته و البته همان‌طور که ایشان فرمودند که ای کاش، همان کاری که فقها در مباحث فقهی روی حدیث انجام می‌دادند، روی مباحث اعتقادی، اخلاقی و مستحبات

دیگری که در شئون زندگی مردم مؤثر است، انجام می‌گرفت.

آیت‌الله احمدی فقیه ادامه داد: جزء آرزوهای علامه عسکری بوده که بتوانند این مبنایی را که شروع کرده‌اند، به یک نتیجه کاملی نسبت به همه سنت پیامبر اکرم (ص) برسانند. ایشان می‌خواستند در دو حیطه سنت عملی و سنت قولی و حتی در حیطه سومی با عنوان سنت تربیتی آن حضرت - که ما می‌دانیم تربیت کردن افراد روی سنت خاص، یک کار مهم تاریخی است - انجام شود.



با این که علامه عسکری سخت مشغول تلاش‌ها و تألیفات و پژوهش‌های علمی بود، اما در ابعاد سیاسی هم فعال بود و تأسیس «حزب الدعوة» در عراق یکی از تلاش‌های او بود.

شریف عسکری ادامه داد: در آن زمان در عراق به یک روحانی یا دانشمند دینی اجازه نمی‌دادند تا بیاورد مدرسه‌ای تأسیس کند و علامه عسکری با تلاش‌ها و پیگیری‌های فراوان توانست مجوز تأسیس مدرسه را بگیرد تا بتواند برای تربیت نوجوانان دختر و پسر مدارس جداگانه‌ای را از ابتدایی تا دانشگاه تأسیس کند.

وی با بیان این که خروجی‌های این مدارس بسیار قابل توجه بود، گفت: بسیاری از اشخاصی که در مدارس تحت مدیریت علامه عسکری تربیت شده بودند و یا فارغ‌التحصیل دانشکده اصول‌الدین بودند، در حال حاضر موقعیت‌های سیاسی حساسی در عراق دارند و در حقیقت قانون اساسی عراق به‌دست چنین افرادی تدوین شده است و با روی کار آمدن چنین افرادی در عراق در واقع تفکرات شیعی روی کار آمده است.

معاون آموزشی دانشکده اصول‌الدین قم افزود: مدارس که علامه عسکری در عراق تأسیس کرد، محدود به بغداد یا کاظمین نبود و در بسیاری از شهرهای عراق تأثیرات زیادی بر جای نهاد. نکته دیگری که درباره علامه باید مورد توجه قرار دهیم، تأثیر تحقیقات ایشان بود که تمام آن‌ها در جهت اهداف متعالی نوشته می‌شد.

شریف عسکری با بیان این که علامه عسکری در تحقیقات خود به دنبال دفاع از اسلام و به‌ویژه دفاع از تشیع و اهل‌بیت (ع) بود، عنوان کرد: نکته جالب این بود که وقتی علامه یک تحقیق را به پایان می‌رساند، آن‌را به مراکز فرهنگی خارج از عراق می‌فرستاد و آن‌را محدود به مرز معینی نمی‌کرد؛ لذا از طریق ارتباطاتی که با مراکز فرهنگی در کشورهای مختلف داشت، آن‌را به جاهایی از جمله الازهر مصر می‌فرستاد.

معاون آموزشی دانشکده اصول‌الدین قم اظهار کرد: هنگامی که علامه عسکری یک پژوهش یا تألیف را به اتمام می‌رساند، آن‌را به مراکز



## بنیان‌گذار «حزب الدعوة» در عراق

حسین شریف عسکری، معاون آموزشی دانشکده اصول‌الدین قم و داماد علامه عسکری اظهار کرد: یکی از ویژگی‌های شخصیتی مهم علامه که در عراق و کشورهای عربی هم به این صفت مشهور بود، این بود که او را «رجل العلم و العمل؛ مرد علم و عمل» می‌خواندند. علامه عسکری با آن زحمات و تلاش‌های علمی فراوان و با پژوهش‌های گران‌بهای خود سعی می‌کرد تا ایده‌ها و طرح‌های خود را عملی کند، نه این که تنها به ارائه پیشنهادات یا تئوری‌هایی اکتفا کند. ایشان این سیره را از امیرالمؤمنین (ع) آموخته بود که در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «العلم بهتف الی العمل؛ علم به‌سوی عمل فرامی‌خواند».

شریف عسکری با اشاره به جامع بودن شخصیت علامه عسکری عنوان کرد: ایشان در زمینه‌های مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی فعالیت می‌کرد. وی در زمینه کارهای اجرایی نیز تلاش‌های زیادی داشت؛ به‌عنوان نمونه، در زمینه اداره مدارس و دانشکده اصول‌الدین نیز فعالیت می‌کرد و در این زمینه‌ها کارآمد و مؤثر بود.

معاون آموزشی دانشکده اصول‌الدین قم اضافه کرد: نظم و برنامه‌ریزی دقیق و استفاده بهینه از وقت از خصوصیات بارز علامه عسکری بود. قبل از اذان صبح که ایشان بیدار می‌شد، برنامه منظمی داشت تا هیچ بخشی از وقتش تلف نشود و این برای ما بسیار درس آموز بود. علامه، شخصی خستگی‌ناپذیر بود. وی با بیان این که علامه عسکری در عراق به فکر تأسیس مدارس افتاده بود، گفت: ایشان نسبت به انحرافات که وجود داشت، احساس مسئولیت می‌کرد و مدارس معمول عراق را تنها جایی برای کار کارمندان دولت می‌دانست و برنامه آن مدارس اکثراً غرب‌زده بود؛ لذا علامه این خلأ را به‌خوبی دریافت و سعی کرد با تأسیس مدارس آن‌را برطرف کند.



علمی کشورهای دیگر از جمله «الجامعة الاسلامیة» در عربستان یا دانشگاه «الزیتونیة» در تونس می فرستاد. افراد بسیاری با خواندن آثار علامه عسکری متحول می شدند و ما اکنون نامه های زیادی داریم که با ایشان مکاتبه کرده اند و از او قدرانی و تشکر کرده اند. حتی از سوی اشخاص بزرگی همچون «محمود ابوالریة» که یکی از دانشمندان و شخصیت های بزرگ دانشگاه «الازهر» است، نامه تشکر به علامه عسکری نوشته شده است.

وی با اشاره به کتاب «الاضواء علی السنة المحمدیة» که یکی از آثار علامه عسکری است، عنوان کرد: ایشان در آن کتاب، قلم نقادی به دست گرفته و مشکلات و ایراداتی را که در تفکرات اهل سنت وجود دارد، بیان کرده است. وی در آن کتاب به ایرادات کتاب های حدیثی اهل سنت اشاره کرده است.

معاون آموزشی دانشکده اصول الدین قم اضافه کرد: علامه عسکری سخت مشغول تلاش ها و تألیفات و پژوهش های علمی بود، اما می بینیم که در ابعاد دیگری با همان نشاط و جدیت به فعالیت می پرداخت. ایشان در ابعاد سیاسی هم فعال بود و در تأسیس «حزب الدعوة» مؤثر بود که در واقع یکی از مؤسسان اصلی این حزب علامه عسکری بود.

وی با بیان این که در دورانی که علامه عسکری زندگی می کرد، تفکرات التقاطی نظام های کمونیستی و سوسیالیستی متعددی وجود داشت، گفت: همچنین احزاب بسیاری وجود داشت که با وجود انحرافات می انداختند، افکار مردم به ویژه جوانان را به خطر می انداختند و جوئی حاکم بود که هر جوانی به یکی از احزاب روی می آورد.

شریف عسکری ادامه داد: لذا علامه با مشورت علمای دیگر به این فکر افتاد که ما نیز باید یک حزب اسلامی باشیم تا بتوانیم جوانان را از انحرافات فکری که وجود داشت، حفظ کنیم تا بقیه مند که اسلام هم می تواند با روش احزاب عمل کند، ولی محتوای اسلامی و دینی داشته باشد؛ لذا اولین حزبی که علامه عسکری با همکاری شهید صدر و آیت الله سیدمهدی حکیم تأسیس کرد، همان حزب «الدعوة» بود. وی با بیان این که علامه عسکری تلاش های اجتماعی نیز داشت، گفت: ایشان به فکر تأسیس «الصندوق الخیری» افتاد که هدف آن رسیدگی به امور نیازمندان جامعه عراق آن روز بود و به امور ایتم اهتمام ویژه ای از طریق این صندوق داشت و همچنین به امور آموزشی و تحصیلی آنان رسیدگی می کرد و به افراد بی بضاعت و مستمند یاری می رساند.

معاون آموزشی دانشکده اصول الدین قم اظهار کرد: علامه عسکری با پژوهش های علمی و کتاب هایی که تألیف کرد، در واقع زمینه فکری جدیدی جهت شناخت اسلام اصیل و حقایق واقعی تاریخ اسلام پدید آورد. علامه چندین اثر درباره پژوهش های قرآنی به رشته تحریر درآورده که از آن جمله می توان به «القرآن الکریم و روایات المدرستین» و «عقاید الاسلام من القرآن الکریم» اشاره کرد. در این

کتاب ها ایشان با شیوه آکادمیک و علمی مورد قبول همه جوامع علمی روز دنیا توانست حقایق متعددی درباره مسائل قرآنی را که مورد اختلاف شیعه و سنی بوده است، اثبات کند. شریف عسکری با اشاره به مسئله تحریف قرآن، عنوان کرد: علامه عسکری با تحقیقات خود اثبات کرده است که قرآنی که امروز در دست ماست، همان قرآنی است که در زمان رسول خدا (ص) وجود داشته است و هیچ گونه تحریفی اعم از کم یا زیاد شدن در آن رخ نداده است و قرآن کریم محفوظ مانده است.

وی عنوان کرد: افرادی که شیعه را به تحریف شده دانستن قرآن متهم می کنند، به احادیثی استناد می کنند که «حاجی نوری» در کتاب خود با عنوان «فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب» آورده است. علامه عسکری با بررسی آن روایات، بیان می کند که آن ها از منابع اهل تسنن استخراج شده است و منابع معتبری نبوده اند.

معاون آموزشی دانشکده اصول الدین قم با بیان این که علامه عسکری اثبات می کند که اسناد آن روایات نیز ضعیف هستند، گفت: ایشان تمام آن روایات را که حاجی نوری آورده است، از حیث سند و همچنین از حیث متن مورد بررسی قرار می دهد و آن ها را رد می کند و در نتیجه این اتهام بزرگ را از شیعه برطرف می کند.

وی اظهار کرد: پژوهش هایی که علامه عسکری درباره قرآن کریم انجام داده است، خدمت بسیار ارزشمندی در دفاع از ساحت قرآن کریم است. مسئله ناسخ و منسوخ یکی از مسائلی است که درباره قرآن کریم توسط علامه بررسی شده است. درباره این مسئله میان علما اختلاف نظر وجود دارد. ایشان این سؤال را طرح می کند که آیا اصلاً می توان یک آیه را منسوخ دانست که بلاعمل در قرآن کریم وجود داشته باشد؟ آیا این مطلب با حکمت الهی سازگاری دارد؟

شریف عسکری با بیان این که علامه عسکری برای توضیح درباره ناسخ و منسوخ ابتدا نظرات مختلف از جمله نظرات آیت الله العظمی خوئی و آیت الله معرفت را می آورد، گفت: البته آیت الله العظمی خوئی تنها به منسوخ بودن آیه «تجوی» اعتقاد داشتند. علامه عسکری بعد از بیان نظرات، به نتایج بسیار مهمی درباره ناسخ و منسوخ می رسد.

وی عنوان کرد: علامه عسکری معتقد است که حتی آیه «تجوی» نیز منسوخ نیست و اساساً آیه ای که منسوخ باشد در قرآن نداریم. اخیراً

علمای الازهر مصر نیز به این نتیجه رسیده اند که در قرآن کریم، آیه ای منسوخ نیست. ایشان همچنین نزول قرآن بر هفت حرف را نمی پذیرد و اثبات می کند که روایت «نزل القرآن علی سبعة احرف» تواتر ندارد.

معاون آموزشی دانشکده اصول الدین قم با بیان این که به باور علامه عسکری، این روایت از حیث متنی و سندی نیز مخالف حکمت های الهی و همچنین مخالف آیات محکمه قرآن کریم است، گفت: ایشان معتقد است که وحی بر دو نوع است: وحی قرآنی و وحی بیانی. او با تقسیم وحی به این دو قسم، توانسته است مشکلات بسیاری را حل کند.

وی با اشاره به مضمون روایتی از حضرات معصومین (ع) اظهار کرد: آن بزرگواران فرموده اند که قرآن از سوی واحد و به لهجه واحد نازل شده است که لهجه قریش است و بقیه لهجه ها در آن جمع شده است. علامه عسکری در کتاب های خود همچنین درباره موضوعات مختلفی از جمله: جمع آوری قرآن و موضوعاتی درباره علوم مربوط به قرآن مباحثی را آورده است.

شریف عسکری اظهار کرد: در زمان حیات علامه عسکری، دو دوره دانشجویان خارجی گرفتیم که از کشورهای مختلفی از جمله: عربستان، کویت، عراق، پاکستان، هند، تاجیکستان و... بودند که بهترین برنامه آموزشی برای آن ها ارائه شد.

وی افزود: بعد از این که آن دانشجویان خارجی، فارغ التحصیل شده اند، گاهی با ما تماس می گیرند و از فعالیت های مفید خود به ما گزارش می دهند و بیان می کنند که تمام این ها از برکات تحصیل در دانشکده اصول الدین بوده است. حتی یکی از دانشجویان عربستانی مادر دوران تحصیلش برای تبلیغ به کشورش می رفت.

وی با بیان این که تأسیس دانشکده اصول الدین در بغداد یکی از تلاش های علامه عسکری به منظور تربیت جوانان شیعه بود، افزود: علامه با تأسیس دانشکده اصول الدین می خواست فارغ التحصیلانی تربیت کند که بتوانند در جامعه، تحول ایجاد کنند و بحمدالله فارغ التحصیلان این دانشکده نه تنها در عراق بلکه در بسیاری کشورهای دیگر منشأ اثرات خیر هستند. نوری المالکی، نخست وزیر کنونی عراق نیز یکی از دانش آموزان دانشکده اصول الدین است.

# نگاه روز آمد و دیدگاهی مطابق نیاز جامعه



■ علامه عسکری نگاهی روز آمد و مطابق با نیاز جامعه داشت؛ وی تاریخ‌دانی تحلیل‌گر، متکلمی روز آمد و فقیهی پژوهشگر بود که توانست افزون بر تثبیت مبانی فکری شیعه، فضایی سالم به‌منظور ایجاد وحدت اسلامی فراهم کند.

بیان کرد: علامه عسکری پایه‌ریزی‌های فکری مهمی صورت داده است و با روش تحقیق خود از شخصیت‌های ماندگار اسلام خواهد شد که همواره در میان پژوهشگران اسلامی از او به نیکی یاد می‌شود. نگاه ایشان به تاریخ یک نگاه جدید است که موجب می‌شود در جامعه جهانی اسلام فضای الفت و وحدت ایجاد شود.

یوسفی‌مقدم تأکید کرد: علامه عسکری از جمله شخصیت‌هایی است که در حوزه‌های مختلف دینی توانسته نگاه‌های روز آمد و مطابق با نیاز جامعه داشته باشد؛ لذا آثار او نیز آثار روز آمدی است و اندیشمندان ناگزیرند در هر حوزه تحقیقی مراجعه‌ای نیز به کتاب‌های علامه عسکری داشته باشند تا بتوانند به تحقیقات و پژوهش‌های خود عمق و جامعیت ببخشند.

اسلامی به‌طور عام و میان فارس و عرب به‌طور خاص تلاش کرده‌اند، افشا کند. وی با بیان این‌که این مسئله، دستاورد تحقیقاتی است که به جهان اسلام ارائه شده است، عنوان کرد: وقتی که علامه عسکری روایات را بررسی می‌کند، با منهجی عالمانه به نزدیک کردن شیعه و سنی اهتمام دارد؛ به‌عنوان نمونه وقتی ایشان «عبدالله بن سبا» را مورد تحقیق قرار می‌دهد و اثبات می‌کند که چنین شخصی وجود خارجی نداشته است، به وحدت شیعه و سنی کمک کرده است. یوسفی‌مقدم با بیان این‌که تحقیق علامه عسکری درباره عبدالله بن سبا به تثبیت عقاید شیعه کمک می‌کند، عنوان کرد: ایشان در یک جمله، تاریخ‌دانی تحلیل‌گر، متکلمی روز آمد و فقیهی پژوهشگر است که توانسته با نگاه‌های تاریخی، کلامی و فقهی خود، افزون بر تثبیت مبانی فکری شیعه، فضایی سالم به‌منظور ایجاد وحدت اسلامی فراهم کند. رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدصادق یوسفی‌مقدم، رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم با بررسی جایگاه علامه عسکری در ایجاد وحدت اسلامی، اظهار کرد: موضوع وحدت امت اسلامی یکی از موضوعات دارای اهمیت فراوانی است که دغدغه همیشگی نخبگان جامعه ما بوده و همواره تلاش شده تا از طریق شیوه‌های گوناگون زمینه وحدت فراهم شود و زمینه‌های افتراق و جدایی امت اسلامی از بین برود.

وی افزود: علامه عسکری در عین اینکه برای گسترش اندیشه‌های ناب تشیع تلاش می‌کرد، به مسئله وحدت نیز توجه داشت و بر این باور بود که شفاف‌سازی و تنویر افکار عمومی مسلمانان نسبت به عقاید شیعه می‌تواند به وحدت امت اسلامی کمک کند؛ از این‌رو هنگامی که به سراغ آثار ایشان می‌رویم، می‌بینیم که این تلاش‌ها در آثار او به وفور یافت می‌شود.

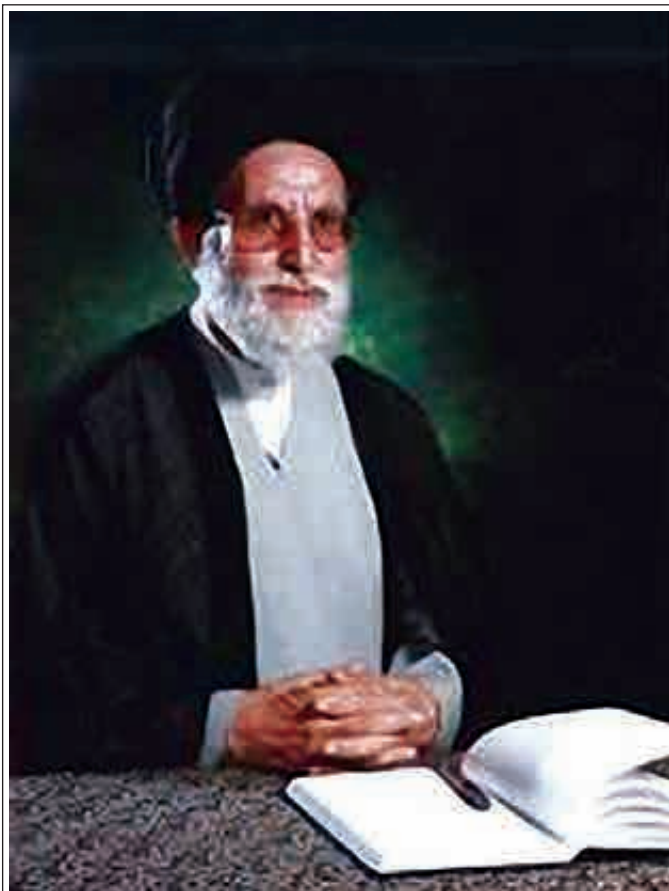
رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم ادامه داد: علامه عسکری را باید در حوزه تاریخ‌نگاری مورد توجه قرار داد، ایشان یک تحلیل‌گر تاریخی است که در تحلیل‌های خود توانسته ترفندهای خاورشناسان را که در سالیان متمادی برای ایجاد کینه میان امت

## دغدغه معارف

## اسلامی و

## تأسیس دانشکده

## اصول الدین



■ در گذشته، دانشگاه‌های شورایی مثل عراق و ایران غرب زده بودند و در راستای معارف اسلامی حرکت نمی‌کردند؛ دغدغه علامه عسکری درباره معارف اسلامی منجر به تأسیس دانشکده اصول الدین توسط او شد.

کردند و به شمیران رفتند. علامه دانشکده اصول الدینی را که در عراق و بغداد تشکیل داده بودند، آنجا راه انداختند. دانشکده عراق را صدام به هم زده بود و ایشان برای حفظ جان خودشان به ایران آمدند. این محقق و پژوهشگر تأکید کرد: گه‌گاهی به خاطر این که در دانشگاه صنعتی شریف تدریس داشتیم، با آقازاده ایشان که در بخش عربی تدریس داشت، به حضور علامه می‌رسیدیم. آن زمان ایشان راجع به تحریف قرآن تحقیق می‌کرد و در جلسات مطالبش را مطرح می‌کرد.

نویسنده کتاب «نماز در قرآن» افزود: علامه عسکری بیان می‌کرد: اینکه اهل سنت شیعه را متهم کرده‌اند که ما قرآن را تحریف کرده‌ایم و به تحریف قرآن معتقدیم، خود آنها بیش از ما در این زمینه مشکل دارند و تحریف قرآن را آنها انجام داده‌اند و از شیعه فقط صاحب «فصل الخطاب» ادعای تحریف کرده است.

سیدعلوی افزود: علامه عسکری در جواب دادن به نظرات صاحب فصل الخطاب کار می‌کرد که بعدها همان‌ها به صورت آثاری چاپ شد. ارتباط خصوصی من با علامه آنقدر زیاد نبود و من کمتر به حضورشان می‌رسیدم مگر در مناسبت‌هایی یا در بزرگداشت ایشان که در زمان حیاتشان در دارالحدیث برگزار شد و در حد محدود من با ایشان ارتباط داشتیم.

نویسنده کتاب «اقتصاد و صرفه‌جویی» تصریح کرد: بعد از فوت ایشان که دانشکده اصول الدین و بعد یک مؤسسه‌ای به نام مؤسسه علامه عسکری تأسیس شد و کارهایی را انجام می‌دادند، با من هم ارتباط بیشتر برقرار شد و از بنده خواستند بعضی از کتاب‌های ایشان را به فارسی برگردانم که آمدند و صحبت و تفاهم شد و توافق شد و مشغول ترجمه حدوداً ۸،۷ کتاب ایشان که در آن زمان هم فراغت داشتیم، شدم.

نویسنده کتاب «فوائد و آثار نماز جماعت» عنوان کرد: یکی از آن کتاب‌ها که پیشنهاد کردند و جلد اول و دومش ظاهراً ترجمه و چاپ شده بود، «القرآن الکریم و روایات المدرستین» ایشان است که جلد سومش ترجمه نشده بود که آن جلد را ترجمه کرده و تحویل دادم.

وی با اشاره به کتاب «مع الدکتور وردی فی کتابه وعاظ السلاطین» (با دکتور وردی در کتاب وعاظ السلاطین) او گفت: علامه عسکری آن زمانی که در بغداد بوده، کتاب «القرآن الکریم و روایات

حجت الاسلام و المسلمین سیدابراهیم سیدعلوی، محقق و پژوهشگر دینی، اظهار کرد: در سال ۱۳۵۰ از قم به تهران منتقل شدم و مشغول امور فرهنگی بودم، در جامعه تعلیمات اسلامی در کمیسیون تربیتی آن مؤسسه مسئولیتی داشتم. در همان زمان یعنی حدود سال‌های ۱۳۵۰ به بعد، زمانی بود که مرحوم علامه سیدمرتضی عسکری که قبلاً با بعضی از کتاب‌هایش مانند عبدالله ابن سبأ و امثال آن آشنا بودم، به خاطر مسائل عراق به ایران آمده بودند.

وی افزود: آن موقع علامه عسکری در خیابان ژاله سابق (شهیدای فعلی) خانه داشتند و اگر اشتباه نکنم، روزهای پنج‌شنبه بود که بعضی از دوستان که از آقایان تهران هم می‌آمدند، فرصتی می‌شد می‌رفتیم خدمت ایشان و همان مطالب کتاب‌شان را که آن زمان احادیث ام‌المؤمنین عایشه منتشر شده بود، بر محور آن بحث‌هایی می‌کردند و جلسات عمومی بود.

سیدعلوی ادامه داد: به تدریج ایشان کارشان پیش رفت و منزلشان را عوض



المدرستین» را در رد کتاب «مع الدکتور وردی فی کتابه وعاظ السلاطین» نوشته است.

وی تصریح کرد: اینجا مناسبت دارد بگویم چون نسل ما آگاهی‌های کامل ندارند و آثار ایشان خیلی دیر منتشر می‌شود، ضرورت دارد نسبت به آگاهی‌بخشی برای نسل جوان در مسائل اعتقادی عمل شود. خودم قبل از اینکه بخواهم کتاب «القرآن الکریم و روایات المدرستین» را ترجمه کنم، این کتاب را دیده بودم، متفرقه هم خوانده بودم اما دیگر برای اینکه آن را می‌خواستیم به فارسی ترجمه کنیم، به طور جدی از اول تا آخرش را با دقت خواندم.

این محقق و پژوهشگر با اشاره به شخصیت دکتور وردی گفت: این شخص، همانند بعضی از روشنفکران غرب‌زده کشور ما، اهل عراق و عامی هم بوده و سپس در دانشگاه‌های غربی در رشته جامعه‌شناسی تحصیل کرده و کاملاً ۱۸۰ درجه برگشته، کمونیست و ماتریالیست خالص شده و علیه انبیا و اولیا و اسلام قلم زده است.

وی اضافه کرد: یکی از آن‌ها این کتابش است که خیلی حرف‌های بی‌پایه‌ای دارد؛ از جمله در مورد انتقاد از حجاب در اسلام و امثال این‌ها. مرحوم علامه عسکری محققانه این کتاب را و این شخص را رد کرده است. بعداً من با اینترنت که کار می‌کردم، رفته سراغ این دکتور وردی ببینم کیست، شرح حال و آثارش را دیدم مفصل هست، هر چند که در آن کتاب هم علامه عسکری اشاراتی دارد.

نویسنده مقاله «وحدت از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه» تأکید کرد: خوب که بررسی کردم، دیدم دکتور وردی یک عنصر عجیبی است، آستین بالا زده برای جنگ با اسلام. کتاب وعاظ السلاطین او - که در واقع مرادش از وعاظ، انبیا و همه کسانی است که در خط انبیا حرکت می‌کنند - مطالب بسیاری درباره نفی راه انبیا دارد.

وی با اشاره به کتاب دیگری از «وردی» گفت: او کتاب دیگری دارد که من از اینترنت یک نسخه‌اش را پرینت گرفتم، این کتاب که جنبه روانشناسی دارد، کتابی است به نام «خوارق اللاشعور» (فوق‌العادگی‌های ناخودآگاه) آنجا هم خط فروید را دنبال کرده است و حرف‌هایی شبیه حرف‌های او زده است. کتاب‌های دیگر «وردی» همه‌شان در یک مسیر و یک هدف است و همان مبارزه با تعالیم انبیا و مبارزه با دین و تعالیم دینی است.

سیدعلوی با اشاره به کتاب «احادیث ام‌المؤمنین عائشه» از آثار علامه عسکری اظهار کرد: ایشان این کتاب را به زبان عربی در سه جلد نوشته بود، این کتاب و همچنین کتاب دیگر ایشان به نام «عبدالله بن سبا» هم ترجمه شده است، اما ایشان یک کتاب جدیدی داشت که به من پیشنهاد کردند که به فارسی ترجمه

کنم و آن کتاب «الاسطورة السبئیة» (افسانه سبئیة) است.

نویسنده مقاله «سیری در قاب قوسین» عنوان کرد: علامه عسکری در کتاب «الاسطورة السبئیة» در دو جلد، تحقیق کرده است که این عبدالله بن سبا که شیعه را هم حاصل عمل او می‌دانند، دروغ و بی‌اساس است، علامه این موضوع را کاملاً مورد بررسی عالمانه قرار داده و ما این را هم به فارسی برگردانیم و تحویل مؤسسه علامه عسکری دادیم.

نویسنده مقاله «توسعه فرهنگ دینی و معنویت‌گرایی» ادامه داد: همین‌طور ایشان بعضی از کارهایی را که انجام داده، به مناسبتی در یکی از مجلات تقریب یک موضوع خوبی را انتخاب کرده و با عنوان «همرز با انبیا» منتشر کردند که من آن را هم به صورت یک رساله مستقل ترجمه کرده و تحویل مؤسسه علامه عسکری دادم. سیدعلوی با بیان این که مرحوم شرف‌الدین جبل عاملی درباره ابوهیره کتابی نوشته گفت: مؤسسه علامه عسکری بعد از فوت علامه به من پیشنهاد کرد که آن کتاب را هم ترجمه کنم، و این نشان‌دهنده این است که ظاهراً علامه علاقه داشته که کاری هم درباره ابوهیره بکند، اما چون نتوانست آن را انجام دهد، مؤسسه علامه عسکری ترجمه این کتاب را در دستور کار خود قرار داد.

وی اظهار کرد: ابوهیره یکی از محدثینی است که به دروغ‌گویی و بی‌پایگی سخنان مشهور است. کتاب دیگری درباره ابوهیره هست که یک نفر دانشمند مصری سنی به نام «ابوریته» آن را نوشته است و در آن از ابوهیره انتقاد کرده، این کتاب قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به نام «ابوهیره؛ بازگان حدیث» ترجمه شد.

وی ادامه داد: من وقتی که به مصر رفته بودم، در اسکندریه به مسجدی رفته، صحبت از همین ابوریته کردم، ناگهان دیدم پیش‌نماز آنجا حمله کرد و ابوریته را با لعن و نفرین یاد کرد و گفت: «لاریاه الله، لاریاه الله؛ خداوند او را سیراب نکند» (چون اسم او ابوریته است و ریّه به معنای سیراب شدن است).

سیدعلوی با اشاره به کتاب «الاضواء علی السنة المحمدیة» (ص) که یکی دیگر از آثار علامه عسکری است، تأکید کرد: علامه،

بسیار روشنگر و روشنفکر بود و علاقه داشته این کتاب ترجمه شود و من آن را هم ترجمه کرده‌ام و تحویل دادم.

وی با بیان اینکه در زمان حیات علامه عسکری ارتباط او با علامه عسکری به شکل حضوری کم بوده است، گفت: در آن زمان چون مدرس دانشگاه بودم، وقتم بسیار محدود بود و کم‌تر فرصت می‌کردم به حضور ایشان برسم و بالاخره این مسائل باعث می‌شد که بهره‌حضور من از ایشان کمتر باشد، اما بعدها من دیگر به دانشگاه هم نرفتم و فراغتی بود و پیشنهاد هم از سوی مؤسسه علامه عسکری شد و توفیق داشتم این کارها را انجام دادم.

وی با اشاره به تأسیس دانشکده اصول‌الدین توسط علامه عسکری گفت: همان‌طوری که عرض کردم من ارتباط تنگاتنگ با علامه عسکری نداشتم، جز اینکه فعالیت‌های ایشان را در عراق، دورادور و بعداً دنباله فعالیت ایشان را در ایران پیگیری می‌کردم. ایشان دانشکده اصول‌الدین را ابتدا در بغداد تشکیل داده بود.

سیدعلوی تصریح کرد: هدف علامه عسکری از تأسیس دانشکده اصول‌الدین، دغدغه خاطر ایشان درباره معارف دینی بود. در آن زمان، دانشگاه‌های کشورهای مثل عراق و ایران، غرب‌زده بودند و در راستای معارف اسلامی حرکت نمی‌کردند، حتی اگر در تهران، دانشکده الهیات (که اول به اسم معقول و منقول مشهور بود) تأسیس شد، گاهی درست برعکس جریانات معارف اسلامی حرکت می‌کرد.

نویسنده مقاله «توسعه فرهنگ دینی و معنویت‌گرایی» ادامه داد: به نظر می‌رسد، انگیزه علامه عسکری از تأسیس دانشکده اصول‌الدین این بود که معارف اسلامی را چنانکه هست - بر اساس کتاب و سنت - ارائه کند و این معارفی را که عرضه می‌شود، از پیرایه‌ها و مطالب بی‌اساس جدا کند.

وی با بیان این که علامه عسکری، علوم مقدماتی اسلامی (جامع‌المقدمات، صرف و نحو) را تنقیح کرد و به چاپ رساند، تأکید کرد: ایشان در واقع به نوعی تغییر روش تدریس در حوزه‌ها اعتقاد داشت و آن آثارش را هم در این زمینه می‌نوشت، ایشان الفبای معارف را کلمه‌کلمه معنا می‌کند و توضیح می‌دهد و آثارشان هم که

در این ارتباط است، چاپ شده است. نویسنده کتاب «نماز در قرآن» عنوان کرد: در طول تاریخ دشمنی با شیعه زیاد بوده است و افترا و دروغ فراوان بوده است و علمای شیعه به میدان آمده تا با شبهات مبارزه کنند، علامه عسکری هم ضمن ارج گذاشتن به کارهای قبل از خود از جمله کارهای علامه امینی (صاحب‌الغدیر)، علامه طباطبایی، علامه شرف‌الدین و مرحوم سیدمحسن امین جیل عاملی به دفاع از شیعه و عقاید آن پرداخته است. وی ادامه داد: آن بزرگان در عصر و زمان خود و در عصر غربت اسلام خیلی کار کرده بودند، هرچند که تنها بودند و موج حمله شدید و دشمنی‌ها فراوان بود، اما آنها با توان و تلاش خود در حقیقت کار یک امت را کردند، اما علامه عسکری هم در حد خود وارد میدان شده و در این زمینه کارهایی کرده و آثاری آفریده است که الان بحمدالله دانشکده اصول‌الدین و مؤسسه علامه عسکری احیاگر آن آثار است. سیدعلوی با بیان این که علامه عسکری در زمینه پاسخ‌گویی به تهمت عقیده شیعه مبنی بر تحریف قرآن، به مطالعه مقارن و تطبیقی پرداخت، گفت: ایشان احادیث اهل سنت و کتب شیعه - یعنی بیشتر همان فصل الخطاب نوری - را بررسی کرده و به این نتیجه رسید که در واقع، اهل سنت این احادیث تحریف و اعتقاد به تحریف را مطرح کرده‌اند. وی با بیان این که مطالعه سه جلد کتاب «القرآن الکریم و روایات المدرستین» اگر با دقت انجام شود، حقیقت را مثل آفتاب روشن می‌کند، عنوان کرد: علامه عسکری معمولاً در کتاب‌های مختلفش یک نوع مطالعه مقارن و تطبیقی دارد و حتی بیشتر به کتب اهل سنت مانند تاریخ طبری و تاریخ ابن‌اثیر استناد می‌کند. سیدعلوی با بیان این که بیشتر منابع بحث‌های علامه عسکری، کتاب‌های اهل سنت است، اظهار کرد: ولی در عین حال، نوع بحث و استدلال و استنتاج علامه عسکری بر مبنای اعتقادات صحیح شیعه است. علامه در آثار حدیثی‌اش، به صحت حدیث، ضعف حدیث و به جعلی و ساختگی بودن حدیث با ظرافت‌های خاصی عنایت دارد. وی در پاسخ به این سؤال که نسل جوان

ما چگونه می‌توانند با سبک و سیاق تحقیق‌های علامه عسکری آشنا شوند، عنوان کرد: آشناسدن با راه و روش دو طریق دارد؛ یکی این که یک کسی شاگردی کند و در حضور عالمی مدت‌ها باشد و از روش‌ها و اسلوب تدریس و تحقیق او اطلاع پیدا کند، اگر چنین فرصتی نباشد، پیگیری آثار و مطالعه کتب این بزرگان و از جمله علامه عسکری برای کسی که علاقه‌مند است و در این راه می‌خواهد وارد شود، می‌تواند مفید و مؤثر باشد. نویسنده مقاله «وحدت از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه» ادامه داد: در این مسیر مطالعه یک کتاب هم کافی نیست، اگر کسی بخواهد آن روش‌ها را کاملاً یاد بگیرد و مسلط باشد، باید پیگیر باشد و مطالعه تمام آثار را دنبال کند. مطالعه آثار علامه عسکری آموزنده است و به انسان می‌آموزد که چگونه می‌تواند در راستای تحری و حقیقت باشد و سره را از ناسره و صحیح را از ناصحیح به سهولت تشخیص دهد. وی با بیان این که علامه عسکری در مسائل علمی بسیار متواضع و فروتن بود، گفت: یک ویژگی بارز ایشان این بود که پشتکار عجیبی داشت و یک مطلبی را که به آن رسیده بود، ابا نداشت که آن را تکرار کند و بازگویی کند و بارها برگردد و آن را تکرار کند. برخی افراد هستند که خجالت می‌کشند که اگر یک مطلب را یک بار گفتند، دیگر دنبال آن برونند، اما علامه این گونه بود که اگر به مطلبی می‌رسید، ابا نداشت که آن را مرتب تکرار کند. وی عنوان کرد: چنانکه این معنا را من در آثار علامه عسکری هم دیده‌ام که تصریح می‌کنند به اینکه این مطلب را در جای دیگر گفته‌ام، ولی باز هم می‌گویم. علامه می‌دانست که بیان این مطلب در اینجا هم می‌تواند مفید باشد و لازم است گفته شود و این یک خصلت و ویژگی مخصوص این نوع پژوهشگران است که علامه هم یکی از آنها بود. وی اظهار کرد: علامه عسکری با خیلی‌ها سازگار بود، مگر در جایی که می‌دید مسئله حق و ناحق و حقیقت و بی‌حقیقتی مطرح است و در چنین مواردی بی‌محابا می‌تاخت. آن زمان، ایشان در قبال برخی از جریانات روز که ساواک به این مسائل دامن می‌زد، موضع صریح داشتند و نگران نسل

جوان بودند که آن موج مخرب سرازیر شده از غرب به نام «اسلام و اسلام‌شناسی» که توسط روشنفکرانی مطرح می‌شد، جوانان را منحرف نکند. وی تأکید کرد: علامه عسکری به بُعد تخریبی مطالبی که توسط روشنفکران ارائه می‌شد، توجه می‌کرد و خیلی محکم می‌ایستاد و من بعضی از نوشته‌های ایشان را در این زمینه دیدم. ایشان این مباحث را دنبال می‌کرد و مطالب را باز می‌کرد و آنها را ریشه‌یابی می‌کرد. این تعصب به حق و موضع‌گیری سرسخت او ناشی از بینش عمیق او بود. وی با اشاره به آیه شریفه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ محمد [ص] پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند» گفت: بزرگان ما هم همین‌طور بوده‌اند، اینها در رابطه با خودی و حق خیلی ملایم و باملاطف و مهربان و انعطاف‌پذیر بوده‌اند اما آنجا که پای دشمن به شکل آشکار و پنهان در میان بود، موضع می‌گرفتند و سرسختی از خود نشان می‌دادند و این ویژگی را من در علامه عسکری دیدم. وی ادامه داد: بعد از انقلاب هم این معنا مطرح شد و خیلی‌ها به لحاظ کمی اطلاعاتشان از قرآن و اسلام در موضوع - به اصطلاح - سختگیری‌های اسلامی ناآگاهانه حرف می‌زدند، در حالی که اگر سیره پیامبر اکرم (ص) را خوب می‌خواندند و آیات قرآن کریم را در رابطه با ترسیم شخصیت رسول خدا (ص) مطالعه می‌کردند، می‌دیدند که قرآن کریم از پیامبر اکرم (ص) یک سیمای معتدل حقیقی مطرح می‌کند. سیدعلوی تصریح کرد: اگر کسی همیشه و با همه کس کاملاً نرم‌خو و به اصطلاح امروزی‌ها خوش‌اخلاق باشد، این مورد تأیید اسلام نیست. خوش‌اخلاق هم معانی مختلف دارد؛ یکی خوش‌اخلاق به معنای خنده‌رویی و دیگری، خوش‌اخلاق به معنای اینکه با همه کس هم‌عقیده باشد. نویسنده کتاب «نماز در قرآن» عنوان کرد: برخی‌ها متأسفانه این خصلت را دارند و این کار خود را هم توجیه می‌کنند، حقیقت غیر از این است. انسان مؤمن کامل به‌جای خود خشن و به‌جای خود نرم‌خو است. از پیامبر اکرم (ص) روایت است که فرمود این دلی که خداوند متعال در سینه ما قرار داده است، گاهی برای خدا نرم می‌شود و گاهی هم آنچنان سخت می‌شود که مانند صلد (سنگ خارا) است. نویسنده مقاله «توسعه فرهنگ دینی و معنویت‌گرایی» در پایان سخنانش اظهار کرد: این اعتدال را انبیاء و پیامبر اکرم (ص) داشته‌اند، اولیاء معصوم (ع) داشتند و تربیت‌شدگان این مکتب هم باید این‌طور باشند که به‌جا نرم و به‌جا خشن باشد و هرکس این بهره را داشته باشد، بهره خوبی از اسلام دارد و علامه عسکری چنین خصوصیتی داشت.

## تأسیس صندوق خیریه به منظور حفظ عزت نیازمندان

یکی از اقدامات علامه عسکری برای حفظ عزت دیگران این بود که یک صندوق خیریه به منظور کمک به نیازمندان تشکیل داد، ولی اجازه نمی داد نیازمند خودش تقاضای کمک کند، بلکه خودش افرادی را به مناطق مختلف می فرستاد و آن ها افراد نیازمند را شناسایی و به آن ها رسیدگی می کردند.

متأسفانه در شرایطی زندگی می کردیم که گفتمان اسلامی، گفتمانی متناسب با شرایط روز نبود؛ لذا ما به دنبال افرادی بودیم که طرحی نو و متناسب با شرایط روز و در عین حال، اصیل داشته باشند و شنیدیم که علامه

محمدعلی آذرشب، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و از شاگردان علامه عسکری، اظهار کرد: آغاز آشنایی ام با علامه عسکری به اوایل دهه ۱۳۴۰ بازمی گردد که شنیدم شخصی در بغداد با فکر و طرحی نو در حال فعالیت های اسلامی است. وی افزود: ما نیز در آن زمان به دنبال چنین گفتمانی بودیم، آن هنگام

**عسکری در بغداد چنین گفتمانی دارد که** به روز و فقهاتی است. ایشان درباره روند فکری خود، طرح‌های عملی نیز داشت. آذرشب ادامه داد: در سال ۱۳۴۵ بود که موفق شدم در دبیرستانی که علامه عسکری در بغداد تأسیس کرده بود، تدریس کنم. نام این دبیرستان، «امام جواد(ع)» بود که اغلب دانشجویان آن ایرانی و شیعه بودند، ولی در سطح فوق‌العاده‌ای از حیث علمی، فکری، فرهنگی و تربیتی بودند و حتی افراد با آزمون‌های متعدد می‌توانستند وارد آن مدرسه شوند.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با بیان این‌که از طریق تدریس در این دبیرستان بیشتر با علامه عسکری آشنا شدم، گفت: بنده در مجالس و محافل علامه عسکری حضور پیدا می‌کردم و بعداً در دانشکده‌ای که ایشان تأسیس کردند که دانشکده اصول‌الدین نام داشت، درس خواندم. این دانشکده از مدت‌ها قبل فعال بود تا این‌که رژیم منحوس صدام آن‌را تعطیل کرد و علامه عسکری هم در بغداد و هم در تهران آن‌را بازگشایی کرد.

وی با بیان این‌که بسیاری از شخصیت‌های امروز که در عراق مسئول هستند از جمله مالکی، نخست‌وزیر از فارغ‌التحصیلان دانشکده اصول‌الدین هستند، عنوان کرد: روابط بنده و علامه عسکری در مرور زمان بیشتر و صمیمی‌تر شد؛ ایشان به دلیل حسن ظنّی که به بنده داشت، از من خواست تا در حسینیه‌ای که ایشان نماز می‌خواند، تدریس کنم. شاگرد علامه عسکری با اشاره به این‌که در آن حسینیه درس‌هایی در زمینه دو کتاب «فلسفتنا» و «اقتصادنا» تألیف آیت‌الله صدر داشت، تأکید کرد: بعدها متأسفانه شرایط، سخت شد و علامه عسکری مجبور به مهاجرت کردن از عراق به لبنان و بعد به ایران شد. در این فاصله زمانی، ارتباطم با علامه عسکری قطع شد تا این‌که توفیق حاصل شد تا در سال ۱۳۵۰ به ایران بیایم و در خدمت ایشان باشم. آذرشب با بیان این‌که وی در کلیه فعالیت‌های فکری، فرهنگی و تربیتی ایشان شرکت داشت، عنوان کرد: ایشان تصمیم به تأسیس و ازسرگیری فعالیت‌های دانشکده اصول‌الدین در ایران گرفت و بنده حامل پیام ایشان به مقام معظم رهبری بودم که علامه عسکری قصد چنین کاری دارد. مقام معظم رهبری نیز کار علامه عسکری را تأیید فرمودند.

وی با اشاره به توصیه‌هایی که مقام معظم رهبری درباره از سرگرفته‌شدن فعالیت‌های دانشکده اصول‌الدین داشتند، گفت: به وزارت آموزش عالی نیز توصیه‌هایی شد که امکانات لازم برای از سرگیری فعالیت‌های این دانشکده در اختیار ایشان قرار دهد و عملاً این دانشکده رونق گرفت. بنده عضو هیئت مؤسس و همچنین عضو هیئت امنای

این دانشکده هستم. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران تصریح کرد: بنده در فعالیت‌های علامه عسکری در زمینه‌های مختلف اعم از تألیف، تحقیق و تهیه مقدمات کار تحقیقات و تألیفات شرکت داشتم. ایشان علاوه بر این‌که استاد و الگویم بودند، حالت پدری نیز نسبت به من داشتند و رابطه صمیمی میان ما برقرار بود. حتی هنگامی که تصمیم به ازدواج گرفتم، ایشان برایم به خواستگاری رفتند.

وی اضافه کرد: بنده به دنبال این مسئله هستم که جنبه‌های مختلف فعالیت علامه عسکری و قله‌های افتخار این شخصیت برجسته را به جامعه معرفی کنم تا ایشان الگو و اسوه‌ای درس‌آموز برای جامعه ما باشد. مسئله اول این‌که روش نگارش و تألیف عالمان دینی تا زمان علامه عسکری غالباً به سبک قدیمی بوده است؛ یعنی متد موردقبول خاورشناسان و محققان غربی به کار گرفته نمی‌شد.

آذرشب با بیان این‌که در آن زمان تحقیقات حوزوی و دانشگاهی از هم جدا بود، عنوان کرد: علامه عسکری توانست با به‌کارگیری سبک تحقیقات علمی مورد قبول غربیان و خاورشناسان و دانشگاهیان، کتاب‌های خود را بنویسد. به‌همین جهت کتاب‌های ایشان به تمام محافل دانشگاهی اعم از محافل دانشگاهی عراق و مصر و لبنان راه یافت. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران عنوان کرد: از همان دوران، آثار علامه عسکری مورد تحقیق توسط اندیشمندان قرار می‌گرفت. هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم که وقتی کتاب «عبدالله بن سبا» توسط علامه عسکری در قاهره منتشر شد، موجی از نقد و بحث و بررسی در دانشگاه قاهره و عین شمس ایجاد کرد.

وی ادامه داد: درباره این کتاب، مقالات زیادی نگاشته شد و به‌نظر من یکی از دلایل گسترش تأثیر این کتاب در کشورهای عربی، متدی بود که ایشان در نگارش آن به‌کار بردند که متدی علمی، دقیق و عقلانی بود. هر سطر و هر عبارت از این کتاب حاکی از پشتوانه تحقیقی ایشان است. ایشان برای نوشتن هر کتابی فیش‌های تحقیقی متعددی تهیه می‌کردند.

آذرشب با بیان این‌که علامه عسکری یکی از بزرگ‌ترین داعیان وحدت اسلامی در جهان اسلام است، گفت: در کتابی که اخیراً با عنوان «مسیره التقرب» نوشته‌ام، قسمت عمده آن‌را به «پیش‌تازان تقرب» اختصاص دادم و در آنجا دیدگاه‌های تقریبی علامه عسکری را تبیین کردم. چندی پیش این کتاب را ظهر خدمت مقام معظم رهبری تقدیم کردم و شب از بیت ایشان با بنده تماس گرفته و گفتند: ایشان کتاب را مطالعه کرده و گفته‌اند که کتاب بسیار خوبی است. ایشان همچنین دعوت کردند که این کتاب در کتابخانه‌های جهان اسلام توزیع شود و مباحثش در محافل علمی طرح شود.

وی تصریح کرد: در این کتاب به بررسی تاریخچه ۱۰۰ سال اخیر تقرب و وحدت اسلامی پرداخته‌ام و عقیده دارم که کلیه احیاگران جهان اسلام، دارای دیدگاه‌های تقریبی هستند؛ یعنی مسئله تقرب کاملاً با بینش احیایگری ارتباط تنگاتنگی دارد. هر احیایگر، دارای بینش تقریبی است و هر شخصی که دارای دیدگاه تقریبی است، احیایگر است.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران اظهار کرد: علامه عسکری در کشور عراق به‌اندازه‌ای فعالیت‌های تقریبی انجام می‌داد که علمای بزرگ اهل تسنن از جمله «شیخ عبدالعزیز بدری» در نماز جماعت علامه عسکری شرکت می‌کردند. وی افزود: مدرسه و دانشکده‌ای که علامه عسکری در عراق تأسیس کرد، بر اساس مکتب اهل بیت(ع) بنا نهاده شده بود، اما به‌هیچ‌وجه جنبه افراطی در مسئله مذهب را مرتکب نمی‌شد؛ یعنی کتب اهل تسنن و کتب اهل تشیع و نیز تفاسیر و فقه اهل تسنن در آن دانشکده تدریس می‌شد.

آذرشب ادامه داد: درسی در دانشکده اصول‌الدین داشتیم که عنوانش «فقه مقارن» بود که فقه اهل بیت(ع)، فقه شافعی، فقه حنبلی و فقه مالکی در آن به‌صورت مقایسه‌ای تدریس می‌شد و در مدارس امام جواد(ع) گرچه مدارس شیعه بود و می‌توان گفت ۹۹ درصد دانش‌آموزانش شیعه بودند، ولی سرودهایی که خوانده می‌شد، کتاب‌ها و سخنرانی‌هایی که در آنجا ارائه می‌شد، در چارچوب اسلام بود.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با بیان این که فعالیت‌های آن مدارس، فرامذهبی بود، عنوان کرد: به‌همین دلیل پیروان شیعه و سنی حاضر بودند به آنچه عرضه می‌شد، گوش کنند و در حقیقت غم و غصه اسلام، چالش‌های روبه‌روی اسلام، آرزوهای مسلمانان پیگیری می‌شد و به‌شکل فراقومی و فرامذهبی برنامه‌های مدارس و برنامه‌های دانشکده اصول‌الدین بر این اساس استوار بود.

وی با بیان این که دستاورد علامه عسکری در زمینه تقریب بین مذاهب اسلامی، تأسیس مؤسساتی بود که به‌شکل فرامذهبی عمل می‌کردند و بینش کلی اسلامی را ترویج می‌کردند، اظهار کرد: یکی دیگر از کارهای مهم علامه عسکری در زمینه وحدت اسلامی، زدودن مسائل منفی موجود بین اهل تسنن نسبت به اهل تشیع بود.

شاگرد علامه عسکری با اشاره به یکی از مشکلاتی که در اذهان محققان اهل تسنن نسبت به تشیع وجود دارد، گفت: آن‌ها شیعه را زائیده شخصی به نام «عبدالله بن سبا» می‌دانند که گفته می‌شود این شخص، یهودی بود و به ظاهر اسلام آورد. این شخص افکارش را در چارچوب مذهب شیعه مطرح کرده و فرقه‌ای به نام تشیع را به‌وجود آورده است.

آذرشب افزود: علامه عسکری با تحقیق علمی و مورد قبول تمام اهل تحقیق، کتابی نوشت و ثابت کرد که عبدالله بن سبا اصلاً وجود خارجی نداشته است و شخصیتی خیالی و زائیده فکر شخصی به نام سیف بن عمر بوده است. سیف بن عمر از راویان وضاع بود و به اجماع اهل تسنن و اهل تشیع، دروغ‌گو بوده است که مطالب متعددی را به دروغ وارد تاریخ کرده است.

وی با بیان این که منتفی کردن شخصیت عبدالله بن سبا بسیاری از مسائل منفی موجود در اذهان اهل تسنن نسبت به شیعه را از بین برد، تأکید کرد: مسئله دیگری که علامه عسکری در زمینه وحدت مطرح کرد، این بود که این توهم را که فتوحات اسلامی در تاریخ توأم با خونریزی، کشتار و انهدام خانه و کاشانه مردم بوده است که در برخی روایات تاریخ طبری آمده، برطرف کرد.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران تصریح کرد: به‌ویژه در تاریخ فتح ایران شده که ورود اسلام به ایران توأم با جنگ و ویرانی شهرها بوده است. علامه عسکری تک‌تک این روایات تاریخی را بررسی کرد و مشاهده کرد که این روایات نیز به همان سیف بن عمر بازمی‌گردد و علامه ثابت کرد که خاورشناسان سعی بر آن دارند که بین ایران و عرب، کینه ایجاد کنند.

وی اضافه کرد: یکی از خاطراتی که در ذهنم است این که علامه عسکری خدمت مقام معظم رهبری رسید، آنجا بحث علمی مطرح شد. مقام معظم رهبری به علامه عسکری گفتند: ای کاش نمی‌گفتید که عبدالله بن سبا اصلاً در تاریخ وجود نداشته است و تنها در آن تشکیک ایجاد می‌کردید؛ چون اسم او حتی در روایات شیعه نیز آمده است، شما چگونه توانسته‌اید وجود او را کاملاً نفی کنید؟

آذرشب ادامه داد: علامه عسکری به مقام معظم رهبری عرض کرد: می‌دانم شما کتاب «عبدالله بن سبا» را مطالعه کرده‌اید، اما از شما خواهش می‌کنم یک‌بار دیگر آن را مطالعه بفرمایید. بعداً در جلسه دیگری مقام معظم رهبری به علامه عسکری فرمودند: من آن کتاب را دوباره مطالعه کردم، حق با شماست و برای من هم همان چیزی که برای شما ثابت شده، اثبات شد.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران عنوان کرد: شهید مطهری در کتاب «خدمات متقابل ایران و اسلام» آنچه علامه عسکری درباره فتح ایران اثبات کرده، البته با دلایل دیگری اثبات کرده است. ایشان بیان می‌کنند که اسلام از راه دل‌ها وارد ایران شد نه به زور شمشیر و جنگ. وی ادامه داد: علامه عسکری نه تنها سعی کرد افکار منفی موجود میان اهل تسنن درباره شیعه را از بین ببرد، بلکه با مسائلی که در میان شیعه بود و باعث بدبینی اهل تسنن به شیعه می‌شد، مبارزه کرد. یکی از آن‌ها مسئله قمه‌زنی است. کار قمه‌زنی از سال ۱۳۴۵ بوده که آن زمان نیز نسبت به قمه‌زنی دیدها منفی بود و باعث خشم و دشمنی بسیاری از اقشار سطحی جامعه عراق آن

روز بود، ولی علامه عسکری نسبت به این امر موضع گرفت و قمه‌زنی را یکی از پدیده‌های منفی شیعه برشمرد که باید از بین برود.

شاگرد علامه عسکری اظهار کرد: علامه تلاش می‌کرد از عقاید اهل تسنن نسبت به شیعه خرافه‌زدایی کند و در این کار فوق‌العاده موفق بود. تکذیب روایات تحریف قرآن، یکی از کارهای علامه عسکری به‌منظور تقریب میان مذاهب اسلامی بود. کتابی به نام «فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب‌الارباب» نوشته شده است که روایات مختلفی از اهل تسنن و شیعه جمع‌آوری کرده و تلاش دارد تا ثابت کند از قرآن کریم چیزهایی کم شده است. علامه عسکری در یکی از آثار خود، تک‌تک روایات این کتاب را مورد تحقیق قرار داده و ثابت می‌کند که این روایات، ضعیف هستند و از افراد وضاع نقل شده است.

آذرشب با اشاره به کتاب «نقش عایشه در تاریخ اسلام» نوشته علامه عسکری ادامه داد: علامه عسکری هر موقع که از عایشه نام می‌برد، با عنوان «ام‌المؤمنین» یاد می‌کرد و این تعبیر، ریشه قرآنی دارد که می‌فرماید: «و ازواجه امهاتکم». علامه عسکری درباره عایشه معتقد است که او مایل نبوده با امام علی(ع) بجنگد و هنگامی که به منطقه حوثب رسید و صدای سگ‌ها را شنید، خواست برگردد، ولی دیگران به او گفتند که اینجا حوثب نیست و بدین ترتیب او را به جنگ با امام علی(ع) سوق دادند.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با بیان عقیده دیگر علامه عسکری درباره عایشه گفت: ایشان معتقد است، اغلب احادیثی که از زبان عایشه روایت شده و برای شیعه مورد قبول نیست، امویان این روایات را از وی نقل کرده‌اند. به این ترتیب می‌بینیم که علامه عسکری به‌نحوی از عایشه دفاع کرده است، ولی در عین حال از مکتب اهل بیت(ع) نیز دفاع می‌کرد.

وی با بیان این که دیدگاه علامه عسکری درباره عایشه، علمی و هوشیارانه بوده است، عنوان کرد: ایشان در کتاب «صد و پنجاه صحابی ساختگی» نیز ثابت کرده است که جنگ‌های فتوحات و همچنین جنگ‌های رده که گفته می‌شود همراه با خونریزی بوده است، اغلب این روایات دروغ است و لابه‌لای این روایات، اسامی قهرمان‌ها، شخصیت‌ها، شهرها و اماکن هست و علامه عسکری ثابت کرد که چنین مسئله‌ای اصلاً در تاریخ وجود نداشته است.

شاگرد علامه عسکری بیان کرد: این کار علامه در حقیقت، دفاع از تاریخ است و این مسائلی که ایشان در کتاب‌هایش آورده موجب دلخوری شخصی نمی‌شود؛ چون مطالب دقیق و علمی است و آقای «حامد حثنی داوود»، مدرس دانشگاه قاهره

جنبه‌های علمی دقیق علامه عسکری در کتاب «صد و پنجاه صحابی ساختگی» را استخراج کرده و ستوده است. آنچه علامه عسکری بیان کرده تنها به مذاق کسانی ناخوشایند می‌آید که اصرار دارند بگویند که تمام روایات تاریخ طبری صحیح است. آذرشب تأکید کرد: علامه عسکری از احباب امت اسلام بود و علاقه‌مند بود که امت اسلام احیا شود. او در بغداد بود ولی فکرش در دایره بغداد محدود نشده بود، حتی هنگامی که قبل از بغداد، در سامراء بود نیز فکر و نگاه او در گستره امت اسلام وسیع بود. آخرین باری که مقام معظم رهبری به دیدار علامه عسکری در منزلش رفتند، آن دیدار پنج ساعت طول کشید و علامه عسکری صحبت‌های زیادی کرد، یکی از مطالبی که ایشان در آن جلسه به مقام معظم رهبری گفت این بود که در فکر این هستم چگونه می‌توانیم از حیث فکری مکتب اهل بیت (ع) را در آفرینا تبلیغ کنیم و در آنجا حضور داشته باشیم؟ وی با بیان این که ما باید از این گونه افکار علامه عسکری درس بگیریم اظهار کرد: همت والای علامه عسکری واقعا مثال‌زدنی است. به خاطر دارم آخرین باری که محضر علامه عسکری شرفیاب شدم، ایشان وضع بسیار وخیمی داشت که یک شلنگ در دهان و یک شلنگ در بینی‌اش بود، ناگهان از دهانم این حرف خارج شد و بعدا هم پیشمان شدم، به ایشان گفتم: اخیرا بیانی‌های عجیبی علیه شیعه منتشر شده است، ایشان با آن وضع وخیمی که داشت، به بنده گفت: آن بیانی‌ها را بیاور، می‌خواهم جوابشان را بدهم.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران تصریح کرد: علامه عسکری حقیقتا خستگی‌ناپذیر بود و هرگاه خدمت ایشان می‌رسیدیم می‌دیدیم که سخت مشغول فعالیت علمی و تحقیقی بود و گاهی که می‌خواستیم با ایشان مطلبی را در میان بگذاریم، می‌گفتند که پنج دقیقه بیشتر وقت ندارم، یعنی ایشان از تک‌تک دقایق و فرصت‌هایش استفاده مفید و علمی می‌کرد. وی در ادامه با اشاره به عزت‌محوری علامه عسکری اضافه کرد: علامه عسکری تأکید داشت که عزت افراد در هر شرایطی حفظ شود. به‌همین جهت وقتی سخنی مخالف و منفی از دیگران می‌شنید، با دقت و سعه‌صدر به آن گوش می‌کرد و سعی می‌کرد جواب او را به‌گونه‌ای بدهد که باعث شکسته‌شدن شخصیت او نشود و این یکی از منش‌های رفتاری ایشان در برخورد با دیگران بود.

آذرشب ادامه داد: علامه عسکری سفری به قاهره کرد و نشستی با علمای الازهر داشت. در تمام مدت سفرش به قاهره هیچ کلمه‌ای از او صادر نشد که باعث رنجش خاطر دیگران شود و در سخنانش با علمای الازهر بر این مسئله تأکید داشت که ما و

شما در برابر یک چالش هستیم و آن حفظ عزت جهان اسلام است.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران عنوان کرد: یکی از اقدامات علامه عسکری برای حفظ عزت دیگران این بود که یک صندوق خیریه به‌منظور کمک به نیازمندان تشکیل داد، ولی به‌هیچ‌وجه اجازه نمی‌داد که یک نیازمند خودش بیاید و از آنجا تقاضای کمک کند، بلکه خودش افرادی را به مناطق مختلف می‌فرستاد و آن‌ها افراد نیازمند را شناسایی می‌کردند و خودشان به آن‌ها کمک می‌کردند، بدون این که بدانند این کمک از طرف چه کسی و از کجاست. وی ادامه داد: ایشان همیشه بر مسئله حفظ عزت تأکید می‌کرد و حتی در آن دبیرستان که در عراق تأسیس کرده بود، همیشه به معلمان سفارش می‌کرد که عزت دانش‌آموزان را حفظ و مراعات کنید، اولین چیزی که به بچه‌ها یاد می‌دهید، این است که عزیز باشند و با عزت و کرامت رشد کنند، این شعار امام حسین (ع) که «هیئات منا الذلّة» را دست‌کم نگیرید.

آذرشب با بیان این که رعایت عزت و کرامت افراد به‌عنوان یک سیره عملی در رفتار علامه عسکری مشهود بود، اظهار کرد: ایشان کتابی در ردّ شخصی به نام «علیل وردی» که در عراق فعالیت می‌کرد و افکار لیبرالیستی داشت و دین را به مسخره گرفته بود، نوشت و در آن کتاب به هیچ‌وجه به آن شخص توهین نکرد و با رعایت احترام از او انتقاد کرد.

وی افزود: من شنیدم که بعد از نوشته شدن آن کتاب، علیل وردی روزی به محضر علامه عسکری شرفیاب شده و گفت: تاکنون نسبت به خودم رذیله‌های زیادی دیده‌ام، اما کتاب شما به‌شکل کاملاً معقول و علمی و با حفظ آبرو و حیثیت از من انتقاد کرده است. در حقیقت این سیره علامه عسکری در تمام کارهایش دیده می‌شد.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با بیان این که علامه عسکری با حوصله و سعه‌صدر به روایات نگاه می‌کرد، عنوان کرد: شما هر کتاب روایی را که باز کنید، یک‌سری مسائلی می‌بینید که درباره اختلاف شیعه و سنی است، اما علامه

عسکری با سعه‌صدر این روایات را مطالعه می‌کرد و با خواندن یک یا چند روایت، منظومه فکری تفرقه‌افکن میان شیعه و سنی برای خودش ایجاد نکرد. وی تأکید کرد: علامه عسکری تمام روایات را به‌صورت مجموعی و جامع‌نگر مطالعه می‌کرد. به‌نظر هیچ کتاب روایی قدیمی در میان اهل سنت و شیعه نبود، مگر این که ایشان آن را مطالعه کرده بود و این بسیار عجیب است و نشانگر حوصله و صبر او در مطالعات مختلف اسلامی است. علامه عسکری از ۱۸ سالگی این سیره و

روش را در مطالعاتش داشته است. آذرشب با بیان اینکه این مطالعات و تحقیقات جامع علامه عسکری در دورانی بود که مانند امروز، امکانات نرم‌افزاری و سی‌دی‌هایی که امروز ما در اختیار داریم، وجود نداشت، گفت: اگر شما به کتاب‌هایی که او مطالعه کرده، نگاه کنید، می‌بینید که در تمام کتاب‌های ایشان حاشیه و تعلیقه نوشته شده است.

شاگرد علامه عسکری تأکید کرد: نکته دیگری که علامه عسکری در مواجهه با روایات موردنظر قرار می‌داد، این بود که تلاش می‌کرد تا میان تمام روایات که وجود دارد، انسجام معنایی ایجاد کند و یک رویه واحدی در رابطه با آنچه در روایات آمده، تبیین کند. او دارای حافظه بسیار قوی بود و تمام مطالب و روایات را در کنار هم تحلیل می‌کرد.

وی با بیان این که این ویژگی‌های علامه عسکری در مواجهه و مطالعه روایات موجب شد تا به حقایق دست پیدا کند که دیگران به آن نرسیده‌اند، اظهار کرد: شما اگر مشاهده کنید، اکثر کتاب‌هایی که در شیعه یا سنی نوشته می‌شود، به روایت خاصی استناد کرده و فوراً قضاوت یک‌جانبه‌ای انجام می‌دهد، ولی علامه عسکری این کار را نکرد.

آذرشب اضافه کرد: آیت‌الله سیدمحسن امین عاملی کتابی با عنوان «اعیان الشیعه» نوشته است، او در کتابش خواسته بگوید که هرچه متفکر، عالم، فیلسوف، ادیب، صاحب‌نظر و احیاگر در طول تاریخ جهان اسلام داشته‌ایم، همه وابسته به مکتب اهل بیت (ع) و ریزه‌خور خوان باعظمت و گسترده معارف و تعالیم اهل بیت (ع) بوده‌اند.

شاگرد علامه عسکری با بیان این که مرز اینکه شخصی از حریم اهل بیت (ع) عدول نکند، این است که از مرز علم، فضیلت، تقوی، جهاد، حرکت فرهنگی و تمدنی عبور نکند، گفت: این مرز و خط قرمز تشیع است و نباید با کوتاهفکری و تنگ‌نظری به اختلاف میان شیعه و غیرشیعه دامن بزیم، بلکه همیشه باید با دید وسیع و جامعی نسبت به گسترش وحدت اسلامی تلاش کنیم.

وی تصریح کرد: تقیه به معنای جلوگیری از ایجاد فتنه و ایستایی در حرکت تمدن اسلامی است؛ لذا تقیه برای این است که حرمت جهان اسلام و وحدت اسلامی حفظ شود. تقیه به این منظور مورد تأکید قرار گرفته که از خدشه‌دار شدن حرمت جهان اسلام دوری شود و کرامت آن حفظ شود و از ضعف و وهن به کلیت جهان اسلام احتراز شود.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در تبیین اهمیت دادن علامه عسکری به قرآن کریم و علوم قرآنی اظهار کرد: هنگامی که ایشان دانشکده اصول‌الدین را تأسیس کرد، ابتدا تنها یک رشته داشت و آن «زبان عربی و علوم قرآنی» بود. ایشان زبان عربی را دریچه‌ای برای ورود به دنیای قرآن کریم می‌دانست و از این جهت برای آن اهمیت خاصی قائل بود.

آذرشب با اشاره به اهمیت دادن بسیار بالای علامه عسکری به قرآن کریم و علوم قرآنی تصریح کرد: ایشان خصوصاً بر این مسئله تأکید می‌کرد که باید قرآن کریم را با دید احیاء و تقریبی مطالعه کنیم و در حقیقت باید از همان دیدگاهی که کتاب الهی نگاه کنیم که اهل بیت (ع) به آن نگریده‌اند و بر آن نظر خاص اهل بیت (ع) درباره کتاب الهی تأکید کنیم.

شاگرد علامه عسکری با نقل سخنی از ایشان گفت: علامه مکرراً از اقبال لاهوری سخنی را نقل می‌کرد و آن این بود که باید قرآن کریم را به گونه‌ای بخوانی که گویا هم‌اکنون بر تو نازل می‌شود. علامه تأکید می‌کرد که این سخن اقبال لاهوری اغراق نیست و قرآن بر تک‌تک اشخاصی که آن را با توجه مطالعه کنند، دوباره نازل می‌شود و باید شأن هدایتی خاصی برای کتاب الهی قائل باشیم. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با اشاره

به تأکید علامه عسکری بر داستان‌های قرآنی اظهار کرد: ایشان همیشه به قرآن و داستان‌هایش با دید تغییردهنده و عبرت‌آموز نگاه می‌کرد. علامه از آیت‌الله صدر خواست تا جزوه‌هایی درباره علوم قرآن بنویسد و در دانشکده اصول‌الدین تدریس شود که یاد دارم آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم آن‌ها را تدریس می‌کرد. علامه عسکری بر این باور بود که علاوه بر داستان‌های قرآنی باید تدریس و مطالعه تمام مفاهیم قرآنی نیز به این سمت و سو برود که برای انسان درس‌آموز باشد.

این محقق و پژوهشگر با بیان این که علامه عسکری می‌خواست قرآن برای عمل خوانده شود، گفت: در جلساتی نیز که ایشان در اواخر عمرشان در منزل خود داشتند، سعی می‌کردند بر آیاتی تأکید کنند که موجب ایجاد تغییر در انسان می‌شود و حرکت معنوی را در انسان و در جامعه ایجاد کند.

وی با اشاره به برخی از نظرات شاذ و خاص علامه عسکری در علوم قرآن تأکید کرد: یکی از نظرات خاصی که ایشان در علوم قرآن داشت، این بود که ناسخ و منسوخ را قبول نداشت. همچنین درباره تعدد قرائات نظر مساعدی نداشت و تنها یک قرائت را صحیح می‌دانست و قرائات دیگر را مورد اعتماد نمی‌دانست.

آذرشب با بیان این که مسئله تربیت به‌ویژه تربیت جوان و نوجوان اهمیت خاصی برای علامه عسکری داشت، اظهار کرد: این مطلب را از مسیحیان یاد گرفته‌ام که آن‌ها به اولین چیزی که اهمیت می‌دهند، برپایی دبستان و دبیرستان و بعد از آن دانشگاه است؛ ایشان می‌گفت که من از این لحاظ پیرو عبدالحسین شرف‌الدین هستم.

شاگرد علامه عسکری تأکید کرد: عبدالحسین شرف‌الدین سخن جالبی دارد که می‌گوید: «لاینتشر الهدی الا من حیث انتشر الضلال؛ هدایت جز از آن راهی که ضلالت منتشر شده، منتشر نمی‌شود»؛ لذا برای مقابله با گمراهی‌ها باید از همان روشی استفاده کنیم که گمراهی رشد و گسترش یافته است. وی با بیان این که علامه عسکری در دبیرستان امام جواد (ع) که در عراق

تأسیس کرده بود، با پدر و مادران دانش‌آموزان ارتباط برقرار می‌کرد، گفت: ایشان به‌دقت با آن‌ها درباره مسائل تربیتی صحبت می‌کرد و به آن‌ها می‌گفت که کار شما در منزل باید مکمل کار مدرسه باشد، ولی در عین حال روی مدرسه تأکید بسیاری داشت.

آذرشب اضافه کرد: نکته دیگری که علامه عسکری در مسائل تربیتی روی آن تأکید داشته‌اند، کارهای فوق برنامه بود. ایشان معتقد بود که ارتباط معلمان با دانش‌آموزان باید فراتر از کلاس مدرسه باشد و در گردش‌ها، مسافرت‌ها و تفریح‌ها نیز معلم با دانش‌آموزان همراه باشد و به مسائل تربیتی و رفتاری ایشان بپردازد.

شاگرد علامه عسکری با بیان این که تقریباً تمام دانش‌آموزانی که در مدرسه امام جواد (ع) می‌شناختم، یا شهید و یا مبارز و جهادگر شدند، گفت: این‌ها همه حاصل تربیت صحیح و اسلامی بود که با مدیریت و هدایت علامه عسکری صورت می‌گرفت و در واقع ایشان به علم و تربیت به‌صورت ملازم و همراه نگاه می‌کرد.

وی تصریح کرد: علامه عسکری حتی در دانشکده اصول‌الدین نیز که تصور می‌شود دانشجو باید فقط مشغول درس و تحقیق و پژوهش باشد، به مسائل تربیتی اهمیت می‌داد. یکی از این برنامه‌ها این بود که معلمان باید برای دانش‌آموزان منبر می‌رفتند. خود علامه عسکری نیز در آن جلسات حضور می‌یافت و از نزدیک آن‌ها را پیگیری می‌کرد.

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با بیان این که تأسیس دانشکده اصول‌الدین در عراق برای ما بسیار عجیب بود، عنوان کرد: اینکه یک روحانی شیعه و ایرانی بتواند در سایه حکومت ناسیونالیستی آن زمان دانشکده‌ای در بغداد تأسیس کند، بسیار عجیب بود؛ چون حکومت آن زمان در عراق کاملاً ضد شیعه و از متعصبان عرب بودند.

آذرشب تأکید کرد: وزیر آموزش عالی عراق در آن زمان شخصی به نام «عبدالعزیز الدوری» بود که از صاحب‌نظران تاریخ اسلام بود. علامه عسکری قبل از این که درخواست تأسیس دانشکده اصول‌الدین را به وزیر بدهد، کتاب‌هایش را برای او فرستاد. عبدالعزیز الدوری آن‌ها را مطالعه کرده و به علامه عسکری علاقه‌مند شد و به این ترتیب مجوز تأسیس دانشکده اصول‌الدین را به او داد.



# مناظرات علامه با

## علمای سایر ادیان

■ علامه عسکری به مناظراتی با علمای دیگر ادیان پرداخته بود؛ به عنوان مثال ایشان یکبار در مناظره با علمای یهود گفت: «فلان مطلب موجود است» و آن‌ها تکذیب کردند و علامه در پاسخ گفت که این مطلب در فلان تورات چاپ شده و در فلان مکان آمده است و بعد خودش مطلب را از آن کتاب به آن‌ها نشان داد.

علامه از علمای آن ادیان نسبت به مبانی و منابع ایشان مسلط‌تر بودند؛ به عنوان مثال ایشان یکبار در مناظره با علمای یهود گفتند: «فلان مطلب موجود است» و آن‌ها تکذیب کردند و علامه در پاسخ گفتند که این مطلب در فلان تورات چاپ شده و در فلان مکان آمده است و بعد خودشان مطلب را از آن کتاب به آن‌ها نشان دادند و این مطلب در مناظره با اهل سنت هم پیش آمد که ایشان از منابع اهل سنت برای آنان دلیل آوردند. محمدزاده مظلومیت اولیای خدا را همانند ولی‌شان دانست و افزود: از آنجا که همیشه ائمه (ع) مظلوم بوده‌اند، اولیای خدا نیز همین‌گونه مظلوم هستند. کارهای علامه در واقع احیای دین بوده است و سفارش‌شان به ما این بوده که کارهایی در جهت نشر دین انجام دهید و خود ایشان نیز در همان حالت بیماری به سؤالات ما پاسخ می‌دادند. بیشترین مسأله مورد تأکید علامه این بود که «کار کنید و به اسلام خدمت کنید، امروزه تنها چیزی که حضرت بقیه‌الله (عج) از ما می‌خواهد، یاری کردن ایشان است و یاری ایشان هم با احیای قرآن و حدیث میسر است.»

امکانات استفاده نکردند. محمدزاده ویژگی دیگر علامه را توجه به افرادی که به دنبال کسب علم و دانش هستند دانست و گفت: این مسأله بارها و بارها درباره خودم و دیگران حتی در اوج بیماری ایشان دیده می‌شد و حالتشان تغییر پیدا می‌کرد و اگر کسی برای ایشان اظهار خستگی می‌کرد، می‌گفتند: «اگر تمام عالم را پیدا کنید خسته‌تر از من پیدا نمی‌کنید ولی خدمت به اسلام باعث می‌شود که انسان این خستگی‌ها را احساس نکند.» مدرس دانشکده اصول الدین در ادامه بیان داشت: از ویژگی‌های دیگر ایشان پاسخ دادن به تمام هدیه‌ها و نامه‌ها بوده است و اگر کسی نامه‌ای به ایشان می‌داد، قطعاً پاسخ می‌دادند همچنین از تألیفات خودشان به دیگران هدیه می‌دادند. وی یکی از مهم‌ترین سفارش‌های علامه را توهین نکردن بر مقدسات فرق دانست و گفت: علامه همواره توصیه می‌کردند که «به دیگران توهین نکنید تا آن‌ها نیز به شما توهین نکنند» لذا خود ایشان نیز با احترام با تمام گروه‌ها برخورد می‌کردند. وی به مناظرات علامه با علمای دیگر ادیان اشاره کرد و گفت: در این مناظرات

راضیه محمدزاده، یکی از شاگردان علامه عسکری اظهار کرد: علامه عسکری توانستند بسیاری از مسأله قرآنی و روایی را مطرح کنند و همین مسأله رمز موفقیت ایشان بود و معتقد بودند که بعدها دگرگونی‌هایی در آن به وجود آمده است. محقق مسأله تربیتی درباره رمز موفقیت علامه عسکری گفت: می‌توان رموز مختلفی را برای موفقیت ایشان برشمرد از جمله اینکه از ویژگی‌های کتاب‌هایشان بیان روشن، واضح و نص بسیار روان ایشان است که خواننده را به سوی خودش جذب می‌کند، استفاده از منابع و مصادر درجه اول اهل سنت و ویژگی دیگر آثار ایشان است که دلیلشان در استفاده از این منابع این بوده است که اگر مطلبی را بیان کردند، اتهام به شیعی بودن را بر ایشان وارد نکنند و شاید هزاران نفری که با استفاده از کتاب «معالم المدرستین» ایشان شیعه شدند، به خاطر وجود اصطلاحات و توضیح آن‌ها و منابعی است که علامه در این اثر مورد استفاده قرار داده‌اند. نویسنده کتاب «مادر اگر اینگونه بود» در بیان بارزترین ویژگی‌های علامه گفت: ایشان در اعیاد و شهادت‌های ائمه از جمله افرادی بودند که مصداق حدیث «با شادی ائمه شاد باشید و در ناراحتی ائمه برای ایشان بگریید» بودند، ویژگی دیگر علامه ساده‌زیستی ایشان بود که از مصداق این ساده‌زیستی این است که با وجود امکانات بسیار خوبی که در اختیارشان بود هیچ‌گاه خودشان از این



نویسنده کتاب «زن اگر اینگونه بود» درباره تألیفات علامه عسکری گفت: علامه عسکری، تألیفات بسیاری را داشته است که قدیمی‌ترین و معروفترین تألیف ایشان کتاب «عبدالله بن سبا» است که در این کتاب علامه با دلایل کافی اثبات کرده است که عبدالله بن سبا فقط یک موجود خیالی و ساختگی است و وجود خارجی ندارد و در نتیجه حکایت‌هایی که تاریخ‌نویسان نقل می‌کنند و ادعا می‌کنند که او سازنده مکتب تشیع است، را رد می‌کند و آنها را دروغی بیش نمی‌داند.

وی درباره کتاب «عبدالله بن سبا» افزود: در این کتاب علامه این مطلب را بیان می‌کند که هدف سیف بن عمر از این نوع تخریب اسلام سه چیز بوده است: یک وارد کردن خرافات، دوم تخریب چهره واقعی قرآن و سوم جعلی خواندن برخی داستان‌های ساختگی و وارد شده در اسلام مثل افسانه غرانبیق و فتوحات مسلمین که در ظاهر مبانی اسلام به آن‌ها وابسته است و همچنین ضعیف بودن بسیاری از مدارک و منابع مورد اعتماد که علامه همه این‌ها را رد می‌کند.

نویسنده کتاب «مادر اگر اینگونه بود» در ادامه گفت: علامه در همین کتاب سلسله روایان افسانه عبدالله بن سبا را مورد بررسی قرار می‌دهد و اشخاص خیالی و قهرمانان ساختگی سیف و علل انتشار روایات دروغین آن را مورد بررسی قرار دهد و با استفاده از همین، به دو اصلی که شیعیان به آن معتقدند؛ اول این که پیامبر دارای وصی بوده و دوم مسأله رجعت ساختگی عبدالله بن سبا است و علامه در جلد ۳ کتاب «عقاید الاسلام» ثابت می‌کند که همه انبیا دارای وصی بوده‌اند و اسامی اوصیای پیامبران را نیز می‌آورد. وی به کتاب «یکصد و پنجاه صحابی ساختگی» و «سقیفه» علامه اشاره کرد و در تبیین آن‌ها گفت: علامه در کتاب «یکصد و پنجاه صحابی ساختگی» تک افراد معجول و ساخته‌شده در تاریخ اسلام را مورد بررسی قرار می‌دهد و در کتاب «سقیفه» نیز از منابع اهل سنت استفاده کرده و گفته‌اند که تمام مطالب مرتبط با سقیفه در منابع اهل سنت موجود است و من مانند یک پازل این‌ها را در کنار یکدیگر جمع کردم و با توجه

به تسلط علامه بر کتاب‌های آن‌ها به ارائه ماجرای سقیفه در کتاب سقیفه می‌پردازد.

این استاد حوزه و دانشگاه کتاب «القران الکریم» علامه عسکری را ارزشمندترین کتاب ایشان برشمرد و گفت: بنده یکبار از ایشان پرسیدم که با ارزش‌ترین کتابتان کدام است؟ ایشان پاسخ دادند: «القران الکریم» است و در ادامه توضیح دادند که من برای پیدا کردن معنای کلمه «قراء» دو سال زحمت کشیدم تا بفهمم معنای این کلمه در زمان پیامبر چه بوده است و در کل، هفت سال روی این کتاب زحمت کشیدم. «القران الکریم» کتابی است که در نمایشگاه قرآن سال ۷۸ به عنوان بهترین کتاب در زمینه قرآن معرفی شد. وی درباره کتاب «نقش عایشه در تاریخ اسلام» گفت: این اثر در ۴ جلد نوشته شده و علامه دلیل خود را در نوشتن این کتاب این گونه بیان کرده است: «من متوجه شدم اختلاف زیادی در احادیث پیامبر وجود دارد حتی احادیثی هم که از یک فرد نقل می‌شود، با تحقیق متوجه شدم که دست‌هایی در کار بوده است تا شخصیت پیامبر را از جایگاه واقعی‌شان سقوط دهد و شخصیت برخی افراد را بالاتر ببرند به این دلیل احادیث متناقض وجود دارد.»

نویسنده کتاب «همسر اگر اینگونه بود» افزود: کتاب دیگر ایشان «نقش ائمه در احیاء دین» است که در واقع مجموعه سخنرانی‌های ایشان است که بعدها به صورت کتاب منتشر شد. علامه در این اثر به اصطلاحات می‌پردازد و می‌گویند که اسلام چه بوده است و امروزه چه بر سر آن آمده است و بعد هم ثابت می‌کنند آنچه را که امروزه نیاز داریم که به آن پردازیم، شکل و ساختاری است که بعد از اسلام پدید آمده است و به دلیل همین ساختار است که دو مکتب به وجود آمده است. ایشان در همه‌جا بحث اسلام را به صورت کلی مطرح می‌کردند و می‌گفتند: «تنها مسأله اسلام باید مطرح شود و شیعه همان اسلام است». به تعبیر علامه مکتب اهل بیت و مکتب خلفا است که بعدها به وجود آمده است و لازمه این‌ها این است که ما یک‌سری اصطلاحات را بدانیم.

وی کتاب «معالم المدرستین» را یکی دیگر از کتاب‌های بسیار ارزشمند علامه عسکری دانست و گفت: علامه در این کتاب منشأ اختلاف بین شیعه و اهل سنت را اختلاف در منابع و مصادر مکتب خلفا و اهل بیت می‌داند و آن را مورد بررسی قرار می‌دهد و منشأ اختلاف را تفسیر برخی آیات و گرفتن سنت از آنها می‌داند و در مصادر و منابع این کتاب به نگرش‌هایی که درباره معنای اصلی برخی از لغات و اصطلاحات وجود دارد و باعث پدید آمدن اختلاف شده است می‌پردازد که از جمله اینها مسئله تعریف صحابه است که نقد روش شناختی صحابه در مکتب خلفا را انجام می‌دهد، عدالت از دیدگاه مکتب خلفا و اهل بیت و دیگر مسائل که علامه توضیح می‌دهد که انگیزه اختلاف چه بوده است.

وی کتاب دیگر علامه عسکری را «برگستره کتاب و سنت» نام برد و گفت: این کتاب مجموعه ۱۷ جلدی در قطع جیبی است که در آن به شبهاتی در موضوعات گریه بر میت، جبر و تفریض و اختیار، بدا یا محو و اثبات الهی پاسخ می‌دهند. محمدزاده در پایان سخنانش گفت: علامه می‌گفتند که من خودم و زندگی‌ام را وقف اهل بیت کرده‌ام و در پیشانی‌ام نوشته‌ام «وقف‌شده برای اهل بیت» متأسفانه ایشان مبتلا به عارضه قلبی و بیماری کلیوی شدند که یک روز در میان دیالیز می‌شدند که سرانجام به علت ایست قلبی دار فانی را وداع گفته و به دیدار حق تعالی شتافتند.





فصل چهارم

# تلاش‌های تقریبی



■ علامه عسکری نظر مکتب اهل بیت(ع) و مکتب خلفا را بدون توهین بیان می‌کرد و قضاوت را بر عهده خود خوانده می‌نهاد؛ روش ایشان مبتنی بر جدال احسن بود، همچنان که قرآن کریم درباره گفت‌وگوهای میان پیامبر اکرم(ص) و اهل کتاب، این سیره را نقل کرده است.



## گفتمانی مبتنی بر

# جدال احسن

سایر مذاهب را آموخت. ایشان در این مسافرت‌ها متوجه شد که این مسئله که از مدتی طولانی توسط استعمارگران القاء می‌شد که تمام اهل سنت، دشمنان اهل بیت(ع) هستند، واقعیت ندارد و امروزه اکثر مسلمانان جهان دوستداران اهل بیت(ع) هستند. رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی تأکید کرد: علامه عسکری با عنایت فراوانی که به قرآن کریم داشتند، هنگامی که در ایران بودند، با آیت‌الله طالقانی در زمینه تفسیر قرآن همکاری داشتند. ایشان از قرآن کریم، روش جدال احسن را به‌خوبی آموخته بود

حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی، درباره شخصیت علامه عسکری اظهار کرد: باید بدانیم که ایشان یک شخصیتی بودند که بسیار آزاداندیش و محقق به‌خصوص در تاریخ اسلام بودند و به‌ویژه درباره تاریخ تشیع تحقیقات بسیار ارزنده‌ای داشتند.

وی افزود: ایشان گذشته از تحصیلات سطح بالایی که در حوزه علمیه قم نزد مراجع عالیقدر آن زمان داشتند، سفری نیز به عراق داشتند و در حوزه نجف و سامرا از مراجع عظام نجف بهره‌های فراوانی بردند و به‌خصوص ارتباط فراوانی با آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم داشتند.

بی‌آزار شیرازی ادامه داد: علامه عسکری مسافرت‌های فراوانی نیز به کشورهای مختلف از جمله هندوستان، پاکستان، کشمیر، عراق، عربستان و مصر داشت و در این کشورها با علمای بزرگ گفت‌وگوهای جالبی داشت. به‌عنوان نمونه در مصر با علمای بزرگ الازهر ملاقات‌هایی داشت و در عربستان دیداری با شیخ بن‌باز، مفتی اعظم گذشته آن کشور داشت.

وی با بیان این‌که علامه عسکری در عراق نیز با علما و شخصیت‌های مهم شیعه و سنی در ارتباط بود، عنوان کرد: این دیدارها و سفرها به علامه عسکری، آزاداندیشی و لزوم احترام به مقدسات

و به آن عمل کرده بود.

وی با اشاره به یکی از روش‌های جدال احسن از دیدگاه قرآن کریم، گفت: یکی از این روش‌ها این است که بنا به اقتضاء، گفت‌وگوهای ما باید در قالب جدال احسن باشد و معنای جدال احسن این است که مخاطبان خود و طرف مقابل مان را عصبانی نکنیم و او را به سوئی سوق ندهیم که به لجاجت رو آورد.

بی‌آزار شیرازی تصریح کرد: ما در جدال احسن باید کاری کنیم که طرف مقابل مان به دنبال حق جوئی بیفتد و به سخن ما گوش کند. در این زمینه، علامه عسکری روش بسیار ممتازی را در پیش گرفته بود و آن این بود که کاری را که بسیاری از متعصبان مذاهب مختلف انجام می‌دهند که می‌خواهند با نفی دیگران، خودشان را اثبات کنند، انجام نمی‌داد.

وی اضافه کرد: این افراد می‌خواهند با تحقیر، توهین و طعنه به دیگران، برتری خود را اثبات کنند. علامه عسکری با این امر مخالفت شدیدی داشت، حتی ایشان یک‌بار با آیت‌الله‌العظمی بروجردی صحبت کرد که اکنون که می‌خواهد کتاب بحارالانوار تجدید چاپ شود، کتاب‌های مطاعن آن چاپ نشود.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی عنوان کرد: کتاب‌های مطاعن کتاب‌هایی بود که در آن به مقدسات سایر مذاهب، بدگویی و طعنه می‌زده است و علامه عسکری این‌گونه مسائل را کاملاً به‌ضرر شیعه می‌دانست؛ لذا روش علامه بر این اساس بود که به مقدسات سایر مذاهب توهین نمی‌کرد و این روش را روش اهل بیت (ع) می‌دانست.

وی اظهار کرد: در جلسهای که خدمت ایشان بودیم، ایشان می‌فرمود: روش من این است که وقتی از بزرگان اهل سنت در کتاب‌های نام می‌برم، به آن‌ها توهین نمی‌کنم و این روش را از نهج‌البلاغه آموختم، حضرت امیر(ع) هنگامی که می‌خواهند از عایشه همسر پیامبر اکرم(ص) سخن بگویند، می‌فرمایند: و لها الحرمتها الاولى والحساب علی الله؛ او حرمت نخستینش را دارد، ولی حساب او با خداوند است.

بی‌آزار با بیان این که علامه عسکری درباره مقدسات اهل سنت به‌شکل مؤدبانه‌ای

صحبت می‌کرد، گفت: ایشان ادب اختلاف را رعایت می‌کرد. ادب اختلاف امر مهمی است و ایشان می‌فرمود: در نهج‌البلاغه آمده است که هنگامی که حضرت امیر(ع) شنیدند که سپاهیان‌شان به مادر معاویه توهین کرده‌اند، سران سپاه را خواستند و فرمودند: انی اگره ان تکونوا سبائین؛ من دوست ندارم که شما دشنام‌دهنده باشید. در روایت دیگر آمده: انی اگره ان تکونوا لعانین؛ من دوست ندارم که شما لعن‌کننده باشید.

وی اظهار کرد: علامه عسکری، آداب گفت‌وگو و آداب جدل را از قرآن کریم و پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) آموخته بودند و با این روش عمل می‌کردند و در جلسهای که خدمتشان بودیم، ایشان بیان کردند که من تجربیات یک عمر را در امر تقریب عرض می‌کنم و فرمودند: شما حتی اگر تنها هستید، به مقدسات دیگران توهین نکنید.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی تصریح کرد: علامه عسکری ادامه دادند: این کاری که من انجام دادم؛ یعنی در نوشته‌هایم توهین به شخصی نکرده‌ام، باعث شده که هزاران نفر از اهل سنت در تمام کشورهای اسلامی کتاب‌های من را مطالعه می‌کنند، در صورتی که اگر من هم مثل نویسندگان بسیاری به مقدسات مذاهب دیگر توهین می‌کردم، اصلاً کتابم را نگاه نمی‌کردند و آن را به کناری می‌انداختند.

بی‌آزار شیرازی اظهار کرد: ایشان در کتاب‌های خود با این که تمام مسائل مورد اختلاف بین شیعه و اهل سنت را مطرح کرده‌اند، اما هیچ‌گاه به دیگران توهین نداشتند. برخی افراد برای این که وحدت از بین نرود، مسائل اختلافی را اصلاً طرح نمی‌کنند، اما علامه عسکری تمام مسائل مورد اختلاف را مطرح کرده است. البته طرح مسائل اختلافی دو نوع است؛ یک نوع آن این است که افراد سعی می‌کنند با تحقیر و توهین به دیگران، سخن خود را بگویند.

وی ادامه داد: نوع دیگر طرح مسائل مورد اختلاف، روش علامه عسکری است؛ ایشان نظر مکتب خلفا و نظر مکتب اهل بیت(ع) را بدون توهین بیان کرده و قضاوت را بر عهده خود خواننده می‌گذارند. این یک روش بسیار نیکوست که در روش جدال

احسن نباید انسان اصرار داشته باشد که عقیده‌اش را به دیگران تحمیل کند.

بی‌آزار شیرازی با بیان این که انسان نباید دیگران را مجبور کند که حرف او را بپذیرند، گفت: همچنان که قرآن کریم درباره جدال‌ها و گفت‌وگوهایی که میان پیامبر اکرم(ص) و اهل کتاب صورت گرفته، این سیره را از آن حضرت(ص) نقل کرده است که ایشان به طرف گفت‌وگو نمی‌فرمودند که شما حتماً باید سخن و عقیده مرا بپذیرید.

وی با اشاره به روش گفت‌وگویی که در قرآن کریم بیان شده است، عنوان کرد: «فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ؛ پس اگر با تو به محاجه برخاستند بگو من خود را تسلیم خدا نموده‌ام و هر که مرا پیروی کرده آنیز خود را تسلیم خدا نموده است» و به کسانی که اهل کتابند و به مشرکان بگو آیا اسلام آورده‌اید پس اگر اسلام آوردند قطعاً هدایت یافته‌اند و اگر روی برتافتند فقط رساندن پیام بر عهده توست».

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س) تأکید کرد: وظیفه پیامبر اکرم(ص) تنها رساندن پیام است، وظیفه او این نیست که بخواهد با اصرار به مخاطبان‌ش بگوید که حتماً باید حرف مرا بپذیرید؛ لذا این مسئله یک درس بسیار بزرگی است که درباره آداب گفت‌وگو کردن ما باید از قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم(ص) بیاموزیم.

وی با بیان اینکه علامه عسکری به این روش به‌خوبی عمل کردند، گفت: ایشان به‌هیچ‌وجه اصرار نوریزدند که دیگران را حتماً تابع نظر خودشان کنند؛ برخلاف افراد بسیاری که می‌گویند حتماً باید سخن ما بپذیرفته شود. این تأکید و این اصرار ناپسند، در حقیقت نوعی ارباب‌فکری است که برخی از متعصبان و افراطی‌های وهابی همین کار را انجام می‌دهند.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی تأکید کرد: آن‌ها می‌گویند که نظر ما این است و باید همه مسلمانان جهان آن را بپذیرند و اگر نپذیرند، همه مشرک و کافر هستند و برخی از آن‌ها نیز آن‌قدر شدت عمل به خرج می‌دهند که می‌گویند اصلاً باید مخالفان خود را به دلیل این که سخن و عقیده ما را نپذیرفته‌اند، به قتل برسانیم.

وی بیان کرد: متأسفانه در میان سایر مذاهب و حتی در میان ما شیعیان نیز از این نوع افراد پیدا می‌شوند که می‌خواهند ارباب‌فکری کنند؛ یعنی با تهدید و توهین به دیگران حرف و عقیده خود را به کرسی بنشانند و از طریق غوغاسالاری می‌خواهند این کار را انجام دهند، ولی این‌ها جزء گفت‌وگو و جدال احسن نیست. بی‌آزار شیرازی با بیان این روش در قرآن مذموم واقع شده، تصریح کرد: «لَا إِكْرَاهَ فِي

الدِّينَ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛ در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است» همین مطلب را بیان می‌فرماید. قرآن کریم، فرعون را که ارهاب فکری می‌کرد، نیز نکوهش کرده است. وی اضافه کرد: فرعون به مردم می‌گفت: چگونه قبل از این که به شما اجازه بدهم، به موسی (ع) ایمان آورده‌اید؟ قرآن این کار او را مذموم دانسته است. علامه عسکری می‌فرمود که کاملاً صادقانه نظر این مکتب و آن مکتب را نقل می‌کنم و انتخاب و قضاوت را به خود شخص واگذار می‌کنم.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی با بیان این که روش اهل بیت (ع) نیز همین‌گونه بوده است، عنوان کرد: بر اساس روایاتی که در کتاب «وسائل الشیعه» در باب امر به معروف و نهی از منکر آمده است، روزی امام صادق (ع) وارد مسجد می‌شوند، می‌بینند که یکی از شاگردانشان مشغول مسئله گفتن برای مردم است و احکام فقهی را بیان می‌کند.

وی اظهار کرد: آن شخص به احترام حضرت (ع) برمی‌خیزد و به حضرت سلام می‌کند، امام صادق (ع) او را تشویق می‌کنند که کار خوبی انجام می‌دهی که برای مردم مسئله می‌گویی. آن شخص به امام (ع) می‌گوید: در این باره سؤال دارم، سؤال این است که افرادی که می‌آیند و از من احکام فقهی می‌پرسند، اگر بدانم که آن‌ها پیرو شما هستند، طبق نظر شما به او پاسخ می‌دهم و اگر بدانم که پیرو دیگران هستند، بر اساس نظر دیگران به او پاسخ می‌گویم و اگر ندانم که پیرو چه مکتبی است، هم نظر شما و هم نظر دیگران را می‌گویم تا هر کدام را که خودش بخواهد، عمل کند. آیا کارم صحیح است؟ امام (ع) به او می‌فرمایند: خداوند تو را رحمت کند، این کار را انجام بده که کار صحیحی است، این روش را ادامه بده که خودم نیز همین کار را انجام می‌دهم.

بی‌آزار شیرازی با اشاره به آزاداندیشی علامه عسکری اظهار کرد: جدال احسن و عدم تحمیل عقیده خود به دیگران یکی از مهم‌ترین رموز موفقیت ایشان بود و این مسئله یکی از درس‌هایی است که ما می‌توانیم از او بگیریم. متأسفانه افراد زیادی هستند که گناه پیشینیان را به پسینیان و نسل حاضر تسری می‌دهند و می‌خواهند انتقام گذشتگان را از نسل جدید بگیرند، این افراد به جست‌وجو در کتب پیشینیان پرداخته و یک مطلب یا گناهی را پیدا می‌کنند و آن را به حساب نسل جدید می‌گذارند و از این طریق می‌خواهند انتقام بگیرند.

وی ادامه داد: این کاری ظالمانه است و قرآن کریم به شدت با این مسئله مخالف است، می‌فرماید: در هنگام گفت‌وگو، یکی از آداب آن این است که نباید گناه شخصی را به گناه شخص دیگری تسری دهیم. مسئول گناه پیشینیان، خودشان هستند، «وَلَا تَزِرُ

وَأَزْرَهُ وُزْرَ أُخْرَى؛ و هیچ بردارنده‌ای بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد».

بی‌آزار شیرازی گفت: روشی که متأسفانه متعصبان هر مذهب در پیش گرفته‌اند که جست‌وجو می‌کنند تا نظریه شخصی را که چند قرن قبل مطرح شده، پیدا می‌کنند و آن را به فلان فرقه نسبت می‌دهند، روشی مذموم است، باید گفته هر شخصی را نقل و آن را نقد کرد، نه این که گفته یک شخص را به حساب تمام پیروان آن مذهب گذاشت.

وی با اشاره به این که اساساً روش برخی‌ها این است که با نفی دیگران خودشان را اثبات کنند، تأکید کرد: این افراد که بر اساس این روش عمل می‌کنند، به این مطلب توجه نمی‌کنند که شخصی که فلان سخن را گفته است، آیا شخص مورد قبول همه پیروان آن مذهب هست یا خیر؟ و آیا این سخنی که او در کتابش آورده، واقعاً همان معنایی که از آن استخراج شده، مورد نظر است یا مقصودش چیز دیگری است؟

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (س) تأکید کرد: به‌عنوان نمونه یکی از عقایدی که به اهل سنت نسبت می‌دهند، این است که خداوند در روز قیامت قابل رؤیت است، لازمه این مسئله، جسم‌بودن خداست. اما باید ببینیم که آیا آن کسانی که قائل هستند که خداوند در قیامت دیده می‌شود، آیا واقعاً منظورشان این است که با چشم ظاهری دیده می‌شود؟ یا مراد، چشم دیگری است؟

وی با بیان این که این عقیده، مورد تأیید بسیاری از علمای اهل سنت نیست، اظهار کرد: می‌بینیم که برخی افراد متعصب این عقیده را که لازمه‌اش جسم‌بودن خداست، به تمام اهل سنت نسبت می‌دهند و به‌طور کلی اهل سنت را کافر و غیرمسلمان می‌دانند، در حالی که این‌گونه نیست.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی تأکید کرد: از آن سو نیز به شیعه این تهمت زده می‌شود که به امری به نام «بداء» معتقدند و لازمه آن، این است که خداوند قبلاً چیزی را نمی‌دانسته و حکمی را صادر کرده است، بعداً بر خداوند معلوم می‌شود که حقیقت امر، چیز دیگری است و به این ترتیب، خدا هم حکم خودش را عوض کرده است.

وی با بیان این که منظور شیعه از «بداء» چنین چیزی نیست، افزود: اما اشخاصی که می‌خواهند شیعه را بدنام کنند، از بداء چنین چیزی را برداشت کرده و تشیع را کافر می‌دانند. علامه عسکری به شدت با این مسئله مخالف هستند که گناه پیشینیان به نسل جدید نسبت داده شود و از کلمات متشابه، معنای اشتباهی برداشت شود.

بی‌آزار شیرازی با اشاره به تحقیقات گسترده علامه عسکری گفت: ایشان در کتاب‌های خود به سراغ آن تفسیری می‌رود که خود آن گوینده مرادش بوده است و عین عبارت او را می‌آورد و قضاوت را بر عهده خواننده گذاشته است. برخی از متعصبان اهل سنت آمده‌اند و روایاتی که در کتاب «کافی» آمده و ظاهراً دلیل بر این است که شیعه، قرآن را تحریف‌شده می‌داند، بیان کرده و کتاب‌های زیادی علیه شیعه نوشته‌اند که این فرقه، یعنی شیعه قائل به تحریف قرآن است و این قرآن را قبول ندارد.

وی اضافه کرد: یکی از کارهای مهم علامه عسکری این بود که کتاب مفصلی در رابطه با تحریف نشدن قرآن کریم نوشتند و به شبهه متعصبان در زمینه تحریف قرآن پاسخ دادند. تمام آن روایات کافی را بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که بسیاری از آن‌ها ضعیف است و مورد قبول نیست و اصلاً در مقام بیان آن تحریفی که متعصبان می‌گویند، نیست.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی با بیان این که علامه عسکری مطرح کرده‌اند که اطاعت از پیامبر اکرم (ص) امر مشترک میان شیعه و سنی است، گفت: اختلاف بر این است که سنت پیامبر اکرم (ص) را از چه طریقی اخذ کنیم؟ آیا از هر صحابه‌ای می‌توانیم یا این که تنها از برخی صحابه باید سنت پیامبر اکرم (ص) را اخذ کنیم؟ وی اظهار کرد: علامه عسکری بدون هیچ‌گونه توهینی، در این زمینه بیان می‌کند که مکتب خلفا این است که احادیث هر صحابی را می‌پذیرند و نظر مکتب اهل بیت (ع) این است که تنها روایات آن صحابی که عادل باشند، پذیرفتنی است. علامه تنها این مطالب را توضیح می‌دهد و قضاوت را بر عهده خواننده می‌گذارد.

# ادب نقد الهام گرفته از

## قرآن و اهل بیت(ع)

■ تتبع فراوان، دقت و موشکافی‌های علمی علامه عسکری بی‌نظیر است؛ ادب نقد در قلم علامه عسکری الهام گرفته از تعالیم قرآن کریم و اهل بیت(ع) است.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی نصیری، مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران، اظهار کرد: سابقه آشنایی من با علامه عسکری به زمانی برمی‌گردد که در حدود ۱۵ سال قبل در مشهد مقدس بودم و در واقع دو حادثه یا موضوع بنده را به شخص وی و آثار او گره زد. وی افزود: در آن زمان در مشهد در درس کفایه و خارج اصول آیت‌الله رضازاده شرکت داشتیم. استاد می‌گفت که علامه عسکری گاهی که به مشهد مشرف می‌شوند، به خانه من می‌آیند و در واقع اقامتگاه علامه عسکری در مشهد منزل آیت‌الله رضازاده بود، می‌گفت که به خاطر کهولت سن فقط نان و روغن زیتون مصرف می‌کنند.

نصیری در ادامه سخنانش اظهار کرد: آیت‌الله رضازاده از وی که عمر خود را در دفاع از مکتب اهل بیت(ع) سپری کرده بود، سؤال کرد: آیا در این همه مدت شاهد الطافی از اهل بیت(ع) بوده‌اید؟ علامه عسکری پاسخ داد: فراوان! یعنی وقتی که وقت و عمر خود را در دفاع از اهل بیت(ع) گذاشتم، بارها شاهد الطاف و محبت‌های اهل بیت(ع) بوده‌ام.

وی با بیان مطلبی از آیت‌الله معرفت اذعان کرد: آیت‌الله معرفت گفته بود زمانی تا سحر مطلبی در دفاع از حضرت امیر(ع) می‌نوشتیم، در دلم گفتم: مولا به من پاسخ و پاداش نمی‌دهید؟ دیدم زمان سحر کسی در زد و هدیه‌ای به من داد و من شرمند شدم که از حضرت امیر(ع) چنین خواسته‌ای داشتم.

مؤلف کتاب «رابطه قرآن و سنت» در ادامه سخنانش اظهار کرد: آشنایی بنده با فرزند مرحوم شیخ عباس‌علی اسلامی اتفاق دیگری بود که موجب شد با اندیشه‌های علامه عسکری و شخصیت وی آشنا شوم. عباس‌علی اسلامی در دوره رضاخان با ساختن ۱۰۰ مدرسه اسلامی با تفکر و رفتار وی مبارزه کرده بود. پسر او که از رجال خدمتگزار به اهل بیت(ع) در دوره معاصر است، مؤسسه‌ای به نام بعثت دارد و علامه عسکری را به من معرفی کرد و کتاب «معالم المدرستین» علامه عسکری را به من هدیه داد.

نصیری با بیان این‌که وقتی این کتاب را مطالعه و بررسی کردم، متوجه چند نکته جالب شدم که واقعاً حس می‌کنم اثرات آن تاکنون هم باقی مانده است، تصریح کرد: کتابی را در نقد «عبدالکریم سروش» نوشتم که خلاصه آن به‌زودی

منتشر می‌شود، حس می‌کنم درسی که از علامه عسکری گرفتم، همچنان در من اثر گذاشته است و در نوشتن این کتاب آن را به کار بسته‌ام. عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران در ادامه سخنانش اظهار کرد: علامه عسکری در کتاب «معالم المدرستین» که بهترین کتاب در بررسی نگاه‌های دو مکتب اهل بیت(ع) و خلفاست، تفاوت دیدگاه‌های این دو مکتب را در زمینه‌های مختلف خداشناسی، پیامبرشناسی، قرآن‌شناسی، حدیث‌شناسی و مسائل تاریخی بیان کرده که انصافاً کتاب فوق‌العاده‌ای است.

وی افزود: قلم علامه عسکری در این کتاب بسیار مؤدبانه است؛ یعنی در قلم ایشان هیچ‌گونه گزندگی، خشونت، تعابیر زشت و ناروایی که معمولاً مخالفان را می‌رنجاند و باعث می‌شود کتاب مورد توجه قرار نگیرد، دیده نمی‌شود.

نویسنده کتاب «آشنایی با علوم حدیث» با اشاره به این که این ادبی است که اهل بیت(ع) و قرآن به ما یاد داده‌اند، گفت: خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید که اگر می‌خواهید نقدی بر نظر مخالفان داشته باشید، لزومی ندارد که با سب و دشنام این کار را انجام دهید؛ «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» و آن‌هایی را که جز خدا می‌خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی او را نادانی خدا را دشنام خواهند داد.»

این محقق علوم اسلامی در ادامه سخنانش تصریح کرد: در کتاب «راز جاودانگی قرآن» بحثی را با عنوان پیراستگی قرآن آوردم که در آنجا بیان کرده‌ام خداوند در برخورد با مخالفان چقدر مؤدبانه برخورد کرده است و بر این اساس ادب نقد در قلم علامه عسکری با الهام از قرآن کریم و تعالیم ائمه(ع) فوق‌العاده است.

وی با تأکید بر این که نکته دومی که در کتاب وی برایم مشهود و به نظرم خیلی درس آموز بود، تتبع فراوان و رعایت دقت و موشکافی‌های علمی است، اظهار کرد: به عنوان مثال، ایشان جایی می‌خواهد اثبات کند که کتب روایی و تاریخی اهل سنت؛ مانند تاریخ طبری یا سیره ابن‌هشام برخی از مطالب را حذف و اضافه می‌کنند. برای بیان این مطلب وی با ظرافت خاصی منابع مختلف را جست‌وجو کرده و حلقه‌های گمشده را پیدا و وصل می‌کند.

مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد در بیان مثالی از کار علامه عسکری گفت: به عنوان مثال، داستانی را در مورد عمار باسر نقل می‌کند که قرار بود در جایی لب بگشاید و اسرار را باز گو کند و بگوید که ما در مورد امام علی(ع) کوتاهی کردیم، در این

بخش روایت‌هایی را نقل می‌کند که خلیفه دوم اعتراض می‌کند و مطالبی را بیان می‌کند، خیلی از حلقه‌ها در منابع حذف شده اما علامه عسکری با چه ظرافتی حلقه‌ها را پیدا کرده است. کاملاً پیداست که بسیار زحمت کشیده و منابع فراوانی را دیده و با کمال ادب، لطف و دقت و ظرافت این‌ها را در کنار هم قرار داده تا بتواند از مکتب اهل بیت(ع) دفاع کند.

مؤلف کتاب «مکتب تفسیری صدرالمتألهین» با بیان این که اگر ادب، اخلاق و دقت علمی را کنار هم قرار دهیم؛ یعنی وقتی می‌خواهیم وارد نقد شویم، عالمانه و محققانه این کار را انجام دهیم و از دشنام و خشونت در گفتار و نوشتار پرهیز کنیم، این کار مخالفان را هم به تحسین در می‌آورد، تصریح کرد: علامه عسکری در مقدمه و در پایان این اثر برخی از نامه‌های بزرگان اهل سنت را آورده که آن‌ها از وی به خاطر این کتاب وزین تشکر کردند، خیلی جالب است که مخالفان از وی تمجید می‌کنند و زبان اعتراف به کار محققانه و عالمانه وی می‌گشایند. علامه عسکری همیشه در نظرم یک چهره علمی، تحقیقی و فنی بود.

نصیری در مورد سال‌های اقامت خود در قم و دیدار با علامه عسکری در مجالس مختلف اظهار کرد: وقتی که بعد از سال‌های طلبگی در مشهد مقدس به قم رفتم، به مناسبت‌های مختلف خدمت علامه عسکری رسیدم؛ گاهی جلساتی وجود داشت، همچنین در ایام حج هم خدمت وی بودم و مباحث و نشست‌هایی بود که از نزدیک با ایشان گفت‌وگوهایی داشتم.

مؤلف کتاب «رابطه قرآن و سنت» در ادامه سخنانش افزود: یادم هست که در مکه مکرّم خدمت وی رسیدم و عرض کردم شما که عمرتان را در دفاع از اهل بیت(ع) گذاشتید اگر عمر دوباره پیدا کنید و بخواهید کاری را شروع کنید، چه کاری را انجام می‌دهید و لازم می‌دانید، علامه گفت: تحقیق و مطالعه در روایات را خیلی لازم می‌دانم، یعنی منظورشان این بود که روایات و احادیث اهل بیت(ع) خیلی مظلوم واقع شده

است.

نصیری با تأکید بر این که علامه عسکری در ارتباط با مکتب اهل بیت(ع) و دفاع از حقیقت و هویت و تاریخ تشیع خدمت بزرگی کرد، تصریح کرد: به‌راستی خدمات علامه عسکری در عداد کار مرحوم میرحامد حسین در عبقات الانوار فی مناقب الائمة الاطهار(ع) یا کار مرحوم علامه امینی در کتاب الغدیر یا کار مرحوم سیدمحسن جبل عاملی در اعیان الشیعه یا کار آقا بزرگ تهرانی در الذریعه است.

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران در ادامه سخنانش اظهار کرد: وقتی مجموعه آثار علامه عسکری را ببینید، کاملاً این حقیقت پیداست که بخش عمده آثار علامه ناظر به اثبات هویت تاریخی تشیع است. این امر را از این جهت عرض می‌کنم که یکی از حملات سخت و شدید متعصبان اهل سنت به تشیع این است که می‌گویند شیعه ریشه تاریخی ندارد.

وی با بیان این که منتقدان و مخالفان شیعه می‌گویند شیعه ساخته و پرداخته ایرانیان در عهد صفویه است، تصریح کرد: مخالفان معتقدند که شیعه ساخته و پرداخته عبدالله بن سبأ یهودی است. جریان عبدالله بن سبأ ضربه خیلی سختی به شیعه وارد کرد؛ تهمت‌هایی که این‌ها زدند در طول تاریخ شیعه را آزرده است.

نصیری با اشاره به برخی از این تهمت‌ها به شیعه افزود: به عنوان مثال ابن‌تیمیه در منهاج السنة النبویة بسیار اصرار دارد که شیعه ریشه یهودی دارد، تا این اندازه به شیعه ستم شده است و میان تشیع و اهل بیت(ع) جدایی می‌اندازند، حتی مسئله جنگ‌های صلیبی را مطرح می‌کند که اگر تاریخ را ببینید گفته‌اند که شیعه به یهودی‌ها کمک کرده است. نویسنده کتاب «آشنایی با علوم حدیث» ادامه داد: شخصیتی مانند علامه عسکری زحمت بسیاری کشید تا اثبات کند عبدالله بن سبأ که مطرح شده بنیان‌گذار تشیع است، شخصیت موهوم تاریخی است، علامه اثبات کرد که عبدالله بن سبأ هیچ اساس و ریشه تاریخی ندارد. این شخصیت را سیف بن

عمر ساخته و در واقع این تهمت بزرگ را علامه عسکری از اساس خشکانده است.

این محقق علوم اسلامی در ادامه سخنانش با اشاره به کار محققانه علامه عسکری در کتاب «صد و پنجاه صحابی ساختگی»، گفت: حرکت دوم علامه عسکری در آثارش حمله و تهاجم به جبهه وهابیت و متعصبان از اهل سنت بوده است؛ یعنی نشان داد که ضعف‌های آن‌ها چیست و به آن‌ها اثبات کرد که در تاریخ و تفسیر صادقانه با حقایق برخورد نکردند، حتی چهره‌هایی را به نام صحابی پیامبر (ص) ساختند و به دروغ حرف‌هایی را از آن‌ها نقل کردند.

مؤلف کتاب «مکتب تفسیری صدرالمتألهین» تأکید کرد: علامه عسکری ثابت کرد که اهل سنت متعصبانه جانب خلفا را گرفتند و حق اهل بیت (ع) را ضایع کردند، این مطلب در کتاب «احادیث أم المؤمنین عایشه» و «صد و پنجاه صحابی ساختگی» و غیره نشان داده شده است.

نصیری گفت: رویکرد دیگری که در آثار وی مشهود است که علامه در اواخر عمر خودش پایه‌گذاری کرد، این بود که وی خواست یک منظومه فکری را از منابع کتاب و سنت به دست دهد. وقتی علامه عسکری کتاب «عقائد القرآن» را نوشت، خواست بگوید که ما می‌توانیم با مراجعه به خود قرآن و روایات اهل بیت (ع) بنیاد تفکر عقلانی را هم شکل دهیم که این یک بحث بسیار بنیادی است که چقدر می‌تواند عملی شود یا نه؟ اما به هر حال وی خواست که این بحث را مطرح کند که ای بسا ما نیاز به فلسفه‌های وارداتی یونانی و غربی و شرقی نداشته باشیم و کتاب و سنت می‌تواند به ما رهنمود لازم را بدهد.

مؤلف کتاب «رابطه قرآن و سنت» در ادامه سخنانش اظهار کرد: سه رویکرد اساسی در آثار علامه عسکری عبارت بود از: دفاع از هویت تشیع، آشکار ساختن خیانت و ضعف و بی‌مهری مکتب خلفا و متفکرانشان در برخورد با حقایق و حقوق اهل بیت (ع) و بنیان‌گذاری منظومه فکری که برگرفته از کتاب و سنت است.

نصیری با بیان این‌که تشکیل و راه‌اندازی دانشکده اصول‌الدین هم که از بغداد شروع شد و در ایران ادامه یافت، انصافاً خدمت بزرگ و بارزش علامه عسکری است، اذعان کرد: به برکت این کار علامه عسکری فضایی در این مرکز مشغول به تحصیل هستند. سالیانی است که به مناسبت‌های مختلف در آن‌جا حضور می‌یابم و با اساتید و دانشجویان آن‌ها برخورد دارم. وقتی که وارد دانشکده اصول‌الدین می‌شوم از او به نیکی یاد می‌کنم، چون علامه در راه‌اندازی این کار چندان حمایت نشد و خیلی با زحمت دانشگاه را ساخت و اداره کرد و از این جهت کار وی بسیار قابل تقدیر است.

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران در ادامه سخنانش اظهار کرد: وقتی که در مراسم وفات علامه عسکری شرکت کردم که در زیرزمین مسجد امام (ره) برگزار شده بود، خیلی متأسف و متأثر شده بودم و از اینکه متأسفانه گاهی اوقات حوزه‌های ما نسبت به میراث و سرمایه فکری خودشان با کمال بی‌مهری برخورد می‌کند، ناراحت شدم.

وی با اشاره به این‌که از این‌گونه برخوردها قبلاً هم وجود داشت، مثل برخوردی که در مشهد با علامه سیدمحمد حسن تهرانی شد و بسیار مایه تأثر من شد، گفت: چرا باید این‌گونه باشد که یک اندیشه‌ور که عمری در خدمت اهل بیت (ع) و قرآن بوده است، وقتی اظهارنظری در مورد بخش‌هایی از زیارت عاشورا کرد، ما چنان این مسئله را بزرگ کنیم که همه زحمات این شخصیت را از یاد ببریم.

نویسنده کتاب «آشنایی با علوم حدیث» گفت: به عنوان طلبه‌ای که چند سال از عمرم را در حوزه گذاشتم، این بی‌مهری را که به مرحوم آیت‌الله شیخ علی پناه اشتهاردی، علامه عسکری یا علامه تهرانی در مشهد شد، مخالف رویه قرآن و سنت اهل بیت (ع) می‌دانم. هر کسی که عامل این بی‌مهری است، باید در روز قیامت پاسخ‌گوی خداوند باشد.

مدیر مؤسسه معارف وحی و خرد تصریح کرد: نباید کاری کنیم که شخصیتی که در جهان اسلام از او به عنوان مدافع اهل بیت (ع) یاد می‌شود، وقتی می‌خواهیم برای او مراسم ختم برگزار کنیم، این مراسم در مسجد اعظم برگزار نشود، البته دلایل و بهانه‌هایی بیان شد اما به نظر به علامه عسکری کم‌لطفی شد و جا داشت که حوزه علمیه و بزرگان حوزه به نحو شایسته‌تری از خدمات این مرد تجلیل و تقدیر می‌کردند.

وی گفت: کاری نکنیم که کسانی که عمری را در خدمت اسلام و مکتب اهل بیت (ع) هستند، اگر احياناً نظر محققانه‌ای داشتند که با یک نظریه مشهور ناسازگاری داشته باشد، به این امر منتج شود که خدمات این شخص را از یاد ببریم، این کم‌لطفی را ما در مورد آیت‌الله معرفت هم تا حدودی شاهد بودیم که به همت شاگردان وی این کم‌لطفی محقق نشد، اما به هر حال نشانه‌هایی از او پیدا شده بود.

مؤلف کتاب «مکتب تفسیری صدرالمتألهین» تأکید کرد: نظرم این است که این امر لازم است که علامه عسکری به عنوان یکی از بزرگ‌ترین، برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین پرچم‌داران دفاع از حریم اهل بیت (ع) پیوسته در حوزه‌های علمیه ما مورد تجلیل و تقدیر قرار گیرد و از وی به نیکی یاد شود.

نصیری در پایان سخنانش در مورد نظر علامه عسکری در اصلاح نظام آموزشی حوزه تصریح کرد: علامه عسکری در مورد اصلاح نظام آموزشی حوزه معتقد بود که ما باید در عین این‌که تحفظ بر بنیادهای اصلی حوزه و فقه اجتهادی و جواهری داشته باشیم، خود را با نیازها و مقتضیات دنیای معاصر هماهنگ کنیم.

وی افزود: وقتی طلبه‌ای وارد حوزه می‌شود بداند که باید چند سال در حوزه بماند، مدرکی در نظر گرفته شود، اما نه این‌گونه که اگر اکنون مدرک تحصیلی دارد وضعیت کیفی تحصیلی او از بین رود.

عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران تأکید کرد: به نظرم، علامه عسکری با رویکرد اجتهادی که در مسائل دینی داشت، نظرش این نبود که حوزه‌ها به سمت دانشگاه حرکت کنند. نظرش این بوده که حوزه‌ها در عین این‌که وجه اجتهادی خود را حفظ کنند، بیایند از این ساختار و شکلی که در دانشگاه هست (مانند تعیین زمان تحصیل، نگارش مقالات و پایان‌نامه و ...) بهره‌گیری کنند و با توجه به مدرک خود در جامعه مفید واقع شوند.



# خارج نشدن از مسیر اهل بیت (ع) با وجود نگاه تقریبی



علامه عسکری در یک بیانی می گوید که خودم را وقف اهل بیت (ع) کرده‌ام و از حیث فقهی هم اگر چیزی در امر خاصی وقف شده باشد، استفاده آن در غیر مورد وقف، جایز نیست. آنچه ما از ایشان دیدیم این بود که همیشه دغدغه احیای مکتب اهل بیت (ع) را داشت و این یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود.

حسین‌زاده تأکید کرد: با این که افراد بسیاری ممکن است دغدغه تقریب مذاهب اسلام را داشته باشند، ولی گاهی دچار افراط و تفریط در این مسئله می‌شوند، اما علامه عسکری هیچ‌گاه دچار این آسیب نشد و در عین حال که دیدگاه‌های تقریبی داشت، همیشه بر قرآن و اهل بیت (ع) در کنار هم تأکید می‌کرد.

مدیر مؤسسه علامه عسکری اضافه کرد: وقتی به آثار علامه نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که به‌شکل مؤدبانه‌ای به مباحث تقریبی ورود پیدا کرده، اما از مکتب اهل بیت (ع) فاصله نگرفته است. لذا باید این سیره علامه به‌عنوان یک الگو در میان کسانی که به دنبال تقریب مذاهب اسلام هستند، مطرح باشد.

افراد بسیاری ممکن است دغدغه تقریب مذاهب اسلامی را داشته باشند، ولی گاهی دچار افراط و تفریط می‌شوند؛ علامه عسکری هیچ‌گاه دچار این آسیب نشد و در عین حال که دیدگاه‌های تقریبی داشت، همیشه بر قرآن و اهل بیت (ع) در کنار هم تأکید می‌کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی حسین‌زاده، مدیر مؤسسه علامه عسکری، با اشاره به روحیه نیازسنجی علامه عسکری در آثارش اظهار کرد: ایشان هرگاه احساس می‌کردند که شبهه‌هایی در جامعه وجود دارد که لازم است برای رفع آن شبهات فعالیت کنند، در مقام پاسخ‌گویی به آن برمی‌آمدند و دست به قلم می‌بردند. وی افزود: گاهی برخی افراد علاقه دارند که صرفاً در موضوعاتی که علاقه شخصی‌شان است، کتاب بنویسند، اما علامه عسکری برخلاف همه این روش‌ها و منش‌ها برای پاسخ‌گویی به شبهات به امر پژوهش می‌پرداختند؛ لذا برای پاسخ‌گویی به شبهاتی که از ناحیه دشمنان اسلام و اهل بیت (ع)، چه از داخل کشور و چه خارج از کشور، در جامعه مطرح می‌شد، دست به تألیف می‌زد.

حسین‌زاده ادامه داد: علامه نقل می‌کند که در جوانی علاقه‌مند بود که تاریخ اسلام را بشناسد و نسبت به تاریخ صدر اسلام شناخت بیشتری پیدا کند؛ لذا درباره تاریخ اسلام دست به تألیف زد و آثار ماندگاری از خود به یادگار گذاشت. ایشان همچنین درباره روایات کارهای تحقیقی بسیاری انجام داده و کتاب‌هایی همچون: «صد و پنجاه صحابی ساختگی» و «نقش عایشه در تاریخ اسلام» تدوین کرد و به خوانندگان آن‌ها شاخص و معیار شناخت حقیقت را داد.

وی با بیان این که بنده در مجامع و محافل علمی با علامه عسکری ارتباط داشتم، عنوان کرد:



## رجوع توأمان به قرآن و سنت رسول (ص)

■ علامه عسکری معتقد بود که با تمسک توأمان به قرآن و سنت نبوی (ص) می‌توان زمینه تقرب بین تشیع و تسنن را فراهم کرد.

اندیشه و اکتشاف و تعقل یا ویژگی‌های خاصی مانند خنده، گریه، شادی و غم برخوردار هستند که بعضی اندیشمندان چنین ویژگی‌های انسانی را بالغ بر ۹۰۰ مورد شمرده‌اند. این مدرس حوزه علمیه با بیان این‌که این قسم از وحدت را همه انسان‌ها دارند، عنوان کرد: البته بحث‌هایی فلاسفه دارند که برخی معتقدند تشکیک در ماهیت نداریم و برخی دیگر معتقدند که تشکیک در ماهیت داریم و اگر تشکیک در ماهیت را بپذیریم، اختلافی پیش خواهد آمد که وارد این بحث فلسفی نمی‌شوم؛ بنابراین همه موجودات وحدت ماهوی دارند. وی در ادامه اظهار کرد: درجه دوم وحدت طبیعی، در چند بخش مورد بحث قرار می‌گیرد؛ وحدت نژادی، وحدت محیط طبیعی که انسان‌ها در آن زندگی می‌کنند و وحدت از حیث سرگذشت تاریخی. هنگامی که بحث از وحدت می‌کنیم، قطعاً این نوع از وحدت تا حدی می‌تواند عامل نزدیکی انسان‌ها به یکدیگر باشد؛ به‌ویژه مسئله وحدت نژادی یا وحدت محیط زندگی و محیط اجتماعی.

یعقوبیان تأکید کرد: اما یک بخش از وحدت به‌معنای وحدت عقیدتی و دینی است که تقریباً باید گفت که یک عامل مهم برای وحدت و اتحاد انسان‌هاست. نکته دیگری که باید عرض کنم این است که وقتی به قرآن کریم مراجعه می‌کنیم، مشاهده می‌کنیم که این کتاب الهی نه تنها بحث وحدت فرقه‌های اسلامی را مطرح می‌کند، بلکه ندای وحدت و اتحاد با اهل کتاب را نیز سر داده است.

این محقق و پژوهشگر تصریح کرد: قرآن کریم به منظور این‌که انسان‌ها هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و اتحادی داشته باشند که منجر به سعادت همه افراد یک جامعه شود، راه‌کارهایی را پیشنهاد فرموده است. در ادامه به برخی از راهکارهایی که قرآن کریم برای رسیدن به اتحاد و در نتیجه، رسیدن به یک زندگی مسالمت‌آمیز و سعادت‌مندانانه پیشنهاد داده است، اشاره می‌کنم.

یعقوبیان تصریح کرد: اولین مسئله، پذیرفتن اصل آزادی عقیده و فکر است. این مسئله در آیات متعددی از جمله آیه شریفه ۲۵۶ سوره مبارکه بقره مورد اشاره قرار گرفته است، آنجا که می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»؛ در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است. آزادی عقیده و فکر، اصلی است که اگر به آن توجه شود، زمینه‌ای برای وحدت و تقرب بین حتی افراد ادیان مختلف را فراهم می‌کند.

وی با اشاره به دومین اصل و راه‌کار قرآن کریم برای تقرب گفت: اصل دوم، توجه به اصول

حجت‌الاسلام و المسلمین ابراهیم یعقوبیان، محقق و پژوهشگر درباره جایگاه علامه عسکری در تقرب بین مذاهب اسلامی اظهار کرد: مسئله‌ای که در این مورد مطرح است، این‌که چگونه می‌توان زمینه تقرب میان فرق اسلامی را فراهم کرد؟ ابتدا لازم است در زمینه وحدت توضیحی بیان شود.

وی افزود: البته این توضیح صرفاً درباره وحدت در میان فرق اسلامی نیست، بلکه این وحدت را می‌توان توسعه داد. هنگامی که از وحدت بحث می‌شود، بدیهی است که مراد، وحدت عددی نیست. یک وحدت دیگر هم داریم که از آن به وحدت طبیعی تعبیر می‌شود. وحدت طبیعی را در دو درجه و دو مرتبه لحاظ می‌کنند.

یعقوبیان در توضیح درجه نخست وحدت طبیعی گفت: یکی وحدت در ماهیات و مختصات طبیعی است، همه انسان‌ها ماهیت واحد دارند؛ لذا در تعریف همه انسان‌ها می‌گوییم: الانسان حیوان ناطق؛ یعنی همه انسان‌ها از فکر و نطق و قدرت

مشترک است، قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ؛ بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد». این آیه شریفه، ندای وحدت و اتحاد در برابر اهل کتاب است. این مدرس حوزه علمیه اضافه کرد: سومین اصلی که قرآن کریم به آن دعوت فرموده است، نفی نژادپرستی است. در آیه شریفه ۱۳ از سوره مبارکه حجرات آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست».

وی با اشاره به ضرورت گفت‌وگوهای مسالمت‌آمیز در جامعه‌ای که پیروان ادیان مختلف در آن زندگی می‌کنند تصریح کرد: به تعبیر قرآن کریم، مجادله احسن یکی دیگر از راهکارهای قرآن کریم برای رسیدن به اتحاد و وحدت است که در آیه کریمه ۴۶ از سوره مبارکه عنکبوت به آن اشاره شده است: «وَلَا تَجَادَلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ و با اهل کتاب جز به شیوه‌ای که بهتر است مجادله نکنید». یعقوبیان با اشاره به یکی دیگر از راهکارهای قرآن کریم برای رسیدن به تقریب، عنوان کرد: همچنین استقبال از پیشنهاد صلح در آیه ۹۰ سوره نساء مورد تأکید قرار گرفته است: «فَإِنِ اعْتَرَفْتُمُوهُمْ فَلَمْ يَغْتَابُواكُمْ وَأَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا؛ پس اگر از شما کناره‌گیری کردند و با شما نجنبیدند و با شما طرح صلح افکندند [دیگر] خدا برای شما راهی [برای تجاوز] بر آنان قرار نداده است». قرآن کریم، حقوق اقلیت‌های مذهبی را به رسمیت شناخته است، در آیه ۸ سوره مبارکه ممتحنه می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُواكُم فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُواكُم مِّنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ؛ [اما] خدا شما را از کسانی که در [آکار] دین با شما نجنبیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید».

وی تأکید کرد: قرآن کریم در این آیه تأکید می‌فرماید که آن کسانی که با شما سر دشمنی ندارند و برای دین شما ضرری ایجاد نمی‌کنند و مشکل‌ساز نیستند، شما نیز اهل برّ و نیکویی و قسط و عدالت با آن‌ها باشید. همچنین به رسمیت‌شناختن کتاب انبیای سلف در آیات ۴۶ تا ۴۸ سوره مبارکه مائده، دعوت به صلح جهانی و بین‌المللی در آیه ۶۱ سوره مبارکه انفال از دیگر اصولی است که قرآن کریم برای رسیدن

به تقریب بین ادیان و پیروان آن‌ها مطرح فرموده است.

وی با اشاره به نامه امیرالمؤمنین علی(ع) به مالک اشتر اظهار کرد: حضرت(ع) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه می‌فرمایند: و أشعر قلبك الرحمة للرعية و المحبة لهم و اللطف بهم فانهم صنفان إما اخ لك في الدين و إما نذير لك في الخلق؛ قلبت سرشار از رحمت نسبت به رعیت و مردم جامعه‌ات باشد؛ چه مسلمان و چه غیرمسلمان. به همه این‌ها عشق بورز و عاشق همه‌شان باش، در حق همه این‌ها لطف و مدارا کن. چون این‌ها یا برادران دینی تو هستند یا این‌که از حیث خلقت، همه شما انسان هستید.

این پژوهشگر با بیان این‌که در شریعت مقدس اسلام و در مکتب اهل بیت(ع) دعوت به مدارا، صلح، محبت و عشق به دیگران، ولو این‌که مسلمان هم نباشند، مورد تأکید قرار گرفته، عنوان کرد: اگر این اصول را رعایت کنیم، زمینه برای تقریب بین مذاهب اسلامی و بالاتر از آن بین ادیان الهی فراهم خواهد شد. با این مقدمه که قرآن کریم و معارف اهل بیت(ع) دستور به تقریب بین مذاهب و ادیان می‌دهند، باید بگوییم علامه عسکری در آثاری که تألیف کرد، می‌بینیم که عمده‌ترین دغدغه ایشان این است که شبّهات و تحلیل‌ها و گزارشات غلطی که درباره تشیع در سرزمین‌های اهل سنت بیان و تبلیغ می‌شد، رفع و زمینه وحدت بین فرقه‌های اسلامی فراهم شود.

یعقوبیان با اشاره به یکی از آثار علامه عسکری با عنوان «ولایت در قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم(ص)» اظهار کرد: این کتاب در ردّ ادعاهای شخصی به نام شیخ ابوسلمان عبدالمنعم بلوچ است که کتابی نوشته و مسائلی را مطرح کرده است. یکی از شبّهاتی که بیان کرده این است که از علمای شیعه پرسید که چرا نام امام علی(ع) در قرآن کریم نیامده است؟

وی افزود: یکی دیگر از شبّهاتی که او طرح کرده این است که اگر پیامبر اکرم(ص) دوازده جانشین دارد، پس چرا دوازدهمین آن‌ها بیش از هزار سال است که غایب است؟ او می‌گوید: چگونه خداوند بیش از هزار سال است که مردم را به حال خودشان رها کرده، ولی شما نمی‌پذیرید که پیامبر(ص) مردم را به حال خودشان

رها کرده باشد تا خودشان برای او جانشین تعیین کنند؟

یعقوبیان ادامه داد: آن شخص معتقد است که اگر امامت از اصول دین باشد و ائمه(ع) مصدر قانون‌گذاری در اسلام باشند، مشکلاتی در دین پدید می‌آید و از این سخنانش معلوم می‌شود که اساساً مسئله امامت را نفهمیده است. علامه عسکری در کتاب «ولایت در قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم(ص)» به تمام این شبّهات به‌طور تفصیلی پاسخ داده است.

این مدرس حوزه علمیه با بیان این‌که علامه عسکری در آن کتاب ابتدا مقدمه مهمی را متذکر می‌شود، گفت: علامه در آن مقدمه به اهل سنت یادآوری می‌کند که قرآن و سنت، مکمل یکدیگر هستند و در واقع علامه این مطلب را به‌نوعی در پاسخ آن شبّه که چرا اسم امام علی(ع) در قرآن نیامده، عنوان می‌کند.

وی در ادامه اظهار کرد: علامه عسکری در آنجا با آوردن آیات و روایات نبوی، امامت امیرالمؤمنین علی(ع) را اثبات می‌کند و سخنانی از رسول اکرم(ص) می‌آورد که آن حضرت پیش‌بینی فرموده‌اند که بعد از من کسانی می‌آیند که تنها به قرآن اکتفا کرده و به حدیث پیامبر(ص) اعتنا نمی‌کنند و این افراد، گروه منحرفی هستند که قرآن را از سنت من جدا می‌کنند.

یعقوبیان با اشاره به یکی از عبارات علامه عسکری در کتاب «ولایت در قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم(ص)» عنوان کرد: ایشان می‌فرمایند: بر ما لازم است که برای پیروی از دستورهای الهی به قرآن و سنت رسول خدا(ص) با هم مراجعه کنیم و کسی که یکی از این دو را واگذارد، در واقع می‌خواهد قوانین اسلام را مطابق خواسته دل خود تفسیر کند.

این محقق و پژوهشگر تصریح کرد: اگر همه ما بپذیریم که به دو منبع اصیل اسلامی، یعنی قرآن و سنت نبوی، به‌طور توأمان مراجعه کنیم، یکی را اخذ و دیگری را رها نکنیم، آن موقع است که می‌بینید مراجعه به قرآن و سنت پیامبر اکرم(ص) ما را به سمت اتحاد، وحدت و زندگی مسالمت‌آمیز هدایت می‌کند و زمینه تقریب بین مذاهب اسلامی را فراهم می‌کند.



# روش‌نگری‌های مستدل و به‌دور از تعصب

■ علامه عسکری در کتاب‌هایش یک سلسله مسائل نادرست را که در عقاید پیروان مکتب خلافت هست، تبیین و افشا کرده است؛ وی این کار را با بهره‌گیری از منابع خود اهل سنت، به‌صورت مستدل و به‌دور از تعصب انجام داده است.

۷۵

را از قرآن و سنت استخراج کرده و اصول اعتقادات را از دیدگاه قرآن کریم و همچنین سنت مطرح کرده است. عمده کارهای علمی علامه عسکری، کارهای اعتقادی و کلامی است. کتاب «نقش ائمه(ع) در احیای دین» یکی از آنهاست که البته این کتاب یک‌سلسله سخنرانی‌ها بوده که اکنون به صورت کتاب درآمده است.

تجری با اشاره به کتاب «نقش ائمه(ع) در احیای دین» علامه عسکری، اظهار کرد: این اثر راجع به تبیین مسائل مربوط به امامت و خلافت است، می‌توان گفت که در واقع بخش قابل توجهی از کارهای علامه عسکری تبیین معقول، منطقی و مستدل انحرافات بوده است. عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه قم اضافه کرد: علامه عسکری در کتاب‌هایش یک سلسله

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی تجری، عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه قم اظهار کرد: علامه عسکری یکی از بزرگ‌ترین عالمان مدافع از حریم امامت و ولایت بود. ایشان از معدود علمایی بوده که با زحمت فراوان علمی و با تلاش و پشتکار تحسین‌برانگیز و اعجاب‌آور توانست به پژوهش و تحقیق در منابع تاریخی و روایی بپردازد.

وی افزود: ایشان دست به یک سلسله تحقیقات علمی زد و با این کار توانست از مبانی تشیع به صورت منطقی و استدلالی دفاع کند و توانست از حقانیت تشیع دفاع منطقی و علمی کند و بسیاری از اتهامات را برطرف و بسیاری از حقایق نهفته را با تحقیقات علمی‌اش برملا کند.

عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه قم ادامه داد: علامه عسکری واقعا یکی از معدود عالمان بزرگی است که توانست با خدمات علمی‌اش و کتاب‌هایی که نوشت، خدمت بزرگی را به اسلام و به تشیع و به تقریب مذاهب اسلامی و وحدت اسلامی انجام دهد.

وی با بیان اینکه بخش مهم آثار علامه عسکری، تألیفات کلامی و اعتقادی است، عنوان کرد: یکی از کتاب‌های مهم ایشان «عبدالله بن سبا» است که به زبان عربی نوشته شده و به فارسی هم ترجمه شده است. این کتاب در ردّ اتهام واهی است که از طرف برخی‌ها به تشیع وارد می‌شد.

عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه قم تأکید کرد: علامه عسکری با نوشتن کتاب «عبدالله بن سبا» اتهامات وارده به شیعه را دفع کرده و به دفاع از تشیع پرداخت؛ یعنی در واقع کتاب «عبدالله بن سبا» از جهتی یک کتاب کلامی است. وی تصریح کرد: برخی دیگر از کتاب‌هایی که علامه عسکری نوشته‌اند، عقاید اسلامی

بعضی‌ها مطرح کرده‌اند، راجع به اینکه قرآن کریم، احیاناً دچار تحریف شده است، علامه عسکری در کتاب «القرآن الکریم و روایات المدرستین» این روایات را یک به یک بررسی می‌کند و همه آنها را با بیان علمی رد می‌کند.

این محقق و پژوهشگر عنوان کرد: علامه عسکری بیش از ۵۰ سال پیش - نه الآن - معتقد بود که سیستم کنونی حوزه‌های علمیه باید تحول و تغییری در آن به وجود بیاید و ایشان برای تحقق این هدف و این کار، دانشکده اصول‌الدین را ابتدا در بغداد تأسیس کرد.

وی با بیان این‌که علامه عسکری می‌خواست یک سیستم جدید آموزشی را بنیان‌گذاری کند، گفت: هدف علامه از این کار این بود که طلاب بتوانند بهتر و بیشتر به اسلام، اهل بیت(ع) و مکتب اهل بیت(ع) خدمت کنند. در همین زمینه، علامه عسکری علاوه بر تأسیس دانشکده اصول‌الدین دست به سامان‌دهی یک سلسله از کتب درسی حوزوی هم زد. عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه قم تصریح کرد: علامه عسکری در همان سال‌ها در برخی از کتاب‌های حوزوی تغییر و تحولی به وجود آورد که این هم در همین زمینه ایجاد تحول در نظام آموزشی حوزه علمیه بوده است.



## علامه عسکری در کتاب «یکصد و پنجاه صحابه دروغین»، اثبات می‌کند که در بین منابع روایی و تاریخی اهل سنت، افراد زیادی به عنوان صحابی پیامبر اکرم(ص) قلمداد شده‌اند که اصلاً وجود خارجی ندارند.



به این است که اساساً در بین اهل سنت، یک سلسله از اصحاب و راویان به عنوان صحابی پیامبر(ص) معرفی شده‌اند که ساختگی هستند.

عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه قم ادامه داد: علامه عسکری در این کتاب، اثبات می‌کند که در بین منابع روایی و تاریخی اهل سنت، افراد زیادی به عنوان صحابی پیامبر اکرم(ص) قلمداد شده‌اند که اصلاً وجود خارجی ندارند.

تجری با بیان اینکه بخش مهمی از کارهای علامه عسکری، تبیین مسائلی است که خدمت بزرگی به روشن شدن حقایق تاریخی کرده است، تصریح کرد: بخشی از کارهای علمی علامه عسکری نیز به دفاع از قرآن کریم و جایگاه آن اختصاص دارد.

این پژوهشگر با بیان اینکه علامه عسکری در تحقیق‌های خود به تبیین حقایق قرآنی پرداخته است، گفت: یکی از آثار ایشان «القرآن الکریم و روایات المدرستین» است که علامه در این کتاب به دفاع از ساحت قرآن کریم پرداخته است. علامه عسکری در این کتاب همچنین روایات موجود در منابع شیعه و اهل سنت را در مورد قرآن کریم بررسی کرده و بیان می‌کند که قرآن کریم کتابی مصون از تحریف است.

عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه قم تأکید کرد: روایاتی را نیز که

مسائل نادرستی را که در عقاید پیروان مکتب خلافت هست، تبیین و افشا کرده است، وی این کار را با بهره‌گیری از منابع خود اهل سنت انجام داده است.

تجری تأکید کرد: علامه عسکری به تبیین ضعف برخی مبانی اعتقادی اهل سنت و ناصحیح‌بودن برخی از دیدگاه‌های آن‌ها با استفاده از کتب خود اهل سنت پرداخت. وی سست و برخلاف واقع بودن و برخلاف بنیان‌های علمی بودن برخی از دیدگاه‌های اهل سنت را در کتاب‌هایش تبیین کرده است.

وی با بیان این‌که علامه عسکری به افشاگری و روشن‌نگری درباره مباحث اعتقادی اهل سنت پرداخت، گفت: ایشان بدون این‌که بخواهد تعصب به خرج دهد، با یک کار علمی صحیح و با یک بررسی سخت‌کوشانه در منابع تاریخی و روایی بسیاری از دیدگاه‌های ضعیف و ناصحیح مکتب خلفا را تبیین کرد.

تجری با بیان این‌که علامه عسکری انصافاً به‌خوبی از عهده این کار برآمده است، گفت: به این جهت که تبیین ایشان، تبیین عقلانی، دینی، منصفانه و منطقی و مستدل است، تأثیر زیادی هم در مجامع علمی اهل سنت گذاشته است و در بین علمای اهل سنت، کتاب‌های ایشان که بخشی از آن، رد دیدگاه‌های آنهاست، بسیار تأثیرگذار بوده و اثربخش بوده است.

وی با اشاره به کتاب «یکصد و پنجاه صحابه دروغین» علامه عسکری، عنوان کرد: این نام، عنوان کتابی است که ترجمه شده و علامه عسکری دو جلد کتاب به زبان عربی نوشته است. این اثر راجع



# فراسوی باورهای مردم عصر خود

■ علامه عسکری به منظور تقریب بین مذاهب اسلامی به شفاف‌سازی دیدگاه‌ها پرداخت؛ غایت ویژه وی تعمیق شیوه‌های مناظره در دفاع از مکتب اهل بیت (ع) بود و در این راه به ترسیم الگوی صحیح تعامل و گفت‌وگو اسلامی پرداخت.

▲ احمدعلی افتخاری، مدرس دانشکده اصول‌الدین قم درباره علامه عسکری گفت: در آغاز سخن، عذر تقصیر به پیشگاه علامه عسکری آورده و عرضه می‌داریم «ما عرفناک حق معرفتک» این نه رویی است که من وصف جمالش دانم/ این سخن از دگری پرس که من حیرانم. سخن گفتن از انسان‌های بزرگ بسی دشوار است، علامه عسکری نیز با دریافت کامل از شرایط حاکم و مقتضیات زمان و مکان و نیاز به دین و شریعت و جامعه در جهان امروز، از فراسوی باورهای مردمان عصر خود آمد و از افق‌های برتر و فراتر سخن گفت و رسالت خود را در بیدارگری و احیای ارزش‌های دینی و حراست از

پویای تشیع و ساحت قرآن و عترت (ع) قرار داد. افتخاری در ادامه سخنانش در بیان سیر زندگی علامه عسکری اظهار کرد: نیاکان پاک علامه عسکری در عصر صفوی از سبزواری به شهرستان ساوه آمدند و چند نسل به عنوان شیخ‌الاسلام در این شهر نقش تبلیغ را عهده‌دار بودند. جدشان سیداسماعیل بن سیدمحمد کوچک حسینی ساوجی از علمای برجسته در منطقه ساوه و داماد سیدمیرزا احمد بن محتشم ساوجی مشهور به شیخ‌المجتهدین بوده است.

مدرس دانشکده اصول دین اظهار کرد: پدرش سیدمحمد از علمای اهل سلوک بوده و سالیانی چند در نجف اشرف مقیم بود و ملازم عارف بزرگ سیدمرتضی کشمیری بود و ارادتی به محضر استاد، نام علامه را مرتضی نهاد و در زمان مرجعیت میرزای شیرازی راهی سامرا شدند و علامه در ۱۸ جمادی‌الثانی ۳۲ قمری (۱۲۹۳ ش) در سامرا متولد شد. علامه عسکری در کودکی که پدر را از دست داد و تحت سرپرستی پدر بزرگ دانشمندش رشد یافت و در ۱۰ سالگی به فراگیری علوم اسلامی پرداخت و مقدمات را همان جا گذراند. در آغاز جوانی و در سن ۱۸، ۱۹ سالگی به قم آمد و ابتدا در مدرسه رضویه و بعد در فیضیه سکنی گزید.

وی تأکید کرد: علامه عسکری با آیت‌الله حاج شیخ علی صافی گلپایگانی هم‌حجره و با سیداحمد ساجدی و شیخ علی‌اکبر زرنندی هم‌مباحثه بود و از محضر آیت‌الله مرعشی، حضرت امام خمینی (ره)، شریعت‌مدار ساوجی، ادیب طهرانی، صالحی کرمانی و ... استفاده کرد.

نویسنده کتاب «احیاگر؛ بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره)» در ادامه سخنانش با بیان این که از ویژگی‌های علامه عسکری پرداختن به مسائل غیر فقهی بود، تصریح کرد: وارد کردن مباحث تفسیری، احادیث غیر فقهی و بحث‌های عقاید و شیوه‌های درست آموزش و تبلیغ از ابتکارات ایشان و البته به همراه آیت‌الله طالقانی بود. عدم پذیرش این اندیشه نوگرا در حوزه و مورد سخره قرار دادن علامه عسکری از سوی طلاب و مخالفت آقامیرزا احمدی بروجردی همکار حوزه، وی قم را به مقصد سامرا ترک گفت و از محضر آیت‌الله حبیب‌الله اشتهاردی معروف به مدرس عسکری و مرحوم شوشتری مرعشی استفاده کرد.

نویسنده کتاب «الرسول (ص) یدعوکم» در ادامه سخنانش تأکید کرد: علامه عسکری ۱۰ سال در سامرا ماند و با زعامت آیت‌الله بروجردی مجدداً در سال ۱۳۸۰ قمری وارد قم شد و شرایط را مساعد دید، ولی جریان ملی شدن صنعت نفت و فضای پرتنش فرصت را از دست گرفت و باز به عراق برگشت. علامه به نمایندگی از سوی آیت‌الله حکیم فعالیت‌های خود را در بغداد شروع کرد و با سقوط سلطنت در عراق و کودتای عبدالسلام عارف در ۱۹۶۳ و نخست‌وزیری «حسن البکر» و سرانجام کودتای بعثی‌ها شرایط زندگی در عراق دشوار شد و علامه به بیروت رفت.

این محقق و نویسنده تصریح کرد: علامه عسکری در بیروت در کنار امام موسی صدر، شیخ

محمد مهدی شمس‌الدین، محمد حسین فضل‌الله ادامه فعالیت داد و بعد وارد تهران شد و مجمع علمی اسلامی را در سال ۱۳۹۸ قمری در تهران تأسیس کرد و حوزه علمیه ساوه را زعامت می‌کرد. در سال ۱۳۷۴ با تأسیس دانشکده اصول‌الدین موافقت شد و در مهرماه ۱۳۷۵ در مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشجو گرفت و در سال ۱۳۷۶ در تهران و در سال ۱۳۷۷ در دزفول شعبه‌ای تأسیس شد.

وی در ادامه سخنانش اظهار کرد: همچنین شعبه‌ای هم در ساوه تأسیس شد که امروزه صدها دانشجو در رشته‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در رشته‌های علوم قرآن و حدیث، فقه و حقوق اسلامی، ادبیات عرب مشغول تحصیل هستند. علامه عسکری وظیفه خطیر و پر مخاطره‌اش را در تحریف‌زدایی و بدعت‌ستیزی می‌دانست و همت خود را در پاسخ به شبهات و دروغ‌پردازی‌های معاندان و غلات و جاعلان از ایادی و اذنان مصلحت‌اندیشان تاریخ اسلام که حقیقت را در سقیفه ذبح عظیم کردند و مکتبی با اختلافات مبنایی با مکتب اهل بیت (ع) ایجاد کردند، گمارد.

این محقق و نویسنده اظهار کرد: در این صورت، تفاوت‌ها در حوزه باور، عمل و آرمان این مکتب با مفسران واقعی قرآن و استعماردهندگان سیره و سنت پایدار نبوی آشکار می‌شود تا وحدت اسلامی در صفوف مسلمانان خدشه‌دار نشود. بزرگ‌ترین اقدام و تلاش بی‌شائبه علامه عسکری در تبیین مقام علمی اهل بیت (ع) و نقش آفرین‌های پس از عصر حضور پیامبر اسلام (ص) و در بیان آموزه‌های قرآن و حفظ انقلاب اسلامی و تقریب مذاهب بوده است. مدرس دانشکده اصول‌الدین تصریح کرد: در این راستا، علامه عسکری به طرح و بیان اختلافات مبنایی میان مکتب اهل بیت (ع) با خلفا و هم‌گرایی و واگرایی تاریخی، بررسی روان‌شناختی تغییر مذهب و مقایسه تطبیقی میان گرایش‌های پیروان هر یک پرداخت و به اصل واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی در تلاش‌های وحدت‌گرایانه توجه کرد. علامه در بیان باورها و کارکردها بر فرایند تقریب مذاهب اسلامی به شفاف‌سازی دیدگاه‌ها پرداخت و با توجه به رویکردهای رایج در دهه‌های اخیر به عنوان راه ضروری ولی ناپیموده به روش‌شناسی علمی و عملی مبادرت ورزید و سرانجام به کارنامه عملی منجر به استبصار، هم‌دلی و انعطاف در روزگار کنونی دست می‌یابد.

نویسنده کتاب «زن از دیدگاه ملت‌ها، ادیان و بزرگان» تصریح کرد: غایت ویژه علامه عسکری به شیوه‌های مناظره و جایگاه آن در دفاع از مکتب اهل بیت (ع)، آسیب‌شناسی برخورد علمای شیعه با

رویکردها، مبانی و اجتماعیات و مسلمات مکتب خلفا ضمن ارائه روش صحیح تعامل و الگوی درست گفت‌وگو و جایگاه تسامح علمی و عملی در نقد مکاتب است. وی در ادامه سخنانش در بررسی نوآوری‌های علامه عسکری در حوزه‌های مختلف اظهار کرد: راهکار نوین ارائه شده از سوی علامه عسکری در اثبات عدم تحریف قرآن با وحی قرآنی و وحی بیانی و دیدگاه‌های نو در تدوین تاریخ قرآن کریم و اثبات نظریه تحریف‌ناپذیری قرآن از جمله نوآوری‌های علامه عسکری است. همچنین توجه به ضرورت اصلاح و بهینه‌سازی نظام آموزش حوزه و تلاش‌های آموزشی دین و علوم دینی در شرایط روز و عصر صنعت‌گرایی کنونی نیز از دیگر عقاید و اندیشه‌های علامه عسکری است.

نویسنده کتاب «احیاگر؛ بررسی سیره نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره)» اظهار کرد: روش‌های ابداعی علامه عسکری در واکاوی مفهوم شبهه و گونه‌شناسی شبهات و شایعات علمی و برخورد روشمند میان انگیزه و انگیزخته در بحث شبهات و اهتمام به بررسی تطور تاریخی اصطلاحات اسلامی در حوزه‌های مفاهیم کلامی، فقهی، تاریخ، اجتماعی و... نیز از جمله مهم‌ترین اقدامات و کارهای علامه عسکری بوده است.

افتخاری در بررسی نوآوری‌های علامه عسکری در حوزه کلام و عقاید گفت: نوآوری‌های علامه عسکری در حوزه کلام و عقاید به ویژگی‌های اعتقادی مکتب خلفا و نقد آثار این مکتب و علمای ایشان، مقایسه تطبیقی و بررسی مبانی مشترک کلامی میان مکتب خلفا و مکتب اهل بیت (ع) است و طرح تناقضات مکتب خلفا و اثبات یگانگی و پیوستگی نیست. روش ایشان بیان سیره پیشوایان معصوم و دفاع عالمانه و فاضلانه از مکتب تشیع و نقد بسیار منصفانه دیگر مکاتب و سرانجام بیان افتراقات بحث انگیزه مکتب خلفا و مکتب اهل بیت (ع) با فعالیت به شیوه‌ای علمی و عملی تبلیغ و پیام رسانی در عرصه‌های جهانی است.

نویسنده کتاب «زن از دیدگاه ملت‌ها، ادیان و بزرگان» تصریح کرد: در رشته علوم قرآن و حدیث هم می‌توان نوآوری‌های

زیادی از علامه عسکری برشمرد. ایشان در این زمینه به ویژگی‌های حدیثی از متون و جوامع حدیثی مکتب خلفا با توجه به تأثیر گزاره‌های آن‌ها بهره کافی برده تا حقانیت مکتب اهل بیت (ع) را به اثبات برساند. علامه عسکری ضمن پرداختن به ارزیابی صحت و سقم احادیث شیعه و طرح جایگاه محوری قرآن در تبیین مکتب اهل بیت (ع) به اصطلاح‌شناسی حدیث صحیح در هر مکتب و مباحث قطع و ظهور حجت، تواتر و اجتماع در تاریخ توجه دارد و در آثار نوشتاری و مناظرات و بیانات گهربار ایشان منعکس است.

وی در پایان سخنانش گفت: در مبحث تاریخ، علامه گزارشی جامع از پیدایش و سیر تاریخی مکتب خلفا ارائه می‌دهد و ضمن بیان ویژگی‌های فقهی و بررسی روشی آن مکتب در برخورد با اندیشه‌های مخالف و تأثیر باورهای کلامی و فرقه‌ای بر تاریخ‌نگاری ارائه می‌دهد.



# Booki.ir

شبکه کتابخوانان مرضه‌ای ایران

بای برای تبادل نظر پیرامون کتاب



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران